



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



حضرت مهدی  
آینہ پیمانہ مبارک

تہیاد حسن زماںی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# حضرت مهدی، آینه پیامبران

نویسنده:

حسن زمانی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود ( علیه السلام )

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۱	حضرت مهدی، آینه پیامبران
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۵	فهرست مطالب
۲۳	مقدمه
۲۵	بخش اول: کلیات
۲۵	اشاره
۲۶	فصل اول. حضرت مهدی فرستاده پروردگار
۲۶	اشاره
۲۸	چرا انتخاب پروردگار؟
۲۹	پیمانی از پروردگار
۳۳	فصل دوم. حضرت مهدی دارای اوصاف پیامبران
۳۳	اشاره
۳۳	الف) حضرت مهدی دارای اوصاف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم
۳۷	ب) اوصاف پیامبران در وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۳۷	اشاره
۴۲	دارای کمال حضرت موسی علیه السلام
۴۲	دارای شکوه حضرت عیسی علیه السلام
۴۴	دارای صبر حضرت ایوب علیه السلام
۴۶	فصل سوم. حضرت مهدی وارث پیامبران
۴۶	اشاره
۴۷	الف) وارث پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم
۵۶	ب) وارث پیامبران علیهم السلام

۶۲	بخش دوم: سیره پیامبران در وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۶۲	اشاره
۶۳	مقدمه
۶۴	فصل اول. خفای میلاد
۶۴	اشاره
۶۴	الف) خفای میلاد حضرت ابراهیم علیه السلام
۶۵	ب) خفای میلاد حضرت موسی علیه السلام
۶۷	ج) مخفی بودن میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۶۷	اشاره
۷۰	بشارت مخفیانه میلاد
۷۲	فصل دوم. غیبت و پنهان زیستی
۷۲	اشاره
۷۳	الف) پنهان زیستی و کناره گیری حضرت ابراهیم علیه السلام
۷۴	ب) پنهان زیستی حضرت یوسف علیه السلام
۷۶	ج) پنهان زیستی حضرت موسی علیه السلام
۷۷	د) غیبت حضرت عیسی علیه السلام
۷۸	ه) غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۸۱	فصل سوم. چرایی غیبت و پنهان زیستی
۸۱	اشاره
۸۱	الف) ترس و فرار حضرت موسی علیه السلام
۸۳	ب) مخفی شدن پیامبر گرامی اسلام در غار ثور
۸۷	ج) چرایی پنهان زیستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۸۹	فصل چهارم. سیاحت و ساکن نشدن در یک مکان
۸۹	اشاره
۸۹	الف) سیاحت حضرت عیسی علیه السلام
۹۰	ب) سیاحت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

- فصل پنجم. طول عمر ..... ۹۲
- اشاره ..... ۹۲
- الف) طول عمر حضرت آدم علیه السلام ..... ۹۳
- ب) طول عمر حضرت نوح علیه السلام ..... ۹۴
- ج) طول عمر حضرت خضر علیه السلام ..... ۹۶
- د) طول عمر حضرت عیسی علیه السلام ..... ۹۸
- ه) طول عمر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۱۰۱
- فصل ششم. هدایت و مدیریت پنهانی ..... ۱۰۳
- اشاره ..... ۱۰۳
- الف) هدایت پنهانی حضرت ابراهیم علیه السلام ..... ۱۰۳
- ب) هدایت پنهانی حضرت خضر علیه السلام ..... ۱۰۴
- ج) هدایت پنهان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۱۰۵
- اشاره ..... ۱۰۵
- امام غایب چون خورشید پشت ابر ..... ۱۰۵
- فصل هفتم. گشایش بعد از سختی ..... ۱۰۹
- اشاره ..... ۱۰۹
- الف) گشایش حضرت نوح علیه السلام ..... ۱۱۰
- ب) گشایش حضرت ایوب علیه السلام ..... ۱۱۱
- ج) گشایش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۱۱۲
- فصل هشتم. ناگهانی بودن گشایش و ظهور ..... ۱۱۴
- اشاره ..... ۱۱۴
- الف) ناگهانی بودن گشایش حضرت موسی علیه السلام ..... ۱۱۴
- ب) ناگهانی بودن ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ..... ۱۱۶
- فصل نهم. استفاده از قدرت اعجازی ..... ۱۱۹
- اشاره ..... ۱۱۹
- الف) قدرت های اعجازی پیامبر گرامی اسلام ..... ۱۱۹

- ۱۲۶ ----- (ب) قدرت های اعجازی حضرت موسی علیه السلام
- ۱۳۰ ----- (ج) قدرت های اعجازی حضرت سلیمان علیه السلام
- ۱۳۶ ----- (د) قدرت های اعجازی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۱۴۷ ----- فصل دهم. برقراری حکومت صالحان
- ۱۴۷ ----- اشاره
- ۱۴۷ ----- الف) حاکمیت صالحان در زمان حضرت نوح علیه السلام
- ۱۴۸ ----- (ب) حاکمیت صالحان در زمان حضرت موسی علیه السلام
- ۱۵۰ ----- (ج) حاکمیت صالحان در عصر حضرت داود و سلیمان علیهما السلام
- ۱۵۰ ----- (د) حاکمیت صالحان در صدر اسلام
- ۱۵۱ ----- (ه) حاکمیت صالحان در عصر دولت کریمه
- ۱۵۷ ----- فصل یازدهم. گسترش توحید و خدا پرستی در سطح گیتی
- ۱۵۷ ----- اشاره
- ۱۵۷ ----- الف) گسترش توحید توسط پیامبران خدا علیهم السلام
- ۱۵۸ ----- (ب) برپایی اسلام توسط پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله
- ۱۵۹ ----- (ج) برپایی دوباره اسلام توسط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۱۶۵ ----- فصل دوازدهم. برقراری عدالت در زمین
- ۱۶۵ ----- اشاره
- ۱۶۶ ----- الف) تلاش حضرت شعیب علیه السلام برای برقراری عدالت
- ۱۶۷ ----- (ب) عدالت محمّدی
- ۱۶۹ ----- (ج) عدالت نماد مهدویت
- ۱۷۱ ----- فصل سیزدهم. داوری و قضاوت بدون بینة
- ۱۷۱ ----- اشاره
- ۱۷۱ ----- الف) قضاوت و داوری پیامبر گرامی اسلام
- ۱۷۳ ----- (ب) قضاوت و داوری حضرت داوود و سلیمان علیهما السلام
- ۱۷۵ ----- (ج) قضاوت و داوری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۱۷۸ ----- فصل چهاردهم. گسترش امنیت و آرامش



- ۱۷۸ ..... اشاره
- ۱۷۹ ..... الف) امنیت حضرت نوح علیه السلام و پیروان
- ۱۸۰ ..... ب) امنیت حضرت هود علیه السلام و پیروان
- ۱۸۱ ..... ج) امنیت حضرت ابراهیم علیه السلام
- ۱۸۵ ..... د) امنیت در عصر ظهور
- ۱۸۸ ..... فصل پانزدهم. آبادانی زمین و افزایش برکت های الهی
- ۱۸۸ ..... اشاره
- ۱۹۰ ..... الف) برکت های آسمان و زمین در عصر پیامبران
- ۱۹۱ ..... ب) برکت های آسمان و زمین در عصر ظهور
- ۱۹۳ ..... فصل شانزدهم. رجعت و بازگشت مردگان
- ۱۹۳ ..... اشاره
- ۱۹۳ ..... الف) زنده شدن پیامبری بعد از صد سال
- ۱۹۴ ..... ب) رجعت زمان حضرت موسی علیه السلام
- ۱۹۹ ..... ج) زنده شدن مردگان توسط حضرت عیسی علیه السلام
- ۲۰۰ ..... د) رجعت هزاران نفر توسط حزقیل پیامبر
- ۲۰۲ ..... ه) رجعت در عصر ظهور
- ۲۰۶ ..... بخش سوم: ویژگی های مشترک پیروان
- ۲۰۶ ..... اشاره
- ۲۰۷ ..... فصل اول. سختی و آزار پیروان
- ۲۰۷ ..... اشاره
- ۲۰۸ ..... الف) سختی و آزار پیروان حضرت موسی علیه السلام
- ۲۱۰ ..... ب) سختی و آزار پیروان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۲۱۲ ..... فصل دوم. اختلاف مردم درباره او
- ۲۱۲ ..... اشاره
- ۲۱۳ ..... الف) اختلاف مردم درباره حضرت صالح علیه السلام
- ۲۱۵ ..... ب) اختلاف مردم درباره حضرت عیسی علیه السلام

۲۱۸	..... (ج) اختلاف های مردم درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۲۲۰	..... فصل سوم، غربال و جدایی مؤمنان
۲۲۰	..... اشاره
۲۲۲	..... الف) جدایی کامل پیروان حق در زمان حضرت نوح علیه السلام
۲۲۶	..... ب) غربال و جدایی پیروان حق در دوره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۲۳۰	..... فصل چهارم، نقش مردم و پیروان در گشایش
۲۳۰	..... اشاره
۲۳۰	..... الف) مردم زمان حضرت ادریس علیه السلام
۲۳۲	..... ب) قوم حضرت یونس علیه السلام
۲۳۳	..... ج) مردم و پیروان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۲۳۵	..... فصل پنجم، یاری حجت های پروردگار
۲۳۷	..... خاتمه
۲۳۸	..... کتابنامه
۲۴۵	..... درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: زمانی، سیدحسن، ۱۳۴۹ -

عنوان و نام پدیدآور: حضرت مهدی، آینه پیامبران / سیدحسن زمانی.

مشخصات نشر: قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۲۲۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۹۰-۳-۱۱۰۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۲۱] - ۲۲۴، همچنین به صورت زیر نویس.

موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

موضوع: پیامبران

موضوع: Prophets

موضوع: مهدویت

موضوع: Mahdism

رده بندی کنگره: ۴/۲۲۴/BP/زج ۶ ۱۳۹۶

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۶۱۱۳۵

ص: ۱

اشاره



حضرت مهدی، آینه پیامبران

سید حسن زمانی

ص: ۳

حضرت مهدی، آینه پیامبران

□ مؤلف: سید حسن زمانی

□ طراح جلد و صفحه آرا: مسعود سلیمانی

□ ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود □

□ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۹۰-۳

□ نوبت چاپ: اول / تابستان ۱۳۹۶

□ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

□ قیمت: ۱۱۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است.

□ قم: خیابان شهدا / کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهید علیان / پ: ۲۶ / تلفن / ۱-۳۷۸۴۱۱۳۰-۰۲۵ / نمابر: ۰۲۵-۳۷۷۴۴۲۷۳

□ تهران: خیابان انقلاب / خیابان قدس / خیابان ایتالیا / پ: ۹۸ / تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۹۸۶۰۰ / نمابر: ۰۲۱-۸۹۷۷۴۳۸۱

□ [www.mahdaviat.ir](http://www.mahdaviat.ir)

□ [info@mahdaviat.ir](mailto:info@mahdaviat.ir)

□ [Entesharatbonyad@chmail.ir](mailto:Entesharatbonyad@chmail.ir)

ص: ۴

مقدمه. ۹

بخش اول: کلیات

فصل اول. حضرت مهدی فرستاده پروردگار ۱۲

چرا انتخاب پروردگار؟. ۱۴

پیمانی از پروردگار ۱۵

فصل دوم. حضرت مهدی دارای اوصاف پیامبران. ۱۹

الف) حضرت مهدی دارای اوصاف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم.... ۱۹

ب) اوصاف پیامبران در وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۲۳

دارای کمال حضرت موسی علیه السلام..... ۲۸

دارای شکوه حضرت عیسی علیه السلام..... ۲۸

دارای صبر حضرت ایوب علیه السلام..... ۳۰

فصل سوم. حضرت مهدی وارث پیامبران. ۳۲

الف) وارث پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم.... ۳۳

ب) وارث پیامبران علیهم السلام..... ۴۱

بخش دوم: سیره پیامبران در وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

مقدمه. ۴۸

فصل اول. خفای میلاد ۴۹

الف) خفای میلاد حضرت ابراهیم علیه السلام.... ۴۹

ب) خفای میلاد حضرت موسی علیه السلام..... ۵۰

ج) مخفی بودن میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۵۲

بشارت مخفیانه میلاد. ۵۵

فصل دوّم. غیبت و پنهان زیستی. ۵۷

الف) نهران زیستی و کناره گیری حضرت ابراهیم علیه السلام..... ۵۸

ص: ۵



ب) پنهان زیستی حضرت یوسف علیه السلام..... ۵۹

ج) پنهان زیستی حضرت موسی علیه السلام..... ۶۱

د) غیبت حضرت عیسی علیه السلام..... ۶۲

ه) غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۶۳

فصل سوّم. چرایی غیبت و پنهان زیستی. ۶۶

الف) ترس و فرار حضرت موسی علیه السلام..... ۶۶

ب) مخفی شدن پیامبر گرامی اسلام در غار ثور ۶۸

ج) چرایی پنهان زیستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۷۲

فصل چهارم. سیاحت و ساکن نشدن در یک مکان. ۷۴

الف) سیاحت حضرت عیسی علیه السلام..... ۷۴

ب) سیاحت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۷۵

فصل پنجم. طول عمر ۷۷

الف) طول عمر حضرت آدم علیه السلام..... ۷۸

ب) طول عمر حضرت نوح علیه السلام..... ۷۹

ج) طول عمر حضرت خضر علیه السلام..... ۸۱

د) طول عمر حضرت عیسی علیه السلام..... ۸۳

ه) طول عمر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۸۶

فصل ششم. هدایت و مدیریت پنهانی. ۸۸

الف) هدایت پنهانی حضرت ابراهیم علیه السلام..... ۸۸

ب) هدایت پنهانی حضرت خضر علیه السلام..... ۸۹

ج) هدایت پنهان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۹۰

امام غایب چون خورشید پشت ابر. ۹۰

فصل هفتم. گشایش بعد از سختی. ۹۴

الف) گشایش حضرت نوح علیه السلام..... ۹۵

ب) گشایش حضرت ایوب علیه السلام..... ۹۶

ج) گشایش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۹۷

فصل هشتم. ناگهانی بودن گشایش و ظهور ۹۹

الف) ناگهانی بودن گشایش حضرت موسی علیه السلام..... ۹۹

ب) ناگهانی بودن ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۱۰۱

فصل نهم. استفاده از قدرت اعجازی.. ۱۰۳

الف) قدرت های اعجازی پیامبر گرامی اسلام. ۱۰۳

ص: ۶

ب) قدرت های اعجازی حضرت موسی علیه السلام..... ۱۱۰

ج) قدرت های اعجازی حضرت سلیمان علیه السلام..... ۱۱۴

د) قدرت های اعجازی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۱۱۹

فصل دهم. برقراری حکومت صالحان. ۱۳۰

الف) حاکمیت صالحان در زمان حضرت نوح علیه السلام..... ۱۳۰

ب) حاکمیت صالحان در زمان حضرت موسی علیه السلام..... ۱۳۱

ج) حاکمیت صالحان در عصر حضرت داود و سلیمان علیهما السلام..... ۱۳۳

د) حاکمیت صالحان در صدر اسلام. ۱۳۳

ه) حاکمیت صالحان در عصر دولت کریمه. ۱۳۴

فصل یازدهم. گسترش توحید و خدا پرستی در سطح گیتی. ۱۴۰

الف) گسترش توحید توسط پیامبران خدا علیهم السلام..... ۱۴۰

ب) برپایی اسلام توسط پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله.... ۱۴۱

ج) برپایی دوباره اسلام توسط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۱۴۲

فصل دوازدهم. برقراری عدالت در زمین. ۱۴۸

الف) تلاش حضرت شعیب علیه السلام برای برقراری عدالت.. ۱۴۹

ب) عدالت محمدی.. ۱۵۰

ج) عدالت نماد مهدویت.. ۱۵۲

فصل سیزدهم. داوری و قضاوت بدون بینة. ۱۵۴

الف) قضاوت و داوری پیامبر گرامی اسلام. ۱۵۴

ب) قضاوت و داوری حضرت داود و سلیمان علیهما السلام..... ۱۵۶

ج) قضاوت و داوری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۱۵۸

فصل چهاردهم. گسترش امنیت و آرامش... ۱۶۱

الف) امنیت حضرت نوح علیه السلام و پیروان. ۱۶۲

ب) امنیت حضرت هود علیه السلام و پیروان. ۱۶۳

ج) امنیت حضرت ابراهیم علیه السلام..... ۱۶۴

د) امنیت در عصر ظهور ۱۶۸

فصل پانزدهم. آبادانی زمین و افزایش برکت های الهی. ۱۷۱

الف) برکت های آسمان و زمین در عصر پیامبران. ۱۷۳

ب) برکت های آسمان و زمین در عصر ظهور ۱۷۴

فصل شانزدهم. رجعت و بازگشت مردگان. ۱۷۶

الف) زنده شدن پیامبری بعد از صد سال. ۱۷۶

ص: ۷

ب) رجعت زمان حضرت موسی علیه السلام..... ۱۷۷

ج) زنده شدن مردگان توسط حضرت عیسی علیه السلام..... ۱۸۲

د) رجعت هزاران نفر توسط حزقیل پیامبر. ۱۸۳

ه) رجعت در عصر ظهور ۱۸۵

بخش سوم: ویژگی های مشترک پیروان

فصل اول. سختی و آزار پیروان. ۱۹۰

الف) سختی و آزار پیروان حضرت موسی علیه السلام..... ۱۹۱

ب) سختی و آزار پیروان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۱۹۳

فصل دوم. اختلاف مردم درباره او ۱۹۵

الف) اختلاف مردم درباره حضرت صالح علیه السلام..... ۱۹۶

ب) اختلاف مردم درباره حضرت عیسی علیه السلام..... ۱۹۸

ج) اختلاف های مردم درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۲۰۱

فصل سوم. غربال و جدایی مؤمنان. ۲۰۳

الف) جدایی کامل پیروان حق در زمان حضرت نوح علیه السلام..... ۲۰۵

ب) غربال و جدایی پیروان حق در دوره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.... ۲۰۹

فصل چهارم. نقش مردم و پیروان در گشایش... ۲۱۳

الف) مردم زمان حضرت ادریس علیه السلام..... ۲۱۳

ب) قوم حضرت یونس علیه السلام..... ۲۱۵

ج) مردم و پیروان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... ۲۱۶

فصل پنجم. یاری حجت های پروردگار ۲۱۸

خاتمه. ۲۲۰

کتابنامه. ۲۲۱

ص: ۸

سپاس و ستایش مخصوص خداوندی است که ستایش گران از ثنایش ناتوانند و شمارش گران نتوانند نعمت هایش را شمارش کنند و تلاش گران نتوانند حَقِّش را پردازند. و درود و سلام او بر پیامبران و برگزیدگانش به خصوص گل سر سبد هستی خاتم پیامبران محمد مصطفی و اهل بیت پاک و معصوم او به ویژه خاتم الأوصیاء؛ کسی که قرار است بیاید و کار ناتمام پیامبران را در برقراری توحید و عدالت در گستره گیتی به سرانجام برساند.

گاهی سؤال می شود مگر می شود میلاد و زندگی پیشوا و حجتی مخفیانه باشد؟ اگر این گونه است، پس چگونه به هدایت مردم می پردازد؟ و چگونه می شود انسانی عمری چندین برابر عمر انسان های عادی را داشته باشد؟ آیا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دین جدیدی خواهد آورد؟ آیا سیره و روش او خلاف سایر پیامبران و برگزیدگان پروردگار، به خصوص پیامبر گرامی اسلام است؟ و ...

در این نوشتار بر آنیم تا نشان دهیم امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف انجام دهنده خواست پیامبران در برقراری خدا پرستی و عدالت در سطح جهان است و در مسیر حجت های پروردگار گام برمی دارد و اگر خاتم پیامبران و کامل کننده دین در گیتی، یعنی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم دین اسلام را با محوریت قرآن کریم برای ما به ارمغان آورد، جاری کننده و پیاده کننده قرآن کریم و سنت آن وجود عزیز در گستره جهان، خاتم الاوصیاء صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود. به صورتی که ندای توحید و شهادت به رسالت از گوشه گوشه گیتی شنیده خواهد شد. به عبارت روشن تر اگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای پذیرش اسلام توسط مردم تمام تلاش خود را به کار بست و در گستره ای از زمین مردم مسلمان شدند، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تمام کوشش خود را برای پیاده نمودن قانون های اسلام در گستره جهانی به کار می بندد و حق مداری و عدالت اسلامی را به همه جا خواهد برد. در قسمتی از روایتی که از عمار یاسر از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است، درباره روش و

سیره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می خوانیم:

وقتی آخر الزمان فرا رسد او خارج می شود و دنیا را سرشار از عدل و داد می کند و برای پیاده کردن قرآن کریم نبرد می کند؛ همان گونه که من برای نازل شدن آن (و پذیرش آن) جنگ نمودم و او هم نام من و شبیه ترین مردم به من است. (۱)

این نوع نگرش به زندگی و سیره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای آن است که انسان ها وقتی بینند روش آن امام عزیز همان روش جدّ خویش و سایر برگزیدگان خدا است، پذیرش او و پذیرفتن برنامه هایش برایشان آسان می شود، زیرا می بینند این امور در گذشته رخ داده است و بدعتی در دین نمی باشد. به همین جهت مقابل او و برنامه هایش موضع گیری نمی کنند. همان گونه که شیخ صدوق وقتی دید پذیرش غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای مردم دشوار است به دستور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف - در عالم رؤیا- کتابی به نام «کمال الدین و تمام النعمه» نگاشت و در آن غیبت و پنهان زیستی پیامبران و برگزیدگان پروردگار را آورد تا پذیرش امری که در سابق رخ داده است، برای مردم درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آسان شود. (۲) این سخن درباره پیروان حق نیز صادق است؛ برای همین بخش آخر نوشتار به ویژگی های مشترک پیروان برگزیدگان خدا اختصاص یافته است.

این کتاب در سه بخش: یک. کلیات؛ دو. سیره مشترک پیامبران علیهم السلام و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و سه. ویژگی های مشترک پیروان آنان تدوین شده است.

امید است که این تحفه ناچیز بتواند شباهت آخرین حجّت پروردگار به سایر برگزیدگان و پیامبران را در سیره و زندگی بهتر بشناساند و مقبول درگاه حق و آخرین وصی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم قرار گیرد.

ص: ۱۰

---

۱- «فَإِذَا كَانَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ يَخْرُجُ فَيَمْلَأُ الدُّنْيَا قِسْطًا وَعَدْلًا وَيَقَاتِلُ عَلَى التَّأْوِيلِ كَمَا قَاتَلْتُ عَلَى التَّنْزِيلِ وَهُوَ سَيِّمِي وَأَشْبَهُ النَّاسِ بِي»؛ (کفایه الأثر، ص ۱۲۰؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۲۶، باب ۴۱، ح ۱۸۳).

۲- ر.ک: کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳.



بخش اول: کلیات

اشاره

ص: ۱۱

پروردگار مهربان انسان‌هایی را از میان آدمیان برای رساندن پیام‌های خود و هدایت بشر به سوی خدا پرستی و برپایی دادگری در گیتی برمی‌گزیند و این انسان‌ها را به عنوان پیامبر یا جانشین پیامبر به انسان‌ها معرفی می‌کند. آیات بسیاری از قرآن کریم انتخاب و برگزیده شدن پیامبرانی چون حضرت نوح(۱)، ابراهیم(۲)، موسی(۳) و عیسی علیهم السلام(۴) و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم(۵) و دیگر پیامبران را بیان می‌کنند. بنابر بیان قرآن مجید، حضرت ابراهیم علیه السلام بعد از آزمون‌های سنگین به مقام امامت و پیشوایی مردم از طرف پروردگار رسید.(۶) مهمترین شباهت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به

ص: ۱۲

- ۱- «لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ؛ به یقین نوح را به سوی قومش فرستادیم»؛ (الأعراف(۷)، آیه ۵۹).
- ۲- «وَلَقَدْ آضَيْتُمْ فِي الدُّنْيَا؛ و به یقین او (ابراهیم) را در دنیا برگزیدیم»؛ (بقره(۲)، آیه ۱۳۰). «اجْتَبَيْتُهُ؛ و خدا او (ابراهیم) را برگزید»؛ (نحل(۱۶)، آیه ۱۲۱).
- ۳- «فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ؛ و پروردگارم به من حکم (نبوت) بخشید، و مرا از فرستادگان (خود) قرار داد.»؛ (الشعراء(۲۶)، آیه ۲۱).
- ۴- «قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ ءَأَتْتَنِي الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا؛ (عیسی) گفت: به راستی که من بنده خدایم به من کتاب عطا کرده و مرا پیامبر قرار داده است»؛ (مریم(۱۹)، آیه ۳۰).
- ۵- «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَ لَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ؛ محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست و لیکن فرستاده خدا و پایان بخش پیامبران است»؛ (الأحزاب(۳۳)، آیه ۴۰).
- ۶- «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا؛ و هنگامی که ابراهیم را پروردگارش با کلماتی آزمایش کرد، و (او به خوبی کار) آزمایش‌ها را تمام کرد، (خدا به او) فرمود: در واقع من تو را امام (و پیشوای) مردم قرار دادم»؛ (بقره(۲)، آیه ۱۲۴).

پیامبران و اوصیای آنان برگزیده شدن از طرف خداوند است. و می توان گفت: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان خاتم الاوصیاء و آخرین برگزیده پروردگار کسی است که برای هدایت انسان ها و برقراری عدالت در گستره گیتی برگزیده شده است. در قرآن کریم می خوانیم:

« به یقین، خداوند، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم جهان برتری داده است، فرزندانى که برخی از آنان از برخی دیگرند، و خداوند شنوای داناست. » (۱)

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان ظهور به وصایت و برگزیده شدن خود از طرف خداوند چون سایر برگزیدگان پروردگار اشاره خواهد کرد و آیه مطرح شده را تلاوت می کند.

جابر بن یزید گوید: امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آغاز قیام در مکه معظمه خواهد بود و در حالی که به کعبه پناه آورده و در کنار آن ایستاده است، می فرماید: ای مردم! ما از خداوند و کسی از مردم که دعوت ما را پاسخ مثبت گوید، یاری می طلبیم. همانا ما خاندان پیامبر شما محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستیم و ما شایسته ترین مردم به خداوند و محمد صلی الله علیه و آله و سلم می باشیم. پس هر کس درباره آدم علیه السلام با من سخن گوید، بداند که من سزاوارترین مردم به آدم علیه السلام هستم و هر کس با من درباره نوح علیه السلام گفتگو کند، بداند که من شایسته ترین مردم به نوح علیه السلام هستم و هر کس با من درباره ابراهیم علیه السلام بحث کند، بداند که من شایسته ترین مردم به ابراهیم علیه السلام هستم و هر کس درباره محمد صلی الله علیه و آله و سلم با من احتجاج کند، بداند که من سزاوارترین مردم به محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستم، و هر کس درباره پیامبران با من سخن گوید، بداند که من سزاوارترین مردم به پیامبران هستم. مگر خدای عزیز در کتاب خود نمی فرماید: « به یقین، خداوند، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم جهان برتری داده است، فرزندانى که برخی از آنان از برخی دیگرند، و خداوند شنوای داناست » من بقیه ای از آدم و ذخیره ای از نوح و برگزیده ای از ابراهیم و انتخاب شده ای از محمد - که درود خداوند بر تمامی آنان باد - هستم. (۲)

ص: ۱۳

۱- «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»؛ (آل عمران (۳)، آیه ۳۳ و ۳۴).

۲- «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ وَ مَنْ أَحَابَنَا مِنَ النَّاسِ فَإِنَّا أَهْلُ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ مُحَمَّدٍ ۙ وَ نَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ وَ بِمُحَمَّدٍ فَمَنْ حَاجَبَنِي فِي آدَمَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِآدَمَ وَ مَنْ حَاجَبَنِي فِي نُوحٍ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِنُوحٍ وَ مَنْ حَاجَبَنِي فِي إِبْرَاهِيمَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ وَ مَنْ حَاجَبَنِي فِي مُحَمَّدٍ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ وَ مَنْ حَاجَبَنِي فِي النَّبِيِّينَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّبِيِّينَ أَلَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» فَإِنَّا بَقِيَّةٌ مِنْ آدَمَ وَ ذَخِيرَةٌ مِنْ نُوحٍ وَ مُصْطَفَى مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَ صَفْوَةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ ۙ»؛ (الغيبه للنعماني، ص ۲۷۹، باب ۱۴، ح ۶۷). روایت با سندهای مختلف نقل شده و از جهت سند معتبر است.

ایشان در ادامه می فرماید:

آگاه باشید؛ هر کس با من درباره کتاب خدا سخن گوید، من شایسته ترین مردم به کتاب خداوند هستم و هر کس با من درباره سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتگو کند، پس همانا من سزاوارترین مردم به سنت رسول خدا می باشم. پس خدا را گواه می گیرم هر کس از شما سخن مرا امروز شنید به آنانی که نیستند، به عنوان شاهد برساند ... (۱).

### چرا انتخاب پروردگار؟

ممکن است سؤال شود چرا خود انسان ها امام و پیشوای خود را بر نمی گزینند و این گزینش چرا از ناحیه خداوند باشد؟ در پاسخ می توان گفت: آن خدایی که ما را آفریده است و به آشکار و درون ما آگاهی کامل دارد، شایسته است فرستاده اش و امام بر مردم را خود برگزیند تا انسان ها به درستی در مسیر هدایت و بندگی پروردگار قرار گیرند. در قرآن کریم نسبت به گزینش خداوند می خوانیم:

« و پروردگار تو آنچه را بخواهد می آفریند و برمی گزیند و آنان اختیاری ندارند.» (۲)

اما بنابر نقل؛ این پرسش را سعد بن عبدالله اشعری از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نموده است. سعد گوید: از امام پرسیدم: مولای من! چرا مردم از انتخاب امام برای خودشان بازداشته شده اند؟

امام فرمود: انسان صالح یا فاسد؟ گفتم: صالح. فرمود: با توجه به اینکه کسی نمی داند در درون دیگری از درستی یا پلیدی چه می گذرد آیا ممکن است انتخاب مردم انسان فاسدی باشد؟ گفتم: بله. فرمود: دلیلش همین است. سپس فرمود: دلیلی برایت می آورم که عقل تو در برابر آن

ص: ۱۴

۱- همان.

۲- «وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ»؛ (القصص (۲۸)، آیه ۶۸).

کاملاً تسلیم شود. به من بگو: از فرستادگانی که خدای عزیز آنان را برگزید و بر آنان کتاب نازل کرد و با وحی و عصمت تأییدشان نمود مانند حضرت موسی و عیسی - زیرا بزرگان امت ها و هدایت یافته تر برای انتخاب بودند - آیا می شود با زیادی عقل و برتری دانش، انتخابشان انسان منافق باشد در حالی که گمان می کردند فرد مؤمنی است؟ گفتیم: نه. فرمود: این موسی کلیم الله است که با فزونی خرد و برتری دانش و نازل شدن وحی بر او، از بزرگان قوم خود هفتاد نفر را برای وعده گاه پروردگارش برگزید؛ کسانی که تردیدی در ایمان و اخلاصشان نداشت، ولی گزینش او منافقان بودند. خدای بلند مرتبه فرمود: «و موسی از میان قومش، هفتاد مرد را برای میعادگاه ما برگزید.» (۱) و «و وقتی گفتید: ای موسی! هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد، تا اینکه خدا را آشکارا بینیم پس صاعقه شما را (فرو) گرفت.» (۲) و «پس به خاطر ستمشان، صاعقه آنان را فرو گرفت.» (۳) وقتی می بینیم انتخاب برگزیده خداوند برای پیامبری بر انسان فاسد نه صالح قرار گرفت در حالی که گمان می کرد آنان درستکارند نه ستمکار، می فهمیم انتخابی نیست مگر برای کسی که می داند آنچه سینه ها و درون انسان ها پنهان می کنند و آنچه در نهان به آن می پردازند و بنابر قرار گرفتن گزینش پیامبران بر انسان های فاسد، انتخاب مهاجران و انصار ارزشی ندارد گرچه انسان های شایسته را در نظر داشتند. (۴)

### پیمانی از پروردگار

پیامبران خدا همان طور که انتخابشان از طرف پروردگار بود، سخنان و رفتارشان نیز طبق فرمان خداوند صورت می گرفت.

در قرآن کریم درباره پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می خوانیم:

ص: ۱۵

۱- «وَ اِخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا»؛ (الأعراف (۷)، آیه ۱۵۵).

۲- «وَ اِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ»؛ (بقره (۲)، آیه ۵۵).

۳- «الصَّاعِقَةُ بَطَّلَتْهُمْ»؛ (النساء (۴)، آیه ۱۵۳).

۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۵۴، باب ذکر من شاهد القائم ۷ و رآه (۴۳)، ح ۲۱.

«و او از روی هوس سخن نمی گوید. آن (قرآن کریم) نیست جز وحی ای که به او وحی می شود.» (۱)

و یا آمده است:

«و اگر (بر فرض) برخی سخنان را به ما (به دروغ) نسبت می داد، حتماً با دست راست (قدرتمند)، او را گرفتار می ساختیم، سپس رگ قلبش را مسلماً قطع می کردیم!» (۲)

مقصود از آیه های بیان شده این نیست که ممکن است پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سخنی به خداوند نسبت دهد که درست نباشد، بلکه منظور این است که به ما بفهماند که تمامی سخنان رسول رحمت؛ چه آنچه در قرآن کریم آمده یا از زبان مبارک ایشان نقل شده است و همچنین تمامی رفتار ایشان همه و همه از جانب خدای عزیز است و او از خود سخنی در نمی آورد و کاری انجام نمی دهد.

اوصیای پیامبران و اوصیای پیامبر گرامی اسلام نیز کارهایشان مطابق فرمان پروردگار عزیز است. در برخی روایت های اهل بیت علیهم السلام اشاره به عهدی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شده است که همراه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد.

در قسمتی از حدیثی که از جابر بن یزید از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است، می خوانیم:

و با او (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام قیام از کنار کعبه) پیمانی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است که فرزندان از پدران ارث برده اند. (۳)

این قسمت از روایت در تفسیر عیاشی این گونه آمده است: «با او عهد پیامبر

ص: ۱۶

---

۱- «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ \* إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ»؛ (نجم (۵۳)، آیات ۳ و ۴).

۲- «وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ \* لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ \* ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ»؛ (الحاقه (۶۹)، آیات ۴۴-۴۶).

۳- «وَمَعَهُ عَهْدٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَدْ تَوَارَثْتَهُ الْأَبْنَاءُ عَنِ الْأَبَاءِ»؛ (الغیبه للنعمانی، ص ۲۷۹، باب ۱۴، ح ۶۷). روایت از جهت سند معتبر است.

خدا صلی الله علیه و آله و سلم و پرچم و سلاح او است.»(۱)

اما این عهد چیست که از پدران به پسران در اهل بیت علیهم السلام به ارث رسیده است؟

در کتاب شریف اصول کافی بابی آمده است به نام «أَنَّ الْأَئِمَّةَ : لَمْ يَفْعَلُوا شَيْئًا وَ لَا يَفْعَلُونَ إِلَّا بِعَهْدٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَمْرٍ مِنْهُ لَمَا يَتَّخِذُونَ»؛ به درستی که امامان علیهم السلام کاری نمی کنند و انجام نمی دهند مگر به پیمانی از طرف خدای عزیز و فرمانی از او که از آن گذر نمی کنند.» یعنی همان طور که گزینش و انتخاب فرستادگان خدا از جانب پروردگار است، کارهای آنان نیز مطابق فرمان خدای عزیز است. و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز چون پیامبران و اوصیای آنان کارهایش طبق فرمان خداوند است و از طرف خود کاری انجام نمی دهد.

برای روشن تر شدن مطلب به حدیثی از این باب از اصول کافی اشاره می شود.

از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:

خدای عزیز پیش از رحلت پیامبرش، نوشته ای بر او - به وسیله جبرئیل - نازل کرد و فرمود: ای محمد! این وصیت من به نجیبان از خاندان تو است. پیامبر فرمود: ای جبرئیل! نجیبان کیانند؟ پاسخ داد: علی بن ابی طالب و فرزندان علیهم السلام. بر آن کتاب چند مهر از طلا بود. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن را به امیرمؤمنان علیه السلام داد و به او فرمان داد تا یک مهر آن را بگشاید و به آنچه در آن است عمل کند. امیرمؤمنان علیه السلام یک مهر را گشود و به آن عمل کرد. سپس آن را به پسرش حسن علیه السلام داد، او هم یک مهر را گشود و به آنچه در آن بود، عمل کرد. سپس او آن را به حسین علیه السلام داد، او نیز یک مهر را گشود و در آن دید نوشته است: با مردمی سوی شهادت برو. برای آنان جز با تو شهادتی نیست و جانان را به خدای عزیز بفروش. او هم انجام داد. سپس آن را به علی بن حسین علیه السلام داد، او هم یک مهر گشود و دید در آن نوشته است: سر به زیر انداز و خاموشی گزین و

ص: ۱۷

---

۱- «مَعَهُ عَهْدُ نَبِيِّ اللَّهِ وَ رَأَيْتُهُ وَ سِلَاحُهُ»؛ (تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۶۴، ح ۱۱۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۲، باب ۲۵، ح ۸۷).

در خانه ات بنشین و پروردگارت را پرستش کن، تا تو را یقین (مرگ) فرا رسد. او هم انجام داد، سپس آن را به پسرش محمد بن علی علیه السلام داد، او نیز یک مهر را گشود، دید در آن نوشته است: برای مردم حدیث گو و فتوا ده و جز از خدای بلند مرتبه مترس، زیرا بر ضد تو برای کسی راهی نیست. او هم عمل کرد و سپس آن را به پسرش جعفر علیه السلام داد. او هم یک مهر گشود، پس دید در آن نوشته است: مردم را حدیث گو و فتوا ده و علوم اهل بیت خود را پخش و پدران نیکو کارت را تصدیق کن و جز از خدای عزیز مترس که تو در پناه و امانی. او هم عمل کرد و سپس آن را به پسرش موسی علیه السلام داد و همچنین موسی علیه السلام به امام بعد از خود می دهد و تا قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این چنین است. (۱)

ص: ۱۸

---

۱- کافی، ج ۱، ص ۲۸۰، ح ۲؛ علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۷۱، باب ۱۳۵، ح ۱.



هر آنچه پیامبران و برگزیدگان پروردگار از اوصاف نیک و کمال های اخلاقی و انسانی دارند همه و همه در وجود نازنین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جمع شده است و او که حجت خدا و گل سرسبد هستی در آخرالزمان است، به عنوان اسوه و الگویی کامل برای آفریدگان آنان را سوی پروردگار حرکت می دهد و به کرامت های انسانی می رساند که شکوفایی آن در عصر ظهور می باشد.

در این فصل بر آنیم تا شباهت اوصافی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با پیامبران و فرستادگان خدای عزیز به ویژه پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را ارائه دهیم.

### الف) حضرت مهدی دارای اوصاف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، پیامبر رحمت و گل سرسبد هستی و اشرف آفریده های گیتی است. خدای کریم شخصی همچون او با برکت و کرامت و بزرگواری نیافریده و نمی آفریند.

یکی از بهترین روش ها برای شناختن رسول عزیز اسلام، قرآن کریم است. قرآن کریم پیامبر گرامی اسلام را دارای بالاترین مرتبه های اخلاقی می داند و در وصف او آورده است: «و به درستی که (ای پیامبر) تو دارای اخلاق با عظمتی هستی.» (۱)

در این قسمت به برخی از صفاتی که قرآن کریم برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آورده است، به شرح ذیل اشاره می شود:

ص: ۱۹

---

۱- «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ»؛ (القلم (۶۸)، آیه ۴).

یکم. مهربان و نرم خو با مردم

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مسیر هدایت انسان ها با ملامت و نرمی رفتار می نمود. او به آنان احترام می گذاشت، به دیدگاهشان اهمیت می داد، گناهانشان را می بخشید و برای آنان طلب آمرزش می نمود. برای همین در وصف او در قرآن کریم می خوانیم:

«و به سبب رحمتی از جانب خدا با آنان نرم خو شدی و اگر (بر فرض) تندخویی سخت دل بودی، حتماً از پیرامونت پراکنده می شدند. پس از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه و در کار(ها) با آنان مشورت کن و هنگامی که تصمیم گرفتی، پس بر خدا توکل کن؛ چرا که خدا توکل کنندگان را دوست می دارد.»(۱)

و یا در آیه ای دیگر می خوانیم: «(و رسول اکرم نسبت) به مؤمنان، مهربانی مهرورز است.»(۲)

رسول رحمت صلی الله علیه و آله و سلم به قدری با اطرافیان خود نرم خو بود و سخنانشان را خوب گوش می داد و تا جایی که امکان داشت با آنان مدارا می نمود که منافقان و دو رویان به او لقب «أذن» دادند، یعنی ایشان گوش می دادند. در قرآن کریم درباره این مطلب می خوانیم:

«و از آنان کسانی هستند که پیامبر را آزار می دهند و می گویند: او گوش (ی)، و خوش باور) است! بگو: گوشِ خوب بودن، به نفع شماست. او به خدا ایمان دارد و مؤمنان را تصدیق می کند و رحمتی است برای کسانی که ایمان آورده اند و کسانی که فرستاده خدا را آزار می دهند، بر ایشان عذابی دردناک است.»(۳)

دوم. سختی ناراحتی دیگران، برای او

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم همیشه غم خوار دیگران بود و ناراحتی شان را اندوه خود می دانست و در سختی ها به کمک آنان می شتافت و یاریشان می نمود. حتی کسانی که ایشان را آزار می دادند،

ص: ۲۰

---

۱- «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»؛ (آل عمران (۳)، آیه ۱۵۹).

۲- «بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ»؛ (توبه (۹)، آیه ۱۲۸).

۳- «وَ مِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أذُنٌ قُلٌّ أذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»؛ (توبه (۹)، آیه ۶۱).

وقتی مریض می شدند و از آزارشان خبری نبود، از احوالشان می پرسید و به عیادتشان می رفت. در قرآن کریم درباره این وصف پیامبر رحمت آمده است:

به یقین، برای شما فرستاده ای از خودتان آمد که رنج های شما بر او دشوار است. (۱)

سوم. مشتاق هدایت انسان ها

صفت حرص و سیری ناپذیری در امور دنیا چون مال، مقام و میل های نفسانی به قدری زشت و ناپسند است که انسان دارای این ویژگی را دنیا پرست گویند که سرانجامی جز دوزخ ندارد. ولی در امور آخرتی حریص بودن وصفی پسندیده و شایسته محسوب می شود. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به هدایت انسان های دیگر حتی دشمنانش بسیار حریص بود و خود را به زحمت می انداخت. به عنوان مثال در سفری به طائف بعد از آزار و اذیت های بسیار توانست یک غلام (عداس) را مسلمان کند و این گونه برای رهایی مردم از بدبختی و آتش سوزان جهنم تلاش می کرد. خدای حکیم در قرآن کریم ایشان را این گونه می ستاید: «(و پیامبر اکرم) بر (هدایت) شما حریص است.» (۲)

چهارم. شدید در برابر کافران

اما در کنار این ویژگی های پیامبر رحمت، ایشان در برابر کافران و ستمگران و دو رویان یعنی کسانی که مقابل هدایت مردم می ایستادند، سخت و خشن بودند و با آنان مبارزه می نمودند. نمونه بارز این چهره پیامبر اسلام غزوه ها و جنگ های ایشان است که در آنها بسیاری از مشرکان و یهودیان شبه جزیره عربستان نابود یا از سرزمین های اسلامی رانده شدند و نمونه بارز دیگر آن اعلان برائت از مشرکان در آیه های اول سوره توبه است که به امیرمؤمنان علی علیه السلام دستور داد تا آن آیات را برای مردم در مکه بخواند و تنها چند ماه به مشرکان مهلت دهد. البته این روش آن حضرت فرمان و دستور پروردگار عزیز است که این گونه در دو جای قرآن کریم مطرح شده است:

ص: ۲۱

---

۱- «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ»؛ (توبه (۹)، آیه ۱۲۸).

۲- «حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ»؛ (توبه (۹)، آیه ۱۲۸).

« ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن، و بر آنان سخت گیر و مقصدشان جهنم است و بد فرجامی است.» (۱)

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان طور که همنام و هم کنیه پیامبر رحمت ابوالقاسم محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم است و از نسل او می باشد، در سیما و سخن گفتن و اخلاق و رفتار نیز شبیه ایشان است.

برای نمونه به دو حدیث اشاره می شود.

حدیث اول. از عبدالله بن عباس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که فرمود:

خدای بلند مرتبه بر زمین نگاهی افکند و مرا از آن میان برگزید و پیامبر قرار داد. سپس دوّم بار نظری افکند و علی را از آن برگزید و او را امام گردانید. سپس به من فرمان داد که او را برادر و ولی و وصی و خلیفه و وزیر خود سازم، پس علی از من و من از علی هستم و او شوهر دخترم و پدر دو نواده ام حسن و حسین است. بدانید که خدای عزیز من و اینان را حجت های بر بندگانش قرار داده است و از فرزندان حسین امامانی را قرار داده است که به امر من قیام می کنند و وصیت مرا نگه می دارند.

ایشان در ادامه فرمود:

و نهمین از آنان قائم اهل بیتم و مهدی امّتم است که شبیه ترین مردم به من در شمایل و سخن گفتن و رفتار است. او پس از غیبتی طولانی و حیرتی گمراه کننده ظهور می کند و دین خدای عزیز را چیره می گرداند و با یاری خدا تأیید و با فرشتگان خدا همراهی می شود، پس او زمین را پر از عدل و داد می کند؛ همان گونه که از ستم و بیداد پر شده باشد. (۲)

حدیث دوّم. ابوبصیر از امام جعفر صادق از پدران گرامیش علیهم السلام نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

ص: ۲۲

- ۱- «يا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَ مَاؤَاهُمْ جَهَنَّمُ وَ بئسَ المصيرُ»؛ (توبه (۹)، آیه ۷۳؛ تحریم (۶۶)، آیه ۹).
- ۲- «التَّاسِعُ مِنْهُمْ قَائِمٌ أَهْلُ بَيْتِي وَ مَهْدِي أُمَّتِي أَشَبَّهُ النَّاسِ بِي فِي شَمَائِلِهِ وَ أَقْوَالِهِ وَ أَعْمَالِهِ يَظْهَرُ بَعْدَ غَيْبِهِ طَوِيلَهُ وَ حَيْرَهُ مُضْتَلِّهِ فَيُعْلِنُ أَمْرَ اللَّهِ وَ يَظْهَرُ دِينَ اللَّهِ جَلًّا وَ عَزًّا وَ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِ اللَّهِ وَ يُنْصِرُ بِمَلَائِكَةِ اللَّهِ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتَّ جَوْرًا وَ ظُلْمًا؛ (كمال الدين و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۷، باب ۲۴، ح ۲؛ كفايها لأثر، ص ۱۰).

مهدی از فرزندان من است. نام او نام من و کنیه او کنیه من است. او شبیه ترین مردم به من از نظر سیما و اخلاق است. برای او غیبت و حیرتی است که مردم از دین هایشان گمراه می شوند. آنگاه چون شهاب درخشان می آید و زمین را پر از عدل و داد می کند؛ همان گونه که پر از بیداد و ستم شده باشد. (۱)

بنابراین سیره و اوصاف امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شبیه روش و ویژگی های پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است و ایشان تا آنجا که امکان دارد با مهربانی و مدارا با مردم رفتار می کند، اما کافران و ستمگران و اهل انحرافی که سد راه حقند و در مقابل آن حضرت صف آرای و مبارزه می کنند، با برخورد شدید ایشان مواجه و نابود خواهند شد.

## ب) اوصاف پیامبران در وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

### اشاره

هر یک از پیامبران و فرستادگان پروردگار عزیز دارای اوصاف برجسته و ویژگی های نیکی بودند و به عنوان اسوه و الگو برای مردم زمان خود به شمار می رفتند. به عبارت دیگر در کنار فرستاده خدا بودن، خود به پیامی که از جانب او آورده بودند، عمل می نمودند و تشویق کننده دیگران در برخورداری از صفت های نیک پروردگار بودند. به عنوان مثال؛

حضرت نوح علیه السلام بنده مؤمن (۲) و نیکوکار (۳) و سپاسگزار پروردگار بود (۴) و خداوند بر او در میان جهانیان سلام می فرستد. (۵)

ص: ۲۳

۱- «الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي، اسْمُهُ اسْمِي، وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي، أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خَلْقًا وَ خُلُقًا، تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَ حَيْرَةٌ حَتَّى تَضِلَّ الْخَلْقُ عَنْ أَدْيَانِهِمْ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يُقْبَلُ كَالشَّهَابِ الثَّاقِبِ، فَيَمْلَأُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»؛ (الإمامه و التبصره من الحيره، ص ۱۱۹، ح ۱۱۴). روایت از جهت سند معتبر است.

۲- «إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ؛ همانا او (نوح) از بندگان مؤمن ما بود.»؛ (الصفات (۳۷)، آیه ۸۱).

۳- «إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ؛ که ما اینگونه نیکوکاران (یعنی نوح) را پاداش می دهیم»؛ (الصفات (۳۷)، آیه ۸۰).

۴- «إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا؛ براستی که او (نوح) بنده ای بسیار سپاسگزار بود»؛ (الإسراء (۱۷)، آیه ۳).

۵- «سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ؛ در میان جهانیان سلام بر نوح باد»؛ (الصفات (۳۷)، آیه ۷۹).

حضرت ابراهیم علیه السلام بنده مسلمان (۱) و مؤمن (۲) و درستکار (۳) و نیکوکار (۴) و راستگو (۵) و بردبار و غم خوار و بسیار بازگشت کننده سوی خدای رحیم (۶) و فروتن و فرمانبر خداوند (۷) و حق گرا (۸) و اهل یقین (۹) و اهل هدایت و هدایت گر به راه راست بود. (۱۰) او به مقام خلیل و دوستی پروردگار رسید. (۱۱) و به داشتن قلب سلیم در قرآن کریم ستوده شده است. (۱۲) ابراهیم خلیل ارزش نعمت های خدا را پاس می داشت و بسیار شکر نعمت های پروردگار را به جای می آورد و بنده سپاس گزار بود. (۱۳) او سرچشمه دین و امت توحیدی محسوب می شود (۱۴) و به پیامبر گرامی اسلام دستور داده می شود

ص: ۲۴

- ۱- «ما كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ؛ ابراهیم یهودی و مسیحی نبود و لیکن حق گرای مسلمان بود و از مشرکان نبود»؛ (آل عمران (۳)، آیه ۶۷).
- ۲- «إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ؛ همانا او (ابراهیم) از بندگان مؤمن ما بود»؛ (الصافات (۳۷)، آیه ۱۱۱).
- ۳- «وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لِمِنَ الصَّالِحِينَ؛ و قطعاً او (ابراهیم) در آخرت، از صالحان است»؛ (بقره (۲)، آیه ۱۳۰؛ نحل (۱۶)، آیه ۱۲۲).
- ۴- «كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ؛ اینگونه، نیکوکاران (یعنی ابراهیم) را پاداش می دهیم»؛ (الصافات (۳۷)، آیه ۱۱۰).
- ۵- «وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا؛ و در کتاب (قرآن) ابراهیم را یاد کن، که او بسیار راستگو و پیامبر بود»؛ (مریم (۱۹)، آیه ۴۱).
- ۶- «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُّنِيبٌ؛ «به راستی که ابراهیم، بردبار، بسیار غم خوار و بازگشت کننده (سوی خدا) بود»؛ (هود (۱۱)، آیه ۷۵). «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ؛ قطعاً ابراهیم بسیار غمخوار و بردبار بود»؛ (توبه (۹)، آیه ۱۱۴).
- ۷- «فَاتَّأَنَّا لِلَّهِ؛ (ابراهیم) فروتن و فرمان بردار خدا بود»؛ (نحل (۱۶)، آیه ۱۲۰).
- ۸- «حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ؛ (ابراهیم) حق گرا بود و از مشرکان نبود»؛ (نحل (۱۶)، آیه ۱۲۰).
- ۹- «وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ؛ و اینگونه، فرمانروایی مطلق آسمان ها و زمین را به ابراهیم نمایاندم و به خاطر آنکه از یقین کنندگان باشد»؛ (الأنعام (۶)، آیه ۷۵).
- ۱۰- «وَهَدَيْنَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ؛ و او را به راهی راست رهنمایی کرد»؛ (نحل (۱۶)، آیه ۱۲۱). «وَ جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا؛ و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما، (مردم را) رهنمون می شوند»؛ (انبیاء (۲۱)، آیه ۷۳).
- ۱۱- «وَ اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا؛ و خدا ابراهیم را به دوستی گرفت»؛ (النساء (۴)، آیه ۱۲۵).
- ۱۲- «إِذْ جَاءَ رَبُّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ؛ آنگاه که با دلی سالم به پیشگاه پروردگارش آمد»؛ (الصافات (۳۷)، آیه ۸۴).
- ۱۳- «شَاكِرًا لِّأَنْعَمِهِ؛ (ابراهیم) سپاسگزار نعمت های او بود»؛ (نحل (۱۶)، آیه ۱۲۱).
- ۱۴- «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً؛ به راستی که ابراهیم امت بود»؛ (نحل (۱۶)، آیه ۱۲۰).

پیرو روش و آیین ابراهیمی باشد (۱) و خداوند بر او سلام می فرستد. (۲)

حضرت موسی علیه السلام بنده مؤمن (۳) و محبوب (۴) و مقرب پروردگار (۵) و نیکوکار (۶) و اهل اخلاص (۷) و دارای دانش (۸) و نیرومند و امین (۹) و نزد پروردگار صاحب آبرو است (۱۰) و خدای عزیز بر او سلام می فرستد. (۱۱)

حضرت عیسی علیه السلام بنده شایسته (۱۲) و کلمه خدا (۱۳) و مقرب پروردگار (۱۴) و دارای دانش کتاب (۱۵) و

ص: ۲۵

۱- «ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ؛ سپس به سوی تو وحی کردیم که از آیین ابراهیم پیروی کن، در حالی که حق گراست و از مشرکان نبود»؛ (نحل (۱۶)، آیه ۱۲۳).

۲- «سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ»؛ (الصافات (۳۷)، آیه ۱۰۹).

۳- «إِنَّهُمْ مِمَّنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ؛ همانا آن دو (موسی و هارون) از بندگان مؤمن ما بود»؛ (الصافات (۳۷)، آیه ۱۲۲).

۴- «وَاضْطَنَعْنَاكَ لِنَفْسِي؛ و تو را (ای موسی) برای خودم ساختم»؛ (طه (۲۰)، آیه ۴۱).

۵- «وَنَادَيْنَاهُ مِنْ حَيْثُ ابْتَدَأَ الطُّورِ الْأَيْمَنَ وَقَرْبِنَاهُ نَجِيًّا؛ و او را از طرف راست (کوه) طور ندا دادیم، و رازگویان او را (به خود) نزدیک ساختیم»؛ (مریم (۱۹)، آیه ۵۲).

۶- «إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ؛ که ما اینگونه نیکوکاران (یعنی نوح) را پاداش می دهیم»؛ (الصافات (۳۷)، آیه ۱۲۱).

۷- «وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا؛ و در کتاب (قرآن) موسی را یاد کن، که او خالص شده بود»؛ (مریم (۱۹)، آیه ۵۱).

۸- «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ؛ و هنگامی که (موسی) به حد رشدش رسید، و (در کمال و نیرومندی) استقرار یافت، به او حکم و دانش دادیم و این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم»؛ (القصص (۲۸)، آیه ۱۴).

۹- «إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَزْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ؛ چرا که بهترین کسی که استخدام می کنی (شخص) نیرومند درستکار است»؛ (القصص (۲۸)، آیه ۲۶).

۱۰- «وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا؛ و (حضرت موسی) نزد خدا آبرومند بود»؛ (الأحزاب (۳۳)، آیه ۶۹).

۱۱- «سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ»؛ (الصافات (۳۷)، آیه ۱۲۰).

۱۲- «وَمِنَ الصَّالِحِينَ؛ و (حضرت عیسی) از شایستگان است»؛ (آل عمران (۳)، آیه ۴۶).

۱۳- «إِنَّ اللَّهَ يُشْرِكُ بِكَلِمَتِهِ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ؛ در واقع خدا تو را به کلمه ای از جانب خود مژده می دهد، که نامش مسیح، عیسی پسر مریم است»؛ (آل عمران (۳)، آیه ۴۵).

۱۴- «وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ؛ و (حضرت عیسی) از مقربان (پروردگار) است»؛ (آل عمران (۳)، آیه ۴۵).

۱۵- «وَإِذْ عَلَّمْنَاكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ؛ و (یاد کن ای عیسی) هنگامی که کتاب و حکمت و تورات و انجیل را به تو آموختیم»؛ (المائدة (۵)، آیه ۱۱۰).

دارای آبرو در دنیا و آخرت(۱) است و با روح قدسی تأیید می شد.(۲)

همه این اوصاف نیک و شایسته پیامبران و برگزیدگان پروردگار در وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جمع است و او با این ذخیره پیامبران می آید تا چون ستاره ای بدرخشد و همگان را به طرف خود جذب و نورانی کند و شرک و سیاهی را از میان ببرد.

در روایتی - که از عقبه بن خالد از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است - می خوانیم:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

مهدی از فرزندان من است. برای او غیبتی و حیرتی است که در آن مردمی گمراه می شوند. او با ذخیره پیامبران می آید و زمین را لبریز از عدل و داد می کند، همان طور که از ستم و بیداد پر شده بود.(۳)

و در حدیثی که به حدیث لوح مشهور است؛ حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف دارای سجایا و کمال های انسانی حضرت موسی علیه السلام؛ شکوه و عظمت حضرت عیسی علیه السلام؛ صبر و بردباری حضرت ایوب علیه السلام معرفی می شود.

در این روایت ابوبصیر گوید: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

پدرم به جابر بن عبدالله انصاری فرمود: از تو درخواستی دارم؛ چه زمانی می توانم نزد تو آیم و از آن بپرسم؟ جابر گفت: هر زمانی که خواستی. پدرم از جابر خواست تا از لوحی که نزد مادرم فاطمه دخت رسول خدا دیده و از آنچه در آن نوشته بود، خبر دهد. جابر گفت: خدا را شاهد می گیرم که نزد مادرتان فاطمه در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفتم و به

ص: ۲۶

- 
- ۱- «وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»؛ در حالی که (حضرت عیسی) در دنیا و آخرت، آبرومند است؛ (آل عمران(۳)، آیه ۴۵).
  - ۲- «وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبُيُوتَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ»؛ و عیسی پسر مریم را دلیل های (معجزه آسا) دادیم و او را به وسیله روح قدسی تأیید کردیم؛ (بقره(۲)، آیه ۸۷ و ۲۵۳).
  - ۳- «الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَحَيْرَةٌ تَضِلُّ فِيهَا الْأُمَّمُ يَأْتِي بِذَخِيرِهِ الْأَنْبِيَاءِ فَيَمْلُؤُهَا عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلْتُمْ جَوْرًا وَظُلْمًا»؛ (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۷، باب ۲۵، ح ۵؛ إعلام الوری، ص ۴۲۴).



ایشان میلاد امام حسین علیه السلام را تبریک گفتیم. در دستان آن بانو لوحی سبز رنگ دیدم که گمان کردم از زمرد است و در آن نوشته ای سفید شبیه رنگ خورشید مشاهده نمودم. گفتم: پدر و مادرم فدای شما، ای دختر رسول خدا! این لوح چیست؟ فرمود: این لوحی است که خداوند به رسولش هدیه داده است و در آن نام پدرم و شوهرم و پسرانم و نام اوصیاء از فرزندانم می باشد و پدرم آن را به من داده است تا با آن مرا شاد کند. جابر گوید: مادر تان فاطمه آن را به من داد و من آن را خواندم و از روی آن نسخه برداری کردم. پدرم به جابر فرمود: آیا می توانی آن را به من نشان دهی؟ گفت: بلی. و پدرم با او به منزل جابر رفتند و جابر نوشته ای پوستی را آورد. پدرم به جابر فرمود: در نوشته ات بنگر تا آن را بر تو بخوانم. جابر در نوشته خود نگریست و پدرم قرائت فرمود و حتی یک حرف مخالف آن نبود.

در آن نوشته درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این گونه آمده است:

و آنان کامل می شوند با فرزندش (فرزند امام حسن عسکری) م ح م د که رحمت برای جهانیان است و او دارای کمال حضرت موسی و شکوه حضرت عیسی و صبر حضرت ایوب است. (۱)

علامه مجلسی در توضیح کمال حضرت موسی و بهاء حضرت عیسی آورده است:

مقصود از کمال حضرت موسی علیه السلام دانش و اخلاق و قدرت او در دفع حيله های دشمنان است و مقصود از بهاء حضرت عیسی علیه السلام زیبایی صورت و سیرت او - از زهد و پرهیزکاری و ترک دنیا و بسنده کردن به غذای کم و پوشاک کم ارزش - با هم است. (۲)

در این حدیث شریف از باب نمونه به سه نفر از پیامبران خدا اشاره شده و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کمال و شکوه و صبر مانند آنان دانسته شده است. برای روشن تر شدن این اوصاف در وجود نازنین این پیامبران و حضرت مهدی علیهم السلام مطالبی به شرح ذیل بیان می شود.

ص: ۲۷

۱- «وَ أَكْمَلُ ذَلِكَ بِإِيْنِهِ م ح م د رَحْمَهُ لِلْعَالَمِينَ عَلَيْهِ كَمَالُ مُوسَى وَ بَهَاءُ عِيسَى وَ صَبْرُ أَيُّوبَ»؛ (کافی، ج ۱، ص ۵۲۷، ح ۳). روایت از جهت سند معتبر است.

۲- مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۶، ص ۲۱۵.

## دارای کمال حضرت موسی علیه السلام

حضرت موسی علیه السلام برگزیده پروردگار و یکی از پیامبران اولوالعزم و صاحب کتاب و شریعت بود. او در قرآن کریم به عنوان کلیم الله معرفی شده است. (۱) موسای کلیم به عنوان برترین انسان از جهت کمالات انسانی در زمان خود مطرح بود و به همین جهت از سوی پروردگار برای پیامبری برگزیده شد و حضرت مهدی نیز برترین انسان از جهت کمالات انسانی در زمان خود می باشد که از سوی پروردگار به عنوان امام و خلیفه خدا بر روی زمین برگزیده شده است و می توان گفت از جهت دارایی کمالات حضرت مهدی برتر از حضرت موسی است. چرا که تمامی علم کتاب به اهل بیت پیامبر اسلام داده شده است و قدرت و حاکمیتی که در عصر ظهور به حضرت مهدی داده می شود به هیچ یک از پیامبران داده نشده است. اوست که می آید و در گستره گیتی همگان را زیر پرچم توحید گرد می آورد و به فطرت انسانیشان باز می گرداند. در روایتی که از سالم اشل نقل شده است، او گوید: شنیدم امام محمد باقر علیه السلام می فرمود:

موسی بن عمران در سفر اول تورات به برتری و اقتداری که به قائم آل محمد داده می شود نگریست و گفت: خدایا مرا قائم آل محمد گردان. به او گفته شد او از تبار احمد صلی الله علیه و آله و سلم است، سپس در سفر دوم نگریست در آن نیز همانند آن را یافت، پس مانند آنچه گفته بود تکرار کرد و به او مثل همان جواب داده شد. باز در سفر سوم نگاه کرد و مانند آنچه دیده بود مشاهده کرد و همان تقاضا را نمود و همان پاسخ را شنید. (۲)

## دارای شکوه حضرت عیسی علیه السلام

حضرت عیسی علیه السلام دارای شکوه و جلوه خاصی بود؛ او بدون داشتن پدری به صورت اعجاز از مادر متولد شد و پس از میلاد برای اثبات بی گناهی مادر زبان به سخن گشود و پیامبری خود را

ص: ۲۸

۱- «وَ كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا؛ وَ خَدَا بِأَمْرِ مُوسَى أَنْ يَأْتِيَنَّكَ السَّفِينَةُ الْفَارِسِيَّةُ وَ يَأْتِيَنَّكَ السَّفِينَةُ الْكَلْبِيَّةُ وَ يَأْتِيَنَّكَ السَّفِينَةُ الْكَلْبِيَّةُ وَ يَأْتِيَنَّكَ السَّفِينَةُ الْكَلْبِيَّةُ»؛ (نساء (۴)، آیه ۱۶۴).

۲- «نَظَرَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي السَّفَرِ الْأَوَّلِ بِمَا يُعْطَى قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ قَالَ مُوسَى: رَبِّ اجْعَلْنِي قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ. فَقِيلَ لَهُ: إِنَّ ذَاكَ مِنْ ذُرِّيَةِ أَحْمَدَ. ثُمَّ نَظَرَ فِي السَّفَرِ الثَّانِي فَوَجَدَ فِيهِ مِثْلَ ذَلِكَ فَقَالَ مِثْلَهُ فَقِيلَ لَهُ مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ نَظَرَ فِي السَّفَرِ الثَّلَاثِ فَرَأَى مِثْلَهُ فَقَالَ مِثْلَهُ فَقِيلَ لَهُ مِثْلَهُ»؛ (الغيبه للنعماني، ص ۲۴۰، باب ۱۳، ح ۳۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۷، باب ۱، ح ۳۵).

اعلام کرد و برای برپایی حق قیام نمود و از معجزاتی چون زنده کردن مردگان و تبدیل گل به پرنده و شفای بیماران ناعلاج و خبر دادن از آنچه درون خانه ها ذخیره شده بود، برای هدایت مردم استفاده می کرد. او در قرآن کریم به عنوان صاحب صورت و سیرت زیبا در دنیا و آخرت معرفی شده است. « در حالی که در این جهان و سرای دیگر، صاحب آبرو و شخصیت خواهد بود و از مقربان (خدا) است. » (۱)

علی بن ابراهیم در تفسیر این فراز از آیه آورده است: « ای ذا وجه و جاه » (۲) یعنی حضرت عیسی هم دارای صورتی زیبا و هم دارای مقامی والا نزد خداوند در دنیا و آخرت می باشد.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چون حضرت عیسی علیه السلام دارای شکوه و جلوه خاصی است، بلکه جلوه و نور افشانی او برتر از حضرت عیسی است، چرا که وقتی عیسی بن مریم می آید، به مهدی فاطمه اقتدا می کند. لذا وقتی حضرت مهدی با آن شکوه و نورانیت خاص می آید، زمین را چون خود نورانی می کند و با عدالتش شکوه و زیبایی خاصی به زمین می بخشد.

از عبد الله بن عباس نقل شده است که گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

همانا جانشینانم و اوصیائهم و حجّت های خداوند بر آفریدگان بعد از من دوازده نفرند که اولین آنان برادرم و آخرینشان فرزند من است. سؤال شد: ای رسول خدا؛ برادر شما چه کسی است؟ فرمود: علی بن ابی طالب علیه السلام. سؤال شد: پس فرزند شما کیست؟ فرمود: مهدی، کسی که زمین را پر از عدل و داد می کند همان گونه که پر از ستم و بیداد شده باشد. سوگند به خدایی که مرا به حقّ به پیامبری برانگیخت؛ اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد خداوند آن روز را طولانی گرداند تا فرزندم مهدی در آن روز قیام کند؛ پس روح الله عیسی بن مریم فرود می آید و پشت سر او نماز می خواند و زمین را به نور پروردگارش روشن می کند و سلطنت او به شرق و غرب عالم خواهد رسید. (۳)

ص: ۲۹

۱- «وَجِئَهَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ»؛ (آل عمران (۳)، آیه ۴۵).

۲- تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۰.

۳- «الْمَهْدِيُّ، يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَأَطَالَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ وَلَدِي الْمَهْدِيُّ فَيَنْزِلَ رُوحُ اللَّهِ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيُصَلِّيَ خَلْفَهُ وَ تَشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ»؛ (كمال الدين و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۰، باب ۲۴، ح ۲۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۱، باب ۱، ح ۱۲).

درباره حضرت ایوب علیه السلام آنچه بیشتر مطرح است صبر و استقامت اوست که وقتی نعمت مال، نعمت فرزندان و نعمت سلامتی از او گرفته شد باز صبر و بردباری پیشه کرد و سپاس گذار نعمت های پروردگار بود.

درباره این موضوع در حدیثی که از ابوبصیر نقل شده، آمده است:

از امام موسی کاظم علیه السلام از بلاهای وارد بر حضرت ایوب علیه السلام در دنیا پرسیدم، که علت آن چه بود؟ فرمود: برای نعمت هایی بود که خداوند در دنیا به او عطا کرده بود و آن حضرت شکر آن را به جا می آورد. سپس فرمود: در آن زمان ابلیس می توانست تا نزدیکی عرش خدا برود. ابلیس وقتی دید سپاس نعمت حضرت ایوب علیه السلام بالا می رود، رشک ورزید و گفت: پروردگارا! ایوب شکر نعمت تو را به جا نیاورد مگر به دلیل آنچه از دنیا به او داده ای و اگر او را از آنها محروم کنی دیگر هرگز شکر نعمتی را به جا نخواهد آورد. به ابلیس گفته شد: تو را بر مال و فرزندان او مسلط کردم. (۱) ابلیس لعین خود را سریع به حضرت ایوب علیه السلام رسانید و مال و فرزندان او را نابود کرد. اما وقتی ابلیس مشاهده کرد تغییری در ایوب پیامبر حاصل نشد و هنوز او بنده ای شکر گذار است، گفت: خدایا ایوب می داند آنچه از دنیا از او گرفته ای به او باز می گردانی مرا بر بدن او مسلط کن. گفته شد: تو را بر بدن او، مگر بر قلب و زبان و چشمان و گوش هایش مسلط نمودم. ابلیس لعین سریع نزد حضرت ایوب آمد؛ چون می ترسید که رحمت پروردگار میان او و حضرت ایوب فاصله شود. وقتی بلاها از هر سو حضرت ایوب را فرا گرفت (ولی او با این حال شاکر خداوند بود) گروهی از یاران او به حضورش آمدند و گفتند: ای ایوب! کسی به این گونه بلاها گرفتار نمی شود مگر به دلیل کارهای زشت و زشت سیرتی و شاید تو گناهای مرتکب شدی و از ما پنهان داشتی. در این جا حضرت ایوب علیه السلام نتوانست سرزنش آنان را

ص: ۳۰

---

۱- پروردگار عزیز می خواست با سلطه ابلیس بر مال و برخی از جسم حضرت ایوب نه بر روح او، به ابلیس و دیگران نشان دهد که بنده اش ایوب در سختی ها چون خوشی ها سپاس گذار خداوند خواهد بود و اینکه علاوه بر افزودن بر مقام های حضرت ایوب او را به عنوان الگو و اسوه صبر و استقامت به آیندگان معرفی کند.

تحمل کند و رو به درگاه پروردگار استغاثه نمود. (۱)

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز دارای صبری چون صبر حضرت ایوب علیه السلام معرفی شده است. او که پدرانش یا با سمّ و یا با شمشیر برای برپایی حق به شهادت رسیده اند، دوران طولانی غیبت را تحمل می کند و بلاهایی را هر روز مشاهده می کند که از روی جهالت و نادانی به مردم جهان و جهان آفرینش می رسد و چون جدّش اسماعیل که در برابر فرمان خدای عزیز تسلیم بود (۲) تسلیم فرمان پروردگار حکیم است و منتظر است تا اجازه ظهورش را دهد که بیاید و نابسامانی ها را درمان کند و بیاید و آرامش و صلح و عدالت و پیشرفت انسانی را جایگزین خونریزی و فساد و نادانی کند و در یک جمله منتظر است که بیاید و پرچم حقی را که پیامبران و پدرانش به دنبال برپایی آن در گستره گیتی بودند، به اهتزاز در آورد.

ص: ۳۱

---

۱- علل الشرائع، ج ۱، ص ۷۶، باب ۶۵، ح ۵.

۲- وقتی حضرت ابراهیم به فرزندش اسماعیل رؤیای صادقه خود و فرمان پروردگار را درباره ذبح کردن او گفت و نظر او را خواست. پاسخ داد «یا أَبَتِ أَفْعَلُ مَا تُؤْمَرُ سَيَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ؛ ای پدرم؛ آنچه را مأموریت داری انجام ده، اگر خدا بخواهد به زودی مرا از شکیبایان خواهی یافت»؛ (الصافات (۳۷)، آیه ۱۰۲).

پیامبران از همدیگر ارث می بردند و وسایل و کتاب ها و علوم و حقایق آنان از یکی به دیگری منتقل می شد. در قرآن کریم می خوانیم: « و سلیمان از داوود ارث برد، و گفت: ای مردم! زبان پرندگان به ما آموزش داده شد و از هر چیزی به ما داده شده است، همانا این همان فضیلت آشکار است.» (۱)

و حضرت زکریا علیه السلام در سن پیری دست به دعا برمی دارد و از خدای مهربان می خواهد فرزندى به او عطا کند تا وارث او و فرزندان یعقوب پیامبر باشد. « پس از جانب خود سرپرستی (فرزندى) را به من ببخش که از من ارث برد و از خاندان یعقوب (نیز) ارث برد و پروردگارا! او را مورد رضایت قرار ده.» (۲)

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم وارث تمام پیامبران پیش از خود بود و این میراث در زمان رحلت ایشان به اولین وصی ایشان یعنی امیرمؤمنان علی علیه السلام منتقل شد و از ایشان به اوصیای بعدی انتقال یافت و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان آخرین وصی رسول گرامی اسلام که ملقب به «خاتم الاوصیاء» می باشد، صاحب تمامی این میراث است. او می آید و از این میراث برای رشد و هدایت انسان ها استفاده می کند.

ص: ۳۲

---

۱- «و وَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلَّمْنَا مَنطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ»؛ (النمل ۲۷)، آیه ۱۶).

۲- «فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا \* يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَ اجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا»؛ (مریم ۱۹)، آیه ۵-۶).

در قسمتی از حدیثی طولانی که از ابو حمزه ثمالی از امام محمد باقر علیه السلام-در باره امتداد نبوت و وصایت از حضرت آدم علیه السلام تا پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و اوصیای ایشان- نقل شده است، می خوانیم:

وقتی زمان رسالت حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم به پایان رسید و دوره ایشان کامل شد خدای بلند مرتبه به او وحی کرد: ای محمّد! دوره پیامبری تو تمام و روزهایت کامل شده است، پس دانشی که نزد تو است و ایمان و اسم اعظم و میراث علم و آثار علم نبوت را در اهل بیت خود نزد علی بن ابی طالب علیه السلام قرار بده. همانا من دانش و ایمان و اسم اکبر و میراث علم و آثار علم نبوت را از نسل تو قطع نمی کنم، همان طور که از خانه های پیامبرانی که میان تو و پدرت آدم علیه السلام بودند قطع نکردم. و این همان سخن خدای بلند مرتبه است که در قرآن کریم می خوانیم: « به یقین، خداوند، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم جهان برتری داده است، فرزندان آنی که برخی از آنان از برخی دیگرند، و خداوند شنوای داناست.» (۱)

در این فصل به برخی از میراث پیامبران علیهم السلام که همراه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، اشاره می شود.

### **الف) وارث پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم**

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که در آفرینش و اخلاق شبیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است، وارث ایشان نیز می باشد و همراه او هنگام ظهور پرچم، زره، سلاح، شمشیر، پیراهن، عمامه و چوبدستی رسول خدا خواهد بود. او در حالی که لباس و زره پیامبر اسلام را بر تن و عمامه ایشان را بر سر و شمشیر و عصای ایشان را بر دست دارد، می آید و پرچم شکست ناپذیر رسول گرامی اسلام را به اهتزاز در می آورد.

یعقوب بن سراج گوید:

از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم: گشایش شیعیان شما چه هنگام است؟ فرمود: وقتی

ص: ۳۳

---

۱- کافی، ج ۸، ص ۱۱۳، ح ۹۲. روایت از جهت سند معتبر است.

که فرزندان عباس با یکدیگر اختلاف کنند و حکومتشان به سستی گراید و کسانی به سلطنت ایشان طمع ورزند که آزی بدان نداشتند و عرب ها زنجیر اسارت خویش را باز کنند و هر نیرومندی قدرت خویش را آشکار سازد و شامی (سفیانی) ظهور کند و یمانی بیاید و حسنی جنبش به پا کند و صاحب الامر<sup>۴</sup> با میراث رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از مدینه به مکه رود. پرسیدم: میراث رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چیست؟ فرمود: شمشیر رسول خدا و زره و عمامه و پیراهن و چوبدستی و پرچم و سلاح و زین مخصوص ایشان. پس او در مکه شمشیر را از غلاف بیرون آورد و زره را بیوشد و پرچم را برافرازد و لباس و عمامه را بر تن کند و چوبدستی را به دست گیرد، و از خداوند برای ظهور خویش اجازه گیرد.<sup>(۱)</sup>

روایت های بسیاری به بیان میراث همراه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از رسول خاتم صلی الله علیه و آله و سلم پرداخته اند که به برخی از آنها به شرح ذیل اشاره می شود:

یکم. پرچم رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم همراه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. پرچمی که از پنبه و کتان و ابریشم نیست، بلکه از برگ درختان بهشت درست شده است. پرچمی که در روز بدر جبرئیل امین آن را آورد و رسول خدا آن را برافراشت و شکست سنگینی را نصیب مشرکان کرد. پرچمی که بعد از غزوه بدر به امیرمؤمنان علی علیه السلام داده شد و دیگر برافراشته نشد مگر در نبرد جمل در بصره که پیمان شکنان شکست سنگینی خوردند. پرچمی که شکست ناپذیر است و دیگر برافراشته نمی شود مگر به دست پر توان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و در نبردها شکست با آن معنایی ندارد.<sup>(۲)</sup> در این قسمت به دو حدیث اشاره می شود.

حدیث اول. از ابو خالد کابلی نقل شده است که گوید:

ص: ۳۴

۱- «سَيْفُ رَسُولِ اللَّهِ وَ دِرْعُهُ وَ عِمَامَتُهُ وَ بُرْدُهُ وَ قَصَبُ يَبُوءُ وَ رَأْيَتُهُ وَ لَامَتُهُ وَ سَرُجُهُ حَتَّى يَنْزِلَ مَكَّةَ فَيُخْرِجَ السَّيْفَ مِنْ غَمْدِهِ وَ يَلْبَسَ الدَّرْعَ وَ يَنْشُرَ الرِّايَةَ وَ الْبُرْدَةَ وَ الْعِمَامَةَ وَ يَتَنَاوَلُ الْقَصَبَ بِيَدِهِ وَ يَسْتَأْذِنَ اللَّهَ فِي ظُهُورِهِ...» (کافی، ج ۸، ص ۲۲۴، ح ۲۸۵). روایت از جهت سند معتبر است.

۲- برگرفته از حدیثی به نقل از امام جعفر صادق علیه السلام که در کتاب غیبت نعمانی، ص ۳۰۷، باب ۱۹، ح ۲ آمده است.



امام زین العابدین علیه السلام به من فرمود: ای ابا خالد؛ همانا فتنه‌هایی چون پاره‌های شب تار رخ خواهد داد و از آن‌ها نجات نیابند مگر کسی که خدا از او پیمان گرفته باشد. آنان چراغ‌های هدایت و چشمه سارهای دانش اند. خداوند آنان را از هر آشوب تاریک نجات می‌دهد. سپس فرمود: گویا صاحب شما را می‌بینم که بر فراز شهر نجف - پشت شهر کوفه (۱) - در میان سیصد و چند ده مرد خود را آشکار نموده است. جبرئیل طرف راست او و میکائیل سمت چپ او و اسرافیل پیش روی اوست. همراهش پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد که آن را گشوده است. با آن پرچم بر هیچ گروهی هجوم نیاورد مگر اینکه خدای عزیز آنان را نابود کند. (۲)

حدیث دوم. از ابو بصیر نقل شده است که گوید:

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که امیرمؤمنان علی علیه السلام و اهل بصره (در جنگ جمل) با هم برخورد نمودند، آن حضرت پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله را برافراشت؛ پس قدم‌های آنان به لرزه افتاد و هنوز آفتاب زرد نشده بود که گفتند: ای فرزند ابی طالب! ما ایمان آوردیم. در این هنگام فرمود: «اسیران را نکشید و کار زخمیان را یکسره نکنید (و آنان را به قتل نرسانید) و آن را که روی از جنگ برتافته و می‌گریزد دنبال نکنید و هر کس سلاح خود را بر زمین گذارد در امان است و هر کس در خانه خویش را ببندد، ایمن است» و چون روز صفین فرا رسید برافراشتن آن پرچم را از حضرت درخواست کردند ولی ایشان نپذیرفت. پس حسن و حسین علیهما السلام و عمار یاسر رحمه الله را نزد او واسطه قرار دادند، آن حضرت به فرزندش حسن فرمود: «پسر جانم؛ همانا برای این مردم مدتی مقرر شده است که بدان برسند و همانا این پرچم را کسی پس از من جز قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف

ص: ۳۵

۱- در آن زمان نجف شهری نبوده و شناخته نمی‌شد و به وسیله شهر کوفه معرفی می‌شد. این شهر در عصر ظهور به کوفه متصل و مرکز دولت کریمه خواهد شد.

۲- «كَأَنِّي بِصَاحِبِكُمْ قَدْ عَلَا فَوْقَ نَجْفِكُمْ بَطْهَرِ كُوفَانَ فِي ثَلَاثِمِائَةٍ وَبِضْعَةِ عَشَرَ رَجُلًا جَبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَمِيكَائِيلُ عَنْ شِمَالِهِ وَإِسْرَافِيلُ أَمَامَهُ مَعَهُ رَايَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَدْ نَشَرَهَا لَا يَهْوِي بِهَا إِلَى قَوْمٍ إِلَّا أَهْلَكَهُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ»؛ (أمالی شیخ مفید، ص ۴۵، مجلس ۶، ح ۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۳۵، باب ۴، ح ۳).

دوم. زره رسول اکرم صلی الله علیه و آله

زره رسول گرامی اسلام بر تن کسی راست در نمی آید مگر بر اندام کسی که می آید تا دولت کریمه را در گستره گیتی بر پا کند و جهانی سرشار از بندگی پروردگار و عدالت به ارمغان بیاورد. از باب نمونه به دو حدیث اشاره می شود.

حدیث اول. ابوبصیر گوید:

به امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم: فدایتان شوم می خواهم سینه و شانه های شما را لمس کنم. (۲) فرمود: انجام بده. پس بر سینه و شانه های حضرت دست کشیدم. فرمود: چرا ای ابا محمد؟ گفتم: فدایتان شوم از پدرتان شنیدم که می فرمود: همانا قائم گشاده سینه و میان شانه هایش باز و پهن است. فرمود: ای ابا محمد؛ همانا پدرم زره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را پوشید و آن بر زمین کشیده می شد و من آن را پوشیدم باز همان طور بود، ولی آن بر قامت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به اندازه خواهد بود. گویا بندهایش را به طرف دو حلقه آن بالا می برد و صاحب این امر نیست کسی که سنش از چهل گذشته باشد. (۳)

جمله آخر روایت به این معنا است که؛ من که سنم از چهل گذشته است و پیری بر چهره ام نمایان است نمی توانم قیام کننده با شمشیر باشم و او کسی است که وقتی می آید سیمایش چون انسان هایی است که کمتر از چهل سال سن دارند.

حدیث دوم. ابان بن تغلب از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود:

ص: ۳۶

۱- «يَا بَنِيَّ إِنَّ لِلْقَوْمِ مِدَّةً يَبْلُغُونَهَا وَإِنَّ هَذِهِ رَأْيَهُ لَا يَنْشُرُهَا بَعْدِي إِلَّا الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (الغيبه للنعماني، ص ۳۰۷، باب ۱۹، ح ۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۷، باب ۲۷، ح ۱۵۱).

۲- ابوبصیر که کنیه «یحیی بن قاسم» است چون روشندل بود با این کنیه صدایش می زدند و نمی توانست با چشم چهره و اندام حضرت را مشاهده کند.

۳- «يَا أَبَا مُحَمَّدٍ إِنَّ أَبِي لَيْسَ دِرْعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَكَانَتْ تُسَيِّحُ عَلَى الْأَرْضِ وَ إِنِّي لَيْسْتُ بِهَا فَكَانَتْ وَ كَانَتْ وَ إِنِّهَا تَكُونُ مِنَ الْقَائِمِ كَمَا كَانَتْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُشَمَّرَةً كَأَنَّهُ تَرْفَعُ نِطَاقَهَا بِحَلَقَتَيْنِ وَ لَيْسَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ جَازَ أَرْبَعِينَ» (بصائر الدرجات، ص ۱۸۸، باب ۴، ح ۵۶). روایت از جهت سند معتبر است.

گویا قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف فرجه را می بینم که بر نجف کوفه می باشد و زره رسول خدا صلی الله علیه و آله را به تن نموده است، پس زره را به تن خود حرکت دهد تا بر بدن در آید و آن را بیوشاند. (۱)

سوم. شمشیر رسول اکرم صلی الله علیه و آله

شمشیر و سلاح در میان اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چون تابوت عهد در میان بنی اسرائیل است که در هر خاندانی تابوت یافت می شد، پیامبری در آن خاندان بود. در قسمتی از روایتی که سعید سمان از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می کند، آمده است:

مثل سلاح در خاندان ما، مثل تابوت عهد در میان بنی اسرائیل است. شیوه بنی اسرائیل این بود که در بر درب هر خاندانی تابوت یافت می شد، پیامبری در آن خاندان بود و هر کس از ما سلاح را دریافت کند، امامت به او داده شود. (۲)

بنابراین همراهی میراث رزم پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نشان از امامت و وصایت ایشان است و این وسایل هنگام قیام با ایشان خواهد بود. در این قسمت برای نمونه به دو حدیث اشاره می شود.

حدیث اول. در قسمتی از روایتی که از ابوبصیر از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است، می خوانیم:

سپس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از مکه خارج نمی شود مگر همراه مانند حلقه. پرسیدم: حلقه چیست؟ فرمود: ده هزار نفر در حالی که جبرئیل طرف راست و میکائیل طرف چپ حضرت می باشند. سپس پرچم معروف که همان پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله (سحابه) است، را باز می کند و به اهتزاز در می آورد و زره رسول خدا صلی الله علیه و آله (سابقه) را بر تن و شمشیر رسول

ص: ۳۷

۱- «كَأَنِّي بِالْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامِ عَلَى نَجْفِ الْكُوفَةِ وَقَدْ لَبَسَ دِرْعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ فَجِيئْتُمْ بِهَا فَتَسْتَدِيرُ عَلَيْهِ...»؛  
کامل الزیارات، ص ۱۱۹، باب ۴۱، ح ۵). روایت از جهت سند معتبر است.

۲- «وَ مَثَلُ السَّلَاحِ فَيَنَا كَمَثَلِ التَّابُوتِ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ كَأَنَّ بُنُو إِسْرَائِيلَ فِي أَيِّ أَهْلِ بَيْتٍ وَجَدَ التَّابُوتَ عَلَى آبَائِهِمْ أَوْ تَوَا النُّبُوَّةَ وَ مَنْ صَارَ إِلَيْهِ السَّلَاحُ مِنَّا أُوتِيَ الْإِمَامَةَ»؛ (الكافی، ج ۱، ص ۲۳۲، ح ۱). روایت از جهت سند معتبر است.

خدا (ذوالفقار) را بر دوش قرار می دهد. (۱)

حدیث دوم. از علی بن أسباط نقل شده است که گوید:

فردی از امام جعفر صادق علیه السلام پرسید: فدایت شوم قائم چه وقت قیام می کند؟ فرمود: تمامی ما یکی بعد از دیگری قائم به فرمان خدای عزیز هستیم تا اینکه صاحب شمشیر بیاید، پس وقتی صاحب شمشیر آمد، وضعی غیر از این می آید. (۲)

چهارم. پیراهن و عمامه رسول اکرم صلی الله علیه و آله

عمامه رسول خدا صلی الله علیه و آله و پیراهن آن حضرت که در نبرد أحد بر تن مبارک شان بود، در زمان قیام بر اندام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود. از میان چندین روایت به دو حدیث اشاره می شود.

حدیث اول. در قسمتی از حدیثی که از ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است، درباره میراث همراه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می خوانیم:

بر تن او (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام قیام) پیراهن رسول خدا صلی الله علیه و آله که در روز أحد بر تن مبارک شان بود، می باشد و عمامه ایشان (سحاب) و زره اش زره رسول خدا (سابقه) و شمشیرش شمشیر رسول خدا (ذوالفقار) می باشد. (۳)

حدیث دوم. از یعقوب بن شعیب نقل شده است که گوید:

امام جعفر صادق علیه السلام به من فرمود: آیا پیراهن قائم را که با (بر تن داشتن) آن قیام می کند، نشانت ندهم؟ گفتم: چرا. گوید: پس امام جعبه ای را خواست و آن را گشود و از آن پیراهن کرباسی را بیرون آورده؛ آن را باز کرد که ناگاه دیدم در آستین چپ آن خونی

ص: ۳۸

۱- «عَشْرَةَ أَلْفِ رَجُلٍ جَبْرَيْلُ عَنْ يَمِينِهِ وَ مِيكَائِيلُ عَنْ شِمَالِهِ ثُمَّ يَهْزُ الرَّاْيَةَ الْجَلِيَّةَ وَ يَنْشُرُهَا وَ هِيَ رَاْيَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّحَابَةُ وَ دِرْعُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّابِغَةُ وَ يَتَّقَلَّدُ بِسَيْفِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الْفَقَارِ»؛ (سرور أهل الإیمان، ص ۹۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، باب ۲۶، ح ۸۱). توضیح: این شمشیر همان است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام تحویل داد.

۲- «كُلُّنَا قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ وَ أَحَدٌ بَعْدَ وَ أَحَدٍ حَتَّى يَجِيَّءَ صَاحِبُ السَّيْفِ فَإِذَا جَاءَ صَاحِبُ السَّيْفِ جَاءَ أَمْرٌ غَيْرُ هَذَا»؛ (تأویل الآيات الظاهرة، ص ۴۲۴؛ بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۱۸۹، باب ۱۰، ح ۴).

۳- «عَلَيْهِ قَمِيصٌ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ يَوْمَ أُحُدٍ وَ عِمَامَةٌ السَّحَابِ وَ دِرْعُهُ دِرْعُ رَسُولِ اللَّهِ السَّابِغَةُ وَ سَيْفُهُ سَيْفُ رَسُولِ اللَّهِ ذُو الْفَقَارِ»؛ (فضائل أمير المؤمنين علیه السلام، ص ۸۸، ح ۸۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۰، باب ۲۷،



است. پس فرمود: این پیراهن رسول خدا صلی الله علیه و آله است. در روزی که دندان های پیشین آن حضرت ضربه دید، آن را به تن داشت و قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در این پیراهن قیام خواهد کرد. (۱)

راوی گوید: من آن خون را بوسیدم و بر صورت خویش نهادم. سپس امام آن پیراهن را تا کرد و برداشت.

نکته

در کنار وراثت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله ایشان وارث اهل بیت علیهم السلام نیز می باشد و امامان معصوم وظیفه داشتند در آخر عمر امانت ها را به امام بعدی بسپارند. برای نمونه به دو حدیث اشاره می شود.

حدیث اول. برید عجلی گوید:

از امام محمد باقر علیه السلام درباره سخن خدای عزیز « إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ » (۲) سؤال کردم، فرمود: مقصود ما هستیم و آن اینکه امام پیشین به امام بعد از خود کتاب ها و دانش و سلاح را تحویل دهد. (۳)

حدیث دوم. معلی بن خنیس گوید:

از امام جعفر صادق علیه السلام درباره مقصود از سخن خدای عزیز « إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا » پرسیدم، فرمود: خداوند امام پیشین را فرمان داده است تا هر چیزی را که نزد اوست، به امام بعدی تحویل دهد. (۴)

ص: ۳۹

---

۱- «هَذَا قَمِيصُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الَّذِي عَلَيْهِ يَوْمَ ضَرْبَتِ رَبَائِعِيَّتِهِ وَفِيهِ يَقُومُ الْقَائِمُ»؛ (الغيبه للنعماني، ص ۲۴۳، باب ۱۳، ح ۴۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۵، باب ۲۷، ح ۱۱۸).

۲- «به راستی خدا به شما فرمان می دهد که امانت ها را به اهلش رد کنید و هنگامی که میان مردم داوری می کنید، به عدالت داوری کنید»؛ (النساء (۴)، آیه ۵۸).

۳- «إِنَّا عَنَّا أَنْ يُؤَدَّى الْأَوَّلُ إِلَى الْإِمَامِ الَّذِي بَعْدَهُ الْكُتُبُ وَالْعِلْمُ وَالسَّلَاحُ»؛ (الكافي، ج ۱، ص ۲۷۶، ح ۱) روایت از جهت سند معتبر است.

۴- «أَمَرَ اللَّهُ الْإِمَامَ الْأَوَّلَ أَنْ يَدْفَعَ إِلَى الْإِمَامِ الَّذِي بَعْدَهُ كُلَّ شَيْءٍ عِنْدَهُ»؛ (الكافي، ج ۱، ص ۲۷۷، ح ۴). روایت از جهت سند معتبر است.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان خاتم الاوصیاء و آخرین امام معصوم وارث تمام این امانت ها می باشد. به عنوان نمونه طبق غذای بهشتی حضرت زهرا علیها السلام همراه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد.

در حدیثی که از نجم بن حطیم از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده، به این طبق غذای بهشتی اشاره شده است.

خلاصه روایت چنین است:

حضرت فاطمه علیها السلام کارهای خانه چون؛ خمیر درست کردن، نان پختن و جارو نمودن خانه را به عهده گرفت و علی علیه السلام کارهای بیرون خانه چون آوردن هیزم و خوراک را پذیرفت. روزی علی علیه السلام به حضرت فاطمه فرمود: یا فاطمه؛ آیا غذایی داری؟ پاسخ داد: نه؛ - به کسی که حق تو را بزرگ داشت - سه روز است نزد ما غذایی که برایت بیاورم، پیدا نمی شود. فرمود: چرا مرا با خبر نکردی؟ پاسخ داد: رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا باز داشت از اینکه چیزی از تو بخواهم و فرمود: اگر چیزی آورد که خوب و گرنه چیزی از او نخواه. امیرمؤمنان از خانه خارج شد و از مردی دیناری قرض نمود. در راه مقدار را دید، از او پرسید در این ساعت برای چه بیرون آمدی؟ گفت: گرسنگی. امیرمؤمنان دینار را به او داد و به خانه برگشت. دید رسول خدا نشسته و فاطمه نماز می خواند و میان آن دو چیزی پوشیده قرار دارد. بعد از نماز آن چیز را آورد و آن ظرف غذایی از نان و گوشت بود. فرمود: یا فاطمه؛ «أَنْتِ لَكِ هَذَا» این از کجا آمده است؟ فرمود: «هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ»<sup>(۱)</sup> این از طرف خداوند است؛ همانا خدا هر کس را بخواهد بدون حساب روزی می دهد. رسول خدا فرمود: آیا به مانند تو و مانند این غذا سخن نگویم؟ پاسخ داد: بله. فرمود: مانند زکریا وقتی در محراب بر مریم داخل شد نزد او غذایی یافت. گفت: ای مریم: این از کجا برایت آمده است؟! گفت: این از طرف خداوند است. همانا خدا هر کس را بخواهد بدون حساب روزی می دهد. از آن ظرف غذا یک ماه خوردند و آن ظرف غذایی است که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف از آن می خورد و آن نزد ما است.<sup>(۲)</sup>

در روایتی دیگر که از جابر بن یزید از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است، به این ظرف غذای

ص: ۴۰

۱- اشاره به آیه ۳۷ سوره آل عمران.

۲- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۱، ح ۴۱؛ بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۳۱، باب ۳، ح ۳۸.

حضرت فاطمه علیها السلام اشاره شده است و در پایان حدیث امام محمد باقر علیه السلام می فرماید: « آن طبق نزد ماست و قائم ما علیه السلام آن را در زمان خود بیرون می آورد.»<sup>(۱)</sup>

### (ب) وارث پیامبران علیهم السلام

میراث پیامبران گذشته به پیامبر خاتم، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و از ایشان به جانشینان معصوم او و از آنان به آخرین شان خاتم الأوصیاء حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به ارث رسیده است. برای نمونه به برخی از این میراث اشاره می شود.

یکم. علوم و دانش پیامبران

هر آنچه که پیامبران و برگزیدگان خداوند از علوم و دانش ها در اختیار داشتند و در مسیر هدایت انسان ها از آن ها استفاده می نمودند، همه در اختیار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گرفته و می گیرد تا از آن در مسیر رشد انسان ها و برقراری حکومت صالحان در تمامی جهان استفاده کند.

حارث بن مغیره گوید: شنیدم ابا عبد الله (امام جعفر صادق) علیه السلام می فرمود:

همانا دانشی که با آدم علیه السلام نازل شد برداشته نشد و عالمی (و حجّتی) نمی میرد مگر اینکه دانشش را به ارث می گذارد. همانا زمین بدون عالم نمی ماند.<sup>(۲)</sup>

دوم. کتاب های آسمانی

تمام کتاب های آسمانی که بر پیامبران نازل شده است، همراه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود تا برای اتمام حجّت و هدایت بشر از آنها استفاده کند. در این قسمت به برخی از آنها که اهمیت بیشتری دارند و نامشان در قرآن کریم آمده است، اشاره می شود.

ص: ۴۱

---

۱- «وَالصَّحْفَةُ عِنْدَنَا يَخْرُجُ بِهَا قَائِمُنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي زَمَانِهِ»؛ (کافی، ج ۱، ص ۴۶۰، ح ۷؛ بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۶۳، باب ۳، ح ۵۵).

۲- «إِنَّ الْعِلْمَ الَّذِي نَزَلَ مَعَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يُرْفَعْ وَ مَيَاتِ عَالِمٍ إِلَّا وَ قَدْ وَرَثَ عِلْمَهُ إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَبْقَى بِغَيْرِ عَالِمٍ»؛ (کافی، ج ۱، ص ۲۲۳، ح ۸). روایت از جهت سند معتبر است.



## ۱. تورات

تورات کتابی است که بعد از قرآن کریم کامل ترین کتاب آسمانی است که بر بشر نازل شده است و حضرت موسی علیه السلام بعد از چهل شبانه روز عبادت لایق گرفتن آن از طرف پروردگار عزیز شد. و نام آن بارها در قرآن کریم آمده است. در قرآن مجید درباره آن می خوانیم:

« و برای او در صفحه های (تورات) پندی از هر چیزی و شرحی برای هر چیزی نگاشتیم. پس آن را با توانمندی بگیر و به قومت فرمان بده که نیکوترینش را فرا گیرند و عمل کنند.» (۱)

و یا می خوانیم: « و کتاب موسی در حالی که پیشوا و رحمتی بود، پیش از آن (قرآن فرود آمده) است، و این کتابی است به زبان عربی، که مؤید (تورات) است، تا کسانی را که ستم کردند هشدار دهد و مژده ای برای نیکوکاران باشد.» (۲)

تورات اصلی از بین رفت و تورات فعلی که بعدها نوشته شد، دارای تحریفاتی است و یکی از تحریف های مهم آن حذف و تحریف نام پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله از آن می باشد به دلیل اینکه آن حضرت از میان بنی اسرائیل مبعوث نشد و از فرزندان اسماعیل بود با اینکه بنی اسرائیل او را مانند فرزندانشان می شناختند. که در آیات مختلف قرآن کریم به این حقیقت اشاره شده است. (۳)

## ۲. انجیل

انجیل کتاب حضرت عیسی علیه السلام است که نام آن بارها در قرآن کریم آمده است. این کتاب هم اکنون در اختیار ما نیست و فقط نوشته هایی از شاگردان حضرت عیسی به نام انجیل در دسترس است. درباره این کتاب در قرآن کریم می خوانیم:

« و عیسی پسر مریم را به دنبال آثار آنان (پیامبران) فرستادیم، در حالی که مؤید تورات پیش از او بود و انجیل را به او دادیم که در آن رهنمود و نور است و آن تصدیق کننده

ص: ۴۲

---

۱- «و كَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَ تَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَ أْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا»؛ (اعراف (۷)، آیه ۱۴۵).

۲- «وَ مِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَ رَحْمَةً وَ هَذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِّسَانِ عَرَبِيًّا لِيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَ بُشْرَى لِلْمُحْسِنِينَ»؛ (الأحقاف (۴۶)، آیه ۱۲).

۳- بقره (۲)، آیات ۸۹-۹۱ و ۱۴۶؛ انعام (۶)، آیه ۲۰.

زبور کتاب حضرت داوود علیه السلام است که در دو آیه به این مطلب با عبارت « و به داوود زبور را دادیم» (۲) اشاره شده است. در این کتاب بنا بر صریح آیه قرآن کریم وعده ظهور حضرت مهدی و برپایی حکومت صالحان مطرح شده است. در آیه ۱۰۵ سوره انبیاء می خوانیم:

((وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛ و به یقین در زبور بعد از ذکر نوشتیم که: بندگان شایسته ام، زمین را به ارث خواهند برد.))

در تورات فعلی کتابی به نام «مزامیر داوود» آمده و در آن حکومت صالحان مطرح شده است.

این کتاب ها همراه سایر کتاب های آسمانی به همان شکلی که نازل شدند، در اختیار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار خواهند گرفت. در روایتی که از جابر بن یزید از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده به این میراث اشاره شده است.

جابر گوید: مردی بر امام محمد باقر علیه السلام وارد شد و گفت: خداوند تو را سلامت بدارد، این پانصد درهم را از من بگیر که زکات مال من است. امام به او فرمود: خودت آن را نگهدار و به همسایگانت که مسلمانند و برادران ایمانی که نیازمندند، بده. سپس فرمود:

هنگامی که قائم ما قیام کرد، به طور مساوی تقسیم و در میان مردم چه نیکوکار و چه بدکار با دادگری رفتار می کند. پس هر کس از او اطاعت کند، خدا را فرمان برده و هر کس او را نافرمانی کند، خدا را نافرمانی نموده است و همانا برای این مهدی نامیده شد، زیرا به امری پنهان هدایت می کند و تورات و سایر کتاب های خدا را از غاری در انطاکیه (۳) بیرون می آورد، پس نزد

ص: ۴۳

---

۱- «وَقَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَ نُورٌ وَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ»؛ (المائدة، (۵)، آیه ۴۶).

۲- «وَ آتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا»؛ (النساء، (۴)، آیه ۱۶۳؛ الإسراء، (۱۷)، آیه ۵۵).

۳- انطاکیه شهری در کشور ترکیه است که دارای آب و هوای خوش و محصولات کشاورزی و مرکزی تجاری است.

اهل تورات با تورات و میان اهل انجیل با انجیل و بین اهل زبور با زبور و برای اهل فرقان(۱) با فرقان داوری می کند.(۲)

سوّم. یادگاری های با ارزش پیامبران

علاوه بر علوم و کتاب های آسمانی و معجزات فرستادگان خدا، برخی چیزها از یادگاری های با ارزش پیامبران محسوب می شود. آنها در اختیار حجّت زمان قرار می گیرد تا نشانی از حقانیت او و واجب بودن فرمانبری از او باشد. به برخی از این یادگاری های ارزشمند به شرح ذیل اشاره می شود.

#### ۱. انگشتر حضرت سلیمان علیه السلام

حضرت سلیمان علیه السلام یکی از پیامبران خدا است که هفده بار نام او در قرآن کریم آمده است. او که از پیامبران بنی اسرائیل شمرده می شود، ادامه دهنده شریعت حضرت موسی علیه السلام در زمان خود بود. آنچه که او را از سایر پیامبران خدا جدا می سازد حکومت او است. حضرت سلیمان دارای چنان حکومتی بود که هیچ کدام از حاکمان دنیا چنین حکومتی را تجربه نکرده بودند. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با ارث بردن حکومتی برتر از حکومت سلیمانی انگشتر او را نیز به ارث می برد. در این قسمت به دو حدیث اشاره می شود.

حدیث اول. از ابوالجارود از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود:

هنگامی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند با پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله و انگشتری سلیمان علیه السلام و سنگ و عصای حضرت موسی علیه السلام ظهور خواهد کرد.(۳)

ص: ۴۴

---

۱- «فرقان» نامی از نام های قرآن کریم است که به معنای جدا کننده حق از باطل می باشد. در نقل نعمانی به جای «الفرقان»، «القرآن» آمده است. (الغیبه للنعمانی، ص ۲۳۷، باب ۱۳، ح ۲۶).

۲- «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا فَإِنَّهُ يَقْسِمُ بِالسَّوِيَةِ وَ يَعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ الْبَرِّ مِنْهُمْ وَ الْفَاجِرِ فَمَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ فَإِنَّمَا سُمِّيَ الْمَهْدِيُّ لِأَنَّهُ يُهْدَى لِأَمْرِ خَفِيِّ يَسْتَخْرِجُ التَّوْرَةَ وَ سَائِرَ كُتُبِ اللَّهِ مِنْ غَارٍ بَأَنْطَاكِيَّةٍ فَيَحْكُمُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَةِ بِالتَّوْرَةِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِالْإِنْجِيلِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الزَّبُورِ بِالزَّبُورِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْفُرْقَانِ بِالْفُرْقَانِ...» (علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۶۱، باب ۱۲۹، ح ۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۹، باب ۲، ح ۲).

۳- «إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ظَهَرَ بَرَايَهُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ خَاتَمِ سُلَيْمَانَ وَ حَجَرِ مُوسَى وَ عَصَاهُ...» (الغیبه للنعمانی، ص ۲۳۸، باب ۱۳، ح ۲۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۱، باب ۲۷، ح ۱۰۵).

حدیث دوم. ریان بن صلت گوید: به امام رضا علیه السلام گفتم: آیا شما صاحب الامر هستید؟ فرمود: من صاحب الامر هستم، اما آن کسی که زمین را از عدل پر سازد همچنان که لبریز از ستم شده باشد، من نیستم و چگونه او باشم در حالی که ناتوانی بدن مرا می بینی حال آنکه قائم در سنّ پیران و سیمای جوانان قیام می کند و به قدری نیرومند است که اگر دستش را سوی بزرگترین درخت روی زمین دراز کند، آن را از جای بر کند و اگر بین کوه ها فریاد بر آورد، صخره های آن ها فرو پاشند. ایشان در ادامه فرمود:

«عصای موسی و خاتم سلیمان با اوست، او چهارمین از فرزندان من است...»<sup>(۱)</sup>

## ۲. پیراهن حضرت یوسف علیه السلام

پیراهن حضرت یوسف علیه السلام که یعقوب پیامبر علیه السلام بوی آن را از مصر استشمام کرد در اختیار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود. در حدیثی که از مفضل بن عمر نقل شده است، درباره این موضوع می خوانیم:

از امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: آیا می دانی که پیراهن یوسف علیه السلام چه بود؟ گفتم: نه. فرمود: چون برای ابراهیم علیه السلام آتش افروختند جبرئیل برای او پیراهنی بهشتی آورد و آن را بر تن او کرد و گرما و سرما بر وی اثر نمی کرد و چون وفاتش فرا رسید آن را در گردن آویزی قرار داد و بر اسحاق آویخت و او نیز بر یعقوب آویخت و چون یوسف به دنیا آمد، بر او آویخت و در بازویش بود تا کارش به آنجا رسید که شنیده اید و چون یوسف در مصر آن پیراهن را از بسته اش بیرون آورد، یعقوب بوی آن را شنید و آن همان قول خدای عزیز است که در حکایت از یعقوب می فرماید: «اگر مرا خطاکار ندانید

ص: ۴۵

---

۱- «يَكُونُ مَعَهُ عَصَا مُوسَى وَ خَاتَمُ سُلَيْمَانَ ذَاكَ الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي ...»؛ (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۶، باب ۳۵، ح ۷). روایت از جهت سند معتبر است. توضیح درباره عصا و سنگ حضرت موسی علیه السلام ان شاء الله در بخش دوم کتاب، فصل استفاده از قدرت اعجازی، قسمت قدرت های اعجازی حضرت موسی علیه السلام خواهد آمد.

من بوی یوسف را استشمام می کنم.»<sup>(۱)</sup> و آن همان پیراهنی است که از بهشت فرود آمد. گفتم: فدای شما شوم اکنون آن پیراهن در نزد کیست؟ فرمود: در دست اهل آن است و هنگام قیام قائم ما همراه اوست. سپس فرمود: علم یا هر چیز دیگری که پیامبران به ارث گذاشته اند، به محمد صلی الله علیه و آله رسیده است.<sup>(۲)</sup>

ص: ۴۶

---

۱- «وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَنْ تُفَنِّدُونِ»؛ (یوسف (۱۲)، آیه ۹۴).

۲- «إِلَىٰ أَهْلِهِ وَهُوَ مَعَ قَائِمِنَا إِذَا خَرَجَ ثُمَّ قَالَ كُلُّ نَبِيٍّ وَرِثَ عِلْمًا أَوْ غَيْرَهُ فَقَدِ انْتَهَىٰ إِلَىٰ مُحَمَّدٍ ۙ»؛ (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۴، باب ۵۸، ح ۲۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷، باب ۲۷، ح ۴۵).

بخش دوم: سیره پیامبران در وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

ص: ۴۷

ویژگی هایی از پیامبران و فرستادگان پروردگار چون خفای ولادت، پنهان زیستی، طول عمر و ... در سیره و وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جاری شده است. بیان این شباهت ها توسط اهل بیت علیهم السلام برای این است که نشان دهند این رخدادها درباره صاحب الزمان امر تازه ای نیست و در گذشته اتفاق افتاده است و به این وسیله پذیرش آنها برای ما آسان شود و با بردباری در راه حق ثابت قدم بمانیم. همان طور که این روش در قرآن کریم اجرا شده است که از پیامبر گرامی اسلام و مؤمنان می خواهد چون پیامبران و پیروانشان در راه حق استوار باشند.

خدای عزیز خطاب به پیامبر گرامی اسلام می فرماید اگر مشرکان تو را دروغگو شمردند و انواع آزارها را نسبت به تو روا داشتند، پیامبران پیش از تو نیز تکذیب شدند و انواع آزارها را چشیدند و همان گونه که آنان صبر کردند شما نیز شکیا باشید. در قرآن کریم خطاب به رسول اسلام می خوانیم.

« و اگر (ای پیامبر) تو را تکذیب می کنند، پس به یقین پیش از آنان، قوم نوح و عاد و ثمود (پیامبرانشان را) تکذیب کردند. » (۱)

و در آیه ای دیگر می خوانیم: « پس (ای پیامبر) شکیا باش همان طور که اولوا العزم از پیامبران شکیبایی کردند و برای (عذاب) آنان شتاب نکن، گویا آنان روزی که آنچه وعده داده شده اند (از عذاب) را می بینند، جز ساعتی از روز درنگ نکرده اند. » (۲)

در این بخش به بیان این ویژگی ها و سیره رفتاری مشترک میان پیامبران علیهم السلام و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در فصل های جداگانه می پردازیم.

ص: ۴۸

۱- «وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودٌ»؛ (الحج (۲۲)، آیه ۴۲).

۲- «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرُونَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ»؛ (الأحقاف (۴۶)، آیه ۳۵).

یکی از ویژگی های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پنهانی میلاد ایشان است که در این موضوع شبیه پیامبرانی چون حضرت ابراهیم و حضرت موسی ۸ است. خفای میلاد پیامبران علیهم السلام و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به شرح ذیل بررسی می شود.

### الف) خفای میلاد حضرت ابراهیم علیه السلام

کاهنان به نمرود خبر دادند؛ به زودی نطفه کودکی بسته می شود که نابودی ما به دست اوست. پادشاه بابل برای جلوگیری از به دنیا آمدن آن کودک، از آمیزش مردان با زنان جلوگیری کرد. اما بعد از مدتی به او خبر دادند، نطفه او بسته شده است. به دستور او قابله ها زنان را از جهت بارداری بررسی کردند، ولی در مادر حضرت ابراهیم علیه السلام نشان بارداری دیده نشد تا اینکه ابراهیم خلیل مخفیانه به دنیا آمد و به دور از مردم -درون غاری- رشد کرد و بزرگ شد. (۱)

یکی از شباهت های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به حضرت ابراهیم علیه السلام مخفی بودن ولادت معرفی شده است. در کتاب های تاریخی و روایی می خوانیم: خلفای ستمگر عباسی از روایت ها با خبر شدند که مردی از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله به نام «مهدی» به دنیا خواهد آمد و ظلم و ستم را از بین می برد. آنان امام دهم و یازدهم علیهما السلام را به پادگان نظامی بردند تا از نزدیک مراقب شان باشند و وقتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دنیا آمد، او را از میان بردارند. ولی او پنهانی به دنیا آمد و تا هنگام

ص: ۴۹

---

۱- برگرفته از؛ قصص الأنبياء راوندی، ص ۱۰۳، الباب الرابع فی نبوه ابراهیم، ح ۹۵.



می‌لاد نشانه بارداری در مادرشان دیده نشد و حتی نزدیکان امام حسن عسکری به جز عمه ی او - آن هم در شب میلاد- از به دنیا آمدن این کودک آگاهی نداشتند. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران کودکی نیز چون حضرت ابراهیم علیه السلام پنهانی زندگی نمود و جز افراد اندکی از وجود او با خبر نبودند. (۱)

از سعید بن جبیر از امام زین العابدین علیه السلام نقل شده است که ایشان هنگام بیان سنت های جاری از پیامبران در وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، درباره سنت حضرت ابراهیم علیه السلام در وجود ایشان فرمود:

«... و اما (سنت جاری) از حضرت ابراهیم علیه السلام (در حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) مخفی بودن میلاد است.» (۲)

### ب) خفای میلاد حضرت موسی علیه السلام

کاهنان به فرعون خبر دادند؛ کودکی در بنی اسرائیل به دنیا خواهد آمد و تخت تو را واژگون می کند. فرعون دستور پاره کردن شکم زنان باردار و کشتن کودکان پسر بنی اسرائیل را داد. ولی پروردگار توانا حضرت موسی علیه السلام را نزد فرعون و در دامن مادرش بزرگ کرد و قدرت خود را به فرعونیان نشان داد. در سوره قصص درباره این جریان می خوانیم:

و به مادر موسی وحی کردیم که: او را شیر ده و هنگامی که بر (جان) او ترسیدی، پس وی را در دریا بیفکن و نترس و اندوهگین مباش، چرا که ما او را به سوی تو باز می گردانیم، و وی را از فرستادگان (خود) قرار می دهیم. و فرعونیان او را (از آب) برگرفتند، تا سرانجام برای آنان دشمنی و (مایه) اندوهی شود! در حقیقت فرعون و هامان و لشکریان شان خطا کار بودند. و زن فرعون گفت: (این نوزاد) روشنی چشمی برای من و برای توست! او را نکشید، امید است که برای ما سودمند باشد، یا او را به

ص: ۵۰

- 
- ۱- ر.ک: کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۲۴، باب ما روی فی میلاد القائم صاحب الزمان (۴۲)؛ إثبات الوصیه، ص ۲۵۲.
  - ۲- «... وَ أَمَّا مِنْ إِبْرَاهِيمَ فَخَفَاءُ الْوَلَدِ...» (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۱، باب ۳۱، ح ۳؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۲۲).

فرزندى برگزينيم. در حالى كه آنان (با درك حسي) متوجه نمى شدند! (كه موسى كيست). و دل (سوزان) مادر موسى (از هر چيز، جز فكر فرزند) تهى گشت و اگر دل او را محكم نكرده بوديم، تا از مؤمنان باشد، قطعاً نزديك بود آن (راز) را فاش كند. و (مادر موسى) به خواهر او گفت: (وضع) او را پيگيرى كن. پس از دور آن (نوزاد) راديد، در حالى كه آنان متوجه نمى شدند. و از پيش، (شير) دايمه ها را بر او ممنوع كرديم و (خواهر موسى به فرعونيان) گفت: آيا شما را به خاندانى راهنمايى كنم كه او را براى شما سرپرستى كنند، در حالى كه آنان خيرخواه او هستند؟! و او را به سوى مادرش بازگردانيم تا چشمش روشن شود و غمناك نباشد، و تا بداند كه وعده خدا حق است ولى بيشتر (مردم) ان نمى دانند. (۱)

در حديثى كه از سدير صيرفى از امام جعفر صادق عليه السلام نقل شده است درباره شباهت حضرت مهدى عجل الله تعالى فرجه الشريف به حضرت موسى عليه السلام در مخفى بودن ميلاد مى خوانيم:

« قَدَرَ مَوْلَاهُ تَقْدِيرَ مَوْلِدِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ خداوند ميلاد حضرت مهدى عجل الله تعالى فرجه الشريف را مانند تولد حضرت موسى عليه السلام قرار داد.»

سپس ايشان در توضيح اين مطلب فرمود:

اما ميلاد حضرت موسى عليه السلام: وقتى فرعون فهميد كه نابودى پادشاهى او به وسيله حضرت موسى است، دستور داد كاهنان را حاضر كنند. آنان او را از نسب حضرت موسى عليه السلام آگاه كردند و گفتند: او از بنى اسرائيل است. فرعون پيوسته به كار گزاران خود دستور مى داد كه شكم زنان باردار بنى اسرائيل را پاره كنند تا اينكه براى دست يابى به او بيست و چند هزار نوزاد را به قتل رساند، ولى نتوانست به كشتن حضرت موسى - به

ص: ۵۱

۱- «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَمَاذَا خَفَتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَ لَمَّا تَخَافِي وَ لَمَّا تَخْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَ جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ فَالْتَفَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَ حَزَنًا إِنَّ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِبِينَ \* وَ قَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتْ عَيْنٌ لِي وَ لَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ \* وَ أَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَارِعًا إِنْ كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْ لَا أَنْ رَبَّنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ \* وَ قَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ فَبَصُرَتْ بِهِ عَنْ جُنُبٍ وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ \* وَ حَرَمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَ هُمْ لَهُ نَاصِحُونَ \* فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَ لَا تَحْزَنَ وَ لَتَعْلَمَنَّ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»؛ (قصص (۲۸)، آيات ۷-۱۳).

دلیل حفاظت خدای بلند مرتبه از او- دست یابد. همچنین بنی امیه و بنی عباس وقتی با خبر شدند نابودی پادشاهی و حکومت ستمگرانه آنان به وسیله قائم از ما است، به دشمنی با ما برخاستند و شمشیرهایشان را در قتل خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و نابودی نسل او قرار دادند تا بتوانند به کشتن قائم اهل بیت دست یابند، ولی خدای عزیز امر خود را برای هیچ یک از ستمگران روشن نمی کند تا اینکه نور خود را کامل کند گرچه مشرکان را ناخوش آید. (۱)

روایت های دیگری از اهل بیت علیهم السلام اشاره به این شباهت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به حضرت موسی علیه السلام دارند که به شرح ذیل بیان می شوند.

حدیث اول. از محمد بن مسلم از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است، که امام فرمود:

«... و اما شباهت ایشان به حضرت موسی علیه السلام پنهانی بودن میلادش است.» (۲)

حدیث دوم. از عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است که امام فرمود:

در قائم سنتی از موسی بن عمران است. عبدالله بن سنان پرسید: آن چیست؟ امام پاسخ داد: «... مخفی بودن ولادت و پنهان شدن از قوم خود.» (۳)

### ج) مخفی بودن میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

#### اشاره

در روایت های اهل بیت علیهم السلام مخفی بودن میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مدّت ها قبل از به دنیا آمدن ایشان گزارش شده بود که برخی از آنها در ذیل شباهت ایشان با حضرت ابراهیم و موسی ۸ بیان شد و همچنین از امام سجاد علیه السلام نقل شده است که فرمود:

«قائم از ما میلادش از مردم پنهان است به صورتی که می گویند: هنوز به دنیا نیامده

ص: ۵۲

---

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۵، باب ۳۳، ح ۵۱؛ الغیبه للطوسی، ص ۱۶۸.

۲- «... وَ أَمَّا شَبَهُهُ مِنْ مُوسَى ... وَ حَفَءٍ وَ لَأَدَاتِهِ ...» (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۷، باب ۳۲، ح ۷؛ منتخب الأنوار المضية، ص ۱۷۶).

۳- «... حَفَءٍ مَوْلِدِهِ وَ غَيْبَتِهِ عَنْ قَوْمِهِ ...» (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴، باب ۳۳، ح ۱۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۱۶، باب ۱۳، ح ۲).

آن امام غایب مخفیانه در سامراء، پادگان نظامی عباسیان به دنیا آمد و نشان بارداری در مادر شان نرجس خاتون دیده نشد و در کودکی نیز او را از دید ستمگران پنهان داشتند.

درباره این جریان از حکیمه دختر امام جواد علیه السلام نقل شده است که گوید: امام حسن عسکری علیه السلام مرا به نزد خود فراخواند و فرمود: ای عمّه؛ امشب افطار نزد ما باش که شب نیمه شعبان است و خدای عزیز امشب حجت خود را آشکار می کند که او حجّتش بر روی زمین خواهد بود. گفتم: مادر او کیست؟ فرمود: نرجس. گفتم: فدای شما شوم اثری از بارداری در او نیست. فرمود: همین است که می گویم. حکیمه گوید: افطار آمدم و چون سلام کردم و نشستم، نرجس آمد کفش مرا بردارد و گفت: ای بانوی من و بانوی خاندانم حالتان چطور است؟ گفتم: تو بانوی من و بانوی خاندان من هستی. او از سخن من ناراحت شد و گفت: ای عمّه جان! این چه فرمایشی است؟ گفتم: دختر جان؛ خدای مهربان امشب به تو فرزندی عطا می فرماید که در دنیا و آخرت آقا است. نرجس حیا نمود و خجالت کشید. چون نماز عشا را خواندم، افطار نمودم و در بستر رفته و خوابیدم. نیمه شب برای ادای نماز برخاستم و آن را به جای آوردم در حالی که نرجس هنوز خوابیده بود و نشانه ای در او نبود. سپس برای تعقیبات نشستم و پس از آن دراز کشیدم و ناگهان هراسان بلند شدم، ولی او همچنان خواب بود. سپس او برخاست و نماز گزارد و خوابید. حکیمه گوید: بیرون آمدم و در جستجوی فجر به آسمان نگریستم. دیدم فجر اول دمیده و او هنوز خواب است، در دلم شک افتاد. ناگاه ابو محمد (۲) علیه السلام از محلّ خود فریاد زد: ای عمّه! شتاب مکن که آن امر نزدیک است. گوید: نشستم و در آن حال مشغول خواندن سوره سجده و یس شدم که نرجس هراسان بیدار شد. با شتاب نزد او رفتم و گفتم: درود خدا بر تو، آیا چیزی احساس می کنی؟ گفت: ای عمّه! آری. گفتم: خودت را جمع کن و دلت را استوار دار، آن همان است که

ص: ۵۳

۱- «الْقَائِمُ مِنَّا تَخْفَى وَ لَادَتُهُ عَلَى النَّاسِ حَتَّى يَقُولُوا لَمْ يُوَلَدْ بَعْدُ...»؛ (کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۲۲؛ إعلام الوری، ص ۴۲۸).

۲- کنیه امام حسن عسکری علیه السلام.

به تو گفتم. حکیمه گوید: من و نرجس را ضعیفی فرا گرفت و با صدای سرورم به خود آمدم، پارچه را از روی کودک کنار زدم، دیدم او در حال سجده است و سجده گاه هایش بر زمین قرار دارد. در آغوشش گرفتم، دیدم پاک و پاکیزه است. در آن حال ابا محمد علیه السلام صدا زد: ای عمه! فرزندم را نزد من آور. او را پیش امام بردم، امام کودک را در دستانش قرار داد و پاهای او را بر سینه خود نهاد، سپس زبانش را در دهان او گذارد و دستش را بر چشمان و گوش و مفاصل های او کشید، سپس فرمود: ای فرزندم! سخن بگو. نوزاد فرمود: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» سپس درود بر امیرمؤمنان و امامان علیهم السلام فرستاد تا آنکه بعد از بردن نام پدرش ساکت شد. ابا محمد علیه السلام فرمود: ای عمه! او را نزد مادرش ببر تا بر او سلام کند، آنگاه نزد من آور. پس او را بردم و بر او سلام نمود، سپس بازگرداندم و در مجلس نهادم. امام فرمود: ای عمه؛ چون روز هفتم فرا رسید نزد ما بیا. حکیمه گوید: چون صبح شد آمدم تا بر او و ابومحمد سلام کنم و پرده را کنار زدم تا حال آقا (کودک) را جویا شوم، ولی او را ندیدم. گفتم: فدای شما شوم، سرورم چه می کند؟ فرمود: ای عمه! او را به کسی سپردم که مادر موسی حضرت موسی علیه السلام را به وی سپرد. حکیمه گوید: چون روز هفتم فرا رسید، آمدم و سلام کردم و نشستم. فرمود: فرزندم را به نزد من آور. من سرورم را آوردم و او در پارچه ای قرار داشت. امام با او چون بار اول رفتار نمود و زبانش را در دهان او گذاشت، گویا شیر و عسل به وی می خوراند. سپس فرمود: ای فرزندم! سخن بگو. او فرمود: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان و امامان معصوم علیهم السلام درود فرستاد و بعد از بردن نام پدرش این آیه را تلاوت فرمود:

« و می خواهیم که بر کسانی که در زمین مستضعف شده بودند، ممت گذاریم و آنان را پیشوایان (زمین) گردانیم و آنان را وارثان قرار دهیم. و در زمین به آنان امکانات دهیم و به فرعون و هامان و لشکریانشان آنچه را همواره از آنان ترس داشتند، بنمایانیم. (۱)» (۲)

ص: ۵۴

۱- «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ \* وَ نَمُكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ»؛ (قصص (۲۸)، آیات ۵-۶).

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۲۴، باب ما روی فی میلاد القائم صاحب الزمان (۴۲)، ح ۱.

با توجه به تحت نظر بودن امام حسن عسکری علیه السلام در شهر سامراء که اکثر ساکنان آن نظامی بودند و تمامی کارهای امام گزارش می شد، ایشان علاوه بر مخفی کردن فرزند خود، وظیفه داشت او را برای جانشینی، مخفیانه به شیعیان بشناساند. برخی از روش های پنهانی امام برای معرفی فرزندش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به شرح ذیل می باشد.

یکم. بشارت امام حسن عسکری علیه السلام به ولادت فرزند

امام قبل از به دنیا آمدن فرزندش بشارت به دنیا آمدن او را به برخی شیعیان مورد اعتماد می داد. ابو هاشم می گوید: با امام حسن عسکری علیه السلام در زندان «مهدی» خلیفه عباسی بودم. امام به من فرمود: این ستمگر امشب تصمیم می گیرد که با تقدیر خدا بازی کند و مرا بکشد، ولی عمرش کفاف نخواهد داد و من فرزندی ندارم، ولی به زودی خداوند به لطفش فرزندی به من خواهد داد. ابو هاشم گوید: وقتی صبح شد، با خبر شدیم ترک های دربار «مهدی» را کشته و «معمد» را جای او نشانده اند. (۱)

دوم. خبر دادن امام حسن عسکری علیه السلام از میلاد فرزند

وقتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دنیا آمد، امام یازدهم علیه السلام خبر به دنیا آمدن او را به برخی از شیعیان مورد اعتماد داد. به عنوان نمونه وقتی او به دنیا آمد، نامه ای از سوی امام حسن عسکری علیه السلام برای احمد بن اسحاق اشعری که از عالمان اهل قم بود، فرستاده شد که به خط امام یازدهم و مشابه سایر نامه های ایشان بود. در آن نامه آمده بود: «برای ما فرزندی متولد شده است. خبر را نزد خود مخفی دار و مردم را آگاه نکن. ما این امر را مگر برای خویشان و دوستان آشکار نمی کنیم. خواستیم خبر آن را به تو اعلام کنیم تا خدای عزیز تو را شاد کند همچنان که ما را خوشحال کرد. والسلام.» (۲)

سوم. قربانی کردن امام حسن عسکری علیه السلام برای فرزند

ص: ۵۵

۱- إثبات الوصیه، ص ۲۵۲.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۳۳، باب ۴۲، ح ۱۶.

سنت عقیقه یکی از سنت های اسلامی است که برای حفظ و تندرستی فرزند گوسفندی قربانی می شود. اما امام یازدهم علیه السلام برای شناساندن فرزندش دستور قربانی تعداد زیادی گوسفند را داد و گوشت آنها را میان افراد قابل اعتماد به عنوان عقیقه برای فرزندش پخش کرد. (۱) محمّد بن ابراهیم کوفی گوید: امام حسن عسکری علیه السلام برای یکی از کسانی که نامش را برایم ذکر کرد، گوسفند سر بریده ای فرستاد و فرمود: این از عقیقه فرزندم محمّد است. (۲)

چهارم. نشان دادن کودک به یاران قابل اعتماد

یکی از روش های امام حسن عسکری علیه السلام برای معرفی جانشین خود، نشان دادن او به پیروان قابل اعتماد بود به صورتی که حاکمان عباسی از آن آگاه نشوند.

معاویه بن حکیم و محمّد بن ایوب و محمّد بن عثمان گویند: ما چهل نفر در منزل امام جمع شدیم. او فرزندش را به ما نشان داد و فرمود:

این امام شما پس از من و خلیفه من بر شماست، از او پیروی کنید و پس از من در دین خود پراکنده نشوید که هلاک خواهید شد. بدانید که بعد از این او را نخواهید دید. آنان گویند: از حضور امام بیرون آمدیم و پس از چند روز امام حسن عسکری علیه السلام در گذشت. (۳)

ص: ۵۶

---

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۳۰، باب ما روی فی میلاد القائم صاحب (۴۲)، ح ۶.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵، باب ۱، ح ۱۷.

۳- إعلام الوری؛ ج ۲، ص ۲۵۲.

انجام رسالت به صورت پنهانی از زمان شیث پیامبر که فرزند حضرت آدم علیه السلام بود، گزارش شده است. در حدیثی که از مسعده بن صدقه از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است، امام در بیان سخن خدای عزیز « مردم، امتی یگانه بودند؛ پس خداوند پیامبران را نوید آور و بیم دهنده برانگیخت. » (۱) فرمود:

این سخن مربوط به دوره قبل از حضرت نوح علیه السلام است. فردی پرسید: آیا آن زمان همه اهل هدایت بودند؟ فرمود: بلکه گمراه بودند زیرا وقتی حضرت آدم علیه السلام از دنیا رفت و ذریّه او با هم زندگی می کردند حضرت شیث علیه السلام به عنوان وصی آدم ابوالبشر باقی ماند، ولی شیث پیامبر توان آشکار نمودن دین الهی که حضرت آدم علیه السلام و فرزندان درستکار او بر آن بودند را نداشت و دلیل آن تهدید به قتل از طرف قابیل بود، همان طور که برادرش هابیل را به قتل رساند، پس دین خدا به صورت پنهانی و مخفیانه در آمد و هر روز بر گمراهی مردم افزوده می شد. (۲)

مسعودی آورده است: قابیل به شیث پیامبر گفت: می دانم تو صاحب امر هستی و پدر به تو وصیت کرده و علوم را در اختیار تو گذارده است، ولی اگر چیزی اظهار کنی و بگویی تو را به برادرت هابیل ملحق می کنم. برای همین هبه الله (شیث) راز داری کرد و تقیه پیش گرفت تا

ص: ۵۷

۱- «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ»؛ (بقره (۲)، آیه ۲۱۳).

۲- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۰۴، ح ۳۰۹.



زمان آمدن قیام قائم به حق (حضرت نوح) فرا رسد. (۱)

پنهان زیستی و تبلیغ دین حق به صورت مخفیانه در زندگی بسیاری از پیامبران بعد از حضرت شیث علیه السلام نیز واقع شده و این سنت درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز رخ داده است.

در روایتی که از ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است، می خوانیم:

« همانا سنت های پیامبران در آنچه از غیبت ها درباره آنها رخ داده است در قائم از ما اهل بیت به همان شکل واقع می شود. » (۲)

در این فصل چگونگی پنهان زیستی برخی از پیامبران خدا که در روایت های اهل بیت علیهم السلام به آنها پرداخته شده است، به شرح ذیل بیان می شود.

### الف) نهان زیستی و کناره گیری حضرت ابراهیم علیه السلام

حضرت ابراهیم علیه السلام از آغاز تولد برای حفظ جان در نهان و به دور از چشم مردم در غاری زندگی نمود. او وقتی بزرگ شد برای دعوت قوم خود به سوی یکتا پرستی تلاش فراوانی کرد، ولی آنان بر بت پرستی خود باقی ماندند. حضرت ابراهیم علیه السلام وقتی دید دعوت و سخنانش در آنان تأثیری ندارد، از ستمگران و بت پرستان فاصله گرفت و جدا شد و به صورت ناشناس به زندگی خود و هدایت مردم ادامه داد. در قرآن کریم آمده است:

« و از شما و از آنچه غیر از خدا می خوانید کناره می گیرم و پروردگارم را می خوانم. امیدوارم که در خواندن پروردگارم ناامید نباشم. » (۳)

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کناره گیری از ستمگران و به صورت ناشناس زندگی کردن شبیه حضرت ابراهیم علیه السلام معرفی شده است. یعنی گرچه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف میان مردم و پیروان به صورت ناشناس رفت و آمد می کند و به امور آنان و هدایت پنهانی می پردازد، ولی چون جدش

ص: ۵۸

---

۱- «إِنَّ سُنَنَ الْأَنْبِيَاءِ بِمَا وَقَعَ بِهِمْ مِنَ الْعَجَائِبِ حَدِيثُهُ فِي الْقَائِمِ مِمَّا أَهَلَ الْبَيْتِ حَذَوُ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَالْقُدَّةُ بِالْقُدَّةِ...»؛ (اثبات الوصیه، ص ۲۴).

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۵، باب ۳۳، ح ۳۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۴۶، باب ۶، ح ۱۵.

۳- «وَأَعْتَزِلْكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا»؛ (مریم، آیه ۴۸).

حضرت ابراهیم علیه السلام از ستمگران فاصله و کناره می گیرد.

در حدیثی که از امام زین العابدین علیه السلام نقل شده است، می خوانیم: در قائم ما سنت هایی از پیامبران است. در این حدیث در بیان سنت جاری از حضرت ابراهیم علیه السلام در وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده است:

« و اما (سنت جاری) از حضرت ابراهیم علیه السلام (در قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف) مخفی بودن میلاد و کناره گیری از مردم است. » (۱)

### ب) پنهان زیستی حضرت یوسف علیه السلام

حضرت یوسف علیه السلام یکی از پیامبران خدا از نسل حضرت ابراهیم علیه السلام است که نام او بیست و هفت بار در قرآن کریم آمده و سوره ای به نام او و بیان حوادث زندگی او در آن مطرح شده است. حضرت یوسف علیه السلام با صفت هایی چون اخلاص و یکرنگی (۲)، حکمت و دانش (۳)، محسن و نیکوکار (۴)، اهل تقوا و صبر (۵) اهل عفو و بخشش (۶) و ویژگی های برجسته دیگر در قرآن کریم ستوده شده است. در روایت هایی از اهل بیت علیهم السلام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شبیه حضرت یوسف علیه السلام معرفی شده و در بیان چگونگی شباهت؛ ناشناس و پنهان زیستی یوسف پیامبر مطرح شده است که به شرح ذیل به برخی از آنها اشاره می شود.

برادران یوسف به خاطر حسادت، برادرشان را به چاه انداختند. او توسط کاروانیان از چاه نجات یافت و از آن وقت به صورت ناشناس زندگی می نمود و پدر و خاندانش از مکان او با خبر نبودند. ناشناس زندگی کردن یوسف پیامبر ادامه داشت تا وقتی که عزیز مصر شد و برادرانش برای

ص: ۵۹

۱- «وَأَمَّا مِنْ إِبْرَاهِيمَ فَخَفَاءَ الْوِلَادَةِ وَاعْتَرَأَ النَّاسِ»؛ (إعلام الوری، ص ۴۲۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۱۷، باب ۱۳، ح ۴).

۲- «إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ»؛ (یوسف (۱۲)، آیه ۲۴).

۳- «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا»؛ (یوسف (۱۲)، آیه ۲۲).

۴- «وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ.» و آیه ۵۶؛ «وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»؛ (یوسف (۱۲)، آیه ۲۲).

۵- «إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»؛ (یوسف (۱۲)، آیه ۹۰).

۶- «قَالَ لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمْ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»؛ (یوسف (۱۲)، آیه ۹۲).

گرفتن گندم به مصر آمدند و با او چند بار ملاقات کردند و سخن گفتند. حضرت یوسف علیه السلام آنان را شناخت، ولی آنان او را نشناختند و او بعد از مدتی خود را به آنان معرفی کرد. در قرآن کریم می خوانیم:

« و برادران یوسف آمدند و بر او وارد شدند؛ پس او آنان را شناخت، ولی آنان او را نشناختند. » (۱)

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در پنهان زندگی کردن این گونه است. یعنی در میان مردم حضور دارد و رفت و آمد می کند و همگان را می شناسد، ولی او را نمی شناسند و تا هنگام ظهور به إذن پروردگار این گونه خواهد بود و زندگانی پنهانی اش ادامه خواهد داشت. روایت هایی از اهل بیت علیهم السلام به بیان این شباهت می پردازند که به برخی از آنها به شرح ذیل اشاره می شود.

حدیث اول. ا محمد بن مسلم می گوید: وارد مجلس امام محمد باقر علیه السلام شدم و می خواستم درباره قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف از ایشان بپرسم. امام قبل از پرسش من فرمود: ای محمد بن مسلم! قائم آل محمد شبیه پنج تن از پیامبران است. ایشان درباره شباهت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به یوسف پیامبر علیه السلام فرمود:

و امّی شباهت او به یوسف بن یعقوب ۸ غایب شدن از نزدیکان و عموم مردمی که او را می شناختند، بود و مخفی شدن از برادران و پوشیده بودن امر او بر پدرش با وجود آنکه مسافت بین او و پدر و خاندان و شیعیانش کم بود. (۲)

حدیث دوم. ابویصیر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

همانا در صاحب این امر سنتت هایی از پیامبران است. سنتی از موسی بن عمران علیه السلام و سنتی از حضرت عیسی علیه السلام و سنتی از حضرت یوسف علیه السلام و سنتی از حضرت محمد صلی الله علیه و آله.

ص: ۶۰

---

۱- «وَجَاءَ إِخْوَهُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَ هُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ»؛ (یوسف (۱۲)، آیه ۵۸).

۲- «وَأَمَّا شَبَهُهُ مِنْ يُوسُفَ بْنِ يَعْقُوبَ فَالْعَبِيَّةُ مِنْ خَاصَّتِهِ وَ عَامَّتِهِ وَ اخْتِفَاؤُهُ مِنْ إِخْوَتِهِ وَ إِشْكَالُ أَمْرِهِ عَلَى أَبِيهِ يَعْقُوبَ مَعَ قُرْبِ الْمَسَافَةِ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَبِيهِ وَ أَهْلِهِ وَ شَبِيحَتِهِ»؛ (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۷، باب ۳۲، ح ۷؛ منتخب الأنوار المضيئه، ص ۱۷۶).

ایشان در بیان سنت جاری از یوسف پیامبر در وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

و اما سنت او از حضرت یوسف علیه السلام پوشش است که خداوند میان او و مردم حجابی قرار می دهد که او را می بینند، ولی نمی شناسند. (۱)

حدیث سوم. سدید صیرفی گوید: شنیدم امام جعفر صادق علیه السلام می فرمود: همانا در صاحب این امر شباهتی از حضرت یوسف علیه السلام است. گویا شما زنده ماندن یا پنهان زیستی او را یاد می فرمایید؟ فرمود:

این مردم خوک صفت انکار نمی کنند که برادران یوسف پیامبر، نوادگان و فرزندان پیامبران بودند و با حضرت یوسف علیه السلام که برادرشان بود و آنها هم برادر او بودند، تجارت و داد و ستد کردند و با او سخن گفتند، ولی وی را نشناختند تا آن گاه که گفت: من یوسفم و این هم برادر من است. پس چرا این مردم نفرین شده انکار می کنند که خدای عزیز در روزگاری آن را درباره حجتش انجام دهد؛ چنانکه بر یوسف انجام داد. یوسف روزی عزیز مصر بود و بین او و پدرش هجده روز فاصله بود و اگر خدای بلند مرتبه می خواست که مکان وی را به او نشان دهد، می توانست. همانا وقتی به حضرت یعقوب علیه السلام و فرزندانش مژده رسید، نه روزه خودشان را به مصر رسانیدند. (۲)

### ج) پنهان زیستی حضرت موسی علیه السلام

موسی بن عمران از دوران کودکی که در دربار فرعون زندگی می کرد، به صورت ناشناس می زیست و فرعون و درباریان و مردم نمی دانستند او همان کسی است که تخت فرعون را

ص: ۶۱

۱- «وَأَمَّا سَيِّئَتُهُ مِنْ يُوسُفَ فَالَسُّتُرُ يَجْعَلُ اللَّهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْخَلْقِ حِجَابًا يَرَوْنَهُ وَ لَمَّا يَعْرِفُونَهُ»؛ (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۰، باب ۳۳، ح ۴۶؛ إثبات الهداه بالنصوص والمعجزات، ج ۵، ص ۹۰، ح ۱۵۸).

۲- «وَمَا يُنْكِرُ مِنْ ذَلِكَ هَذِهِ الْأُمَّةُ أَشْبَاهُ الْخَنَازِيرِ إِنَّ إِخْوَةَ يُوسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانُوا أَشْبَاطًا أَوْلَادَ الْأَنْبِيَاءِ تَاجَرُوا يُوسُفَ وَبَايَعُوهُ وَخَاطَبُوهُ وَهُمْ إِخْوَتُهُ وَهُوَ أَخُوهُمْ فَلَمْ يَعْرِفُوهُ حَتَّى قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي فَمَا تُنْكِرُ هَذِهِ الْأُمَّةُ الْمُلْعُونَةُ أَنْ يَفْعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِحُجَّتِهِ فِي وَقْتٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ كَمَا فَعَلَ بِيُوسُفَ إِنَّ يُوسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ إِلَيْهِ مُلْكُ مِصْرَ وَكَانَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ وَالِدِهِ مَسِيرَةٌ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ يَوْمًا فَلَوْ أَرَادَ أَنْ يُعَلِّمَهُ لَقَدَرَ عَلَى ذَلِكَ لَقَدْ سَارَ يَعْقُوبُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوُلْدُهُ عِنْدَ الْبِشَارَةِ تَسْبِيعَةَ أَيَّامٍ مِنْ بَدْوِهِمْ إِلَى مِصْرَ...»؛ (الكافي، ج ۱، ص ۳۳۶، باب في الغيبة، ح ۴). روایت از جهت سند معتبر است.

واژگون می کند. این ناشناس زندگی کردن حضرت موسی علیه السلام ادامه پیدا کرد تا زمانی که بعد از کشتن آن فرد قبطی به سوی شهر مدین گریخت و باز به زندگی پنهانی خود ادامه داد تا اینکه به پیامبری برگزیده شد و به مصر برای ابلاغ رسالت آمد.

در روایت های اهل بیت علیهم السلام یکی از شباهت های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به حضرت موسی علیه السلام غیبت و نمان زبستی معرفی شده است. به دو روایت اشاره می شود.

حدیث اول. از محمد بن مسلم نقل شده است که گوید: وارد مجلس امام محمد باقر شدم و می خواستم درباره قائم آل محمد از ایشان پرسم. امام قبل از پرسش من فرمود: ای محمد بن مسلم! قائم آل محمد شبیه پنج تن از پیامبران است. ایشان درباره شباهت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به حضرت موسی علیه السلام فرمود:

و اما شباهت او به حضرت موسی علیه السلام ادامه داشتن ترس و طولانی بودن غیبت و نمان بودن میلاد و رنج پیروان پس از (غیبت) اوست که آزار و خواری می بینند تا آنکه خدای عزیز اجازه ظهور دهد و او را یاری و بر دشمنانش پیروز کند. (۱)

حدیث دوم. از عبدالله بن سنان نقل شده است که گوید: شنیدم امام جعفر صادق علیه السلام درباره شباهت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به حضرت موسی علیه السلام می فرمود:

در قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف سنتی از موسی بن عمران علیه السلام است. پرسیدم: سنت موسی بن عمران چیست؟ فرمود: مخفی بودن ولادت و پنهان شدن از قوم خود. پرسیدم؛ حضرت موسی علیه السلام چه مدتی از خاندان و قوم خود پنهان بود؟ فرمود: بیست و هشت سال. (۲)

#### (د) غیبت حضرت عیسی علیه السلام

ص: ۶۲

۱- «... وَ أَمَّا شَبَهُهُ مِنْ مُوسَى فَدَوَامُ خَوْفِهِ وَ طُولُ غَيْبَتِهِ وَ خَفَاءُ وِلَادَتِهِ وَ تَعَبُ شَيْعَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ بِمَا لَقُوا مِنَ الْأَذَى وَ الْهَوَانِ إِلَى أَنْ أَدَانَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي ظُهُورِهِ وَ نَصِيرَتِهِ وَ أَيْدِيهِ عَلَى عِبَادِهِ...»؛ (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۷، باب ۳۲، ح ۷؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۲۳).

۲- «فِي الْقَائِمِ سِنَّةٌ مِنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فَقُلْتُ: وَ مَا سِنَّةُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ؟ قَالَ خَفَاءُ مَوْلِدِهِ وَ غَيْبَتُهُ عَنْ قَوْمِهِ. فَقُلْتُ: وَ كَمْ غَابَ مُوسَى عَنْ أَهْلِهِ وَ قَوْمِهِ؟ قَالَ ثَمَانِي وَ عِشْرِينَ سَنَةً»؛ (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۵۲، باب ۶، ح ۱۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۱۶، باب ۱۳، ح ۲).

یکی از شباهت های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به حضرت عیسی علیه السلام غیبت و پنهان زیستی طولانی است. حضرت عیسی به بیان صریح قرآن کریم کشته نشد، بلکه هنوز زنده است و در زمان ظهور حضرت مهدی از آسمان نازل می شود و به یاری او می شتابد. نکته ای که در شباهت حضرت مهدی به حضرت عیسی در غیبت است طولانی بودن غیبت این دو برگزیده پروردگار است و گرنه بنا بر روایت ها حضرت عیسی در آسمان زندگی می کند، ولی حضرت مهدی در زمین و در میان مردم رفت و آمد می نماید و مشابَهت دیگر غیبت شان را می توان در اختلاف مردم درباره آن دو به خاطر غیبت برشمرد، همانگونه که در حدیث ذیل به آن اشاره شده است.

از سدید صیرفی از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است که درباره شباهت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به حضرت عیسی علیه السلام در غیبت فرمود: «... وَقَدَرَ غَيْبَتَهُ تَقْدِيرَ غَيْبَةِ عِيسَى ...»؛ و خداوند غیبت حضرت مهدی را مانند غیبت حضرت عیسی قرار داد. سپس در توضیح غیبت حضرت عیسی و اختلاف مردم درباره او و حضرت مهدی فرمود: و اما غیبت حضرت عیسی علیه السلام: یهودیان و مسیحیان اتفاق بر این دارند که او کشته شده است، ولی خدای بلند مرتبه آنان را با این سخن تکذیب کرد: «و آنان او را نکشتند و به صلیب نکشیدند، لیکن امر بر آنان مشتبه شد» (۱) غیبت قائم نیز چنین است... (۲)

توضیح بیشتر در چگونگی اختلاف درباره آنان در بخش سوم، فصل دوم به خواست خدا خواهد آمد.

## ه) غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دوران کودکی به صورت پنهانی زندگی نمود و در دوره امامتشان نیز این غیبت ادامه پیدا کرد. غیبت امام مهدی به معنای پوشیده بودن ایشان از دیدگان مردم است. او در میان مردم زندگی می کند، در کوچه و خیابان و خانه های مردم رفت و آمد می کند، بر آنان

ص: ۶۳

۱- «وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ»؛ (نساء، ۴)، آیه ۱۵۷.

۲- «وَأَمَّا غَيْبَةُ عِيسَى فَإِنَّ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى اتَّفَقَتْ عَلَى أَنَّهُ قُتِلَ وَكَذَّبَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِقَوْلِهِ «وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ» كَذَلِكَ غَيْبَةُ الْقَائِمِ عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ...»؛ (الغیبه للطوسی، ص ۱۶۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۱۹، باب ۱۳، ح ۹).

سلام می کند؛ ولی او را نمی بیند یا می بیند، ولی نمی شناسند.

از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل شده است که به حذیفه بن یمان فرمود:

«... (حضرت مهدی) گفتار مردم را می شنود و بر ایشان سلام می کند، می بیند و تا وقت معین و رسیدن وعده پروردگار و ندا ندا دهنده از آسمان دیده نمی شود...» (۱)

و عبدالله بن جعفر حمیری گوید: شنیدم نایب خاص دوّم ابو جعفر محمّد بن عثمان فرمود:

«به خدا سوگند، صاحب این امر هر سال در مراسم حج حاضر می شود، او مردم را می بیند و آنان را می شناسد و مردم ایشان را می بینند، ولی نمی شناسند.» (۲)

دوران غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دو دوره تقسیم می شود. دوره نخست از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ق آغاز شد و تا سال ۳۲۹ق (نزدیک هفتاد سال) ادامه پیدا کرد. این دوره از غیبت به «غیبت صغری» یا «کوتاه مدت» معروف است. دوره دوّم غیبت از سال ۳۲۹ق با درگذشت چهارمین نایب خاص شروع شد و تاکنون ادامه دارد. این دوره از غیبت به «غیبت کبری» یا «غیبت طولانی» معروف است.

اسحاق بن عمار گوید: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

برای قائم دو غیبت است؛ یکی از آن دو کوتاه مدت و دیگری بلند مدت است. در غیبت اوّلی از مکانش کسی جز خواص شیعه با خبر نمی شود و در غیبت دیگر از مکانش کسی جز خواص خدمت گذاران کسی با خبر نمی شود. (۳)

روایت های بسیار دیگری درباره نهان زیستی و ناشناس زندگی کردن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و کناره گیری ایشان از مردم، توسط اهل بیت علیهم السلام به دست ما رسیده است که از باب نمونه به دو

ص: ۶۴

۱- «تَسْمَعُ الْكَلَامَ وَ تُسَلِّمُ عَلَى الْجَمَاعَةِ تَرَى وَ لَا تُرَى إِلَى الْوَقْتِ وَ الْوَعْدِ وَ نِدَاءِ الْمُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ»؛ (الغیبه للنعمانی، ص ۱۴۲، باب ۱۰، ح ۳؛ بحار الأنوار، ج ۲۸، ص ۷۰، باب ۲، ح ۳۱).

۲- «وَاللَّهِ إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ لَيُخْضِرُ الْمَوْسِمَ كُلَّ سَنَةٍ فَيَرَى النَّاسَ وَ يَعْرِفُهُمْ وَ يَرَوْنَهُ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ»؛ (كمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۴۰، ح ۸). روایت از جهت سند معتبر است.

۳- «لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا قَصِيرَةٌ وَ الْأُخْرَى طَوِيلَةٌ الْغَيْبَةُ الْأُولَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ شَبِيحَتِهَا وَ الْأُخْرَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ مَوَالِيَهُ»؛ (الكافی، ج ۱، ص ۳۴۰، باب فی الغیبه، ح ۱۹). روایت از جهت سند معتبر است.

حدیث اشاره می شود.

از امام حسن مجتبی علیه السلام درباره پنهان زیستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده است که فرمود:

... آیا نمی دانید که هر یک از ما مجبور به بیعت با ستمگر زمانش است مگر قائمی که روح الله عیسی بن مریم به او اقتدا می کند؛ همانا خداوند میلاد او را مخفی و شخص او را پنهان می دارد... (۱).

و در حدیثی دیگر که از ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است درباره پنهان زیستی و کناره گیری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از مردم می خوانیم:

« به ناچار برای صاحب این امر غیبتی است و به ناچار در غیبت او کناره گیری است... » (۲).

بنابر آنچه بیان شد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چون جدش حضرت ابراهیم علیه السلام از ستمگران فاصله و کناره می گیرد و چون حضرت یوسف علیه السلام میان مردم و پیروانش حضور دارد، ولی به صورت ناشناس زندگی می کند تا وقتی که پروردگار اذن ظهور دهد.

ص: ۶۵

---

۱- «... أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّهُ مَا مِنَّا أَحَدٌ إِلَّا وَ يَقَعُ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لَطَاعِيهِ زَمَانِهِ إِلَّا الْقَائِمُ الَّذِي يُصَلِّي رُوحَ اللَّهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ خَلْفَهُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُخْفِيهِ وَلِمَادَتُهُ وَيُعَيِّبُ شَخْصَهُ... »؛ (كمال الدين و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۵، باب ۲۹، ح ۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲، باب ۳، ح ۱).

۲- «لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبِهِ وَلَا بُدَّ لَهُ فِي غَيْبَتِهِ مِنْ عَزْلِهِ... »؛ (الكافي، ج ۱، ص ۳۴۰، بَابُ فِي الْغَيْبَةِ، ح ۱۶). روایت از جهت سند معتبر است.



یکی دیگر از موارد شباهت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با پیامبران خدا مشابَهت در چرایی پنهان زیستی است. فرستادگان پروردگار وقتی جانشان در خطر بود و شهادتشان فایده ای برای دین نداشت و بلکه بر عکس باعث در خطر افتادن آیین حق می شد، خود را مخفی می کردند تا در زمان مناسب تمام تلاششان را برای برپایی دین حق انجام دهند.

در این فصل به بررسی این موضوع در سیره برخی از پیامبران خدا علیهم السلام و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می پردازیم.

### الف) ترس و فرار حضرت موسی علیه السلام

از سنت های جاری حضرت موسی علیه السلام در وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیمناسکی و نگران بودن است. حضرت موسی برای حفظ جان خود به صورت ناشناس در میان قبطیان زندگی کرد. او بعد از کشتن یکی از قبطیان از طرف آنان شناسایی شد و در حالی که می ترسید و نگران از دستگیری بود، از مصر گریخت و به سوی شهر مدین رفت. در آیاتی از قرآن کریم به این ترس و نگرانی حضرت موسی و فرار او به سوی شهر مدین اشاره شده است.

در سوره قصص به جریان کشته شدن مرد قبطی به دست حضرت موسی علیه السلام اشاره شده است و اینکه فردای آن روز حضرت موسی در شهر هراسان و نگران از جریان روز پیش بود که همان مرد بنی اسرائیلی که دیروز از او کمک خواسته بود باز با یکی دیگر از پیروان فرعون درگیر بود و از حضرت موسی کمک می خواست. موسای کلیم به او فرمود: به راستی تو در گمراهی آشکاری هستی. و وقتی خواست به یاری او برود، مرد قبطی به حضرت موسی گفت: آیا

می خواهی مرا به قتل رسانی؛ همان طور که دیروز مردی را کشتی؟ در آن هنگام مردی دوان دوان از آن طرف شهر آمد و بقیه جریان این گونه در قرآن کریم آمده است:

«(و) گفت: ای موسی! سران قوم درباره تو مشورت می کنند تا تو را بکشند. پس (از شهر) خارج شو. من جداً از خیرخواهان تو هستم. موسی ترسان و نگران از آنجا بیرون رفت (در حالی که می) گفت: پروردگارا؛ مرا از گروه ستم کاران نجات بخش.» (۱)

و در سوره شعراء درباره فرار به سوی شهر مدین از زبان حضرت موسی علیه السلام -وقتی با فرعون گفتگو می کند- می خوانیم: «و چون از شما ترسیدم، از شما گریختم.» (۲)

روایت هایی از اهل بیت علیهم السلام به بیان این شباهت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به حضرت موسی علیه السلام پرداخته اند که به شرح ذیل به برخی از آنها اشاره می شود.

حدیث اول. از سعید بن جبیر نقل شده است که گوید: امام زین العابدین علیه السلام فرمود: در قوائم از ما سنت هایی از پیامبران است. ایشان در بیان سنت حضرت موسی علیه السلام در وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

«... و اما از حضرت موسی علیه السلام ترس و غیبت است...» (۳)

حدیث دوم. ابوبصیر گوید: شنیدم امام محمد باقر علیه السلام می فرمود:

در صاحب این امر سنتی از حضرت موسی علیه السلام و سنتی از حضرت عیسی علیه السلام و سنتی از حضرت یوسف علیه السلام و سنتی از حضرت محمد صلی الله علیه و آله است. سپس ایشان درباره سنت جاری از حضرت موسی علیه السلام در وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

«و اما از حضرت موسی علیه السلام ترس و نگرانی است.» (۴)

ص: ۶۷

---

۱- «قالَ يا مُوسى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»؛ (قصص (۲۸)، آیات ۲۰ و ۲۱).

۲- «فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ»؛ (شعراء (۲۶)، آیه ۲۱).

۳- «... وَ أَمَّا مِنْ مُوسَىٰ فَأَلْخَوْفُ وَ الْغِيْبَةُ...»؛ (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۱، باب ۳۱، ح ۳؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۷، باب ۱۳، ح ۴).

۴- «فَأَمَّا مِنْ مُوسَىٰ فَخَائِفٌ يَتَرَقَّبُ»؛ (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۵۲، باب ۶، ح ۱۶). روایت از جهت سند معتبر است.

حدیث سؤم. امام محمد باقر علیه السلام در بیان نشانه های قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای جابر بن یزید به چگونگی حاکم شدن سفیانی بر شام اشاره می کند و اینکه سفیانی لشگری به سوی شهر مدینه برای یافتن و دستگیری حضرت مهدی می فرستد. در ادامه می فرماید:

پس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از مدینه به سوی مکه می رود. فرمانده لشگر سفیانی وقتی با خبر می شود حضرت مهدی به سوی مکه رفته است سپاهی به دنبال او می فرستد. اما قبل از دستیابی آنان، حضرت مهدی هراسان و نگران مانند موسی بن عمران وارد مکه می شود. (۱)

در این حدیث معتبر فرار حضرت مهدی از لشگر سفیانی و رفتن به شهر مکه معظمه مانند فرار حضرت موسی از دست فرعونیان و رفتن به شهر مدین معرفی شده است. یعنی روش حضرت مهدی همان روش حضرت موسی است که در موقع خطر جان خود را نجات می دهد و در هنگام قدرت همان طور که حضرت موسی با فرعونیان مقابله کرد با سفیانی و لشگر او مقابله و آنان را نابود می کند.

### ب) مخفی شدن پیامبر گرامی اسلام در غار ثور

قبایل مشرکان مکه تصمیم گرفتند که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله را به قتل رسانند. از هر قبیله فردی برای این کار تعیین شد. افراد تعیین شده خانه پیامبر اکرم را شبانه محاصره کردند. از آن طرف پیک وحی به رسول اسلام خبر توطئه مشرکان را داد و پیامبر مأمور شد شبانه از مکه فرار کند. در قرآن کریم می خوانیم:

«و (یاد کن) هنگامی را که کسانی که کفر ورزیدند با تو فریبکاری کردند، تا تو را به زندان افکنند، یا تو را به قتل رسانند، یا تو را (از مکه) بیرون کنند، و (نقشه می کشند و) فریبکاری

ص: ۶۸

---

۱- «فَيَنْفِرُ الْمُهْدِيُّ مِنْهَا إِلَى مَكَّةَ فَيَبْلُغُ أَمِيرَ جَيْشِ السُّفْيَانِيِّ أَنَّ الْمُهْدِيَّ قَدْ خَرَجَ إِلَى مَكَّةَ فَيَبْعَثُ جَيْشًا عَلَى أَثَرِهِ فَلَا يُدْرِكُهُ حَتَّى يَدْخُلَ مَكَّةَ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ عَلَى سِنِّهِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ»؛ (الغيبه للنعماني، ص ۲۷۹، باب ۱۴، ح ۶۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۷، باب ۲۵، ح ۱۰۵).

می کنند و خدا ترفند می زند، و خدا بهترین ترفند زندگان است.» (۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شبانه و مخفیانه در حالی که آیات ابتدائی سوره یس را تلاوت می فرمود از خانه خارج شد و امیرمؤمنان علی علیه السلام را جای خود در بستر خوابانید تا مشرکان متوجه خروج او نشوند و خود در بیرون مکه به غار ثور پناه برد و سه روز آنجا مخفی شد و سپس به سوی شهر یثرب حرکت کرد. (۲)

در قرآن کریم درباره مخفی شدن ایشان در غار ثور می خوانیم:

« اگر او، (یعنی پیامبر) را یاری نکنید، پس حتماً خدا او را یاری کرد، هنگامی که کسانی که کفر ورزیدند، او را (از مکه) بیرون کردند، در حالی که دوّمین دو (تن) بود (همان) هنگام که آن دو در غار (ثور) بودند، (همان) وقتی که به همراه خود می گفت: غم مخور که خدا با ماست. پس خدا آرامش خود را بر او فرو فرستاد و او را با لشکریهایی که آنها را مشاهده نمی کردید، تأیید نمود و گفتار (و برنامه) کسانی را که کفر ورزیدند، پست قرار داد و تنها گفتار (و برنامه) خدا والاست و خدا شکست ناپذیری فرزانه است.» (۳)

فرار پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از دست مشرکان و پنهان شدن ایشان در غار ثور مورد استناد امیرمؤمنان علی علیه السلام قرار گرفته است. در روایت جالبی ایشان خانه نشینی خود در زمان آن سه نفر را چون کار شش تن از پیامبران معرفی می کند که یکی از آنان رسول اکرم صلی الله علیه و آله است. روایت به شرح ذیل است.

از ابن مسعود نقل شده است که گوید: مردم در مسجد کوفه با هم بحث می کردند و می گفتند: چرا امیرمؤمنان با آن سه نفر نبرد نکرد همان طوری که با طلحه و زبیر و عایشه و

ص: ۶۹

---

۱- «وَ إِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَ يَمْكُرُونَ وَ يَمْكُرُ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ»؛ (الأنفال، ۸)، آیه ۳۰).

۲- اعلام الوری، ص ۶۱، فصل ۸؛ دلائل النبوه البیهقی، ج ۲، ص ۴۶۵.

۳- «إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَ أَيْدِيَهُمْ يَجُنُودٍ لَعَمَّ تَرَوْهَا وَ جَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»؛ (توبه، ۹)، آیه ۴۰).

معاویه جنگید؟ این خبر به گوش امیرمؤمنان علیه السلام رسید، فرمان داد: منادی نداء دهد و بگوید: «الصلاه جامعه» یعنی برای نماز در مسجد گرد هم آید. وقتی مردم جمع شدند، حضرت بالای منبر رفت و حمد و ستایش خدای عزیز را به جا آورد و سپس فرمود: ای مردم! از شما به من خبر رسیده که چنین و چنان گفته اید؟ مردم گفتند: ای امیرمؤمنان! راست است، ما چنین گفته ایم.

فرمود: الگوی من در آنچه انجام داده ام شش تن از پیامبران می باشند. خدای عزیز در قرآن کریم می فرماید: «به یقین برای شما در (روش) فرستاده خدا، (الگویی برای) پیروی نیکوست.» (۱) مردم گفتند: ای امیرمؤمنان! آن پیامبران کیانند؟ فرمود:

اولین آنان ابراهیم علیه السلام است، وقتی به قوم خود فرمود: «و از شما و آنچه غیر از خدا می خوانید، کناره گیری می کنم.» (۲) پس اگر بگویید همانا ابراهیم علیه السلام از قوم خود کناره گیری کرد بدون این که از آنان به او ناراحتی برسد، کافر شده اید و اگر بگویید از آنان به خاطر مکروهی کناره گیری کرد، می گویم: وصی پیامبر (از خود پیامبر به کناره گیری) سزاوارتر است.

و پسر خاله ابراهیم علیه السلام یعنی لوط علیه السلام برای من الگو است، وقتی به قوم خود گفت: «ای کاش در برابر شما نیرویی داشتم! یا به تکیه گاهی محکم پناه می بردم، (تا با شما مقابله کنم.)» (۳) پس اگر بگویید: حضرت لوط بر جلوگیری از آنان قدرت داشت، همانا (برای تکذیب پیامبر) کافر شده اید و اگر بگویید: توان مقابله با آنان را نداشت، وصی پیامبر (برای نداشتن قدرت برای مقابله) سزاوارتر است.

و یوسف علیه السلام برای من الگو است، وقتی که گفت: «پروردگارا! زندان نزد من محبوب تر است از آنچه (زنان) مرا به سوی آن می خوانند.» (۴) پس اگر بگویید: همانا یوسف پروردگارش را خواند و درخواست زندان نمود، چون او را مورد غضب خود قرار داده بود، کافر شده اید و اگر بگویید: مقصود یوسف از این درخواست آن بود که مورد خشم پروردگارش قرار نگیرد، پس زندان را

ص: ۷۰

- ۱- «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»؛ (احزاب (۳۳)، آیه ۲۱).
- ۲- «وَ اعْتَرَلْكُمْ وَ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ»؛ (مریم (۱۹)، آیه ۴۸).
- ۳- «لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوَى إِلَيَّ رُكْنٌ شَدِيدٌ»؛ (هود (۱۱)، آیه ۸۰).
- ۴- «رَبِّ السَّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ»؛ (یوسف (۱۲)، آیه ۳۳).

انتخاب کرد، می گویم: پس وصی پیامبر (به خانه نشینی) سزاوارتر است.

و موسی علیه السلام برای من الگو است، وقتی که فرمود: « و هنگامی که از شما (فرعونیان بر جانم) ترسیدم از میان شما فرار کردم. » (۱) پس اگر بگویید: حضرت موسی بدون ترس از آنان از قومش گریخت، کافر شده اید و اگر بگویید موسی از ایشان ترسید، می گویم (وقتی پیامبر خدا از دشمن خود بترسد و فرار کند) پس وصی پیامبر سزاوارتر به آن می باشد.

و برادرم هارون علیه السلام برای من الگو است، وقتی که به برادرش گفت: « پسر مادرم! در حقیقت این گروه مرا تضعیف کردند و نزدیک بود مرا بکشند. » (۲) پس اگر بگویید: آنان هارون را خوار نکردند و به دنبال قتل او نبودند (برای تکذیب سخن پیامبر) کافر شده اید و اگر بگویید: او را ضعیف شمردند و در صدد کشتن او بودند برای همین هارون درباره کارشان ساکت شد، پس وصی پیامبر (برای حفظ جان) سزاوارتر است.

امیر مؤمنان علی علیه السلام در ادامه درباره پیروی از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در پناه بردن به غار از ترس مشرکان مکه فرمود:

و برای من حضرت محمد صلی الله علیه و آله الگو است، وقتی که از قومش به دلیل ترس از آنان گریخت و به غار پناه برد و مرا در بستر خود خوابانید. پس اگر بگویید: آن حضرت بدون ترس از قومش از دست آنان فرار کرد همانا کافر شده اید و اگر بگویید از آنان ترسید و مرا در بسترش خوابانید و به غار پناه برد پس وصی پیامبر سزاوارتر (به ترس) است. (۴)

بنابراین می توان گفت: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز برای حفظ جان چون پیامبران الهی کناره گیری و نهان زیستی اختیار نموده است تا زمانی که مردم آماده پذیرش و یارانش فراهم شوند و

ص: ۷۱

۱- «فَفَرَزْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ»؛ (الشعراء (۲۶)، آیه ۲۱).

۲- «ابنُ أُمِّ إِبْنِ الْقَوْمِ اسْتَضَعْفُونِي وَ كَادُوا يَقْتُلُونَنِي»؛ (الأعراف (۷)، آیه ۱۵۰).

۳- به دلیل نداشتن یار و جلوگیری از تفرقه میان مسلمانان و جلوگیری از نابودی اسلام است.

۴- «و لِي بِمُحَمَّدٍ ۹ أُسْوَةٌ حِينَ فَرَّ مِنْ قَوْمِهِ وَ لِحَقِّ بِالْغَارِ مِنْ خَوْفِهِمْ وَ أَنَامِنِي عَلَى فِرَاشِهِ، فَإِنْ قُلْتُمْ فَرَّ مِنْ قَوْمِهِ لَغَيْرِ خَوْفٍ مِنْهُمْ فَقَدْ كَفَرْتُمْ، وَ إِنْ قُلْتُمْ خَافَهُمْ وَ أَنَامِنِي عَلَى فِرَاشِهِ وَ لِحَقِّ هَيَؤُ بِالْغَارِ مِنْ خَوْفِهِمْ فَالْوَصِيُّ أَعْيَدْرُ»؛ (فضائل أمير المؤمنين عليه السلام، ص ۶۵؛ علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۴۸، باب ۱۲۲، ح ۷).

پروردگار حکیم اجازه ظهور او را دهد و در آن زمان قیام کند و یکتا پرستی و عدالت را در گستره گیتی جاری کند.

### ج) چرایی پنهان زیستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

وقتی نگاه به دوران پیشوایان معصوم می اندازیم می بینیم آنان توسط خلفای اموی و عباسی به شهادت می رسیدند، ولی مردم به جای اعتراض، با ستمگران همراه یا نظاره گر اسارت و شهادت امامانشان بودند. حاکمان وقت، آخرین امامان معصوم را در سن جوانی به شهادت رساندند. آنان امام دهم و یازدهم را در پادگان نظامی در شهر سامراء جای دادند و تمام رفت و آمدها و کارهایشان را تحت نظر داشتند و مردم این ستم ها را می دیدند ولی هیچ اعتراضی نمی کردند. درباره این موضوع از امیرمؤمنان علی علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود:

یا علی! چه بسیار از فرزندان برگزیده تو که کشته می شوند و مردم نظاره گرند و عکس العملی نشان نمی دهند. نفرین باد بر امتی که می بیند فرزندان پیامبرشان از روی ستم کشته می شوند و تغییر رفتاری نشان نمی دهند. همانا قاتل و فرمان دهنده و نظاره گری که بی تفاوت است همگی در گناه و سزاوار نفرین بودن یکسان و شریک هستند. (۱)

تا وقتی مردم این گونه باشند و ارزش پیامبر و امام را ندانند و دستورهای آنان را انجام ندهند خداوند حق دارد حجت خود را از آنان بگیرد تا در روزگار پنهان بودنش ارزش او را درک کنند و برای آشکار شدن او تلاش کنند.

از محمد بن فرج نقل شده است که گوید:

امام محمد تقی علیه السلام برای من نامه نوشت و در آن فرمود: «وقتی خداوند بر آفرید گانش (به دلیل رفتارشان) خشم گیرد، ما را از میان آنان برگیرد.» (۲)

ص: ۷۲

---

۱- «... يَا عَلِيُّ كَمْ فِي وُلْدِكَ مِنْ وَلَدٍ فَاضِلٍ يُقْتَلُ وَ النَّاسُ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ لَا يُعَيِّرُونَ فَفَبَحْتُ أُمَّهُ تَرَى أَوْلَادَ نَبِيِّهَا يُقْتَلُونَ ظُلْمًا وَ هُمْ لَا يُعَيِّرُونَ إِنَّ الْقَاتِلَ وَ الْأَمَرَ وَ الشَّاهِدَ الَّذِي لَا يُعَيِّرُ كُلَّهُمْ فِي الْإِثْمِ وَ اللَّعَانِ سَوَاءٌ مُشْتَرِكُونَ...»؛ (الغيبه للنعماني، ص ۱۴۲، باب ۱۰، ح ۳).

۲- «إِذَا غَضِبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ نَحَانَا عَنْ جَوَارِهِمْ»؛ (الكافي، ج ۱، ص ۳۴۳، باب في الغيبه، ح ۳۱).

در کتاب های تاریخی نقل شده است؛ وقتی امام حسین علیه السلام بعد از مرگ معاویه برای حفظ جان و بیعت نکردن با یزید همراه خاندان خود از مدینه به سوی مکه خارج شد، این آیه را تلاوت کرد: «موسی ترسان و نگران از آنجا بیرون رفت (در حالی که می) گفت: پروردگارا! مرا از گروه ستم کاران نجات بخش.» (۱)

یعنی روش پیامبران و امامان یکی است و آن اینکه در زمان های خطر جان خود را حفظ می کنند تا در موقعیت مناسب به مقابله با دشمنان پردازند.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز برای حفظ جان خود به صورت ناشناس و دور از دسترس ستمگران زندگی می کند تا در زمان مناسب برای قیام بیاید و ستم گران را از میان بردارد. ایشان نیز در توجیه عمل خویش در دوران غیبت به کار حضرت موسی علیه السلام استناد می کند و در زمان ظهور آن را بر زبان می آورد.

از مفضل بن عمر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:

وقتی قائم قیام کند این آیه را تلاوت می کند: و هنگامی که از شما ترسیدم از میان شما فرار کردم و پروردگارم به من حکم (نبوت) بخشید، و مرا از فرستادگان (خود) قرار داد. (۲)

بنابراین به دلیل همراهی نکردن مردم و نبود یاران مناسب، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای حفظ جان مجبور است دوره ای پنهانی زندگی کند تا وقتی که زمینه های قیام فراهم شود و خدای عزیز اجازه ظهور او را دهد.

ص: ۷۳

- 
- ۱- «فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»؛ (وقعه الطف، ص ۸۵).
  - ۲- «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: فَفَرَزْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ»؛ (الغیبه للنعمانی، ص ۱۷۴، ح ۱۱ و ۱۲؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۱۰).



در میان پیامبران خدا برخی سیاحت و در گردش بودن و ساکن نشدن در یک مکان را در زندگی برمی گزیدند که نمونه بارز آن حضرت عیسی علیه السلام است و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز مکان خاصی را برای زندگی بر نمی گزیند و چون حضرت عیسی در گردش است در این فصل به بررسی این موضوع می پردازیم.

### الف) سیاحت حضرت عیسی علیه السلام

یکی از سنت ها و روش های حضرت عیسی علیه السلام ساکن نشدن در مکانی خاص و در گردش بودن گزارش شده است. در قسمتی از حدیثی که از داود رقی از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است، درباره سیاحت و در گردش بودن حضرت عیسی علیه السلام می خوانیم:

« همانا از شریعت عیسی بن مریم سیر و گردش در شهرها و آبادی ها بوده است. »<sup>(۱)</sup>

در روایت هایی از اهل بیت علیهم السلام شباهت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به حضرت عیسی علیه السلام سیاحت و ساکن نشدن در مکان خاصی معرفی شده است. روایت ها به شرح ذیل است.

از زید کناسی نقل شده است که گوید: شنیدم امام محمد باقر علیه السلام می فرمود:

در صاحب این امر سنتی از حضرت یوسف علیه السلام و سنتی از حضرت موسی علیه السلام و سنتی از

ص: ۷۴

---

۱- «إِنَّ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ كَانَ مِنْ شَرَائِعِهِ السَّيِّحُ فِي الْبِلَادِ»؛ (الكافی، ج ۲، ص ۳۰۶، ح ۳). روایت از جهت سند معتبر است.

حضرت عیسی علیه السلام و سنتی از حضرت محمد صلی الله علیه و آله است. سپس ایشان درباره سنت جاری از حضرت عیسی علیه السلام در وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

«... و اما شباهت او به حضرت عیسی علیه السلام سیر و در گردش بودن است...» (۱)

و از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است که درباره سنت جاری از حضرت عیسی علیه السلام در وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

«... و اما سنت حضرت عیسی علیه السلام (در وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) سیر و در گردش بودن است...» (۲)

### ب) سیاحت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مکان خاصی را برای زندگی خود بر نمی گزیند و چون حضرت عیسی علیه السلام در نقاط مختلف کره خاکی سیر و گردش می کند. ایشان گرچه به برخی مکان ها چون مدینه توجه و عنایت خاصی دارد ولی در گستره گیتی در گردش است و این گونه به امور جهان و پیروان خود به صورت پنهانی رسیدگی می کند. ایشان به لقب «شرید» که به معنای «آواره» می باشد، توصیف شده است.

در روایتی که از اصبح بن نباته از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل شده است، می خوانیم: اصبح بن نباته گوید: از امیرمؤمنان علی علیه السلام شنیدم که می فرمود:

«صاحب این امر آواره رانده شده تنهای تنها است...» (۳)

روایت های دیگری از اهل بیت علیهم السلام به این لقب حضرت مهدی اشاره دارند. (۴)

و از عمرو بن سعد از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل شده است که به حذیفه بن یمان فرمود:

ص: ۷۵

---

۱- «... وَ أَمَّا شِبْهُهُ مِنْ عِيسَى، فَالْسِّيَاحَةُ...»؛ (دلائل الإمامه، ص ۵۳۲).

۲- «... وَ أَمَّا سُنَّتُهُ عِيسَى فَالْسِّيَاحَةُ...»؛ (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸؛ إثبات الهداه بالنصوص و المعجزات، ج ۵، ص ۷۲، ح ۹۴).

۳- «صَاحِبٌ هَذَا الْأَمْرِ الشَّرِيدُ الطَّرِيدُ الْفَرِيدُ الْوَحِيدُ»؛ (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۰۳، باب ۲۶، ح ۱۳).

۴- الغیبه للطوسی، ص ۱۶۳؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۲۷۵.

«... سوگند به خدای علی؛ حجت خدا در میان مردم است و در راه ها گام برمی دارد، به خانه و کاشانه های آنان سر می زند، در شرق و غرب این زمین رفت و آمد می کند...» (۱)

ص: ۷۶

---

۱- «...فَوَرَّبِّ عَلِيٍّ إِنَّ حُجَّتَهَا عَلَيْهَا قَائِمَةٌ مَاشِيَةٌ فِي طُرُقِهَا دَاخِلَةٌ فِي دُورِهَا وَقُصُورِهَا جَوَالَةٌ فِي شَرْقِ هَذِهِ الْأَرْضِ وَغَرْبِهَا...»؛ فضائل أمير المؤمنين عليه السلام، ص ۶۷، ح ۶۸؛ الغيبة للنعماني، ص ۱۴۲، باب ۱۰، ح ۳.

یکی از ویژگی های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف طولانی بودن عمر است که تاکنون بیش از هزار سال از میلاد ایشان می گذرد و یکی از انگیزه های تردید در زنده بودن امام عصر، طول عمر ایشان است. زیرا در زمان ما عمر انسان های معمولی به ندرت از صد سال تجاوز می کند. گرچه خدایی که قادر است حضرت ابراهیم علیه السلام را در میان کوهی از آتش که خاصیتش سوزندگی است، سرد و سلامت نگه دارد(۱) و یا غذای عزیر پیامبر را صد سال سالم نگه دارد،(۲) غذایی که حداکثر عمر آن یک ماه می باشد و یا درباره حضرت یونس علیه السلام وقتی نهنگی او را بلعید، می خوانیم: «و اگر او از تسیح کنندگان نبود، حتماً تا روزی که (مردم) برانگیخته می شوند در شکم آن (ماهی) درنگ می کرد»(۳) در این آیه می خوانیم؛ اگر حضرت یونس به درگاه پروردگار روی نمی آورد تا روز قیامت در شکم ماهی می ماند، یعنی علاوه بر زنده ماندن حضرت یونس در آن سلول انفرادی تاریک و نمناک، آن ماهی نیز تا قیامت زنده می ماند. و یا اصحاب کهف را بیش از سیصد سال در حالت

ص: ۷۷

۱- «قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ \* قُلْنَا يَنَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ؛ (بت پرستان) گفتند: اگر می خواهید کاری انجام دهید، او را بسوزانید و معبودهایتان را یاری کنید. گفتیم: ای آتش! بر ابراهیم سرد و سلامت باش؛ (انبیاء(۲۱)، آیه ۶۸-۶۹).

۲- «فَانظُرْ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَ شَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ؛ پس به غذایت و نوشیدنی ات بنگر، که هیچ گونه تغییر نیافته است»؛ (بقره(۲)، آیه ۲۵۹).

۳- «فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ \* لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ»؛ (صافات(۳۷)، آیات ۱۴۳ و ۱۴۴).

خواب بدون آب و غذا زنده نگه می دارد(۱) که حداکثر طاقت انسان برای زنده ماندن بدون آشامیدن آب و خوردن غذا به یک هفته نمی رسد. این خدای توانا می تواند حجت خود را بیش از هزار سال زنده نگه دارد. این نکته ها قدرت خدای عزیز را می رساند که اگر اراده اش بر انجام امری تعلق گیرد، آن کار انجام می شود.

اما برای آسان شدن پذیرش عمر طولانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای انسان ها؛ اهل بیت علیهم السلام به بیان نمونه هایی از طول عمر پیامبران پرداخته اند تا در پرتو آن پذیرش امری که در گذشته نمونه هایی از آن رخ داده است، آسان باشد.

از حسن بن محمد بزاز نقل شده است، که گوید: شنیدم امام حسن عسکری علیه السلام می فرمود:

همانا فرزندم همان قائم بعد از من است و او همان کسی است که سنت های پیامبران از طول عمر و غیبت در او جاری می شود به اندازه ای که برای طولانی شدن مدت، دل ها سخت می شود و در عقیده به او باقی نمی ماند مگر کسی که خدای عزیز ایمان را در دلش نگاشته و به روحی از جانب خود تأیید نموده باشد. (۲)

در این فصل زندگی برخی از برگزیدگانی که دارای عمر طولانی بودند و یا تاکنون زنده اند، به شرح ذیل بررسی می شود:

### الف) طول عمر حضرت آدم علیه السلام

یکی از شباهت های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به حضرت آدم علیه السلام طول عمر است. یعنی همان طور که پدرمان آدم دارای عمر طولانی بود، امام مهدی نیز عمری طولانی خواهد داشت.

از سعید بن جبیر نقل شده است که گوید: شنیدم امام زین العابدین علیه السلام می فرمود:

ص: ۷۸

---

۱- «وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَارْدَاوُا تِسْعًا؛ و در غارشان سیصد سال درنگ کردند، و نه سال (نیز بر آن) افزودند؛ (کهف(۱۸)، آیه ۲۵).

۲- «إِنَّ ابْنِي هُوَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْدِي وَهُوَ الَّذِي يَجْرِي فِيهِ سِنُّ الْأَنْبِيَاءِ؛ بِالتَّعْمِيرِ وَالْغَيْبِ حَتَّى تَفْسُو قُلُوبَ لِطُولِ الْأَمَدِ وَ لَا يَثْبُتَ عَلَى الْقَوْلِ بِهِ إِلَّا مَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَ أَيْدَهُ بِرُوحٍ مِنْهُ؛ (كمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۲۴، باب ما جاء في التعمير(۴۶)، ح ۴؛ الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۹۶۴).

در قائم از ما سنت هایی از پیامبران است. سنتی از پدرمان حضرت آدم علیه السلام و سنتی از حضرت نوح علیه السلام و سنتی از حضرت ابراهیم علیه السلام... اما سنت او از حضرت آدم و حضرت نوح عمر طولانی است. (۱)

روایت هایی از اهل بیت علیهم السلام عمر حضرت آدم علیه السلام را نهصد و سی سال دانسته اند که برخی از آن ها به شرح ذیل بیان می شود.

حدیث اول. از عبدالله بن أحمد طائی از امام رضا علیه السلام از پدران گرامیشان علیهم السلام از امام حسین علیه السلام نقل شده است که فرمود:

علی بن ابی طالب علیه السلام در مسجد کوفه بود که مردی از اهل شام ایستاد و گفت: ای امیرمؤمنان! سؤالاتی از شما دارم. حضرت فرمود: برای دانستن پرس نه برای میچ گیری. یکی از سؤال هایی که آن مرد شامی از امیرمؤمنان علی علیه السلام پرسید، درباره عمر حضرت آدم علیه السلام بود. او پرسید: «كَمْ كَانَ عُمُرُ آدَمَ؟ حضرت آدم علیه السلام چه مدت عمر کرد؟» حضرت فرمود: «تِسْعِمَائِهِ سَنَهٍ وَ ثَلَاثِينَ سَنَهٍ (۲)؛ نهصد و سی سال.

حدیث دوم. از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است، که درباره عمر حضرت آدم علیه السلام فرمود:

«عمر حضرت آدم علیه السلام از میلاد تا هنگام قبض روح نهصد و سی سال بود.» (۳)

### ب) طول عمر حضرت نوح علیه السلام

یکی از شباهت های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به حضرت نوح علیه السلام عمر طولانی است، یعنی امام زمان چون شیخ الانبیاء حضرت نوح دارای عمر درازی خواهد بود.

سعید بن جبیر گوید: شنیدم امام زین العابدین علیه السلام می فرمود:

«در قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف سنتی از حضرت نوح علیه السلام است و آن طول عمر می باشد.» (۴)

ص: ۷۹

۱- «فِي الْقَصَائِمِ مِثْلَ سِنِّ مَنْ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ سِنُّهُ مِنْ أَيْنَا آدَمَ وَ سِنُّهُ مِنْ نُوحٍ وَ سِنُّهُ مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَ ... فَأَمَّا مِنْ آدَمَ وَ نُوحٍ فَطُولُ الْعُمُرِ ...» (كمال الدين و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۱، باب ۳۱، ح ۳؛ كشف الغمه، ج ۲، ص ۵۲۲).

۲- علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۹۳، باب ۳۸۵، ح ۴۴؛ عيون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۴۰، باب ۲۴، ح ۱.

۳- «كَانَ عُمُرُ آدَمَ مِنْ يَوْمِ خَلَقَهُ اللَّهُ إِلَى يَوْمِ قَبْضِهِ تِسْعِمَائِهِ وَ ثَلَاثِينَ سَنَهٍ ...»؛ (تفسير القمي، ج ۱، ص ۴۵).

۴- «فِي الْقَصَائِمِ سِنُّهُ مِنْ نُوحٍ وَ هُوَ طُولُ الْعُمُرِ»؛ (كمال الدين و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۲، باب ۳۱، ح ۵۴). روایت ۵ از جهت سند معتبر است.

سخن مشهور درباره عمر حضرت نوح علیه السلام دو هزار و پانصد سال است. هشتصد و پنجاه سال آن قبل از پیامبری و نهصد و پنجاه سال بعد از بعثت و رسالت که مشغول دعوت مردم به خداپرستی بود و پس از ماجرای طوفان هفتصد سال زندگی کرد و به آبادانی شهرها پرداخت. (۱)

در قرآن کریم می خوانیم: «و به راستی، نوح را به سوی قومش فرستادیم، پس در میان آنان نهصد و پنجاه سال درنگ کرد، تا طوفان آنان را در حالی که ستم کار بودند فرا گرفت. پس او و سرنشینان کشتی را نجات دادیم و آن (سفینه) را برای جهانیان نشانه ای قرار دادیم.» (۲)

در این آیه زمان رسالت حضرت نوح علیه السلام قبل از طوفان نهصد و پنجاه معرفی شده است، ولی آیه شریفه نسبت به سن حضرت نوح علیه السلام قبل از رسالت و همچنین نسبت به مدّت زندگی کردن ایشان بعد از طوفان ساکت است.

درباره این مطلب از هشام بن سالم از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:

حضرت نوح علیه السلام دو هزار و پانصد سال زندگانی کرد. پیش از بعثت هشتصد و پنجاه سال و پس از بعثت میان قوم خود نهصد و پنجاه سال و پس از فرود آمدن کشتی که آب طوفان فرو کشید و شهرسازی کرد و فرزندان خود را در شهرها جای داد، هفتصد سال زندگی کرد. (۳)

امام در ادامه فرمود:

سپس فرشته مرگ آمد و او در آفتاب بود. گفت: سلام علیک. حضرت نوح جواب سلامش را داد و فرمود: ای فرشته مرگ؛ برای چه آمدی؟ گفت: آدمم جانت را بستانم.

ص: ۸۰

۱- ر.ک: بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۲۸۵، أبواب قصص نوح علیه السلام.

۲- «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ»؛ (عنكبوت (۲۹)، آیات ۱۴ و ۱۵).

۳- «عَاشَ نُوحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلْفَيْ سَنَةٍ وَخَمْسِينَ جَانِئِهِ سَنَةٍ مِنْهَا تَمَائِمَاتُهُ وَخَمْسُونَ سَنَةً قَبْلَ أَنْ يُبْعَثَ وَ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا وَ هُوَ فِي قَوْمِهِ يَدْعُوهُمْ وَ سَبِّعُمَائِهِ عَامٍ بَعْدَ مَا نَزَلَ مِنَ السَّفِينَةِ وَ نَضَبَ الْمَاءَ فَمَصَّرَ الْأَمْصَارَ وَ أَسِيكَنَ وُلْدَهُ الْبُلْدَانَ»؛ (كمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۲۳، باب ۴۶، ح ۱). روایت از جهت سند معتبر است.

فرمود: آیا به من مهلت می دهی از میان آفتاب زیر سایه بروم؟ گفت: آری. حضرت نوح نقل مکان کرد و سپس فرمود: ای فرشته مرگ! گویا آنچه از عمر من در دنیا گذشته است مثل همین یک لحظه است که از آفتاب به سایه آمدم. اکنون فرمانی که داری انجام بده و جان او را گرفت.

### ج) طول عمر حضرت خضر علیه السلام

یکی از کسانی که دارای عمر طولانی است حضرت خضر علیه السلام است. او کسی است که آب حیات را نوشیده و قبل از زمان حضرت موسی علیه السلام به دنیا آمده و تاکنون زنده است.

در سوره کهف او به عنوان کسی که دارای علم لدنی و معلم حضرت موسی علیه السلام است، مطرح شده است. البته نام ایشان در این سوره نیامده است. درباره او می خوانیم:

حضرت موسی و یوشع بن نون) بنده ای از بندگان ما را یافتند که رحمتی از جانب خود به او داده و دانشی از نزد خویش به او آموخته بودیم. موسی به او گفت: آیا از تو پیروی کنم تا از آنچه به تو آموزش داده شده، هدایت را (به من) بیاموزی؟(۱)

حضرت خضر علیه السلام در زمان اهل بیت علیهم السلام با آنان رفت و آمد داشته و نزد آنان می آمده است و هم اکنون همراه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد. درباره این موضوع به چند روایت از اهل بیت علیهم السلام به شرح ذیل اشاره می شود.

حدیث اول. حسن بن علی بن فضال گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود:

همانا خضر علیه السلام از آب حیات نوشید و او زنده است و تا نفع صور نخواهد مرد و او نزد ما می آید و سلام می کند و صدایش را می شنویم، اما شخصش را نمی بینیم و او هر جا که یاد شود، حاضر می شود و هر کس او را یاد کند، بر او سلام کند و او هر سال در موسم حج حاضر می شود و همه مناسک را به جا می آورد و در بیابان عرفه وقوف می کند و بر دعای مؤمنان آمین می گوید و خداوند به واسطه او تنهایی قائم ما را در دوران غیبتش به

ص: ۸۱

---

۱- «فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا ءَاتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَ عَلَّمْنَاهُ مِمَّا عَلَّمْنَا \* قَالَ لَهُ مُوسَىٰ هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَيَّ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَنِي؟» (کهف (۱۸)، آیات ۶۵ و ۶۶).



انس تبدیل می کند و تنهایی او را با همراهی او بر می دارد. (۱)

حدیث دوم. در قسمتی از حدیثی معتبر؛ امام حسن عسکری علیه السلام به أحمد بن اسحاق اشعری بزرگ اهل قم می فرماید:

يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ! مَثَلُهُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مَثَلُ الْخَضِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَثَلُهُ مَثَلِ ذِي الْقَرْنَيْنِ وَاللَّهِ لَيَغِيْبَنَّ غَيْبَهُ لَا يَنْجُوا فِيهَا مِنَ الْهَلَكَةِ إِلَّا مَنْ تَبَتَّهُ اللَّهُ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَ وَقَفَّهُ فِيهَا لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ؛

ای احمد بن اسحاق! مثال او (حضرت مهدی) در این امت چون خضر علیه السلام است و مثال او مثال ذوالقرنین است. به خدا سوگند او غایب می شود و از هلاکت در آن غیبت نجات نمی یابد مگر کسی که خدا او را بر اعتقاد به امامت او ثابت قدم بدارد و او را به دعا برای زودتر واقع شدن ظهورش موفق کند.

ممکن است سؤال شود حضرت مهدی چه شباهتی به حضرت خضر و ذوالقرنین دارد؟ همین سؤال را احمد بن اسحاق از امام می پرسد. او گوید: پرسیدم:

يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! لَقَدْ عَظُمَ سُؤْرِي بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَمَا السُّنَّةُ الْجَارِيَةُ فِيهِ مِنَ الْخَضِرِ وَ ذِي الْقَرْنَيْنِ؟

ای فرزند رسول خدا! بسیار شادمان شدم به آن نعمتی (نشان دادن حضرت مهدی) که به من ارزانی داشتی، اما سنت جاری در او از خضر و ذوالقرنین چیست؟

امام فرمود:

طولانی شدن غیبت ای احمد. پرسیدم: ای فرزند رسول خدا! غیبت او طولانی می شود؟ فرمود: بله سوگند به پروردگارم، به قدری که بیشتر معتقدان او از این امر باز می گردند، پس باقی نمی ماند مگر کسی که خدا پیمان ولایت ما را از او گرفته و در قلبش ایمان را

ص: ۸۲

۱- «إِنَّ الْخَضِرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ شَرِبَ مِنْ مَاءِ الْحَيَاةِ فَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ حَتَّى يُنْفَخَ فِي الصُّورِ وَإِنَّهُ لَيَأْتِينَا فَيَسَلُّمْ فَتَسْمَعُ صَوْتَهُ وَ لَا نَرَى شَخْصَهُ وَإِنَّهُ لَيَحْضُرُ حَيْثُ مَا ذُكِرَ فَمَنْ ذَكَرَهُ مِنْكُمْ فَلْيَسَلِّمْ عَلَيْهِ وَ إِنَّهُ لَيَحْضُرُ الْمَوْسِمَ كُلَّ سَنَةٍ فَيَقْضِي جَمِيعَ الْمَنَاسِكِ وَ يَقِفُ بِعَرَفَةَ فَيُؤَمِّنُ عَلَى دُعَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيُؤَنِّسُ اللَّهُ بِهِ وَحْشَهُ قَائِمًا فِي غَيْبَتِهِ وَ يَصَلُّ بِهٖ وَحِدَتَهُ»؛ (كمال الدين و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۹۰، ما روی من حدیث الخضر علیه السلام، ح ۴). روایت از جهت سند معتبر است. برای آگاهی بیشتر درباره حضرت خضر به همین باب کتاب کمال الدین مراجعه شود.

نگاشته و با روحی از جانب خود تأیید کرده است. (۱)

حدیث سوم. در قسمتی از حدیثی طولانی - که از سدید صیرفی از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است - درباره شباهت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به حضرت خضر علیه السلام می خوانیم: «خداوند عمر عبد صالح یعنی خضر را دلیلی بر عمر حضرت مهدی قرار داد».

امام در توضیح این مطلب فرمود:

و امّا عبد صالح - یعنی خضر - خدای عزیز عمر او را طولانی نکرده است به جهت پیامبری که برای او قرار داده باشد و یا کتابی که برای او فرو فرستاده باشد و یا شریعتی که به وسیله آن، شریعت پیامبران پیشین را نسخ کند و یا امامتی که بر بندگانش پیروی از آن لازم باشد و یا فرمانبری که انجام دادن آن بر او واجب باشد، بلکه چون علم سابق خداوند در مقدار عمر قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبتش قرار داده شده بود و آن اینکه عمرش به مقداری طولانی خواهد شد که بندگانش آن را به واسطه طولانی بودنش انکار می کنند، عمر بنده صالح خود را طولانی کرد تا از طول عمر او به طول عمر قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف استدلال شود و حجّت معاندان قطع گردد و برای مردم بر خداوند حجّتی نباشد. (۲)

#### د) طول عمر حضرت عیسی علیه السلام

درباره کشته نشدن حضرت عیسی علیه السلام و به آسمان رفتن او در قرآن کریم می خوانیم:

«و (به خاطر) گفتارشان\$: که ما، مسیح، عیسی پسر مریم، فرستاده خدا را کشتیم. (از رحمت

ص: ۸۳

۱- «... طُولُ الْغَيْبِ يَا أَحْمَدُ. فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ: وَإِنَّ غَيْبَتَهُ لَتَطُولُ؟ قَالَ: إِي وَرَبِّي حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ الْقَائِلِينَ بِهِ فَلَا يَبْقَى إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهُ عَهْدَهُ بَوْلَايَتِنَا وَكَتَبَ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَآيَدُهُ بِرُوحٍ مِنْهُ...»؛ (كمال الدين و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۴، باب ۳۸، ح ۱؛ إعلام الوری، ص ۴۳۹).

۲- «وَأَمَّا الْعَبْدُ الصَّالِحُ أَعْنَى الْخَضِرِ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَا طَوَّلَ عُمُرَهُ لِنُبُوهِ فَرَّرَهَا لَهُ وَ لَا لِكِتَابٍ نَزَلَ عَلَيْهِ وَ لَا لِشَرِيْعَةٍ يَنْسَخُ بِهَا شَرِيْعَةَ مَنْ كَانَ قَبْلَهُ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ وَ لَا لِإِمَامَةٍ يَنْزِمُ عِبَادَةَ الْإِقْتِدَاءِ بِهَا وَ لَا لِطَاعَةٍ يَفْرِضُهَا لَهُ بَلَى إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمَّا كَانَ فِي سَابِقِ عِلْمِهِ أَنْ يُقَدَّرَ مِنْ عُمُرِ الْقَائِمِ □ فِي أَيَّامِ غَيْبَتِهِ مَا يُقَدَّرُهُ وَ عَلِمَ مَا يَكُونُ مِنْ إِنْكَارِ عِبَادِهِ بِمِقْدَارِ ذَلِكَ الْعُمُرِ فِي الطُّوْلِ، طَوَّلَ عُمُرَ الْعَبِيدِ الصَّالِحِينَ مِنْ غَيْرِ سَبَبٍ أَوْجَبَ ذَلِكَ إِلَّا لِعَلِّهِ الْإِسْمَ تَدْلَالٍ بِهِ عَلَى عُمُرِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لِيَقْطَعَ بِذَلِكَ حُجَّةَ الْمُعَانِدِينَ لِنَلَّا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ»؛ (الغيبه للطوسي، ص ۱۶۸؛ بحار الأنوار، ج ۵، ص ۲۱۹، باب ۱۳، ح ۹).

خدا دور شدند.) و حال آنکه وی را نکشتند، و او را بر دار نیاویختند، و لیکن (امر) بر آنان مشتبه شد. و قطعاً کسانی که در (باره قتل) او اختلاف کردند، از آن در شکند، و برایشان هیچ علمی به آن جز پیروی از گمان نیست. و یقیناً او را نکشتند \* بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد و خدا شکست ناپذیری فرزانه است.»(۱)

و در آیه بعد سخن از ایمان اهل کتاب به حضرت عیسی علیه السلام قبل از مردن او است.

« و (کسی) از اهل کتاب نیست مگر اینکه پیش از مرگش، حتماً به او (عیسی) ایمان می آورد و روز رستاخیز بر آنان گواه خواهد بود.»(۲)

در روایتی جالب و خواندنی که از شهر بن حوشب نقل شده است، می خوانیم که گوید:

روزی حجاج به من گفت: آیه ای در کتاب خدا مرا خسته کرده است. پرسیدم: ای امیر! کدام آیه؟ گفت: آیه «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ»؛ زیرا من یهودیان و مسیحیانی را گردن می زدم؛ سپس به دقت به آنان می نگرم، ولی نمی بینم هنگام جان دادن لبانشان را حرکت دهند. گفتم: خدا امیر را هدایت کند، آیه را درست معنا نکردی. پرسید: تفسیر آیه چیست؟ پاسخ دادم:

مقصود این است که عیسی علیه السلام قبل از قیامت به زمین فرود می آید، پس در آن هنگام هیچ یهودی و مسیحی باقی نمی ماند مگر اینکه قبل از مرگ عیسی به او ایمان می آورد و او پشت سر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نماز می خواند. حجاج گفت: وای بر تو؛ این تفسیر را از کجا آوردی و از چه کسی نقل می کنی؟ گفتم: از محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب: نقل می کنم. حجاج گفت: به خدا سوگند؛ آن را از سرچشمه زلال و صافی گرفتی.(۳)

ص: ۸۴

۱- «وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا \* بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا»؛ (نساء(۴)، آیات ۱۵۷ و ۱۵۸).

۲- «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا»؛ (نساء(۴)، آیه ۱۵۹).

۳- «إِنَّ عِيسَى يَنْزِلُ قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِلَى الدُّنْيَا فَلَا يَبْقَى أَهْلٌ مِّلَّهُ يَهُودِيٌّ وَلَا نَصْرَانِيٌّ إِلَّا آمَنَ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يُصَلِّي خَلْفَ الْمَهْدِيِّ، قَالَ وَيَحْكُ أُنَى لَكَ هَذَا وَمِنْ أَيْنَ جِئْتَ بِهِ، فَقُلْتُ حَدَّثَنِي بِهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، فَقَالَ جِئْتَ بِهَا وَاللَّهِ مِنْ عَيْنِ صَافِيَةٍ»؛ (تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۵۸؛ بحار الأنوار، ج ۱۴، باب ۲۴، ص ۳۴۹، ح ۱۳).

در تأیید این حدیث و زنده بودن حضرت عیسی علیه السلام می توان به روایت هایی استناد کرد که در منابع شیعه و عامه درباره حضرت عیسی علیه السلام آمده است که در اکثر آنها از واژه «نزل» استفاده شده است و اگر حضرت عیسی مرده یا کشته شده بود می بایست برای بازگشت او به دنیا و همراهی او با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از واژه «رجع» استفاده می شد که نشان از رجعت او داشت. از باب نمونه به چند حدیث درباره نزول حضرت عیسی علیه السلام اشاره می شود.

حدیث اوّل. از ابوبصیر نقل شده است که گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم: قائم از شما اهل بیت چه کسی است؟ حضرت فرمود:

ای ابو بصیر! او پنجمین از نوادگان فرزندان موسی است. او فرزند سرور کنیزان است. او غیبتی دارد که باطل گرایان در آن به تردید می افتند، سپس خدای عزیز او را آشکار می کند و خدا به دست او شرق ها و غرب های زمین را فتح می کند و روح الله عیسی بن مریم نازل می شود و در نماز به او اقتدا می کند. (۱)

حدیث دوّم. در منابع عامه از ابوهریره از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود:

« چگونه خواهید بود وقتی که فرزند مریم در میان شما نازل شود و امام شما از خودتان (مسلمانان) باشد. » (۲)

حدیث سوّم. و در منابع عامه از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده است که گوید: شنیدم رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرمود:

همیشه گروهی از امت من که به حق نبرد می کنند تا روز قیامت آشکارند و فرمود: پس

ص: ۸۵

---

۱- « يَا اَبَا بَصِيْرٍ هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ ابْنِي مُوسَى ذَلِكَ ابْنُ سَيِّدَةِ الْاِمَاءِ يَغِيْبُ غَيْبَةً يَرْتَابُ فِيهَا الْمُبْطِلُوْنَ ثُمَّ يُظْهِرُهُ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ فَيَفْتَحُ اللهُ عَلَيَّ يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْاَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا وَ يَنْزِلُ رُوْحُ اللهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيُصَلِّيْ خَلْفَهُ... »؛ (كمال الدين و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۵، باب ۳۳، ح ۳۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۴۶، باب ۶، ح ۱۵).

۲- « كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ فِيكُمْ وَإِمَامُكُمْ مِنْكُمْ »؛ (صحيح بخاری، ج ۴، ص ۱۴۳؛ صحيح مسلم، ج ۱، ص ۹۴؛ مسند أحمد، ج ۲، ص ۲۷۲).

عیسی بن مریم -صلوات و سلام خدا بر او باد- نازل می شود و امیر آنان (گروه بر حق مسلمانان) به او می گوید: بیا برای ما نماز گذار (تا به تو اقتدا کنیم) او (عیسی) پاسخ می دهد: نه، همانا برخی از شما بر برخی دیگر امیر هستید که این احترام خدا بر این امت است. (۱)

### ه) طول عمر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

بنابر آنچه از روایت های اهل بیت علیهم السلام استفاده می شود با گذشت زمان گرد پیری بر رخسار صاحب الامر ۴ نمی نشیند. و سن مبارک ایشان مانند انسان های میان چهل سال یا کمتر از آن به نظر می رسد. برای نمونه به چند روایت اشاره می شود.

حدیث اول. از ابو صلت هروی نقل شده است که گوید: به امام رضا علیه السلام گفتم: نشانه های ظهور قائم شما چیست؟ فرمود:

نشانه اش این است که در سن پیری است، ولی سیمایش جوان است به گونه ای که بیننده می پندارد چهل سال یا کمتر از آن دارد و از علامت های او آن است که با گذشت شب و روز پیر نمی شود تا آنکه اجلش فرا رسد. (۲)

حدیث دوم. ریان بن صلت گوید: به امام رضا علیه السلام گفتم: شما باید صاحب این امر؟ فرمود: من صاحب این امر هستم، ولی آن کسی که زمین را پر از عدل می کند همان طور که پر از ستم شده باشد، نیستم و چگونه آن باشم با آنچه که از ناتوانی جسمم می بینی. سپس در ادامه فرمود:

و همانا قائم آن کسی است که وقتی قیام کند در سن پیران و سیمای جوانان است؛ بدنی قوی دارد به صورتی که اگر دست سوی بزرگترین درخت روی زمین دراز کند آن

ص: ۸۶

---

۱- «لا- تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَيَّ الْحَقَّ ظَاهِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ قَالَ فَيَنْزِلُ عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَيَقُولُ أَمِيرُهُمْ تَعَالَى صَلِّ لَنَا فَيَقُولُ لَا أَنْ بَعْضُكُمْ عَلَيَّ بَعْضٌ أَمْرَاءُ تَكْرِمَةَ اللَّهِ هَذِهِ الْأُمَّةُ»؛ (صحيح مسلم، ج ۱، ص ۹۵؛ الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۴۵).

۲- «عَلَمَاتُهُ أَنْ يَكُونَ شَيْخَ السَّنِّ شَابَّ الْمَنْظَرِ حَتَّى إِنَّ النَّاطِرَ إِلَيْهِ لَيَحْسَبُهُ ابْنَ أَرْبَعِينَ سِنَةً أَوْ دُونَهَا وَإِنَّ مِنْ عَلَمَاتِهِ أَنْ لَا يَهْرَمَ بِمُرُورِ الْأَيَّامِ وَاللَّيَالِي حَتَّى يَأْتِيَهُ أَجَلُهُ»؛ (كمال الدين و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۲، باب ۵۷، ح ۱۲؛ منتخب الأنوار المضيئه، ص ۳۸).

را از ریشه در می آورد و اگر میان کوه ها فریاد زند، صخره هایشان در هم می ریزد. (۱)

حدیث سوم. در روایتی که از محمد بن مسلم از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است، درباره شباهت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به یونس پیامبر می خوانیم:

« و اما شباهت او به یونس بن متی آن است که وقتی از غیبت خویش باز می گردد، با سن زیاد در سیمای جوانی است. » (۲)

ص: ۸۷

---

۱- «و إِنَّ الْقَائِمَ هُوَ الَّذِي إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِّ الشُّيُوخِ وَ مَنْظَرِ الشَّبَابِ قَوِيًّا فِي يَدَيْهِ حَتَّى لَوْ مَدَّ يَدَهُ إِلَى أَعْظَمِ شَجَرِهِ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَقَلَعَهَا وَ لَوْ صَاحَ بَيْنَ الْجِبَالِ لَتَدَكَّدَتْ صِيخُورُهَا»؛ (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۶، باب ۳۵، ح ۷). روایت از جهت سند معتبر است.

۲- «فَأَمَّا شَبَهُهُ مِنْ يُونُسَ بْنِ مَيْتَى فَرُجُوهُ مِنْ غَيْبَتِهِ وَ هُوَ شَابٌّ بَعِيدٌ كَبِيرِ السِّنِّ»؛ (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۷، باب ۳۲، ح ۷؛ إعلام الوری، ص ۴۲۸).

### اشاره

پیامبران خدا برخی به صورت آشکار و برخی به روش پنهانی به رساندن پیام های پروردگار مشغول بودند. در حدیثی که از وجود نازنین امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است، ایشان به یکی از اصحاب خود به نام «عبد الحمید بن ابی الدیلم» می فرماید:

ای عبد الحمید! برای خدای عزیز و بلند مرتبه رسولانی آشکار و رسولانی نهان است. وقتی از پروردگار به حق رسولان آشکار درخواست کردی، به حق رسولان پنهان نیز حاجت بخواه. (۱)

این حدیث و روایت های مشابه این مطلب را می رسانند که رسولان نهانی چون فرستادگان آشکار به هدایت انسان ها و دعوت و حرکت دادن آنان سوی یکتا پرستی مشغول بودند و گرنه به آنان اطلاق «رسول» نمی شد و فرق آنان مخفیانه بودن دعوت شان و حرکت با چراغ خاموش بوده است.

در این فصل به بررسی فعالیت های پنهان برخی از برگزیدگان پروردگار می پردازیم.

### الف) هدایت پنهانی حضرت ابراهیم علیه السلام

ص: ۸۸

---

۱- «يَا عَبْدَ الْحَمِيدِ! إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى رُسُلًا مُسْتَعْلَنِينَ وَرُسُلًا مُسْتَخْفِينَ فَإِذَا سَأَلْتَهُ بِحَقِّ الْمُسْتَعْلَنِينَ فَسَلَّهُ بِحَقِّ الْمُسْتَخْفِينَ»؛  
کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۴، باب ۳۳، ح ۲۷؛ بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۳۱۱، باب (۱۷)، ح (۱۳).

حضرت ابراهیم علیه السلام بعد از خارج شدن از شهر نمرودیان به صورت ناشناس زندگی می کرد و در این زندگی مخفیانه پایه های توحید و یکتا پرستی را در سطح گیتی بنا نهاد. او در این دوره به هدایت پنهانی مردم به سوی خدا پرستی پرداخت و با ساخت کعبه و مسجد الحرام و آبادی شهر مکه به وسیله خاندانش مرکز یکتا پرستان را به وجود آورد. در قرآن کریم به چگونگی دعوت ستاره و ماه و خورشید پرستان به سوی خدا پرستی از سوی او اشاره شده است. (۱). بنابراین کناره گیری حضرت ابراهیم علیه السلام از مردم به معنای گوشه عزلت گزیدن و به عبادت خداوند مشغول شدن نبوده است، بلکه او در این دوره به صورت ناشناس به هدایت مردم می پرداخت و پایه های یکتا پرستی را در سطح جهان بنا می نهاد.

### (ب) هدایت پنهانی حضرت خضر علیه السلام

قرآن کریم هنگام نقل جریان شاگردی حضرت موسی علیه السلام برای حضرت خضر علیه السلام می فرماید او سه کار انجام داد؛ ابتدا کشتی که در آن نشسته بودند را سوراخ نمود، سپس نوجوانی را به قتل رساند و در آخر دیوار در حال خرابی را تعمیر کرد. و در آخر فرمود: این کارها را سر خود انجام ندادم، بلکه بنا به دستور پروردگار بود: «وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي» (۲).

نکته جالب اینکه تمام کارهای حضرت خضر علیه السلام پنهانی صورت می گرفت. نویسنده ای درباره این موضوع می نویسد:

او به طور ناشناس این فعالیت ها را انجام می داده و تمام تصرفات ولایی او از نظر و دیدهای عادی پنهان بود، زیرا اگر مردم و صاحبان کشتی او را به هنگام سوراخ نمودن کشتی اشان می دیدند، هرگز اجازه تصرف به او نمی دادند و چنانچه مردم شاهد قتل نفس او بودند، ساکت و آرام نمی نشستند و خلاصه اگر او را در حال مرمت دیوار کهنه می دیدند، از روی تمسخر به او چه نمی گفتند! (۳).

ص: ۸۹

۱- انعام (۶)، آیات ۷۶-۷۹.

۲- کهف (۱۸)، آیه ۸۲.

۳- تلاش گر پنهان، ص ۱۴.



حضرت خضر علیه السلام نمونه ای بارز از تلاش پنهان برگزیده خداوند است. او در حالی که شخصیتی گمنام و ناشناخته برای مردم و حتی پیامبر خدا حضرت موسی علیه السلام دارد، ولی با حضور در جامعه از رخدادهای جامعه آگاهی کامل داشت و با ولایتی که از طرف خدای بلند مرتبه به او داده شده بود در مالها و جانها تصرف می کرد و اوضاع را طبق مصالحی که می دانست مدیریت می نمود. حضرت خضر در مدیریت پنهان خویش راضی نشد کشتی بینوایان طعمه فرمانروای غاصب شود و با معیوب ساختن آن کمک بزرگی به آنان کرد. ایشان نوجوانی را بنا بر خواست خدا و جلوگیری از انحراف پدر و مادرش به قتل رساند و دیوار متعلق به یتیمان را بازسازی کرد. همچنین او معلم و هادی فردی چون حضرت موسی علیه السلام قرار می گیرد.

### ج) هدایت پنهان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

#### اشاره

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گرچه به صورت ناشناس و پنهانی زندگی می کند، ولی کناره گیری او از مردم به معنای گوشه عزلت گزیدن و به عبادت مشغول شدن درون غارها نیست، بلکه او مانند جدش حضرت ابراهیم علیه السلام به دستگیری و هدایت مردم به سوی یکتاپرستی و پایه ریزی تشکیل حکومت صالحان در سطح گیتی مشغول است و می توان او را در این دوره به راستی تلاش گر پنهان نامید که مانند خورشید پشت ابر لحظه ای از درخشش و فعالیت باز نمی ایستد.

#### امام غایب چون خورشید پشت ابر

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گرچه غایب است، ولی چون خورشید پشت ابر حضور دارد و همگان از برکت های او استفاده می کنند. در چند حدیث از اهل بیت علیهم السلام حضرت مهدی در دوره غیبت به خورشید پشت ابر تشبیه شده است. روایت ها به شرح ذیل است.

روایت اول. در ضمن روایتی از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده است که گوید: از وجود نازنین پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله پرسیدم: آیا فایده ای برای پیروان او در دوره غیبتش می باشد؟ آن حضرت پاسخ داد:

« سوگند به کسی که مرا به پیامبری برگزید آنان از نور او بهره می برند و از ولایت او در دوره

پنهان زیستی اش استفاده می کنند مانند سود بردن مردم از خورشید گرچه با ابرها پوشیده شده باشد» (۱)

روایت دوم. در قسمتی از حدیثی که از سلیمان بن مهران از امام جعفر صادق از امام محمد باقر از امام زین العابدین: نقل شده است، امام سجاد علیه السلام می فرماید:

از روزی که خداوند آدم را آفرید، زمین خالی از حجت نیست که این حجت یا آشکار و مشهور است و یا غایب و پنهان و تا روز قیامت زمین از حجت خدا خالی نخواهد بود و اگر چنین نبود خداوند پرستیده نمی شد.

سلیمان گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم: مردم چگونه از حجت غایب پنهان سود می برند؟ فرمود:

« همچنان که از خورشید استفاده می کنند وقتی که ابرها آن را پوشانند» (۲)

روایت سوم. در قسمتی از توقیعی که برای اسحاق بن یعقوب صادر شد، می خوانیم: امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف درباره فایده امام غایب فرمود:

و امّا چگونگی استفاده از من در غیبت، مانند سود بردن از خورشید است وقتی ابرها آن را از دیدگان پنهان سازد و من امان اهل زمین همچنان که ستارگان امان اهل آسمان هستند» (۳)

در این قسمت برای آشنایی بیشتر با تلاش و اثرهای امام غایب به بررسی برخی از فایده های خورشید می پردازیم.

ص: ۹۱

۱- «إِی وَ الَّذِی بَعَثَنِی بِالْبُؤْهِ إِنَّهُمْ یَسْتَضِیُّونَ بُنُورَهُ وَ یَنْتَفِعُونَ بِوَلَمَایَتِهِ فِی غَیْبَتِهِ کَأَنْتَفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَ إِنْ تَجَلَّیَ سَحَابٌ»؛ (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۳، باب ۲۳، ح ۳؛ إعلام الوری، ص ۳۹۷).

۲- «کَمَا یَنْتَفِعُونَ بِالشَّمْسِ إِذَا سَتَرَهَا السَّحَابُ»؛ (أمالی شیخ صدوق، ص ۱۸۶، مجلس ۳۴، ح ۱۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۹۲، باب ۲۰، ح ۶).

۳- «وَ أَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِی فِی غَیْبَتِی فَکَالِإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَیْبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ وَ إِنْی لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ کَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ»؛ (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳، باب ۴۵، ح ۴؛ منتخب الأنوار المضيئه، ص ۱۲۲).

۱. خورشید مرکز منظومه شمسی

خورشید مرکز منظومه شمسی است و سیاره هایی چون زمین دور آن می چرخند و اگر قدرت جاذبه و گریز از مرکز خورشید نباشد تمام منظومه در هم می ریزد و تمامی جانداران این کره خاکی از بین می روند. امام نیز این گونه است و وجود عالم در گرو وجود او است. در زیارت جامعه<sup>(۱)</sup> می خوانیم: « به خاطر وجود شما آسمان بر زمین فرو نمی ریزد مگر به اجازه خداوند.»<sup>(۲)</sup>

۲. نقش خورشید در تولید نور و گرما

خورشید لحظه ای از نور افشانی و تولید حرارت زندگی بخش دریغ نمی کند و اگر نور افشانی خورشید قطع شود، زمین سرد و تاریک می شود و حیات از روی زمین می رود، ولی هر کس به اندازه توان خود از نور و گرمای آن بهره مند می شود. برکت های مادی و معنوی امام نیز هر لحظه به بندگان می رسد، ولی هر کسی به مقدار توان و قابلیت خود از آن استفاده می کند. به عبارت دیگر امام مانند خورشید هر لحظه نور افشانی می کند، ولی انسان ها هر کس به میزان توان خود از آن سود می برد.

دوم. برکات خورشید پشت ابر

۱. تأثیر آفتاب پشت ابر کم می شود، ولی قطع نمی شود؛ تأثیر امام در غیبت نیز این گونه است.

۲. انکار خورشید پشت ابر با تمامی آثاری که دارد ممکن نیست. انکار امام غایب نیز با تمامی آثار و نشانه هایی که در زمان غیبت دارد، ممکن نیست.

۳. روی مصالحتی گاهی اوقات آفتاب پشت ابر بهتر است، زیرا هر موجودی توان معینی برای بهره بردن از نور خورشید را دارد. و ممکن است برای برخی نور مستقیم خورشید به دلیل بیماری

ص: ۹۲

۱- زیارت جامعه از امام هادی علیه السلام نقل شده و یک دوره کامل امام شناسی را در خود جای داده است.

۲- «بِکُمْ یُمْسِکُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ»؛ (من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۵؛ تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۹۹).

زیان بخش باشد. گاهی اوقات برای مردم نیز امام غایب بهتر است، زیرا عده ای برای شوق آمدنش خود را بهتر آماده می کنند و عده ای دیگر دست خود را با ریختن خون او آلوده نمی کنند.

۴. انسان ها هر لحظه امید دارند ابر کنار رود و از نور آفتاب کمال استفاده را ببرند، ولی وقتی که آفتاب نیست مانند شب، این انتظار وجود ندارد. انسان های منتظر هر لحظه امید آشکار شدن امامشان را دارند، ولی این انتظار برای کسانی که از فایده های امام آگاهی کامل دارند اثر بخش تر است و کسانی که غیبت او را باور ندارند و می گویند در آخرالزمان متولد می شود، انتظار و داشتن امید بی معنا است.

۵. خورشید اگر برای عده ای پشت ابر است برای افراد دیگر ممکن است پشت ابر نباشد و یا ممکن است کسانی از ابر فراتر روند و با وجود ابری بودن هوا از نور مستقیم خورشید بهره ببرند. امام غایب نیز ممکن است گاهی برای برخی افراد آشکار شود، ولی دیگران نفهمند. یا عده ای چون خادمان حضرت همیشه در رکاب امام باشند و غیبت برای آنان معنایی نداشته باشد. مانند هواپیما که ابرها را می شکافد و از فراز ابرها خورشید بر آن می تابد.

اگر کسی بر جاذبه های دنیا چیره شود و با توجه به بعد روحانی خویش به تقویت آن پردازد ممکن است از پرده غیبت فراتر رود و از امام غایب بدون مانع بهره ببرد.

جمال یار ندارد نقاب و پرده ولی غبار ره بنشان تا نظر توانی کرد. (حافظ)

۶. بهره بردن از خورشید گرچه پشت ابر باشد همگانی است؛ استفاده از امام نیز گرچه غایب باشد همگانی است.

۷. ابری شدن و پنهانی خورشید از عوارض زمین است؛ چون آفتاب نور افشانی خود را دارد، ولی ابر نور افشانی آن را کم می کند. غیبت نیز نتیجه رفتار انسان ها است و این کاستی از طرف ما است نه از طرف ایشان، زیرا امام برکات مادی و معنوی خود را برای ما عرضه می کند، ولی به دلیل قدر نشناسی مردم حاکمیت بر جامعه ندارد و به صورت ناشناس به مدیریت گیتی می پردازد.

اشاره

یکی از سنت های آفرینش گشایش و راحتی بعد از رنج و سختی است. کسی که در برابر طوفان رنج ها و سختی ها پایداری کند، روزی شیرینی مقاومت خود را خواهد چشید. در قرآن کریم می خوانیم: « پس در حقیقت با (هر) دشواری، آسانی است. در واقع با (هر) دشواری، آسانی است. » (۱)

در حدیثی آمده است؛ رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در ضمن توصیه هایی به فضل بن عباس، فرمود:

همانا در صبر بر آنچه ناخوش داری سود بسیاری است و بدان در حقیقت پیروزی با صبر شکل می گیرد و گشایش همراه ناراحتی است و همانا با سختی آسانی و همانا با دشواری راحتی است. (۲)

و از ابوذر غفاری نقل شده است که گوید: روزی خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مسجدشان رسیدم در حالی که جز ایشان و امیرمؤمنان علی علیه السلام که کنارشان نشسته بود کس دیگری در مسجد نبود. فرصت را غنیمت شمردم و گفتم: ای رسول خدا! مرا سفارشی کن که در راه خدا به سود من باشد. فرمود: بله، چه کسی بهتر از تو ای ابوذر! تو از ما اهل بیت هستی. یکی از سفارش های

ص: ۹۴

۱- «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا \* إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»؛ (الشرح (۹۴)، آیه ۶۵ و ۶۶).

۲- «فَإِنَّ فِي الصَّبْرِ عَلَى مَا تَكَرَّرَ خَيْرًا كَثِيرًا وَاعْلَمْ أَنَّ النَّصِيرَ مَعَ الصَّبْرِ وَ أَنَّ الْفَرْجَ مَعَ الْكَرْبِ وَ أَنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»؛ (من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۲، ح ۵۹۰۰).

رسول گرامی اسلام به ابوذر چنین است:

اگر توانستی کارهایت را در راه خدای عزیز با رضای همراه یقین انجام بدهی، انجام بده و اگر توانش را نداشتی صبر پیشه کن که همانا در صبر بر ناخوشی ها خیر فراوانی است و به درستی که پیروزی همراه صبر و گشایش همراه ناراحتی است و همانا با هر سختی آسانی است. (۱)

در این قسمت به بررسی گشایش برخی از پیامبران از طرف خدای رحیم می پردازیم.

### الف) گشایش حضرت نوح علیه السلام

حضرت نوح علیه السلام شبانه روز و آشکار و پنهان در دعوت قوم خود سوی خداپرستی تلاش کرد و در این راه انواع تهمت ها و نارواها و آزار مشرکان را تحمل کرد و جز عده کمی بقیه به خدا پرستی نگریدند و حتی مشرکان می خواستند نوح پیامبر را سنگسار کنند. در قرآن کریم می خوانیم: «گفتند: ای نوح، اگر دست برنداری قطعاً از (جمله) سنگسارشدگان خواهی بود.» (۲) تا اینکه خداوند به او وحی نمود:

«و به سوی نوح وحی شد که همانا جز کسانی که تاکنون ایمان آورده اند، کس دیگری از قوم تو ایمان نخواهد آورد؛ پس از آنچه آنان انجام می دهند، اندوهگین مباش.» (۳)

حضرت نوح علیه السلام بعد از آن همه آزارهای مشرکان از خداوند درخواست یاری نمود و به درگاه پروردگار عرضه داشت: «پروردگارا مرا در برابر تکذیب های آنان یاری کن.» (۴) و یا در سوره قمر درباره استغاثه نوح پیامبر می خوانیم: «خداوندا من مغلوب گشته ام، پس مرا پیروز کن.» (۵) و خداوند

ص: ۹۵

- ۱- «فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَعْمَلَ لِلَّهِ عِزًّا وَجَلًّا بِالرِّضَا فِي الْيَقِينِ فَافْعَلْ وَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَاصْطَبِرْ فَإِنَّ فِي الصَّبْرِ عَلَى مَا تَكَرَّرَ خَيْرًا كَثِيرًا وَإِنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ وَالْفَرْجَ مَعَ الْكَرْبِ وَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»؛ (أعلام الدين، ص ۱۹۹؛ مكارم الاخلاق، ص ۴۶۹).
- ۲- «قَالُوا لَنْ لَمْ تَنْتَهُ يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ»؛ (شعراء (۲۶)، آیه ۱۱۶).
- ۳- «وَأَوْحَىٰ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ»؛ (هود (۱۱)، آیه ۳۶).
- ۴- «رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَدَّبُونِ»؛ (المؤمنون (۲۳)، آیه ۲۶).
- ۵- «فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ»؛ (قمر (۵۱)، آیه ۱۰).

به او دستور ساخت کشتی را داد و او و پیروانش را یاری و مشرکان را غرق کرد.

در سوره انبیاء درباره یاری حضرت نوح می خوانیم: « و نوح را هنگامی که از پیش ندا داد و دعای او را پذیرفتیم و وی و خانواده اش را از اندوه بزرگ نجات دادیم.» (۱)

### (ب) گشایش حضرت ایوب علیه السلام

حضرت ایوب علیه السلام بعد از سختی های فراوان که در از دست دادن مال و فرزندان و سلامتی چشید، از درگاه پروردگار استغاثه و طلب یاری کرد و خدای مهربان اضافه بر آنچه از او گرفته بود به وی عطا کرد. یعنی بعد از سختی، گشایش و آسایش به حضرت ایوب علیه السلام روی آورد و دوران رنج و اندوه او به پایان رسید. در قرآن کریم درباره این موضوع می خوانیم.

« و ایوب را (یاد کن) هنگامی که پروردگارش را ندا داد که به من زیان (و رنج) رسیده است در حالی که تو مهرورزترین مهرورزانی. پس (دعای) او را اجابت نمودیم و زیان وارده بر او را بر طرف کردیم و خانواده اش و همانندشان را همراه آنان به وی (باز) دادیم تا رحمتی از جانب ما و یادمانی برای پرستش کنندگان باشد.» (۲)

درباره این موضوع در حدیثی که از ابوبصیر نقل شده، آمده است: از امام موسی کاظم از بلاهای وارده بر حضرت ایوب در دنیا پرسیدم که علت آن چه بود؟ فرمود: برای نعمت هایی بود که خداوند در دنیا به او عطا کرده بود و آن حضرت شکر آن را به جا می آورد. سپس فرمود: در آن زمان ابلیس می توانست تا نزدیکی عرش الهی برود. ابلیس وقتی دید ادای شکر نعمت حضرت ایوب بالا می رود، حسادت کرد و گفت: پروردگارا! ایوب شکر نعمت تو را به جا نیاورد مگر به دلیل آنچه از دنیا به او داده ای و اگر او را از آنها محروم کنی دیگر هرگز شکر نعمتی را به جا نخواهد آورد. به ابلیس گفته شد: تو را بر مال و فرزندان او مسلط کردم. (۳) ابلیس لعین خود را سریع به

ص: ۹۶

۱- «و نُوحًا إِذْ نَادَى مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ»؛ (الأنبياء (۲۱)، آیه ۷۶).

۲- «وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ \* فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَذِكْرَى لِلْعَابِدِينَ»؛ (انبياء (۲۱)، آیه ۸۳ و ۸۴).

۳- پروردگار عزیز می خواست با این تسلط ابلیس بر مال و جسم حضرت ایوب نه بر روح او، به ابلیس و دیگران نشان دهد که بنده اش ایوب در سختی ها چون خوشی ها سپاس گذار او خواهد بود و اینکه علاوه بر افزودن بر مقام های حضرت ایوب او را به عنوان الگو و اسوه صبر و استقامت به آیندگان معرفی کند.

حضرت ایوب رسانید و مال و فرزندان او را نابود کرد. اما وقتی ابلیس مشاهده کرد تغییری در ایوب پیامبر حاصل نشد و هنوز او بنده ای شکر گذار است، گفت: خدایا ایوب می داند آنچه از دنیا از او گرفته ای به او باز می گردانی، مرا بر بدن او مسلط کن. گفته شد: تو را بر بدن او مگر بر قلب و زبان و چشمان و گوش هایش مسلط نمودم. ابلیس لعین سریع نزد حضرت ایوب آمد چون می ترسید که رحمت الهی میان او و حضرت ایوب فاصله شود. وقتی بلاها از هر سو حضرت ایوب را فرا گرفت (ولی او با این حال شاکر خداوند بود) گروهی از یاران او به حضورش آمدند و گفتند: ای ایوب! کسی به این گونه بلاها گرفتار نمی شود مگر به دلیل کارهای زشت و زشت سیرتی و شاید تو گناهانی مرتکب شدی و از ما پنهان داشتی. در این جا حضرت ایوب نتوانست سرزنش آنان را تحمل کند و رو به درگاه پروردگار استغاثه و طلب یاری نمود. (۱)

### ج) گشایش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

بعد از سختی های فراوان که به وجود نازنین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مردم جهان و جهان آفرینش از ستم ها و بیدادهای کافران می رسد، سرانجام روزی فرا خواهد رسید که خدای عزیز اجازه ظهور به او می دهد و او می آید و بندگان صالح را وارثان زمین خواهد نمود و برای همگان گشایش و آسایش و رشد را به ارمغان خواهد آورد.

از سعید بن جبیر نقل شده است که گوید: شنیدم سید عبادت کنندگان علی بن حسین علیهما السلام می فرمود:

« در قائم ما سنت هایی از پیامبران است ... اما سنت ایشان از حضرت ایوب علیه السلام گشایش بعد از سختی است. » (۲)

ص: ۹۷

۱- علل الشرائع، ج ۱، ص ۷۶، باب ۶۵، ح ۵.

۲- «فِي الْقَائِمِ مِنَّا سُنُّنٌ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ ... وَ أَمَّا مِنْ أَيُّوبَ فَالْفَرَجُ بَعْدَ الْبَلْوَى ...»؛ (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۱، باب ۳۱، ح ۳).



حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آغاز قیام در مکه معظمه خواهد بود و در حالی که به کعبه پناه آورده و در کنار آن ایستاده است، در قسمتی از سخنان خود این گونه به سختی های دوران قبل از ظهور اشاره می کند:

(ای مردم) از شما می خواهم به حق خدا و حق رسول او و حق خودم - که مرا بر شما حق خویشاوندی با رسول خدا صلی الله علیه و آله است - که ما را یاری کنید و از ما باز دارید آن کس را که به ما ستم می کند. همانا ما را سبک شمردند و به ما ستم کردند و از شهرها و فرزندانمان رانده شدیم و بر ما برتری یافتند و از حَقمان کنار زدند و اهل باطل بر ما نسبت ناروا بستند. پس خدا را خدا را؛ درباره حق ما به یاد آورید و ما را خوار نسازید و ما را یاری کنید تا خدای بلند مرتبه شما را یاری فرماید. (۱)

ص: ۹۸

---

۱- «... وَ أَسْأَلُكُمْ بِحَقِّ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ بِحَقِّي فَإِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقَّ الْقُرْبَى مِنْ رَسُولِ اللَّهِ إِلَّا أَعْتَمُونَا وَ مَنَعْتُمُونَا مِمَّنْ يَظْلِمُنَا فَقَدْ أَخْفَيْنَا وَ ظَلَمْنَا وَ طَرَدْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَ أَبْنَائِنَا وَ بُعِيَ عَلَيْنَا وَ دُفِعْنَا عَنْ حَقِّنَا فَأَوْتَرَ [فَأَفْتَرَى] أَهْلُ الْبَاطِلِ عَلَيْنَا فَاللَّهُ اللَّهُ فِينَا لَا تَخْذُلُونَا وَ انصُرُونَا يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ...» (بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۷، باب ۲۵، ح ۱۰۵). روایت با سندهای مختلف از جابر بن یزید از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است و از جهت سند معتبر است.

وقتی سختی‌ها و آزارها به پیامبران و برگزیدگان پروردگار از هر طرف روی می‌آورد و آنان می‌پنداشتند دیگر گشایشی نخواهد بود و کسی ایمان نخواهد آورد، ناگهان نصر و یاری خداوند می‌رسید. در قرآن کریم می‌خوانیم:

«تا آنگاه که فرستادگان (الهی از ایمان آوردن مردم) ناامید شدند و دانستند که آنان تکذیب شده‌اند، (در این حال) یاری ما بدیشان رسید؛ پس هر کس را که خواستیم نجات داده شد، ولی سختی (مجازات) ما از گروه خلاف کاران بازگردانده نشود.» (۱)

در میان پیامبران، بعثت حضرت موسی علیه السلام ناگهانی معرفی می‌شود و روایت‌هایی از اهل بیت علیهم السلام ناگهانی بودن ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را شبیه ناگهانی مبعوث شدن حضرت موسی به پیامبری معرفی می‌کنند. در این قسمت به بررسی این شباهت می‌پردازیم.

#### الف) ناگهانی بودن گشایش حضرت موسی علیه السلام

حضرت موسی علیه السلام بعد از مدتی که نزد شعیب پیامبر بود، از شهر مدین با خانواده خود خارج شد و به طرف مصر حرکت کرد. در شب تاریک و سرد راه را گم کرد. از دور آتشی دید، به طرف آن رفت تا به راه راهنمایی شود یا شعله‌ای از آن را بگیرد؛ اما ناگهان خدای عزیز با او سخن

ص: ۹۹

---

۱- «حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرٌ مِنَّا فَنَجَّيْنَا مِّنْ نَّشَأٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ»؛ (یوسف (۱۲)، آیه ۱۱۰).

گفت و او را به پیامبری برگزید.

در قرآن کریم می‌خوانیم: «و آیا خبر موسی به تو رسید؟ هنگامی که آتشی دید، پس به خانواده خود گفت: درنگ کنید، زیرا من آتشی دیدم، امید که پاره‌ای از آن برای شما بیاورم یا در پرتو آتش راه یابم. پس چون بدان رسید، ندا داده شد که: ای موسی! این منم پروردگار تو، پای پوش خویش بیرون آور که تو در وادی مقدس طوی هستی و من تو را برگزیده‌ام، پس بدانچه وحی می‌شود، گوش فرا ده.»(۱)

از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است که به برخی از یاران خویش فرمود:

به آن چه ناامیدی امیدوارتر از آنچه امید می‌داری باش، زیرا موسی بن عمران رفت تا برای خانواده خود شعله‌ای آتش بیاورد، اما نزد ایشان بازگشت در حالی که رسول خدا و پیامبر بود و خدای عزیز کار بنده و پیامبرش موسی را در یک شب اصلاح فرمود و با قائم که دوازدهمین نفر از امامان است، نیز چنین کند. کارش را در یک شب اصلاح فرماید همچنان که کار پیامبرش موسی را در شبی اصلاح فرمود و او را از حیرت و غیبت به روشنائی گشایش و ظهور در آورد.(۲)

در حدیثی دیگر از عبدالعظیم حسنی نقل شده است که گوید: وارد مجلس آقا امام محمد تقی شدم و می‌خواستم از ایشان درباره قائم پرسم که آیا او همان مهدی است یا نه؟ قبل از پرسش من امام فرمود: ای ابوالقاسم! همانا قائم ما همان مهدی است که واجب است در دوران غیبت او منتظرش باشند و در دوره ظهور اطاعت شود و او سومین از نوادگان من است. و سوگند به کسی که محمد را به پیامبری برانگیخت و ما را به امامت مخصوص گردانید اگر از عمر دنیا

ص: ۱۰۰

۱- «و هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى \* إِذْ رَأَى نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدٍ عَلَى النَّارِ هُدًى \* فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَا مُوسَى \* إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى \* وَ أَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى» (طه (۲۰)، آیات ۹-۱۳).

۲- «كُنْ لِمَا لَمَّا تَرَجُّوْا أَرْجَى مِنْكَ لِمَا تَرَجُّوْا فَإِنَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَرَجَ لِيَقْتَبِسَ لِأَهْلِهِ نَارًا فَرَجَعَ إِلَيْهِمْ وَ هُوَ رَسُولُ نَبِيِّ فَأَصْلَحَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَمْرَ عَبْدِهِ وَ نَبِيِّهِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي لَيْلِهِ وَ هَكَذَا يَفْعَلُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِالْقَائِمِ الثَّانِي عَشَرَ مِنَ الْأَائِمَّةِ: يَصْلِحُ لَهُ أَمْرُهُ فِي لَيْلِهِ كَمَا أَصْلَحَ أَمْرَ نَبِيِّهِ مُوسَى وَ يُخْرِجُهُ مِنَ الْخَيْرِ وَ الْعَجَبِ إِلَى نُورِ الْفَرَجِ وَ الظُّهُورِ»؛ (كمال الدين و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۵۱، باب ۶، ذیل ح ۱۳؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۴۹).

جز یک روز باقی نمانده باشد خداوند آن روز را طولانی گرداند تا در آن قیام کند و زمین را پر از عدل و داد نماید همچنان که آکنده از ستم و بیداد شده باشد. سپس امام در ادامه افزود:

« همانا خدای بلند مرتبه امر او را در یک شب اصلاح فرماید چنان که امر موسی کلیم الله را اصلاح فرمود. او رفت تا برای خانواده اش شعله ای آتش بیاورد، اما بازگشت در حالی که رسول خدا و پیامبر بود.»<sup>(۱)</sup>

### **(ب) ناگهانی بودن ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف**

ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چون روی دادن قیامت ناگهانی خواهد بود. وقتی از اهل بیت علیهم السلام درباره زمان ظهور قائمشان می پرسیدند آنان آغاز دولت کریمه را چون قیامت ناگهانی معرفی می نمودند. برای نمونه به دو حدیث اشاره می شود.

حدیث اول. از امام حسن مجتبی علیه السلام نقل شده است که گوید: از جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله از امامان بعد از ایشان پرسیدم. فرمود: امامان بعد از من به تعداد نقبای بنی اسرائیل دوازده نفر هستند که خداوند دانش و بینش من را به آنان عطا کرده است و تو ای حسن از آنان هستی. پرسیدم: ای رسول خدا! پس قائم ما اهل بیت چه وقتی قیام می کند؟ فرمود:

« ای حسن! همانا مثال آن چون قیامت است که در آسمان ها و زمین سنگین است و جز به صورت ناگهانی به سراغ شما نمی آید.»<sup>(۲)</sup>

حدیث دوم. دَعْبِلُ خُزَاعِي شَاعِرٍ وَ مَدَاحِ أَهْلِ بَيْتِ عَلِيِّهِمُ السَّلَامِ گوید: برای مولایم علی بن موسی الرضا علیه السلام قصیده ام را خواندم، که اول آن این بیت بود:

ص: ۱۰۱

---

۱- «وَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَيُصَلِّحُ لَهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلِهِ كَمَا أَصْلَحَ أَمْرَ كَلِيمِهِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ ذَهَبَ لِيُقْتَبِسَ لِأَهْلِهِ نَارًا فَرَجَعَ وَ هُوَ رَسُولٌ نَبِيٌّ»؛ (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۷، باب ۳۶، ح ۱؛ مدینه معجز الأئمه الإثنی عشر، ج ۷، ص ۴۰۷، ح ۱۰۷).

۲- «يَا حَسَنُ إِنَّمَّا مَثَلُهُ كَمَثَلِ السَّاعَةِ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً»؛ (كفایها لأثر، ص ۱۶۷؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۴۱، باب ۴۱، ح ۲۰۵).

مَدَارِسُ آيَاتٍ

خَلَّتْ مِنْ تِلَاوَةٍ

وَ مَنْزِلٌ وَخِي

مُقْفَرُ الْعَرَصَاتِ (۱)

وقتی به این ابیات از شعرم رسیدم:

خُ-رُوجُ إِمَامٍ لَّا

مَحَالَهُ خَارِجٌ

يَ-قَوْمٌ عَلَيَّ اسْمِ

اللَّهِ وَ الْبَرَكَاتِ

يُمَيِّزُ فِينَا

كُلَّ حَقٍّ وَ بَاطِلٍ

وَ يُجْزِي عَلَيَّ

النَّعْمَاءِ وَ النَّقِمَاتِ (۲)

امام رضا علیه السلام به شدت گریست سپس سر خود را بلند نمود و فرمود: ای خزاعی! روح قدسی این دو بیت را بر زبانت جاری کرد. آیا می دانی این امام کیست و چه زمانی قیام می کند؟ گفتم: نه، ای مولای من مگر اینکه شنیده ام به قیام امامی از شما که زمین را از فساد پاک می کند و آن را پر از داد می کند؛ همان طور که لبریز از بیداد شده باشد. فرمود: ای دعبل! امام بعد از من فرزندانم محمّد و بعد از محمّد فرزندان علی و بعد از علی فرزندان حسن و بعد از حسن فرزندان حجّت قائم که مورد انتظار در زمان غیبتش و اطاعت شونده در زمان ظهورش می باشد و اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خدای عزیز آن روز را طولانی می کند تا او قیام کند و زمین را پر از عدل کند، همانگونه که پر از ستم شده باشد و اما چه زمانی؟ به تحقیق پدرم از پدرش از پدرانش: روایت کرده اند که به پیامبر صلی الله علیه و آله گفته شد: ای رسول خدا! چه وقت قائم از ذریه تو قیام می کند؟ فرمود:

«مثال آن چون قیامت است که جز او کسی آن را در وقتش آشکار نمی سازد و در آسمان ها و زمین سنگین است و جز به صورت ناگهانی، به سراغ شما نمی آید.» (۳)

- ۱- مدرسه های آیات الهی که از تلاوت تهی و منزل وحی که عرصه هایش تبدیل به بیابان خالی شده است.
- ۲- خروج امامی که ظهورش حتمی است. به نام خدا و با برکت ها قیام می کند. هر حقی را از باطل در میان ما جدا می سازد و با نعمت ها و کیفرها جزا می دهد.
- ۳- «... مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ لَا يُجَلِّئُهَا لَوْفَتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمُ إِلَّا بَعَثَهُ»؛ (عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۶، باب ۶۶، ح ۳۵). روایت از جهت سند معتبر است.

پیامبران و برگزیدگان پروردگار برای اثبات حقایق و اتمام حجت بر اهل باطل و دلگرمی پیروان حق و پیشبرد اهداف خداوند از معجزات گوناگون استفاده می نمودند که تمامی شان در اختیار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار خواهند گرفت و ایشان از این خرق عادت ها و دیگر کرامت ها در عصر ظهور استفاده خواهد نمود.

در روایتی که از عبد الله بن ابی یعفور از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است، می خوانیم:

معجزه ای از معجزات پیامبران و وصی های آنان نیست مگر اینکه خدای بلند مرتبه مانند آنها را به وسیله قائم ما آشکار می کند تا اتمام حجتی برای دشمنان باشد. (۱)

در این فصل به عنوان نمونه به بررسی برخی از این توانایی ها در برخی از پیامبران می پردازیم.

### الف) قدرت های اعجازی پیامبر گرامی اسلام

معجزات بسیاری به إذن پروردگار و به وسیله پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله برای اثبات حقانیت و پیشبرد اهداف روی داد. در این قسمت به چند مورد از آنها که در قرآن کریم ذکر شده است،

ص: ۱۰۳

---

۱- «مَا مِنْ مُعْجَزَةٍ مِنَ الْمُنْبِيِّينَ وَالْأَوْصِيَاءِ إِلَّا وَ يَظْهَرُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مِثْلَهَا فِي يَدِ قَائِمِنَا لِاتِّمَامِ الْحُجَّةِ عَلَى الْأَعْدَاءِ»؛ (مختصر اثبات الرجعه، ح ۱۴ (به نقل از تراثنا، ش ۱۵، ص ۲۱۳)؛ إثبات الهداه بالنصوص والمعجزات، ج ۵، ص ۳۲۸، ح ۱۳۷).

## یکم. قرآن کریم

قرآن کریم قانون ها و سبک زندگی اسلامی را به ما می آموزد و در عصر ظهور نیز به عنوان محور و مبنای برنامه های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار می گیرد. اما یکی از جلوه های این کتاب گرانقدر اعجاز آن است. قرآن کریم از همین حروفی که انسان ها استفاده می کنند تدوین شده است، ولی انسان ها و جنیان از آوردن مثل آن ناتوان هستند. پس یکی از معجزات همیشگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرآن کریم است که پیامبران پیشین چنین معجزه ای نیاوردند هم از این جهت که دچار تحریف نشد(۱) و هم از جهت دعوت به تحدی و آوردن مثل آن.

آیاتی از قرآن کریم دعوت به آوردن مثل قرآن کریم و آیه ای دعوت به آوردن ده سوره مثل سوره های قرآن و آیاتی دعوت به آوردن سوره ای مثل آن می کنند. در این قسمت برخی از این آیات بیان می شود.

آیه اول. « بگو: اگر انسان ها و جنیان جمع شوند، بر اینکه همانند این قرآن را بیاورند، مانند آن را نخواهند آورد و اگر چه برخی آنان، پشتیبان برخی دیگر باشند.»(۲)

آیه دوم. « آیا می گویند: به دروغ آن (قرآن را به خدا) نسبت داده است؟! بگو: اگر راستگوئید، پس شما هم ده سوره ساختگی، همانند این (قرآن) بیاورید و جز خدا، هر کسی را می توانید فراخوانید!»(۳)

آیه سوم. « آیا می گویند: (او) به دروغ آن (قرآن) را (به خدا) نسبت داده است؟! بگو: اگر راست گوئید پس سوره ای همانند آن بیاورید و غیر از خدا، هر کس را می توانید (به یاری) فرا

ص: ۱۰۴

---

۱- «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ؛ در حقیقت ما خود، آگاه کننده (قرآن) را فرو فرستادیم، و قطعاً ما پاسداران آن هستیم»؛ (الحجر (۱۵)، آیه ۹).

۲- «قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَا كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً»؛ (الإسراء (۱۷)، آیه ۸۸).

۳- «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَضَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»؛ (هود (۱۱)، آیه ۱۳).



برخی از جلوه های اعجاز قرآن کریم را می توان در موارد ذیل بر شمرد.

۱. بلاغت قرآن کریم که اگر آیه ای از آن در کلام عرب باشد به دلیل آوا و آهنگ مخصوص و فصاحت بالا مشخص است.

۲. تازگی قرآن کریم که هر چه از زمان نزول آن می گذرد کهنه نمی شود.

۳. تازگی آن که هر چه بیشتر خوانده شود، حلاوت آن فزونی گیرد و نکته های جدیدی می آموزد.

۴. جامعیت قرآن کریم که هر چیزی که برای هدایت و سعادت انسان لازم است، در آن آمده است.

۵. عام بودن آن که گرچه در عرب نازل شده است، ولی اختصاص به گروه و زمان و مکان خاصی ندارد.

۶. نبودن اختلاف در قرآن کریم که اگر کلام هر نویسنده ای بود، اختلافاتی در آن مشاهده می شد.

۷. اخبار از آینده و بیان فرجام جهان که هر چه جلوتر می رویم بیشتر حقانیت آن روشن می شود.

۸. اخبار از گذشته که به صورتی از گذشته خبر می دهد که گویا در تمام حوادث تاریخ پیامبران حضور داشته است.

۹. علوم قرآن کریم که هر چه بر علوم بشر افزوده می شود، اسرار جدیدی از آن کشف می شود.

۱۰. بیان بالاترین معارف با جملاتی ساده که بیشتر معارف آن با اندک تأملی قابل فهم همگان است.

در سخنی زیبا امیر بیان علی علیه السلام این گونه اعجاز قرآن کریم را توصیف می کند:

ص: ۱۰۵

---

۱- «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَعْظَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنَّ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»؛ (یونس (۱۰)، آیه ۳۸).

و خدای سبحان می فرماید: « و ما هیچ چیز را در کتاب، فروگذار نکردیم » (۱) و اینکه «بیان گر هر چیزی است» (۲) و آیات قرآن یکدیگر را تصدیق می کنند و اختلافی در آن وجود ندارد. چنانکه می فرماید: « و اگر (بر فرض) از طرف غیر خدا بود، حتماً در آن اختلاف فراوانی می یافتند.» (۳) و همانا قرآن دارای ظاهری زیبا و شگفت انگیز و باطنی پر مایه و عمیق است، شگفتی های آن پایان ندارد و اسرار نهفته آن تمام نمی شود و تاریکی ها جز به آن از میان نمی رود. (۴)

## دوم. شق القمر

یکی از معجزه های بزرگ پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله شکافتن و دو تکه کردن ماه است که در مکه قبل از هجرت ایشان به مدینه در شبی که ماه کامل بود، اتفاق افتاد. در قرآن کریم این حادثه را همراه نزدیک شدن قیامت آورده است که در آن روز خورشید و ماه متلاشی می شوند و این حادثه می تواند نمونه کوچکی از رستاخیز بزرگ قیامت باشد. در قرآن کریم می خوانیم.

« ساعت (رستاخیز) نزدیک شد و ماه شکافت و اگر نشانه (معجزه آسایی) ببینند روی می گردانند، و می گویند: (این) سحری مستمر (۵) است.» (۶)

اما شأن نزول این آیات چنین است که؛ عده ای از مشرکان مکه در شب چهاردهم - که ماه کامل بود- نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: اگر راست می گویی و تو پیامبر خدا هستی «ماه» را برای ما دو پاره کن. جبرئیل امین نازل شد و گفت: ای محمد! همانا خدا به تو سلام می رساند و

ص: ۱۰۶

۱- الانعام (۶)، آیه ۳۸.

۲- اشاره به آیه «و نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ»؛ (النحل (۱۶)، آیه ۸۹).

۳- نساء (۴)، آیه ۸۲.

۴- «وَاللَّهُ سُبْحَانَهُ يَقُولُ «مَا فَزَّنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» وَ فِيهِ تَبْيَانٌ لِكُلِّ شَيْءٍ وَ ذَكَرَ أَنَّ الْكِتَابَ يُصِدِّقُ بَعْضُهُ بَعْضًا وَ أَنَّهُ لَا اخْتِلَافَ فِيهِ فَقَالَ سُبْحَانَهُ «وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» وَ إِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ لَا تَفْنَى عَجَابُهُ وَ لَا تَنْقُضِي عَرَائِبَهُ وَ لَا تُكْشِفُ الظُّلُمَاتُ إِلَّا بِهِ»؛ (نهج البلاغه، ص ۶۱، خطبه ۱۸).

۵- «مستمر» اشاره به این نکته است که مشرکان معجزات بسیاری از پیامبر اسلام دیده بودند و این معجزه را در ادامه آنها سحر و جادو می پنداشتند.

۶- «اَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ انشَقَّ الْقَمَرُ \* وَ اِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَ يَقُولُوا سِحْرٌ مُسْتَمِرٌّ»؛ (قمر (۵۴)، آیات ۱-۲).

می فرماید: ما به همه چیز فرمان داده ایم که فرمانبر تو باشند. پیامبر اسلام به مشرکان فرمود: اگر انجام دهم ایمان می آورید: گفتند: آری. آن حضرت سر خود را به طرف آسمان بلند نمود و به ماه دستور داد دو قطعه شود. پس ماه دو تکه شد و پیامبر اکرم و پیروان حق سجده شکر برای خدای عزیز به جا آوردند. سپس به ماه دستور داد به حالت اول باز گردد و دو قطعه ماه به هم وصل شد. امّیا مشرکان به جای ایمان آوردن، رسول خدا را به جادوگری متهم کردند. بنابر نقل این معجزه در شب چهاردهم ذی الحجه در منطقه منی رخ داده است. (۱) و از انس نقل شده که این حادثه دو بار رخ داده است، (۲) یعنی بعد از بار اول و وصل دو تکه ماه دوباره برای اتمام حجّت به دستور پیامبر اکرم ماه دو تکه شده و بعد به هم وصل شده است.

شیخ طوسی در تواتر معجزه «شق القمر» آورده است:

به تحقیق دو تکه شدن ماه را عبدالله بن مسعود و انس بن مالک و ابن عمر و حذیفه و ابن عباس و جبیر بن مطعم و مجاهد و ابراهیم روایت نموده اند و مسلمانان بر آن اجماع دارند؛ پس به مخالفت افراد کمی اعتنا نمی شود، زیرا این اتفاق در میان صحابه مشهور است و کسی از آنان آن را انکار نمی کند. (۳)

آلوسی (از مفسران عامه) تواتر روایت های معجزه دو تکه شدن ماه را می پذیرد و به نقل از «ابن سبکی» آورده است:

قول درست نزد من این است که؛ دو شقه شدن ماه متواتر است که نص قرآن کریم بر آن دلالت دارد و در صحیح بخاری و مسلم و غیر این دو از طریق های گوناگون نقل شده است به صورتی که نمی توان در تواتر آن شک نمود. (۴)

ص: ۱۰۷

---

۱- بر گرفته از تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۴۰ و المناقب، ج ۱، ص ۱۲۲.

۲- جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۷، ص ۵۰.

۳- «وقد روی انشقاق القمر عبد الله بن مسعود و انس ابن مالک و ابن عمر و حذیفه و ابن عباس و جبیر بن مطعم و مجاهد و ابراهیم، و قد أجمع المسلمون علیه و لا یعتد بخلاف من خالف فیهِ لشدوده لان القول به أشهر بین الصحابه فلم ینکره أحد»؛ (التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۴۴۳).

۴- «الصحيح عندی أن انشقاق القمر متواتر منصوص علیه فی القرآن مروی فی الصحیحین و غیرهما من طرق شتی بحیث لا یمتری فی تواتره»؛ (روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۴، ص ۷۴).

بنابر نقل ابن مسعود وقتی این حادثه عظیم رخ داد مشرکان قریش آن را جادو خواندند و گفتند: اینک بنگرید مسافرینی که از اطراف می آیند چه می گویند. همانا محمّد نمی تواند تمام مردم را جادو کند. وقتی مسافران آمدند از آنان جریان را پرسیدند و آنان گفتند بله ما آن را دیده ایم. پس آیه «أَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ انشَقَّ الْقَمَرُ» نازل شد. (۱)

سوم. یاری فرشتگان

فرشتگان یاری کنندگان پیامبران و برگزیدگان پروردگار و مؤمنان در طول تاریخ بوده و می باشند، ولی در برخی موارد چون جنگ بدر یاری آنان نمود بیشتری داشت؛ جنگی که مسلمانان با کمترین سلاح و نیروهای ناآزموده برای به غنیمت گرفتن کاروان تجاری مشرکان مکه رفتند، ولی با لشکر آنان که تعدادشان سه برابر مسلمانان بود و مجهز به سلاح های جنگی بودند برخورد کردند. در قرآن کریم سه گروه فرشته «منزّلین» و «مسوّمین» و «مردفین» برای یاری و تقویت روحیه مؤمنان در جنگ بدر ذکر شده است که به شرح ذیل آیات آن بیان می شود.

«و به یقین خدا شما را در (جنگ) بدر یاری کرد در حالی که شما خوار بودید. پس (خودتان را) از (عذاب) خدا حفظ کنید، باشد که شما سپاسگزاری کنید. آنگاه که به مؤمنان می گفتی: آیا (برای) شما کافی نیست که پروردگارتان، شما را با سه هزار (نفر) از فرشتگان فرود آمده، یاری تان کند؟! آری، اگر شکیبایی (و استقامت) کنید و (خودتان را) حفظ کنید و (دشمنان) با همین سرعتشان به (سراغ) شما آیند، پروردگارتان شما را با پنج هزار (نفر) از فرشتگان نشان دار مدد خواهد کرد.» (۲)

«و (به یاد آورید) هنگامی که خدا به شما، یکی از دو گروه (کاروان تجاری قریش، یا لشکر

ص: ۱۰۸

۱- الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۶، ص ۱۳.

۲- «وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ وَ أَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ \* إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُعِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلاءِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنزَلِينَ \* بَلَى إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتُواكُم مِّنْ فُورِهِمْ هَذَا يُعِدُّكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلاءٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ»؛ (آل عمران (۳)، آیات ۱۲۳-۱۲۵).

آنان) را وعده داد، که آن برای شما باشد و آرزو می کردید که (گروه) غیر مسلح برای شما باشد و (لی) خدا می خواهد حق را با کلمات (و وعده هایش) تثبیت کند، و دنباله کافران را قطع کند تا حق را تثبیت کند و باطل را نابود گرداند، و گرچه خلافکاران ناخشنود باشند. (به خاطر آورید که در میدان بدر) هنگامی را که از پروردگارتان یاری می خواستید، پس (درخواست) شما را پذیرفت (به) اینکه، من شما را با هزار (نفر) از فرشتگانِ پیاپی، یاری می کنم! (۱)

علامه طباطبایی در توضیح این آیات آورده است:

تطبیق آیه های دو سوره (آل عمران و انفال) می رسانند که مقصود از نازل شدن هزار فرشته «مردفین» این است که هزار فرشته نازل شده اند که عده دیگری به دنبال آنان خواهند آمد. بنابراین هزار فرشته «مردفین» قابل تطبیق با سه هزار فرشته «منزلین» می باشند. (۲)

چهارم. ترس در دل دشمنان

یکی از نیروهای اعجازی که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله با آن یاری می شد ترس در دل دشمنان بود که قدرت درست اندیشیدن و مقابله منطقی با آن حضرت را از آنان می گرفت.

در قرآن کریم می خوانیم: «(به یاد آور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد که من با شمایم، پس کسانی را که ایمان آورده اند، ثابت (قدم) دارید. به زودی در دل های کسانی که کفر ورزیدند وحشت می افکنم و فراز گردن ها را بزیند و همه انگشتان (و دست و پای) شان را قطع کنید!» (۳)

ص: ۱۰۹

۱- «وَ إِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِخِيدَ الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَ تَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَه تَكُونُ لَكُمْ وَ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَ يَقَطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ \* لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَ يُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ \* إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِأَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرَدِّفِينَ»؛ (انفال، ۸)، آیات ۷-۹).

۲- «فإن تطبیق الآيات من السورتين يوضح أن المراد بنزول ألف من الملائكة مردفين نزول ألف منهم يستتبعون آخرين فينطبق الألف المردفون على الثلاثة آلاف المنزلين»؛ (الميزان في تفسير القرآن، ج ۹، ص ۲۰).

۳- «إِذْ يُوحَىٰ رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَتَبَتُّوا الَّذِينَ آمَنُوا سَاءَ لِقَىٰ فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَ اضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ»؛ (الأنفال، ۸)، آیه ۱۲).

از ابو امامه از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود:

به چهار چیز برتری داده شده ام: تمام زمین برای من مسجد و پاکیزه قرار داده شد و هر فردی از امتم بخواهد نماز بخواند و آب نیابد و زمینی باشد همانا برای او مسجد و پاکیزه قرار داده شده است؛ و با ترس (در دل دشمنان) مسیر یک ماه در پیش روی یاری شده ام؛ و غنیمت ها برای امت من حلال شده است؛ و برای تمام مردم مبعوث شده ام. (۱)

### ب) قدرت های اعجازی حضرت موسی علیه السلام

حضرت موسی علیه السلام از معجزات مختلفی برای هدایت و اتمام حجت بر بنی اسرائیل و قبطیان استفاده می نمود که در این قسمت به چند مورد از آنها که به وسیله عصا و سنگ آن حضرت انجام می شد، اشاره می شود.

یک. عصای حضرت موسی علیه السلام

وقتی حضرت موسی علیه السلام در مسیر بازگشت از شهر مدین در آن شب سرد و تاریک در وادی مقدس از طرف خداوند به پیامبری برگزیده و به پرستش پروردگار و نماز سفارش شد. در آن وادی خدای عزیز از او می پرسد: «و آن چیست در دست راست تو، ای موسی؟! گفت: این عصای من است که بر آن تکیه می کنم، و با آن (برگ درختان را) بر گوسفندانم می تکانم و در آن برای من نیازهای دیگری هست. (۲) فرمود: ای موسی! آن را بیفکن. و (موسی) آن را افکند، و به ناگاه آن ماری شد که به جنب و جوش افتاد. فرمود: آن را بگیر و مَترس! به زودی آن را به حالت نخستینش باز می گردانیم.» (۳)

ص: ۱۱۰

۱- «فُضِّلْتُ بِأَرْبَعٍ جُعِلْتُ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَ طَهْرًا وَ أَيُّمَا رَجُلٍ مِنْ أُمَّتِي أَرَادَ الصَّلَاةَ فَلَمْ يَجِدْ مَاءً وَ وَجَدَ الْأَرْضَ فَقَدْ جُعِلَتْ لَهُ مَسْجِدًا وَ طَهْرًا وَ نُصِرْتُ بِالرُّعْبِ مَسِيرَةَ شَهْرٍ يَسِيرٌ بَيْنَ يَدَيَّ وَ أُحِلَّتْ لَأُمَّتِي الْغَنَائِمُ وَ أُرْسِلْتُ إِلَى النَّاسِ كَافَّةً»؛ (الخصال، ج ۱، ص ۲۰۱، باب الاربعه، ح ۱۴؛ وسائل الشيعه، ج ۳، ص ۳۵۰، باب ۷، ح ۳۸۴۰).

۲- حضرت موسی علیه السلام می خواست بیشتر با محبوب خود سخن گوید؛ برای همین این مقدار درباره عصا توضیح داد. البته خدا نیز می دانست این عصا است، ولی می خواست بیشتر با بنده خود سخن گوید و چون شروع از پروردگار عزیز بود، علاقه بیشتر خداوند را می رساند.

۳- «وَ مَا تَلَمَّكَ بِبَيْمِيكَ يَمُوسَى \* قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَ أَهْشُ بِهَا عَلَى غَنَمِي وَ لِي فِيهَا مَيَّارٌ أُخْرَى \* قَالَ أَلْقَهَا يَمُوسَى \* فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَى \* قَالَ خُذْهَا وَ لَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى»؛ (طه (۲۰)، آیات ۱۷-۲۱).

چند مورد از معجزاتی که حضرت موسی علیه السلام به وسیله این عصا انجام می داد در قرآن کریم به شرح ذیل آمده است.

یک. تبدیل شدن آن به ماری بزرگ و خوردن جادوی ساحران

« و (موسی) عصایش را افکند، پس به ناگاه آن اژدهایی آشکار شد. » (۱)

«(به هنگام مبارزه، ساحران) گفتند: ای موسی! یا اینکه تو (عصایت را) می افکنی، و یا اینکه ما (وسایل سحر را) می افکنیم؟ گفت: بیفکنید! و هنگامی که (ساحران وسایل خود را) افکندند، دیدگان مردم را افسون کردند و آنان را هراسان کردند و سحری بزرگ (پدید) آوردند! و به موسی وحی کردیم که: عصایت را بیفکن. و ناگهان آن (عصا اژدها شد و آن) چه را به دروغ می ساختند، بلعید! » (۲)

دو. زدن آن به سنگ و جوشیدن دوازده چشمه از آن سنگ

« و به موسی - آنگاه که قومش از او آب خواستند - وحی کردیم که: با عصایت بر سنگ بزن. و دوازده چشمه از آن جوشید که هر (گروهی از) مردم آبشخور خود را می شناختند. » (۳)

سه. زدن عصا به دریا و خشک شدن آن برای عبور بنی اسرائیل و نجات از دست فرعونیان

« و به موسی وحی کردیم که: با عصایت بر دریا بزن. (او چنین کرد) و آن شکافته شد و هر پاره ای همچون کوه بسیار بزرگی شد! » (۴)

چگونگی آمدن این عصا از بهشت تا وقتی که به دست حضرت موسی علیه السلام رسید و تا رسیدن

ص: ۱۱۱

۱- «فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ»؛ (اعراف(۷)، آیه ۱۰۷؛ شعراء(۲۶)، آیه ۳۲).

۲- «قَالُوا يَمُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ \* قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَبُوا أَعْيُنُ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرِ عَظِيمٍ \* وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ»؛ (اعراف(۷)، آیات ۱۱۵-۱۱۷).

۳- «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ»؛ (الأعراف(۷)، آیه ۱۶۰).

۴- «فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ»؛ (الشعراء(۲۶)، آیه ۶۳).

آن به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایت هایی از اهل بیت علیهم السلام بیان شده است که به شرح ذیل در ضمن دو حدیث مطرح می شود.

حدیث اول. از محمد بن فیض از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود:

عصای حضرت موسی علیه السلام متعلق به حضرت آدم علیه السلام بود و در اختیار حضرت شعیب علیه السلام قرار گرفت و بعد از آن به موسی بن عمران رسید و هم اکنون نزد ما است و تازه آن را دیده ام و آن سبز است و گویا به تازگی از درخت بریده شده است و چون از او خواسته شود، سخن گوید و برای قائم ما ۴۰۰۰ قرار داده شده است و با آن انجام می دهد آن کاری که موسی با آن انجام می داد و همانا آن می ترساند و آنچه به دروغ می سازند را می بلعد و آنچه به آن فرمان داده شود، انجام می دهد و هر جا روی آورد ساخته های دروغین را می خورد. وقتی دو طرف دهانش را باز کند یکی در زمین و دیگری در سقف قرار می گیرد و میانشان چهل ذراع فاصله است که با زبانش دروغ ساخته ها را می بلعد. (۱)

حدیث دوم. عبد الله بن سنان گوید: شنیدم امام جعفر صادق علیه السلام می فرمود:

عصای حضرت موسی علیه السلام قطعه ای از «آس» (۲) - نهالی بهشتی - بود. هنگامی که او به طرف مدین می رفت جبرئیل علیه السلام آن را برایش آورد. و آن عصا همراه با تابوت حضرت آدم در دریاچه طبریّه (۳) است و هرگز آن دو نمی پوسند و تغییر نمی یابند تا اینکه قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف وقتی که قیام کند، آن دو را بیرون می آورد. (۴)

ص: ۱۱۲

۱- «كَانَتْ عَصَا مُوسَى لِأَدَمَ فَصَارَتْ إِلَى شُعَيْبٍ ثُمَّ صَارَتْ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ وَ إِنَّهَا لَعِنْدَنَا وَ إِنَّ عَهْدِي بِهَا أَنْفًا وَ هِيَ خَضْرَاءُ كَهَيْئَتِهَا حِينَ انْتَرَعَتْ مِنْ شَجَرَتِهَا وَ إِنَّهَا لَتَنْطِقُ إِذَا اسْتَنْطَقَتْ أُعِدَّتْ لِقَائِمِنَا يَصْنَعُ بِهَا مَا كَانَ يَصْنَعُ مُوسَى وَ إِنَّهَا لَتَرْوَعُ وَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ وَ تَصْنَعُ مَا تُؤْمَرُ بِهِ إِنَّهَا حَيْثُ أَقْبَلَتْ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ يُفْتَحُ لَهَا شُعْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا فِي الْأَرْضِ وَ الْأُخْرَى فِي السَّقْفِ وَ بَيْنَهُمَا أَرْبَعُونَ ذِرَاعًا تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ بِلِسَانِهَا»؛ (الكافي، ج ۱، ص ۲۳۱، ح ۱؛ كمال الدين و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۳، باب ۵۸، ح ۲۸).

۲- ابن منظور آورده است: «الآس بأرض العرب كثير ينبت في السهل و الجبل و خضرته دائمة أبداً و يشمو حتى يكون شجراً عظماً؛ آس در زمین عرب بسیار است و در دشت و کوه می روید و سبزی آن همیشگی است و به قدری رشد می کند که درخت تنومندی می شود»؛ (لسان العرب، ج ۶، ص ۱۹).

۳- طبریّه، دریاچه ای در شمال فلسطین است.

۴- «كَانَتْ عَصَا مُوسَى قَضِيْبِ آسٍ مِنْ عَرَسِ الْجَنَّةِ أَتَاهُ بِهَا جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدْيَنَ وَ هِيَ وَ تَابُوتُ آدَمَ فِي بُحَيْرِهِ طَبْرِيَّةَ وَ لَنْ يَبْلِيَا وَ لَنْ يَتَغَيَّرَا حَتَّى يُخْرِجَهُمَا الْقَائِمُ عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ إِذَا قَامَ»؛ (الغيبه للنعماني، ص ۲۳۸، باب ۱۳، ح ۲۷). روایت از جهت سند معتبر است.



در قرآن کریم به سنگ حضرت موسی علیه السلام اشاره شده است که با عصای خود به آن می زد و از آن دوازده چشمه به تعداد قبایل بنی اسرائیل می جوشید و هر قبیله از چشمه ای از آن استفاده می نمود. در قرآن کریم می خوانیم: « و یاد کنید هنگامی را که موسی برای قومش آب طلبید و گفتیم: با عصایت بر سنگ بزن! و دوازده چشمه از آن بشکافت، که هر گروهی از مردم، آبشخور خود را می شناختند. (و گفتیم:) از روزی خدا بخورید و بیاشامید و در زمین تبهکارانه فساد مکنید.» (۱) در آیه ۱۶۰ سوره اعراف نیز به جوشش آب از این سنگ اشاره شده است. در آیه مورد اشاره می خوانیم: « کُلُوا وَ اشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ » که در کنار آشامیدن، خوردن آب نیز مطرح شده است و این مطلب می رساند آبی که از سنگ حضرت موسی علیه السلام می جوشید علاوه بر سیراب نمودن باعث سیر شدن هم می شد. این سنگ در عصر ظهور همراه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود و علاوه بر رفع تشنگی باعث سیر شدن نوشندگان آن می شود.

در این باره به دو حدیث اشاره می شود.

حدیث اول. از ابوالجارود نقل شده است که گوید: امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

وقتی قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف از مکه خارج شود خبر رسان او اعلان می کند: آگاه باشید؛ هیچ کدام از شما غذا و نوشیدنی همراه خود بر ندارد و به همراه او سنگ «موسی بن عمران» بار می شود و آن به اندازه بار شتری است. پس در هیچ جایگاهی نایستد، جز آنکه چشمه هایی از آن جاری می شود و هر کس گرسنه باشد سیر و هر کس تشنه باشد سیراب می شود و چهار پایان آنان هم سیراب می شوند تا آنکه در نجف -از پشت کوفه-

ص: ۱۱۳

---

۱- «وَ إِذِ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ كُلُوا وَ اشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَ لَا تَغْتَوُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ»؛ (بقره (۲)، آیه ۶۰). درباره این سنگ و بهشتی بودن آن مطالبی نقل شده که می توان به تفاسیر ذیل همین آیه مراجعه نمود.

حدیث دوم. از ابوسعید خراسانی از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

وقتی قائم در مکه قیام کند و بخواهد به طرف کوفه رود، خبر رسانش فریاد کند: کسی از شما خوردنی و آشامیدنی همراه خود بر ندارد. و سنگ حضرت موسی علیه السلام که به مقدار یک بار شتر است را با خود می برند. پس در هر جایی فرود آیند، چشمه آبی از آن سنگ بجوشد که گرسنه را سیر و تشنه را سیراب کند و همان سنگ توشه آنان است تا هنگامی که در نجف - از پشت کوفه - فرود آیند. (۲)

در روایت دیگری که از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده به جوشیدن آب و شیر از این سنگ اشاره شده است. (۳)

### ج) قدرت های اعجازی حضرت سلیمان علیه السلام

در میان پیامبران، حضرت سلیمان علیه السلام دارای چنان حکومتی بود که هیچ کدام از حاکمان ستمگر چنین حکومتی را تجربه نکرده بودند و نمی کنند. در قرآن کریم از زبان حضرت سلیمان آمده است: «گفت: پروردگارا مرا ببخش و ملکی به من ارزانی دار که هیچ کس را پس از من سزاوار نباشد، در حقیقت، تویی که خود بسیار بخشنده ای. (۴)». (۵)

ص: ۱۱۴

۱- «إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ مَكَّةَ يُنَادِي مُنَادِيَهُ أَلَا لَّا يَحْمِلَنَّ أَحَدٌ طَعَامًا وَلَا شَرَابًا وَ حَمَلَ مَعَهُ حَجْرٌ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ وَقُرْبَعِيرٍ فَلَا يَنْزِلُ مَنَزِلًا إِلَّا انْفَجَرَتْ مِنْهُ عُيُونٌ فَمَنْ كَانَ جَائِعًا شَبِعَ وَ مَنْ كَانَ ظَمْآنًا رَوَى وَ رَوِيَتْ دَوَابُّهُمْ حَتَّى يَنْزِلُوا النَّجْفَ مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ»؛ (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۰، باب ۵۸، ح ۱۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۴، باب ۲۷، ح ۳۷).

۲- «أَلَا لَّا يَحْمِلُ أَحَدٌ مِنْكُمْ طَعَامًا وَلَا شَرَابًا وَ يَحْمِلُ حَجْرَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ وَ هُوَ وَقُرْبَعِيرٍ فَلَا يَنْزِلُ مَنَزِلًا إِلَّا انْبَعَثَ عَيْنٌ مِنْهُ فَمَنْ كَانَ جَائِعًا شَبِعَ وَ مَنْ كَانَ ظَمْآنًا رَوَى فَهُوَ زَادَهُمْ حَتَّى يَنْزِلُوا النَّجْفَ مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ»؛ (الکافی، ج ۱، ص ۲۳۱، ح ۳؛ بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۱۸۵، باب ۶، ح ۲۰).

۳- الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۶۹۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۵، باب ۲۷، ح ۶۷.

۴- «قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ هَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ»؛ (ص (۳۸)، آیه ۳۵).

۵- از علی بن یقطين نقل شده است که گوید: از امام موسی کاظم علیه السلام پرسیدم: آیا می شود پیامبر خدا بخیل باشد؟ فرمود: نه. پرسیدم پس سخن سلیمان « پروردگارا مرا ببخش و ملکی به من ارزانی دار که سزاوار هیچ کس پس از من نباشد» معنایش چیست؟ فرمود: پادشاهی بر دو نوع است: الف. سلطنتی که با برتری و زور و زورگویی بر مردم به دست می آید. ب. سلطنتی که از طرف خدای بلند مرتبه عطا شود. مانند سلطنت آل ابراهیم و پادشاهی طالوت و حکومت ذوالقرنین. و مقصود حضرت سلیمان این بود که پروردگارا سلطنتی به من عطا فرما که سزاوار کسی بعد از من نباشد، اینکه بگویند این حکومت شبیه سلطنت ستمگران و زورگویان بر مردم است. پس خدای عزیز باد را به تسخیر او در آورد که به فرمان او هر جا تصمیم می گرفت به نرمی روان می شد و صبح گاهان مسیر یک ماه و عصر گاهان مسیر یک ماه را می پیمود و خدای عزیز شیطان ها

را برای بنایی و غواصی به تسخیر او در آورد و زبان پرندگان را به او آموخت و در زمین به او حکومت عطا نمود. پس مردم در آن وقت و بعد از او فهمیدند که حکومت حضرت سلیمان علیه السلام شبیه هیچ حکومتی از حکومت های از طرف مردم و حاکمان ستمگر نیست. (معانی الأخبار، ص ۳۵۳، باب معنی قول سلیمان علیه السلام رب اغفر لی و هب لی ملکاً، ح ۱).

در آیات بعد خداوند این گونه پاسخ درخواست سلیمان را می دهد: « پس باد را رام او ساختیم، در حالی که به فرمانش به نرمی به هر کجا خواست روان می شد. و شیطان ها را (از) هر بنا و غَوَاص (رام او ساختیم). و (گروه) دیگر را که نزدیک به همدیگر در زنجیرها (بسته شده) اند. این بخشش ماست پس بی حساب ببخش یا نگاه دار.» (۱)

در این جا به بررسی عطا و بخشش های خدای عزیز به حضرت سلیمان علیه السلام می پردازیم. برخی از ویژگی های حکومت سلیمانی که در قرآن کریم به آنها اشاره شده است، به شرح ذیل است.

یکم. تسخیر باد

خداوند باد را به تسخیر حضرت سلیمان علیه السلام در آورد به طوری که هر جا می خواست برود باد به فرمان او به نرمی آنان را می برد که صبحگاهان مسیر یک ماه و عصرگاهان مسیر یک ماه را می پیمود، یعنی در طول یک روز مسیر دو ماه را در می نوردید و بساط حضرت سلیمان را با خود

ص: ۱۱۵

---

۱- «فَسَيَخْرُجُنَا لَهُ الرِّيحُ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُجْمَاءَ حَيْثُ أَصَابَ \* وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بِنَاءٍ وَغَوَاصٍ \* وَءَاخِرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ \* هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ»؛ (ص ۳۸)، آیه ۳۶-۳۹.

حرکت می داد. پروردگار حکیم باد نرم و لطیف را در تسخیر حضرت سلیمان قرار داد تا به وسیله آن اجسام سخت را به حرکت در آورد. آیاتی که به فرمان در آمدن باد توسط حضرت سلیمان را بیان می کنند، به شرح ذیل است.

« و برای سلیمان تندباد را (رام ساختیم) در حالی که به فرمان او به سوی سرزمینی که در آن برکت نهادیم روان می شد و (ما) به هر چیزی دانا بودیم.» (۱)

« پس باد را در اختیار او قرار دادیم که هر جا تصمیم می گرفت، به فرمان او نرم، روان می شد.» (۲)

« و برای سلیمان باد را مسخر ساختیم که صبحگاهان مسیر یک ماه را و عصرگاهان مسیر یک ماه را می پیمود.» (۳)

دوم. تسخیر جنیان و شیاطین

جنیان مسلمان و غیر مسلمان در خدمت حضرت سلیمان علیه السلام بودند و هر کس از آنان از فرمان او سرپیچی می کرد به وسیله آتش سوزانی مجازات می شد و برخی از شیطان ها در غل و زنجیر او بودند. آنان برای حضرت سلیمان غواصی می کردند و اشیاء گران قیمت از دریاها برای او می آوردند و برخی دیگر برای او بنایی می نمودند و کاخ و ساختمان و ظرف های بزرگ ثابت و غیر ثابت می ساختند. در قرآن کریم درباره تحت فرمان حضرت سلیمان بودن آنان می خوانیم.

« و از شیطان ها کسانی برایش غواصی می کردند و کاری غیر از آن (نیز) انجام می دادند و آنها را (از سرکشی) حفظ می کردیم.» (۴)

« و شیطان ها را (از) بنا و غواص، تا (وحشیان) دیگر را که جفت جفت با زنجیرها به هم

ص: ۱۱۶

۱- «و لَسَلِيمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَ كُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ»؛ (انبیاء (۲۱)، آیه ۸۱).

۲- «فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ»؛ (ص (۳۸)، آیه ۳۶).

۳- «و لَسَلِيمَانَ الرِّيحَ غُدُوُّهَا شَهْرٌ وَ رَوَاحُهَا شَهْرٌ»؛ (سبأ (۳۴)، آیه ۱۲).

۴- «و مِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يُغْوِصُونَ لَهُ وَ يَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَ كُنَّا لَهُمْ حَفِظِينَ»؛ (انبیاء (۲۱)، آیه ۸۲).

بسته بودند (تحت فرمانش در آورديم).» (۱)

« و برخی از جنّ به فرمان پروردگارشان پیش او کار می کردند، و هر کس از آنها از دستور ما سر برمی تافت، از عذاب سوزان به او می چشانیديم. (آنان) برای او هر چه می خواست از محراب ها و مجسمه ها و ظرف های بزرگ مانند حوضچه ها و دیگهای چسبیده به زمین می ساختند. ای خاندان داود، شکر گزار باشید و از بندگان من اندکی سپاسگزارند.» (۲)

سوم. توانایی یاران و قدرت طی الارض.

برخی نیروهای تحت فرمان حضرت سلیمان علیه السلام که از انسان ها و جنیان بودند، قدرت های خارق عادت و عجیبی داشتند. در جریان درخواست حضرت سلیمان از اطرافیانش برای آوردن تخت ملکه سبأ از کاخ او به دربار سلیمانی این توانایی اطرافیان مشخص می شود. در آن زمان آصف بن برخیا وصی آن پیامبر در چشم بر هم زدنی تخت را حاضر کرد.

در قرآن کریم درباره این موضوع می خوانیم.

«(سپس) گفت: ای سران (کشور) کدام یک از شما تخت او را -پیش از آنکه مطیعانه نزد من آیند- برای من می آورد؟ عفريتی از جنّ گفت: من آن را پیش از آنکه از مجلس خود برخیزی برای تو می آورم و بر این (کار) سخت توانا و مورد اعتمادم. کسی که نزد او دانشی از کتاب (الهی) بود، گفت: من آن را پیش از آنکه چشم خود را بر هم زنی برایت می آورم. پس چون (سلیمان) آن (تخت) را نزد خود مستقر دید، گفت: این از فضل پروردگار من است، تا مرا بیازماید که آیا سپاسگزارم یا ناسپاسی می کنم. و هر کس سپاس گزارد، تنها به سود خویش سپاس می گزارد، و هر کس ناسپاسی کند، بی گمان پروردگارم بی نیاز و کریم است.» (۳)

ص: ۱۱۷

۱- «وَالشَّيَاطِينِ كُلِّ بَنَاءٍ وَ غَوَاصٍ \* وَ آخِرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ»؛ (ص ۳۸)، آیه ۳۷-۳۸).

۲- «وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ مَن يَزِغُ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقُهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ \* يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَ تَمَاثِيلَ وَ جِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَ قُدُورٍ رَاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ»؛ (سبأ ۳۴)، آیه ۱۲-۱۳).

۳- «قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوا أَئْيُكُمْ يَأْتِينِي بَعْرَشَتُهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ \* قَالَ عَفْرَيْتُ مِنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَ إِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ \* قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَزْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَ أَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَ مَن شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَ مَن كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ»؛ (نمل ۲۷)، آیه ۳۸-۴۰).

علاوه بر جنیان، انسان‌ها و پرندگان نیز تحت فرمان حضرت سلیمان علیه السلام بودند.

در قرآن کریم می‌خوانیم: «و برای سلیمان سپاهیان از جن و انس و پرندگان جمع آوری شدند و (برای رژه) دسته دسته گردیدند.» (۱) و در آیه ای دیگر سخن از فهمیدن سخن پرندگان توسط او مطرح شده است: «و سلیمان از داود ارث برد و گفت: ای مردم، ما زبان پرندگان را تعلیم یافته ایم و از هر چیزی به ما داده شده است. راستی که این همان امتیاز آشکار است.» (۲)

و در آیات بعدی همین سوره گفتار درباره سخن گفتن مورچه ای با سایر مورچگان و فهمیدن آن توسط حضرت سلیمان علیه السلام است. یعنی فهمیدن سخن حیوانات توسط حضرت سلیمان فقط محدود به پرندگان نمی شد و او سخن سایر جانوران را نیز می فهمید.

پنجم. داشتن کاخ باشکوه

حضرت سلیمان علیه السلام دارای کاخ باشکوهی بود که به وسیله نیروهایش از آدمیان و جنیان بنا شده بود. درباره عظمت کاخ سلیمانی همین بس که ملکه سبا که خود دارای کاخی باعظمت است (۳)، وقتی درون کاخ حضرت سلیمان قدم می زند به اشتباه می افتد و به خاطر شکوه آن کاخ ایمان می آورد. در قرآن کریم می‌خوانیم: «به او گفته شد: وارد ساحت کاخ (پادشاهی) شو. و چون آن را دید، برکه ای پنداشت و ساقهایش را نمایان کرد. (سلیمان) گفت: این کاخی مفروش از آبگینه است. (ملکه سبا) گفت: پروردگارا، من به خود ستم کردم و (اینک) با سلیمان در برابر

ص: ۱۱۸

۱- «وَ حُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودَهُ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ»؛ (نمل (۲۷)، آیه ۱۷).

۲- «وَ وَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلَّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ»؛ (نمل (۲۷)، آیه ۱۶).

۳- هدهد درباره قدرت او به حضرت سلیمان می گوید: «إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ؛ من (آنجا) زنی را یافتم که بر آنان سلطنت می کرد و از هر چیزی به او داده شده بود و تختی بزرگ داشت.»

خدا، پروردگار جهانیان، تسلیم شدم.» (۱)

### (د) قدرت های اعجازی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

گرچه خداوند به حضرت سلیمان علیه السلام حکومت باشکوهی عطا کرد، ولی به اهل بیت علیهم السلام «ملک عظیم» را داد که تجلی کامل آن در دولت کریمه مهدوی خواهد بود.

در قرآن کریم می خوانیم: «یا اینکه نسبت به مردم (پیامبر و اهل بیتش)، بر آنچه خدا از فضلش به آنان عطا کرده، رشک می ورزند؟! و به یقین ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و فرمانروایی بزرگی به آنان عطا کردیم.» (۲)

بُرَيْدِ عَجَلِيٍّ گوید: امام محمد باقر علیه السلام درباره تفسیر این آیه فرمود: از آنان رسولان و پیامبران و امامان را قرار داد پس چگونه در آل ابراهیم به آن اعتراف می کنند، ولی در آل محمد آن را انکار می کنند. پرسیدم مقصود از «وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» چیست؟ فرمود:

«ملک عظیم یعنی در میان آنان امامانی قرار داد که هر کس آنان را فرمان برد، خدا را فرمان برده و هر کس نافرمانی آنان کند، خدا را نافرمانی نموده است و این همان «ملک عظیم» است.» (۳)

و از ابو حمزه ثمالی از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است که در ذیل این آیه فرمود:

«به خدا سوگند ما آن مردم هستیم که خدای بلند مرتبه فرماید و به خدا سوگند ما حسادت شدگانیم و ما اهل آن ملک هستیم که به سوی ما باز می گردد.» (۴)

ص: ۱۱۹

۱- «قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَ كَشَفَتْ عَنْ سَاقِيهَا قَالَتْ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»؛ (نمل (۲۷)، آیه ۴۴).

۲- «أَمْ يَحْسِبُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا»؛ (النساء (۴)، آیه ۵۴).

۳- «الْمُلْكُ الْعَظِيمُ أَنْ جَعَلَ فِيهِمْ أُمَّةً مِمَّنْ أَطَاعَهُمْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاهُمْ عَصَى اللَّهَ فَهِيَ الْمُلْكُ الْعَظِيمُ»؛ (الكافی، ج ۱، ص ۲۰۶، باب أن الأئمة: ولاة الأمر، ح ۵). روایت از جهت سند معتبر است.

۴- «نَحْنُ وَ اللَّهُ النَّاسُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ نَحْنُ وَ اللَّهُ الْمُحْسِنُونَ وَ نَحْنُ أَهْلُ هَذَا الْمُلْكِ الَّذِي يَعُودُ إِلَيْنَا»؛ (بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۳۶، ح ۹؛ بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۲۸۸، باب ۱۷، ح ۱۲).



در این قسمت به جلوه‌هایی از قدرت‌های اعجازی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بنابر آنچه از روایت‌ها استفاده می‌شود، اشاره می‌کنیم.

یکم. آسانی هر سختی

هر سختی در برابر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سر فرود می‌آورد و هر گره‌ای به دست مبارکشان گشوده می‌شود و گنج‌های زمین برای او آشکار خواهد شد.

محمد بن ابی عمیر گوید: از امام موسی کاظم علیه السلام درباره تفسیر سخن خدای عزیز «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً» (۱) پرسیدم: نعمت ظاهر امام آشکار و نعمت پنهان امام غایب است. پرسیدم از میان امامان کسی هست که غایب شود؟ فرمود:

«بله، از دیدگان مردم شخص او غایب می‌شود، ولی از دل‌های مؤمنان یادش پنهان نمی‌شود و او دوازدهمین از ما است. هر امر دشواری را خداوند برای او آسان و هر سختی را برایش هموار و گنج‌های زمین را برای او آشکار و هر دوری را برای او نزدیک می‌کند و هر گردن‌کش لجوج را به وسیله او نابود و هر شیطان رانده شده را به دستانش هلاک می‌کند.» (۲)

دوم. شکست‌ناپذیری و نابودی گردن‌کشان

یکی از جلوه‌های دولت کریمه مهدوی شکست‌ناپذیری و نابودی تمام زورگویان به دست ایشان و یاران اوست. از محمد بن مسلم از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود:

«و اما شباهت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به جدش محمد مصطفی صلی الله علیه و آله قیام با شمشیر و کشتن دشمنان خدا و دشمنان رسول خدا و گردن‌کشان و ستمگران است و او به وسیله شمشیر و ترس (در دل دشمنان) یاری می‌شود و پرچمی (شکست‌خورده) برایش باز نمی‌گردد.» (۳)

ص: ۱۲۰

---

۱- «و نعمت‌هایش را آشکارا و پنهانی بر شما گسترده و تمام کرد»؛ (لقمان (۳۱)، آیه ۲۰).

۲- «نَعْمَ يَغِيبُ عَن أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصَهُ وَ لَا يَغِيبُ عَن قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ ذِكْرَهُ وَ هُوَ الثَّانِي عَشَرَ مِنَّا يُسَهِّلُ اللَّهُ لَهُ كُلَّ عَسِيرٍ وَ يُدَلِّلُ لَهُ كُلَّ صَعْبٍ وَ يُظَهِّرُ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ وَ يُقَرِّبُ لَهُ كُلَّ بَعِيدٍ وَ يُبَيِّرُ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ يُهْلِكُ عَلَى يَدِهِ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ...»؛ (كمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۳۶۸، باب ۳۴، ح ۶). روایت از جهت سند معتبر است.

۳- «... وَ أَمَّا شَبَهُهُ مِنِّي حَيْدِهِ الْمُضِيَّ طَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَخَرُّوْهُ بِالسَّيْفِ وَ قَتَلَهُ أَعْدَاءُ اللَّهِ وَ أَعْدَاءُ رَسُولِهِ وَ الْجَبَّارِينَ وَ الطَّوَاعِيَةَ وَ أَنَّهُ يُنْصَرُّ بِالسَّيْفِ وَ الرَّعْبِ وَ أَنَّهُ لَا تُرَدُّ لَهُ رَأْيَةٌ...»؛ (كمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۱، ص ۳۲۷، باب ۳۲، ح ۷).

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به وسیله نیروهای مختلف چون فرشتگان و مؤمنان یاری می شود. یکی از عوامل پیروزی ایشان ترس در دل دشمنان معرفی شده است. همانگونه که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به وسیله ترس دشمنان از ایشان یاری می شد. در این قسمت به دو حدیث اشاره می شود.

از عبدالرحمن بن کثیر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است که درباره سخن خدای عزیز «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ» (۱) امام فرمود: «مقصود امر ما است که همان امر خدای عزیز است و اینکه درباره آن عجله نکنید تا خداوند او را به وسیله سه لشکر فرشتگان و مؤمنان و ترس یاری کند.» (۲)

از ابو حمزه ثمالی نقل شده است که گوید: شنیدم امام محمد باقر علیه السلام می فرمود:

هر گاه قائم آل محمد: قیام کند همانا خداوند او را با فرشتگان مسومین و مردفین و منزلین و کروبین (۳) یاری می کند. جبرئیل پیش روی او، میکائیل سمت راست و اسرافیل سمت چپ او قرار دارند و ترس (در دل دشمنان) به فاصله یک ماهه راه پیشاپیش و پشت سر او و از راست و چپ او حرکت می کند و فرشتگان مقرب در پیش روی او خواهند بود. (۴)

ص: ۱۲۱

۱- نحل (۱۶)، آیه ۱.

۲- «هُوَ أَمْرُنَا أَمْرُ اللَّهِ لَا يُسْتَعْجَلُ بِهِ يُؤَيَّدُهُ ثَلَاثَةٌ أَجْنَادِ الْمَلَائِكَةِ وَالْمُؤْمِنُونَ وَالرُّعْبُ...» (الغیبه للنعمانی، ص ۲۴۳، باب ۱۳، ح ۴۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۶، باب ۲۷، ح ۱۱۹).

۳- «مسومین» به معنای نشان دار و «مردفین» به معنای هم ردیف و پشت سر هم و «کروبین» به معنای مقربان پروردگار می باشد.

۴- «لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ: لَنَصَرَهُ اللَّهُ بِالْمَلَائِكَةِ الْمُسَوِّمِينَ وَالْمُرْدِفِينَ وَالْمُنْزِلِينَ وَالْكَرُوبِينَ يَكُونُ جِبْرَائِيلُ أَمَامَهُ وَمِيكَائِيلُ عِزَّنِ يَمِينِهِ وَإِسْرَافِيلُ عَنْ يَسَارِهِ وَالرُّعْبُ مَسِيرَهُ شَهْرٍ أَمَامَهُ وَخَلْفَهُ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَالْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ حِذَاهُ...» (الغیبه للنعمانی، ص ۲۳۴، باب ۱۳، ح ۲۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۸، باب ۲۷، ح ۹۹).

یکی از عطاهای خداوند به حضرت سلیمان علیه السلام تسخیر باد بود. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که وارث پیامبران است از طرف خدای توانا دارای این قدرت و دیگر قدرت های اعجازی خواهد بود. در قسمتی از حدیث قدسی که از اباصلت از امام رضا از پدران گرامیش: از رسول خدا صلی الله علیه و آله در معراج از خدای عزیز نقل شده، درباره حضرت مهدی آمده است:

... و باد را مسخّر او (خاتم الاوصیاء) قرار می دهم و ابرهای سخت را رام او می سازم و اسباب را در اختیار او می گذارم و با لشکریان خود یاریش می کنم و با فرشتگانم به او یاری می رسانم تا دعوت مرا آشکار کند و آفریدگان را بر یکتایی من جمع نماید. (۱)

پنجم. توانایی طی الارض

آصف بن برخیا تخت ملکه سبأ را در کاخ حضرت سلیمان علیه السلام حاضر کرد. او قدرت طی الارض و آوردن تخت در یک چشم بر هم زدن را به دیگران نشان داد. سلیمان پیامبر گرچه خود توانایی حاضر کردن آن را داشت، ولی می خواست وصی خود را با این اعجاز به اطرافیان معرفی کند. در روایت های اهل بیت علیهم السلام یکی از قدرت هایی که برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران ایشان معرفی شده است، توانایی نقل مکان از جایی به جایی دیگر بدون گذشت محسوس زمان است. گویا آنان با سرعت نور این کار را انجام می دهند که دانش آن برای بشر کنونی نامعلوم است و در عصر ظهور این قدرت در اختیار کسانی که قابلیت آن را دارند قرار داده می شود. برای نمونه به دو حدیث اشاره می شود.

عبد العظیم بن عبد الله حسنی گوید: به امام محمد جواد علیه السلام گفتم: امید دارم شما قائم از اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله باشید؛ همان کسی که زمین را پر از عدل و داد می کند، همان طور که انباشته از بیداد و ستم شده باشد. امام بعد از بیان سخنانی در اینکه ایشان آن قائم مقصود نیست، در معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

ص: ۱۲۲

---

۱- «وَأَسَيخُرَنَّ لَهُ الرِّيَّاحَ وَ لَأُذَلِّلَنَّ لَهُ السَّحَابَ الصَّعَابَ وَ لَأَرْقِيَنَّ فِي الْأَسْبَابِ وَ لَأَنْصُرَنَّهٗ بِجُنْدِي وَ لَأُمِدِّنَّهُ بِمَلَائِكَتِي ...»؛ (عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۶۴، باب ۲۶، ح ۲۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۲، باب ۲۷، ح ۵).

« او هم نام و هم کنیه رسول خدا صلی الله علیه و آله است و او کسی است که زمین برایش پیچیده می شود (یعنی توانایی طی الارض خواهد داشت) و هر دشواری برایش هموار گردد. » (۱)

مفضل بن عمر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: همانا آیه « هر جا که باشید خداوند تمامی شما را گرد می آورد. » (۲) درباره کسانی از یاران قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف که ناپدید می شوند، نازل شده است. سپس ایشان در توصیف چگونگی جمع شدن یاران فرمود:

آنان شب هنگام از بسترهایشان ناپدید می شوند و صبح هنگام در مکه هستند و برخی از آنان بر ابرها حرکت می کنند که به نام خود و نام پدر و شمایل و نسب شناخته می شوند. مفضل گوید: به امام گفتم: فدایت شوم ایمان کدام گروه برتر است؟ فرمود: کسانی که در روز بر ابرها سیر می کنند. (۳)

ششم. همراهی فرشتگان

روایت های بسیاری از اهل بیت علیهم السلام درباره بیعت فرشتگان و یاری شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به وسیله فرشتگان و آورده شدن پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله به وسیله جبرئیل امین و ندای او به دست ما رسیده است که با عنوان های ذیل به برخی از آنها اشاره می شود.

#### ۱. یاری فرشتگان

همانطور که در نبردهای پیامبر گرامی اسلام با مشرکان فرشتگان یاری گر ایشان و مؤمنان بودند در عصر ظهور نیز فرشتگان کمک کار حضرت مهدی و یاران او خواهند بود. در این باره به دو حدیث اشاره می شود.

از ابوبکر حضرمی از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود:

ص: ۱۲۳

---

۱- «هُيَ سَجِيٌّ رَسُوْلِ اللّٰهِ وَ كَيْتُهُ وَ هِيَ الَّذِي تُطْوَى لَهٗ الْاَرْضُ وَ يَدُلُّ لَهٗ كُلُّ صَعْبٍ...» (كمال الدين و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۷، باب ۳۶، ح ۲). روایت از جهت سند معتبر است.

۲- «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللّٰهُ جَمِيعًا»؛ (بقره ۲)، آیه ۱۴۸).

۳- «إِنَّهُمْ لَيُفْتَقَدُونَ عَنْ فُرُشِهِمْ لَيْلًا فَيَصْرَبُونَ بِمَكَهٖ وَ بَعْضُهُمْ يَسِيرُ فِي السَّحَابِ، يُعْرَفُ بِاسْمِهِ وَ اسْمُ أَبِيهِ وَ حَلِيَّتُهُ وَ نَسَبُهُ. قَالَ فَقُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ أَتَيْتُمْ أَغْظَمَ إِيمَانًا؟ قَالَ: الَّذِي يَسِيرُ فِي السَّحَابِ نَهَارًا»؛ (كمال الدين و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۲، باب ۵۸، ح ۲۴). روایت از جهت سند معتبر است.

گویا قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را در نجف کوفه می نگرم که از مکه همراه پنج هزار از فرشتگان به آن مکان آمده است در حالی که جبرئیل طرف راست و میکائیل سمت چپ و مؤمنان پیش روی او می باشند و او لشکریان را سوی مناطق و شهرها می فرستد. (۱)

در قسمتی از حدیثی که أبان بن تغلب از امام جعفر صادق علیه السلام نقل نموده است، درباره یاری و همراهی فرشتگان با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور می خوانیم که امام فرمود:

سیزده هزار و سیصد و سیزده فرشته به دنبال آن حضرت بانگ برآورند. پرسیدم: تمام این جمعیت فرشتگانند؟ فرمود: بلی، آنان عبارتند از:

۱. فرشتگانی که با حضرت نوح علیه السلام در سفینه بودند.

۲. فرشتگانی که با حضرت ابراهیم علیه السلام بودند، وقتی آن حضرت را در آتش انداختند.

۳. فرشتگانی که با حضرت موسی علیه السلام بودند، زمانی که دریا را برای بنی اسرائیل شکافت.

۴. فرشتگانی که با حضرت عیسی علیه السلام بودند، وقتی که حق تعالی او را به آسمان برد.

۵. چهار هزار فرشته مسومین (نشان گذار) و هزار فرشته مردفین (پشت سر هم) که همراه پیامبر گرامی اسلام بودند. (۲)

۶. سیصد و سیزده فرشته که در جنگ بدر حاضر شدند.

۷. چهار هزار فرشته که از آسمان به قصد نبرد در رکاب امام حسین علیه السلام نازل شدند، ولی به آنان اجازه جنگ داده نشد؛ پس آنان کنار قبر آن حضرت پریشان موی و غبار آلود تا روز قیامت می گریند و رئیسشان فرشته ای است که به او منصور گفته می شود. هیچ زیارت کننده ای به زیارت آن حضرت نمی رود مگر اینکه به استقبال او می آیند و هیچ وداع کننده ای با آن حضرت نیست مگر اینکه او را بدرقه می کنند و بیماری از زائران نیست مگر اینکه او را عیادت می کنند و از آنان

ص: ۱۲۴

۱- «كَانَ بِالْقَائِمِ عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ عَلَى نَجْفِ الْكُوفَةِ وَقَدْ سَارَ إِلَيْهَا مِنْ مَكَّةَ فِي خَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ جِبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَمِيكَائِيلُ عَنْ شِمَالِهِ وَ الْمُؤْمِنُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ هُوَ يُفَرِّقُ الْجُنُودَ فِي الْبِلَادِ؛ (الإرشاد، ج ۲، ص ۳۷۹؛ روضه الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۴).

۲- در روایتی دیگر که از ابو حمزه ثمالی از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است به یاری نمودن خداوند حضرت مهدی را توسط فرشتگان «مسومین» و «منزلین» و «مردفین» و «کروبین» اشاره شده است. (الغیبه للنعمانی، ص ۲۳۴، باب ۱۳، ح ۲۲).

کسی نمی‌میرد مگر اینکه بر او نماز می‌گزارند و پس از مرگش برای او آمرزش می‌طلبند و جملگی این فرشتگان منتظر قیام قائم علیه السلام و زمان خروج ایشان می‌باشند. (۱)

## ۲. بیعت فرشتگان

در روایت های اهل بیت علیهم السلام به بیعت جبرئیل و میکائیل و فرشتگان بدر با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره شده است (۲) که برای نمونه به یک حدیث اشاره می‌شود.

از مفضل بن عمر نقل شده است که گوید: شنیدم امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

وقتی خدای عزیز به قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف اجازه قیام دهد بر منبر رود و مردم را سوی خود فرا خواند و آنان را به خدا قسم دهد و سوی حقش فرا خواند و در میان آنان به سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتار و مانند او در میان آنان عمل می‌کند، پس خدای جلیل جبرئیل علیه السلام را می‌فرستد تا نزد او آید. و او در «حطیم» (۳) فرود آید. سپس از امام می‌پرسد: به چه چیزی فرا می‌خوانی؟ قائم پاسخ او را می‌دهد. جبرئیل گوید: من اولین کسی هستم که با تو بیعت می‌کند؛ دستت را دراز کن، سپس

ص: ۱۲۵

۱- «... فَيَنْحِطُ عَلَيْهِ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ آلَافَ [أَلْفَ] مَلَكٍ وَ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ مَلَكًا قُلْتُ كُلُّ هَؤُلَاءِ الْمَلَائِكَةُ قَالَ نَعَمْ الَّذِينَ كَانُوا مَعَ نُوحٍ فِي السَّفِينَةِ وَ الَّذِينَ كَانُوا مَعَ إِبْرَاهِيمَ حِينَ أُلْقِيَ فِي النَّارِ وَ الَّذِينَ كَانُوا مَعَ مُوسَى حِينَ فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ وَ الَّذِينَ كَانُوا مَعَ عِيسَى حِينَ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَ أَرْبَعَةُ آلَافٍ مَلَكٍ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مُسَوِّمِينَ وَ أَلْفٌ مُزْدَفِينَ وَ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَ عَشْرَةَ مَلَائِكَةً يَدْرِيبُونَ وَ أَرْبَعَةُ آلَافٍ مَلَكٍ هَبَطُوا يُرِيدُونَ الْقِتَالَ مَعَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَمَّ يُؤَدِّنْ لَهُمْ فِي الْقِتَالِ فَهَمَّ عِنْدَ قَبْرِهِ شَعْتُ غُيْبَرٌ يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ رَأَيْتُهُمْ مَلَكًا يُقَالُ لَهُ مَنْصُورٌ فَلَمَّا يَزُورُهُ زَائِرٌ إِلَّا اسْتَقْبَلُوهُ وَ لَمَّا يُودِّعُهُ مُودِّعٌ إِلَّا شَاعِعُوهُ وَ لَا يَمْرُضُ مَرِيضٌ إِلَّا عَادُوهُ وَ لَا يَمُوتُ مَيِّتٌ إِلَّا صَلَّى عَلَيَّ جِنَازَتِهِ وَ اسْتَغْفَرُوا لَهُ بَعْدَ مَوْتِهِ وَ كُلُّ هَؤُلَاءِ فِي الْأَرْضِ يَنْتَظِرُونَ قِيَامَ الْقَائِمِ إِلَى وَقْتِ خُرُوجِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (کامل الزیارات، ص ۱۱۹، باب ۴۱، ح ۵). روایت از جهت سند معتبر است.

۲- الغیبه للنعمانی، ص ۳۱۴، باب ۲۰، ح ۶؛ دلائل الإمامه، ص ۲۴۱.

۳- معاویه بن عمار گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام درباره «حطیم» پرسیدم. فرمود: آن ما بین حجر الاسود و درب (کعبه) است. پرسیدم چرا حطیم نامیده شد؟ فرمود: برای اینکه برخی از مردم برخی دیگر را در آنجا (به دلیل ازدحام) پایمال می‌کنند. (الکافی، ج ۴، ص ۵۲۷، ح ۱۲) در روایتی دیگر حسن بن جهم گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: برترین مکان در مسجد الحرام که در آنجا نماز گذارده شود کجاست؟ فرمود: حطیم، که ما بین حجر الاسود و درب کعبه است. (الکافی، ج ۴، ص ۵۲۵، ح ۱).

دستش را لمس می کند و سیصد و چند ده نفر دورش جمع می شوند و با او بیعت می کنند و در مکه می ماند تا تعداد یارانش به ده هزار نفر برسد، سپس سوی مدینه حرکت می کند. (۱)

۳. آورده شدن پرچم رسول خدا توسط جبرئیل امین

در بخش اول در بیان میراث همراه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، درباره پرچم شکست ناپذیر رسول خدا صلی الله علیه و آله که همراه حضرت مهدی است، توضیحاتی داده شد. این پرچم همانطور که در جنگ بدر توسط جبرئیل امین آورده شد، برای حضرت مهدی نیز جبرئیل امین آن را می آورد، به روایتی در این زمینه اشاره می شود.

ابوحمره ثمالی گوید: امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

گویا به قائم می نگریم که بر نجف کوفه آشکار شده است و چون بر آن درآید پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر افرازد و پایه آن از پایه های عرش خدای عزیز است و حرکت دهنده آن به نصرت خدای عظیم آن را سیر دهد و آن پرچم بر هیچ کس فرود نیاید جز آنکه خدای قادر او را هلاک کند. گوید: گفتیم: آیا آن پرچم همراه او هست و یا آن که برای او می آورند؟ فرمود: برای او می آورند، جبرئیل علیه السلام آن را می آورد. (۲)

۴. ندای جبرئیل امین

در روایت های اهل بیت علیهم السلام به چند ندا از جبرئیل امین در هنگام ظهور و قیام حضرت

ص: ۱۲۶

۱- «إِذَا أَدْنَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِلْقَائِمِ فِي الْخُرُوجِ صِدِّعِ الْمُبْتَرِّ وَ دَعِيَ النَّاسَ إِلَى نَفْسِهِ وَ نَاشَدَهُمْ بِاللَّهِ وَ دَعَاهُمْ إِلَى حَقِّهِ وَ أَنْ يَسِيرَ فِيهِمْ بِسَيْرِهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ يَعْمَلُ فِيهِمْ بِعَمَلِهِ فَيَبْعَثُ اللَّهُ جَلَّ جَمَالُهُ جَبْرِيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى يَأْتِيَهُ فَيَنْزِلُ عَلَى الْحَاطِمِ ثُمَّ يَقُولُ لَهُ إِلَى أَيِّ شَيْءٍ تَدْعُو فَيُخْبِرُهُ الْقَائِمُ عَجَلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ فَيَقُولُ جَبْرِيْلُ أَنَا أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُكَ ابْسِطْ يَدَكَ فَيَمْسَحُ عَلَى يَدِهِ وَ قَدْ وَفَاهُ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ بَضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا فَيُبَايِعُونَهُ وَ يُقِيمُ بِمَكَّةَ حَتَّى يَتِمَّ أَصْحَابُهُ عَشْرَةَ آلَافٍ أَنْفُسٍ ثُمَّ يَسِيرُ مِنْهَا إِلَى الْمَدِينَةِ»؛ (الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۲؛ كشف الغممة، ج ۲، ص ۴۶۴).

۲- «كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ قَدْ ظَهَرَ عَلَى نَجْفِ الْكُوفَةِ فَإِذَا ظَهَرَ عَلَى النَّجْفِ نَشَرَ رَايَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَمُودَهَا مِنْ عُمُدِ عَرْشِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ سَائِرُهَا مِنْ نَصِيرِ اللَّهِ جَلَّ جَمَالُهُ لَا يَهْوِي بِهَا إِلَى أَحَدٍ إِلَّا أَهْلَكَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ قُلْتُ تَكُونُ مَعَهُ أَوْ يُؤْتَى بِهَا قَالِ يَلُ يُوْتَى بِهَا يَأْتِيَهُ بِهَا جَبْرِيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ»؛ (كمال الدين و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۷۲، باب ۵۸، ح ۲۳).

روایت از جهت سند معتبر است.

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره شده است که به دو حدیث اشاره می شود.

در قسمتی از حدیثی که از ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است، می خوانیم:

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج نمی کند مگر اینکه به نامش از وسط آسمان در شب بیست و سوم از ماه رمضان، شب جمعه ندا داده شود. پرسیدم: چه چیزی ندا داده می شود؟ فرمود: به نام او و نام پدرش که: «آگاه باشید: همانا فلانی فرزند فلانی قائم آل محمّد است، پس سخن او را بشنوید و از او فرمان برید.» در آن هنگام چیزی که خداوند در آن روح را آفریده، نمی ماند مگر اینکه صدا را می شنود. پس آن خوابیده را بیدار می کند و او به بیرون خانه می آید و دختران خانه نشین بیرون می آیند و حضرت مهدی به خاطر آنچه می شنود خروج می کند و آن صدای جبرئیل علیه السلام است. (۱)

أبان بن تغلب گوید: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

نخستین بیعت کننده با قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف جبرئیل علیه السلام است که به شکل پرنده سفیدی نازل می شود و با ایشان بیعت می کند، سپس یک پا بر خانه خدا کعبه و پای دیگر را بر بیت المقدس قرار می دهد و با صدایی گویا و رسا که همه آفریده ها می شنوند، ندا می دهد: «فرمان خدا رسید پس شتاب نکنید. (۲)» (۳)

هفتم. افزونی توان مؤمنان

مؤمنان با قدرت ایمان، خود را به قدرت پروردگار متصل می کنند و چون از کسی جز خدای عزیز نمی هراسند و فقط بر او تکیه و توکل می کنند قدرت های دیگر در مقابلشان کم و ناچیز به

ص: ۱۲۷

۱- «وَلَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ حَتَّى يُنَادَى بِاسْمِهِ مِنْ جَوْفِ السَّمَاءِ فِي لَيْلِهِ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَيْلَهُ جُمُعَةٍ قُلْتُ بِمِ يُنَادَى قَالَ بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ أَلْمَا إِنَّ فُلَانًا بَنَ فُلَانًا قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ فَاسْمِعُوا لَهُ وَأَطِيعُوهُ فَلَا يَبْقَى شَيْءٌ خَلَقَ اللَّهُ فِيهِ الرُّوحَ إِلَّا سَمِعَ الصَّيْحَةَ فَتَوَقَّظَ النَّائِمُ وَيَخْرُجُ إِلَى صَيْحِنِ دَارِهِ وَتَخْرُجُ الْعَذْرَاءُ مِنْ خِدْرِهَا وَيَخْرُجُ الْقَائِمُ مِمَّا يَسْمَعُ وَهِيَ صَيْحَةُ جَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ»؛ الغيبةللنعماني، ص ۲۸۹، باب ۱۶، ح ۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۱۹، باب ۲۱، ح ۴۸.

۲- «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ»؛ (نحل (۱۶)، آیه ۱).

۳- «إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يُبَايِعُ الْقَائِمَ عَجَلُ اللَّهِ عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَنْزِلُ فِي صُورِهِ طَيْرٌ أَبْيَضٌ فَيَبَايِعُهُ ثُمَّ يَضَعُ رِجْلًا عَلَى بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ وَرِجْلًا عَلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ ثُمَّ يُنَادِي بِصَوْتٍ طَلِقٍ ذَلِقٍ تَسْمَعُهُ الْخَلَائِقُ أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ»؛ (كمال الدين و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۱، باب ۵۸، ح ۱۸). روایت از جهت سند معتبر است.



حساب می آید. بنا بر صریح قرآن کریم قدرت هر مؤمن باید برتر از ده نفر از کافران باشد یعنی حداقل باید به تنهایی ده کافر را شکست دهد و در حداکثر ساکت است. ولی چون اکثر مسلمانان هنوز به مفاهیم بالای اسلام دست نیافته اند قدرت هر مؤمن در صدر اسلام برتر از دو کافر معرفی می شود و در جنگ بدر می بینیم مسلمانان با توان تجهیزاتی کم بر مشرکانی که بیش از سه برابر خود بودند، پیروز شدند. در قرآن کریم می خوانیم:

ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (و جهاد) برانگیز. اگر از شما بیست نفر شکیا باشند، بر دویست نفر پیروز می شوند و اگر صد نفر از شما باشند، بر هزار نفر از کسانی که کفر ورزیدند، پیروز می گردند به سبب اینکه، آنان گروهی هستند که به طور عمیق نمی فهمند. هم اکنون خدا به شما تخفیف داد، و معلوم داشت که در شما ضعفی هست پس اگر از شما صد نفر شکیا باشند، بر دویست نفر پیروز می شوند و اگر از شما هزار نفر باشند، با رخصت الهی، بر دو هزار نفر پیروز خواهند شد و خدا با شکییان است. (۱)

در عصر دولت کریمه در پرتو هدایت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بنا بر آنچه از اهل بیت علیهم السلام نقل شده است مؤمنان دارای قدرتی چهل برابری خواهند شد و شکست برای آنان معنایی نخواهد داشت. برای نمونه به دو حدیث اشاره می شود.

حدیث اول. از ابوالجارود از امام محمد باقر از پدرانش: از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل شده است که بر بالای منبر فرمود:

و (حضرت مهدی) دستش را بر سرهای بندگان خدا قرار می دهد، پس مؤمنی نمی ماند مگر اینکه قلبش قوی تر از پاره های آهن می شود و خدای عزیز به او قدرت چهل مرد می دهد. (۲)

ص: ۱۲۸

۱- «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ \* أَلَمْ نَخَفِ اللَّهَ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفِينَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ»؛ (انفال، ۸)، آیات ۶۵ و ۶۶.

۲- «... وَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَلَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ إِلَّا صَارَ قَلْبُهُ أَشَدَّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ وَ أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا...»؛ (كمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۳، باب ۵۷، ح ۱۷؛ منتخب الانوار المضية، ص ۲۷).

حدیث دوم. اَبان بن تغلب گوید: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

پس (حضرت مهدی) پرچم رسول خدا را باز می کند که پایه آن از پایه عرش خدا و بقیه آن همراه پیروزی خداوند است و هرگز بر چیزی فرود نمی آید مگر آنکه آن را خداوند می شکافد. پس وقتی بر افراشته شد مؤمنی باقی نمی ماند مگر اینکه قلبش چون پاره های آهن گردد و به مؤمن قدرت چهل مرد داده می شود. (۱)

نکته

در قسمتی از حدیثی که از ابوالجارود از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده، آمده است: «... حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به روش سلیمان بن داود رفتار می کند.» (۲) یعنی همان طور که حضرت سلیمان علیه السلام تمام قدرتی را که خدای عزیز در اختیار او قرار داده بود در راه رضای خدا و حاکم شدن دین پروردگار در جامعه به کار می بست، حضرت مهدی نیز تمام توانایی و قدرت های اعجازی خود را در مسیر رضای خداوند و حاکمیت دین اسلام بر گستره گیتی به کار خواهد بست. وقتی خدای آگاه قدرت تسخیر جنیان و باد و حیوانات را به حضرت سلیمان می دهد، خطاب می فرماید: «این بخشش ماست، (آن را) بی شمار ببخش یا نگاه دار.» (۳) پروردگار حکیم چگونه استفاده کردن از این نعمت ها را در اختیار حضرت سلیمان قرار می دهد، اما می داند بنده اش سلیمان همه این توانایی ها را در راه پیشبرد دین الهی به کار خواهد بست. حضرت مهدی نیز این گونه است؛ آن امام عزیز از طرف خدای قادر قدرت هایی افزون بر توان سلیمانی دریافت می کند، اما روش او همان روش حضرت سلیمان است و همه این توان ها را در مسیر پیشبرد دین حق به کار می بندد.

ص: ۱۲۹

۱- «... فَيَنْشُرُ رَايَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله عَمُودَهَا مِنْ عَمُودِ الْعَرْشِ وَ سَائِرَهَا مِنْ نَصْرِ اللَّهِ لَأَ يَهْوِيَ بِهَا إِلَى شَيْءٍ أَبَدًا إِلَّا هَتَكَهُ اللَّهُ فَإِذَا هَزَّهَا لَمْ يَبْقَ مُؤْمِنٌ إِلَّا صَارَ قَلْبُهُ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ وَ يُعْطَى الْمُؤْمِنُ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا...»؛ (کامل الزیارات، ص ۱۱۹، باب ۴۱، ح ۵). روایت از جهت سند معتبر است.

۲- «... يَسِيرُ بِسِيرِهِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ»؛ (الغیبه لطلوسی، ص ۴۷۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱، باب ۲۶، ح ۳۴).

۳- «هَذَا عَطَاؤُنَا فَأَمْنٌ أَوْ أَمْسِكُ بِغَيْرِ حِسَابٍ»؛ (ص ۳۸)، آیه ۳۶-۳۹.

در دوره های گذشته چون زمان حضرت نوح و حضرت موسی و حضرت داود و سلیمان علیهم السلام، مقداری یا تمام زمین در اختیار مؤمنان صالح قرار گرفت و در زمان پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز مسلمانان بر مشرکان پیروز شدند و شبه جزیره عربستان در اختیار آنان قرار گرفت. در این فصل بر آنیم تا به بررسی حکومت صالحان در گذشته و در دولت کریمه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر گستره زمین پردازیم.

### الف) حاکمیت صالحان در زمان حضرت نوح علیه السلام

حضرت نوح علیه السلام با هر راهی توانست، قوم خود را اندرز داد و آنان را از عاقبت بت پرستی ترسانید، ولی جز تعداد کمی بقیه ایمان نیاوردند. او هر چه بیشتر تلاش می نمود، فرار و انکار و لجاجت قومش فزونی می گرفت. شیخ الانبیاء وقتی خود را عاجز دید و هیچ راهی را برای اصلاح آنان سود بخش ندید و از طرف دیگر خدای عزیز به او خبر داده بود که دیگر کسی از قومش ایمان نمی آورند، در آن وقت دستان خود را برای شکایت از قوم خود سوی خداوند بالا برد و به درگاه پروردگار عرضه داشت: « پروردگارا؛ همانا قوم من مرا دروغگو پنداشتند، اکنون میان من و آنان جدایی بیفکن و مرا و مؤمنانی را که با من هستند، رهایی بخش.»<sup>(۱)</sup>

و خدای مقتدر تمامی مشرکان را غرق کرد و حضرت نوح علیه السلام و پیروانش را نجات و آنان را

ص: ۱۳۰

---

۱- «قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ فَافْتَحْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ فَتَحًا وَ نَجِّنِي وَ مَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»؛ (شعراء (۲۶)، آیات ۱۱۷-۱۱۸).

وارثان زمین قرار داد. در قرآن کریم می خوانیم:

« و او را تکذیب کردند و (ما) وی و کسانی را که با او در کشتی بودند، نجات دادیم و آنان را جانشینانی (برای کافران) قرار دادیم و کسانی را که نشانه های ما را دروغ انگاشتند، غرق کردیم. پس بنگر فرجام هشدار داده شدگان، چگونه بود!» (۱)

یکی از شباهت های دولت کریمه مهدوی به دوران حضرت نوح علیه السلام نابودی تمام مشرکان و باقی ماندن صالحان بر روی زمین و حاکمیت پیروان حق بر سراسر گیتی است. یعنی همانگونه که در زمان حضرت نوح علیه السلام با اجابت دعای او توسط پروردگار حکیم تمامی مشرکان نابود شدند و وارثان زمین فقط حضرت نوح علیه السلام و خدا پرستان بودند در دوران دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز بندگان صالح خداوند وارثان زمین خواهند شد و زمانی فرا خواهد رسید که شرکی بر روی زمین باقی نماند.

از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است که درباره سنت های جاری حضرت نوح علیه السلام درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

« همانا در صاحب این امر سنت هایی از پیامبران است. سنتی از حضرت نوح علیه السلام و آن طول عمرش و آشکار شدن دولت او و باز بودن دستانش در از میان بردن دشمنان است.» (۲)

### **(ب) حاکمیت صالحان در زمان حضرت موسی علیه السلام**

فرعون برای حفظ برتری و حاکمیت خود در میان مردم تفرقه می انداخت و تا می توانست قدرت بنی اسرائیل را با سر بریدن پسران و به خدمت و کنیزی گرفتن دختران و زنانشان از میان می برد و آنان را در سستی و ناتوانی نگاه می داشت. با وجود تدابیر شدید فرعون، خدای عزیز در دامن فرعون نابود کننده او را پرورش داد و سرانجام فرعون و وزیرش هامان و سپاهیانش را به

ص: ۱۳۱

---

۱- «فَكَذَّبُوهُ فَجَعَلْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْمِكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ وَأَعْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ»؛ (یونس (۱۰)، آیه ۷۳).

۲- «إِنَّ فِي صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ سُنَنًا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيَّ نَبِيْنَا وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ سُنَّةٌ مِنْ نُوحٍ وَهُوَ طُولُ عُمُرِهِ وَظُهُورُ دَوْلَتِهِ وَبَسْطُ يَدِهِ فِي هَلَاكِ أَعْدَائِهِ...»؛ (الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۹۳۶).

وسيله حضرت موسی علیه السلام و بنی اسرائیل نابود کرد. خواست فرعون در هم شکستن قدرت بنی اسرائیل و ادامه حاکمیت طاغوتی خود بود، ولی اراده و خواست خداوند بر در هم شکستن قدرت مستکبران و برتری دادن مستضعفان قرار داشت و در آخر فرعون و فرعونیان غرق و نابود و مستضعفان آزاد شدند و توانستند راهی سرزمین مقدس شوند. در قرآن کریم می خوانیم:

« و می خواهیم بر کسانی که در زمین ضعیف قرار داده بودند، مَنّت نهمیم و آنان را پیشوایان (زمین) گردانیم و آنان را وارثان (آن) قرار دهیم. و در زمین به آنان امکانات دهیم، و به فرعون و هامان و لشکریانشان، آنچه را همواره از آن بیم داشتند بنمایانیم.» (۱)

اهل بیت علیهم السلام و پیروانشان کسانی هستند که چون حضرت موسی علیه السلام و پیروانش، حق آنان رعایت نشده و مستکبران تا توانسته اند آنان را به شهادت رسانده و یا کنار زده و در ضعف از لحاظ سیاسی و اقتصادی و نظامی نگاه داشته اند. ولی اراده پروردگار بر حاکمیت آنان در دنیا در عصر دولت کریمه مهدوی و در دوره رجعت و در قیامت است. یکی از برترین مصداق های آیه محل بحث غلبه و پیروزی مستضعفان در عصر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد.

از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل شده است که فرمود: «دنیا پس از چموشی - همچون شتری که از دادن شیر به دوشنده اش خود داری می کند و برای بیچه اش نگه می دارد- به ما روی می آورد.»

سپس آن حضرت به دنبال این سخن این آیه را تلاوت فرمود: (( وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ )) (۲)

و همچنین از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل شده است که در بیان سخن خدای عزیز (( وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ )) فرمود: مقصود آل محمد است که خداوند مهدی آنان را بعد از سختی های وارد بر آنان می فرستد و او آنان را عزیز و دشمن شان را خوار می کند. (۳)

ص: ۱۳۲

---

۱- « وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ \* وَ نُمَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ »؛ (قصص (۲۸): ۵-۶).

۲- نهج البلاغه، ص ۵۰۶، کلمات قصار، ش ۲۰۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۶۴، باب ۵، ح ۶۶.

۳- الغیبه للطوسی، ص ۱۸۴، ح ۱۴۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵۴، باب ۵، ح ۳۵.

## ج) حاکمیت صالحان در عصر حضرت داود و سلیمان علیهما السلام

بنی اسرائیل بعد از زمان حضرت موسی علیه السلام به دلیل نافرمانی از خداوند و فساد و ستم به همدیگر قدرت خود را از دست دادند و اقوام دیگر بر آنان غلبه کردند و سرزمین ها و آزادیشان از میان رفت. در آن زمان از پیامبر خود (۱) خواستند که حاکمی برای آنان برگزیند تا قدرتشان باز گردد. پیامبرشان حضرت طالوت را به فرمان پروردگار برای آنان برگزید، ولی بنی اسرائیل زبان به اعتراض گشودند. پیامبرشان دلیل این انتخاب را گزینش پروردگار و توانایی علمی و جسمی او معرفی نمود و اینکه نشانه حقانیت این انتخاب خدای حکیم بازگشت تابوت عهد به میان آنان است. آنان با فرماندهی طالوت به جنگ جالوت و لشگریانش رفتند و در میان مؤمنان، حضرت داود علیه السلام توانست جالوت را به قتل رساند و به این وسیله حاکمیت و وراثت سرزمین مقدس به بنی اسرائیل با رشادت حضرت داود بازگشت و زمینه حکومت او و پسرش سلیمان پیامبر را در آینده فراهم نمود.

در قرآن کریم می خوانیم.

« پس آنان را به رخصت خدا شکست دادند و داوود، جالوت را کشت و خدا به او فرمانروایی و فرزاندگی عطا کرد.» (۲)

## د) حاکمیت صالحان در صدر اسلام

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وقتی یارانی پیدا نمود در شهر یرب دولت کریمه نبوی و حکومت صالحان را تشکیل داد. اوج حاکمیت صالحان در صدر اسلام وقتی بود که مکه مکرمه بدون خونریزی فتح شد، فتحی که زمینه ساز گسترش اسلام و قدرت مسلمانان و تسلط آنان بر شبه جزیره عربستان در عصر حیات رسول اکرم صلی الله علیه و آله شد. سوره نصر که درباره فتح مکه نازل شده است به خوبی آثار این پیروزی را نشان می دهد. در این سوره

ص: ۱۳۳

---

۱- بنا بر نقل از امام محمد باقر علیه السلام نام این پیامبر «إشمویل» که به عربی «إسماعیل» می شود، معرفی شده است. (مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۶۱).

۲- «فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَءَاتَتْهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ»؛ (بقره (۲)، آیه (۲۵۱)).

می خوانیم:

((إِذَا جَاءَ نَصِيرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ \* وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا؛ هنگامی که یاری خدا و پیروزی فرا رسد و مردم را می بینی در حالی که گروه گروه در دین خدا وارد می شوند.))

علامه طباطبایی درباره این فتح آورده است:

روشن ترین واقعه ای که می تواند مصداق نصرت و فتح در آیه باشد، فتح مکه است، چون آن مادر پیروزی ها در زمان زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله و پیروزی آشکاری بود که بنیان شرک را در جزیره العرب از میان برد. (۱)

### ه) حاکمیت صالحان در عصر دولت کریمه

روزی فرا خواهد رسید که صالحان و بندگان شایسته پروردگار وارثان و حاکمان بر تمامی زمین خواهند شد و با همراهی امامشان دولت کریمه را در گستره گیتی جاری خواهند کرد. حاکمیتی که تا قیامت پایانی نخواهد داشت و چون گذشته دوباره ستمگران حاکم بر زمین نخواهند شد.

آیاتی از قرآن کریم اشاره به این وعده خدای عزیز، یعنی حاکمیت بندگان صالح بر سراسر زمین دارند که برای نمونه به چند آیه از میان آن ها و روایت های اهل بیت علیهم السلام در ذیل شان اشاره می شود.

آیه اول. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

« و هر آینه در زبور پس از ذکر نوشتیم که زمین را بندگان نیک و شایسته من به میراث می برند. » (۲)

مقصود از «زبور» کتاب حضرت داوود علیه السلام و منظور از «ذکر» تورات یا لوح محفوظ

ص: ۱۳۴

۱- و أوضح ما يقبل الانطباق عليه النصر و الفتح المذكوران في الآية هو فتح مكة الذي هو أم فتوحاته صلى الله عليه و آله في

زمن حياته و النصر الباهر الذي انهدم به بنیان الشرك في جزيرة العرب؛ (الميزان في تفسير القرآن، ج ۲۰، ص ۳۷۶).

۲- «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ (انبیاء (۲۱)؛ آیه ۱۰۵).

است. در این آیه خداوند وعده حکومت صالحان را در تمامی زمین می دهد و با کلمه «کتبنا» (۱) و ادات تأکید آن را حتمی معرفی می کند؛ وعده ای که تاکنون رخ نداده است.

از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود: « این آیه وعده ای برای مؤمنان است به اینکه آنان تمام زمین را به ارث می برند.» (۲)

و از محمد بن عبدالله بن حسن از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است که درباره سخن خدای عزیز (( أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ )) فرمود: « آنان یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخر الزمان هستند.» (۳)

و در تفسیر علی بن ابراهیم مقصود از بندگان صالح در آیه؛ ((وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ)) حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران او معرفی شده اند. (۴)

آیه دوم: سوره نور، آیه ۵۵.

((وَعِدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسَّيَّرْنَا لِلَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...؛ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده داده است که قطعاً آنان را در زمین جانشین خواهد کرد، همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین کرد.))

در این آیه خدای عزیز به مؤمنان صالح وعده جانشینی و حاکمیت بر زمین را در آینده می دهد؛ همانگونه که در گذشته چون زمان حضرت نوح علیه السلام این جانشینی اتفاق افتاد و در بیش از بیست جای قرآن کریم به این نکته اشاره شده است که خداوند خلف وعده

ص: ۱۳۵

۱- در این آیه به جای کلمه «کتبنا» می شد واژه «قلنا» به معنای «گفتیم» بیاید ولی برای بیان حتمی بودن و تأکید بر رخ دادن حکومت صالحان کلمه «کتبنا» آمده است یعنی آن را نوشتیم گویا خدای عزیز آن را نگاشته و پای آن را امضا نموده است.

۲- «إِنَّ ذَلِكَ وَعْدٌ لِلْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّهُمْ يَرِثُونَ جَمِيعَ الْأَرْضِ»؛ (التبيان في تفسير القرآن، ج ۷، ص ۲۸).

۳- «هُمُ أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ»؛ (مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ۷، ص ۱۰۵؛ تأويل الآيات الظاهرة، ص ۳۲۶).

۴- تفسیر القمی، ج ۲، ص ۷۷.



نمی کند.

شیخ طبرسی از عیاشی به اسنادش از امام زین العابدین علیه السلام نقل می کند که ایشان آیه (۵۵ سوره نور) را تلاوت نمود و فرمود: «آنان به خدا قسم شیعیان ما اهل بیت هستند که خداوند آن را برای آنان به دستان مردی از ما انجام می دهد و او مهدی این امت است.» (۱)

و از یونس بن ظبیان از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:

چون شب جمعه فرا می رسد پروردگار عزیز فرشته ای را به آسمان دنیا فرو می فرستد، و هنگامی که صبح آن شب بر می دمَد آن فرشته بر عرش بر فراز بیت المعمور نشیند، و برای محمد و علی و حسن و حسین: منبرهایی از نور گذارند و ایشان بر فراز آنها روند و فرشتگان و پیامبران و مؤمنان بر آنان گرد آیند و درهای آسمان گشوده شود. چون خورشید به نیمه روز رسد رسول خدا صلی الله علیه و آله گوید: پروردگارا! میعادت که در کتاب خود «آیه ۵۵ سوره نور» آن را وعده فرموده ای، کی خواهد بود؟ سپس فرشتگان و پیامبران نیز همانند آن را گویند و بعد محمد و علی و حسن و حسین: به سجده در آیند و گویند: پروردگارا! به خشم آی که حریم تو دریده شده و برگزیدگان تو کشته شده اند و بندگان نیکوکار تو خوار گشته اند. پس خداوند آنچه بخواهد انجام می دهد و آن در روزی معین است. (۲)

نکته

فرقی که میان دولت کریمه مهدوی با سایر حکومت های صالحان در گذشته می باشد این است که بعد از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دیگر بازگشتی تا قیامت برای حاکمیت ستمگران نخواهد بود. به عنوان مثال وقتی خدای عزیز بشارت حاکمیت حضرت نوح علیه السلام و صالحان همراه او را می دهد آن را تا زمان معینی معرفی می کند که بعد از آن زمان، از نسل آنان کسانی در آینده به وجود می آیند که اهل فساد و ستم خواهند بود و بر فرزندان

ص: ۱۳۶

۱- «هُمَ وَ اللّٰهِ شَيَعْتُنَا اَهْلَ الْبَيْتِ يَفْعَلُ اللّٰهُ ذٰلِكَ بِهِمْ عَلٰى يَدَيِّ رَجُلٍ مِّنَّا وَ هُوَ مَهْدِي هَذِهِ الْاُمَّةُ»؛ (مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ۷، ص ۲۳۹؛ تأویل الآيات الظاهرة، ص ۳۶۵).

۲- الغيبة للنعماني، ص ۲۷۶، باب ۱۴، ح ۵۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۹۷، باب يوم خروجه (۲۶)، ح ۵۴.

مؤمنشان مسلط خواهند شد.

در قرآن کریم می خوانیم: «گفته شد: ای نوح! با درودی از ما و برکت هایی بر تو و بر گروه هایی که با تو هستند، فرود آی. و گروه هایی هستند که به زودی برخوردارشان می کنیم، سپس از جانب ما عذابی دردناک به آنان می رسد.»<sup>(۱)</sup>

یعنی گرچه تمامی مشرکان در آن زمان از میان رفتند و بندگان صالح همراه حضرت نوح علیه السلام وارثان زمین شدند، ولی بعد از مدّت زمانی که حضرت نوح از دنیا رفت، از نوادگان انسان های مؤمن گروهی مشرک شدند و در زمان های بعد حتی توانستند حاکمیت را از آن خود کنند و برگزیدگان خدا و مؤمنان را در انزوا قرار دهند تا اینکه حضرت هود علیه السلام برای هدایت آنان به پیامبری مبعوث شد.

از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «وقتی هنگام وفات حضرت نوح علیه السلام رسید پیروان را فرا خواند و به آنان فرمود:

بدانید بعد از من غیبتی خواهد بود که در آن طاغوت ها آشکار می شوند و همانا خدای عزیز برای شما گشایش به وسیله قائم از فرزندانم که نامش هود است، می فرستد. او دارای سیمای نیکان و آرامش و وقار است و در سیما و رفتار شبیه من است.»<sup>(۲)</sup>

اما وقتی حکومت صالحان به فرمان پروردگار و به وسیله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برقرار می شود دیگر تا قیامت حکومت از آن صالحان و خدا پرستان خواهد بود و دیگر جایی برای شرک و بی دینی نخواهد ماند و آیه شریفه «وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»<sup>(۳)</sup> مصداق عملی خود را

ص: ۱۳۷

---

۱- «قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَ بَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَ عَلَىٰ أُمَّةٍ مِّمَّنْ مَعَكَ وَ أُمَّةٍ سَيُؤْتِنَهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ»؛ (هود(۱۱)، آیه ۴۸).

۲- «اعْلَمُوا أَنَّهُ سَيَكُونُ بَعْدِي غَيْبَةٌ تَظْهَرُ فِيهَا الطَّوَاغِيَةُ وَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُفَرِّجُ عَنْكُمْ بِالْقَائِمِ مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ هُوْدٌ لَهُ سِمَةٌ وَ سَكِينَةٌ وَ وَقَارٌ يُشْبِهُنِي فِي خُلُقِي وَ خُلُقِي...»؛ (كمال السدين و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۳۵، باب ۲، ح ۴؛ بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۳۶۳، باب ۴، ح ۲۷).

۳- الأعراف(۷)، آیه ۱۲۸؛ القصص (۲۸)، آیه ۸۳.

خواهد یافت.

در قسمتی از حدیثی که از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام از پدران گرامیش: از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است، می خوانیم که حضرت فرمود:

وقتی مرا به آسمان بردند، جبرئیل دو تا، دو تا، اذان و اقامه گفت. سپس گفت: ای محمد! پیش برو. گفتم: ای جبرئیل! بر تو پیشی بگیرم؟ گفت: آری، زیرا خدای عزیز پیامبرانش را و به خصوص تو را بر تمام فرشتگان برتری داده است. پس جلو رفتم و با آنان نماز گذاردم و این افتخاری نیست. سپس وقتی به پوشش های نوری رسیدیم، جبرئیل به من گفت: ای محمد! پیش رو و از من جدا شو. گفتم: ای جبرئیل! در چنین جایی مرا تنها می گذاری؟ عرضه داشت: ای محمد! آخرین حدی که خدای عزیز برای من قرار داده، همین جا است. اگر از آن تجاوز کنم بالهایم می سوزد. پس مرا در نور پرتاب نمود و در آن نور تا جایی که خدای فرزانه از ملکوتش می خواست، جلو رفتم. ندایی به گوشم رسید: یا محمد! عرضه داشتم: لیبک پروردگارم، فرخنده و مبارک و بلند مرتبه ای. ندا رسید: ای محمد! تو بنده من و من پروردگار تو هستم، پس تنها مرا پرستش و بر من توکل کن. تو نورم در بین بندگانم و فرستاده ام و حجت من بر آفریدگانم می باشی، بهشتم را برای پیروانت و جهنم را برای مخالفان تو آفریده ام و برای جانشینان تو کرامتم و برای شیعیانت ثوابم را واجب نمودم. عرضه داشتم: پروردگارا! جانشینانم کیانند؟ ندا رسید: ای محمد! نام های اوصیای تو بر عمود عرش نگاشته شده است. در آن حال که در پیشگاه پروردگارم جل جلاله بودم، به عمود عرش نگریستم. دوازده نور دیدم، در هر نوری خطی سبز بود که بر آن اسم یکی از جانشینانم به چشم می خورد، اولین آنان علی بن ابی طالب علیه السلام و آخرینشان مهدی ائمت بود. عرضه داشتم: پروردگارا! آنان وصی های بعد از من هستند؟ ندا رسید: ای محمد! اینان اولیا و دوستان و برگزیدگان و حجت های من بعد از تو بر آفریدگانم می باشند و اینان جانشینان تو و بهترین آفریده های من بعد از تو می باشند. به عزت و شکوه خودم قسم؛ همانا به وسیله آنان دینم را آشکار می کنم و کلمه خود را برتری می دهم و با آخرینشان زمین را از دشمنانم پاک خواهم کرد و او را بر شرق ها و غرب های زمین حاکم می گردانم و بادها را مسخر او و ابرهای سخت را برای او

ص: ۱۳۸

رام می‌کنم و سبب‌ها را در اختیارش قرار می‌دهم و با لشکریانم یاریش و با فرشتگانم کمکش خواهم نمود تا دعوت مرا آشکار کند و آفریدگان را بر یکتاپرستی من گرد آورد. سپس سلطنتش را با دوام می‌گردانم و روزگار را پیوسته بین دوستانم تا روز قیامت قرار می‌دهم. (۱)

ص: ۱۳۹

۱- «... يَا مُحَمَّدُ هُوَ لِمَاءِ أَوْلِيَائِي وَ أَحِبَّائِي وَ أَصِيْفِيَائِي وَ حُجَجِي بَعْدَكَ عَلَى بَرِيَّتِي وَ هُمْ أَوْصِيَاءُوكَ وَ خَلَفَاؤُكَ وَ خَيْرُ خَلْقِي بَعْدَكَ وَ عَزَّتِي وَ جَلَالِي لِأَظْهَرَنِّ بِهِمْ دِينِي وَ لَأُعْلِنَنَّ بِهِمْ كَلِمَتِي وَ لَأُطَهِّرَنَّ الْأَرْضَ بِآخِرِهِمْ مِنْ أَعْدَائِي وَ لَأُمْلِكَنَّ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا وَ لَأَسِيخِرَنَّ لَهُ الرِّيَّاحَ وَ لَأُذَلِّلَنَّ لَهُ السَّحَابَ الصَّعَابَ وَ لَأَرْقِيَنَّ فِي الْأَسْبَابِ وَ لَأَنْصِرَنَّه بِجُنُودِي وَ لَأُمَدِّنُهُ بِمَلَائِكَتِي حَتَّى يُعْلِنَ دَعْوَتِي وَ يَجْمَعَ الْخَلْقَ عَلَى تَوْحِيدِي ثُمَّ لَأُدِيمَنَّ مُلْكُهُ وَ لَأُدَاوِلَنَّ الْأَيَّامَ بَيْنَ أَوْلِيَائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»؛ (علل الشرائع، ج ۱، ص ۷، باب ۷، ح ۱؛ منتخب الأنوار المضيئه، ص ۱۱).

اشاره

مهمترین هدف پیامبران و برگزیدگان پروردگار دعوت مردم به پرستش خدای عزیز و کنار گذاشتن فرمانبری و پرستیدن مستکبران و معبودهای دروغین چون بت ها بوده و می باشد. در قرآن کریم می خوانیم: « و به یقین در هر امتی فرستاده ای برانگیختیم (تا بگوید) که خدا را بپرستید و از طغیان گر (ان و بت ها) دوری کنید.»(۱)

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز برای گسترش خدا پرستی در جهان و از میان بردن شرک و بندگی طاغوت قیامت را از کنار خانه توحید آغاز می کند و ندای یکتا پرستی را در سراسر کره خاکی گسترش می دهد. در این فصل به بیان این شباهت به شرح ذیل می پردازیم.

الف) گسترش توحید توسط پیامبران خدا علیهم السلام

دعوت به توحید و خدا پرستی از زبان پیامبران و فرستادگان پروردگار در آیاتی از قرآن کریم مطرح شده است که برای نمونه به چند مورد از آنها اشاره می شود.

از زبان حضرت نوح علیه السلام می خوانیم:

« همانا نوح را به سوی قومش فرستادیم. پس گفت: ای قوم من، خدا را بپرستید که برای شما معبودی جز او نیست، من از عذاب روزی سترگ بر شما بیمناکم.»(۲)

ص: ۱۴۰

۱- «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»؛ (نحل(۱۶)، آیه ۳۶).

۲- «لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ»؛ (أعراف(۷)، آیه ۵۹).

و از زبان حضرت صالح علیه السلام به قوم ثمود می خوانیم:

« و به سوی (قوم) ثمود، برادرشان صالح را (فرستادیم) گفت: ای قوم من؛ خدا را پرستش کنید، که هیچ معبودی جز او برای شما نیست. او شما را از زمین پدید آورد و سازندگی آن را به شما وا گذاشت. پس از او آمرزش بخواهید، سپس به سوی او باز گردید، چرا که پروردگار من نزدیک (و) اجابت کننده (درخواست ها) است.» (۱)

و از زبان حضرت عیسی علیه السلام به بنی اسرائیل می خوانیم:

« و حال آنکه مسیح گفت: ای بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب)! خدا را، که پروردگار من و پروردگار شماست، پرستش کنید؛ چرا که هر کس به خدا شرک ورزد، پس حتماً خدا بهشت را بر او ممنوع ساخته، و مقصدش آتش است و برای ستمکاران هیچ یآوری نیست.» (۲)

### ب) برپایی اسلام توسط پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله

حضرت محمد صلی الله علیه و آله زمانی به پیامبری برانگیخته شد که مردم در جاهلیت به سر می بردند و به جای خدای یکتا، بت های ساخته شده از سنگ و چوب را می پرستیدند. آنان به راحتی خون یکدیگر را می ریختند و از نعمت امنیت بی بهره بودند و زندگی را به دشواری سپری می کردند.

امیرمؤمنان علی علیه السلام درباره اوضاع پیش از اسلام عرب ها می فرماید:

خداوند محمد صلی الله علیه و آله را به عنوان بیم دهنده عالمیان و امین بر قرآن کریم برانگیخت و شما ملت عرب در آن وقت دارای بدترین دین و در بدترین خانه ها بودید. منزلتان در میان سنگ های سخت و در بین مارهای زهردار بود. آب تیره می نوشیدید، غذای خشن می خوردید، خون یکدیگر را می ریختید، قطع رحم می کردید، بتان در میان شما نصب

ص: ۱۴۱

۱- «وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَكْبَرُوا ثُمَّ تَوَبُّوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ»؛ (هود(۱۱)، آیه ۶۱).

۲- «وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ»؛ (مائده(۵)، آیه ۷۲).

بود و گرفتار گناهان بودید. (۱)

در این شرایط پیامبر گرامی اسلام آمد و آنان را به سوی خدا پرستی فرا خواند و میانشان برادری برقرار نمود و سبک درست زندگی را به مسلمانان آموخت.

در قرآن کریم درباره بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می خوانیم: « به یقین، خدا بر مؤمنان منت نهاد؛ هنگامی که در میان آنان فرستاده ای از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنان بخواند و رشدشان دهد و کتاب (خدا) و فرزاندگی به آنان بیاموزد در حالی که قطعاً پیش از (آن) در گمراهی آشکاری بودند. » (۲)

امیرمؤمنان علی علیه السلام درباره روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در کنار زدن جاهلیت و هدایت مردم به سوی حق می فرماید:

او را فرستاد در حالی که نشانه های هدایت کهنه شده و راه روشن دین به نابودی رسیده بود. او حق را آشکار کرد و آفریدگان را خیرخواهی نمود و به راه درست هدایت کرد و به میانه روی فرمان داد. درود و سلام خدا بر او و آل او باد. (۳)

### ج) برپایی دوباره اسلام توسط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

انسان های با ایمان وقتی قدرت می گیرند و حاکم بر مردم می شوند، مردم را به سوی خود فرا نمی خوانند و به دنبال جمع آوری ثروت و زورگویی و خوشگذرانی و فساد نیستند، بلکه آنان مردم را به سوی خدای عزیز راهنمایی و ثروت ها را به درستی در جامعه تقسیم می کنند و به خوبی ها و زیبایی ها فرمان می دهند و مردم را به سوی آنها تشویق می کنند و آنان را از بدی ها و زشتی ها

ص: ۱۴۲

۱- «إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَذِيرًا لِلْعَالَمِينَ وَآمِينًا عَلَى التَّنْزِيلِ وَ أَنْتُمْ مَعْشَرَ الْعَرَبِ عَلَى شَرِّ دِينٍ وَ فِي شَرِّ دَارٍ مُنِيخُونَ بَيْنَ حِجَارِهِ خُشْنٌ وَ حَيَاتٍ صُمٌّ تَشْرَبُونَ الْكَدِرَ وَ تَأْكُلُونَ الْجَشِبَ وَ تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَ تَقْطَعُونَ أَرْحَامَكُمْ الْأَضْنَامُ فِيكُمْ مَنْصُوبَةٌ وَ الْأَثَامُ بِكُمْ مَعْصُوبَةٌ»؛ (نهج البلاغه، ص ۶۸، خطبه ۲۶).

۲- «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُرَكِّبُهُمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»؛ (آل عمران (۳)، آیه ۱۶۴).

۳- «أَرْسَلَهُ وَ أَعْلَمَ الْهُدَى دَارِسَهُ وَ مَنَاهِجُ الدِّينِ طَامِسَهُ فَصَدَعَ بِالْحَقِّ وَ نَصَحَ لِلْخَلْقِ وَ هَدَى إِلَى الرُّشْدِ وَ أَمَرَ بِالْقُضْدِ صَيَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ»؛ (نهج البلاغه، ص ۳۰۸، خطبه ۱۹۵).

باز می دارند. در قرآن کریم در وصف آنان می خوانیم:

« کسانی که اگر در زمین به آنان قدرت دهیم، نماز را برپا می دارند، و زکات را می پردازند و به نیکی ها فرمان می دهند، و از بدی ها باز می دارند و فرجام همه کارها تنها برای خداست. » (۱)

از ابوالجارود از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است که امام درباره آیه فرمود:

این آیه در شأن آل محمد: و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران او است که خداوند آنان را حاکم بر شرق ها و غرب های زمین می کند و دین را آشکار خواهد نمود و به وسیله او و یارانش بدعت ها و باطل را می میراند، همان طور که افراد نادان حق را میراندند تا اینکه اثری از ستم دیده نمی شود. (۲)

پیامبر گرامی اسلام دین توحیدی را با محوریت قرآن کریم برای ما به ارمغان آورد، ولی فرصت آن را نیافت تا دین حق را در سراسر گیتی جاری و حاکم کند، وعده ای که در آیاتی از قرآن کریم به آن اشاره شده است. در این قسمت به بیان برخی از این آیات و روایت هایی از اهل بیت علیهم السلام که تحقق وعده پروردگار را در دولت کریمه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می دانند، می پردازیم.

آیه اول: آیه ۳۳، سوره توبه.

« او کسی است که فرستاده اش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه دین (ها) پیروز گرداند و گرچه مشرکان ناخشنود باشند. » (۳)

حدیث اول. از محمد بن فضیل نقل شده است که گوید: از امام موسی کاظم علیه السلام درباره تفسیر آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ» پرسیدم. فرمود: او کسی است که رسول

ص: ۱۴۳

---

۱- «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»؛ (حج ۲۲)؛ (۴۱).

۲- «و هَذِهِ الْآيَةُ لِآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَى آخِرِ الْآيَةِ وَ الْمَهْدِيِّ وَ أَصْحَابِهِ يَمْلِكُهُمُ اللَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا وَ يُظْهِرُ الدِّينَ وَ يُمِيتُ اللَّهُ بِهِ وَ بِأَصْحَابِهِ الْبِدْعَ وَ الْبَاطِلَ كَمَا أَمَاتَ الشُّفَةَ الْحَقَّ حَتَّى لَا يَرَى أَثَرَ الظُّلْمِ»؛ (تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۷؛ تأویل الآيات الظاهرة، ص ۳۳۹).

۳- «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَعَنَ الْكُفْرَ الْمُشْرِكُونَ»؛ (توبه ۹)، آیه ۳۳؛ سوره صف (۶۱)، آیه ۹).



خود را فرمان به ولایت وصییش داد و ولایت همان دین حق است. درباره «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» پرسیدم. فرمود:

«يُظْهِرُهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَدْيَانِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ؛ دین حق را بر تمامی دین ها هنگام قیام قائم غلبه و برتری می دهد.» (۱)

حدیث دوم. شیخ طبرسی در حدیثی که از امام محمد باقر علیه السلام نقل می کند، آورده است:

زمان تحقق آیه هنگام قیام مهدی از آل محمد: است که در آن روز هیچ کس در روی زمین نخواهد بود مگر اینکه اقرار به حقانیت محمد صلی الله علیه و آله می کند. (۲)

حدیث سوم. از مقداد بن أسود نقل شده است که گوید: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود:

بر روی زمین هیچ خانه شهری و روستایی نمی ماند مگر اینکه خداوند اسلام را وارد آن می نماید یا به عزت و سرافرازی و یا به ذلت و خواری. یا عزیزشان می گرداند و آنان را از اهل اسلام قرار می دهد پس به آن سرافراز می شوند و یا ذلیلشان می کند و به آن دینداری می کنند. (۳)

آیه دوم: آیه ۸۳، سوره آل عمران.

«أَفَعَبَّرَ دِينَ اللَّهِ يَبْعُونَ وَ لَهُ أُسْلِمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ؛ آیا جز دین خدا را می جویند، در حالی که هر کس در آسمان ها و زمین است، خواه و ناخواه تسلیم اوست و به سوی او بازگردانده می شوند.»

همگان در نظام تکوین تسلیم امر خدایند و روزی فرا خواهد رسید که در نظام تشریح نیز همگان به فرمان پروردگار گردن نهند و ندای توحید از گوشه گوشه گیتی شنیده شود.

ص: ۱۴۴

۱- کافی، ج ۱، ص ۴۳۲، ح ۹۱.

۲- «إِنَّ ذَلِكَ يَكُونُ عِنْدَ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ فَلَمَّا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا أَقْرَبَ بِمُحَمَّدٍ»؛ (مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ۵، ص ۳۸؛ تفسير صافی، ج ۲، ص ۳۳۸).

۳- «لَا يَبْقَى عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ بَيْتٌ مَدْرٍ وَ لَا وَبَرٍ إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ كَلِمَةَ الْإِسْلَامِ إِمَّا بِعِزِّ عَزِيزٍ وَ إِمَّا بِذُلِّ ذَلِيلٍ إِمَّا يَعْزُّهُمْ فَيَجْعَلَهُمُ اللَّهُ مِنْ أَهْلِهِ فَيَعِزُّوهُ بِهِ وَ إِمَّا يُيَذِّلُّهُمْ فَيَذِلُّونَ لَهُ»؛ (الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۳، ص ۳۰۰؛ تفسير القرآن العظيم (ابن كثير)، ج ۴، ص ۱۲۰).

روایت هایی از اهل بیت علیهم السلام به این حقیقت اشاره دارند که به دو مورد به شرح ذیل اشاره می شود.

حدیث اول. از عبد الأعلى از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است که در ضمن حدیثی طولانی فرمود:

... و زمینی باقی نمی ماند مگر اینکه در آن صدای شهادتین « أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ » و « أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ » بلند می شود و مقصود از آیه « وَ لَهُ أَسْلَمَ ... » این مطلب است. (۱)

حدیث دوم. در بیان آیه « وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا » از رفاعة بن موسی نقل شده است که گوید: شنیدم امام جعفر صادق علیه السلام می فرمود:

« وقتی قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، زمینی باقی نمی ماند مگر اینکه در آن «أشهد أن لا إله إلا الله و أن محمداً رسول الله» طنین انداز می شود. » (۲)

آیه سوم: آیه ۳۹، سوره انفال.

« و با آنان کارزار کنید تا آنگاه که فتنه ای - کفر و شرک و فتنه انگیزی - نماند و دین یکسره خدای را باشد. پس اگر باز ایستند، همانا خدا به آنچه می کنند بیناست. » (۳)

محمد بن مسلم گوید: از امام محمد باقر علیه السلام پیرامون تفسیر این آیه شریفه: ((وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ)) پرسیدم. حضرت فرمود:

هنوز زمان تحقق این آیه نیامده است. همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله از سر نیازی که خود و اصحابش داشتند (و ناگزیر بودند با مشرکان و منحرفان بسازند) به آنان مهلت داد. پس اگر زمان تحقق آیه برسد مهلتی به آنان داده نشود بلکه کشته می شوند تا خدای عزیز به

ص: ۱۴۵

۱- « وَ لَا تَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَ هُوَ قَوْلُهُ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ... »؛ (تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۸، ح ۴۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۳، باب ۲۷، ح ۹۱).

۲- « إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ »؛ (تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳، ح ۸۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰، باب ۲۷، ح ۸۹).

۳- « وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ »؛ (انفال (۸)؛ آیه ۳۹).

البته آن گونه که از برخی آیات و روایت ها فهمیده می شود شرک علنی و معبودهای دروغین بر چیده می شوند، ولی بنابر آزاد بودن انسان ها در عقیده در آن دوره نیز کسانی خواهند بود که بر دین حق نباشند. در سوره نور بعد از وعده حکومت مؤمنان صالح و برپایی دین حق و برقراری امنیت در گستره گیتی، این گونه آمده است: «... در حالی که مرا می پرستند (و) هیچ چیز را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که بعد از آن کفر ورزند، پس آنان همان فاسقان هستند.» (۲)

از این آیه استفاده میشود که در آن دوره نیز کسانی خواهند بود که اهل کفر باشند، ولی کافر بودن خود را اظهار و اعلان نمی کنند؛ برای همین فاسق شمرده شده اند.

از بشیر نبال نقل شده است که گوید:

وقتی وارد مدینه شدم و به منزل امام محمد باقر علیه السلام رسیدم دیدم استری زین شده بر درب خانه آماده بود، پس کناری نشستم. وقتی حضرت از منزل بیرون آمد بر او سلام کردم. امام از استر پایین و سوی من آمد و (بعد از پاسخ) فرمود: اهل کجایی؟ گفتم: از مردم عراق. فرمود: از کجای آن؟ گفتم: از اهل کوفه. فرمود: همراهت در راه چه کسی بود؟ گفتم: گروهی از محدثه. فرمود: محدثه کیانند؟ گفتم: همان مرجئه. فرمود: وای بر مرجئه؛ فردا که قائم ما قیام کند، به چه کسی پناه خواهند برد؟ عرض کردم: آنان گویند: اگر چنان واقعه ای رخ دهد، ما و شما در برخورداری از عدالت یکسان خواهیم بود. فرمود: هر کس توبه کند، خداوند توبه او را پذیرد و هر که در نهان نفاق ورزد، خداوند جز او را از رحمت خود دور نسازد و هر کس اندک مخالفتی ابراز کند، خداوند خونس را خواهد ریخت. (۳)

ص: ۱۴۶

۱- «لَمْ يَجِئْ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ بَعْدَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَخَّصَ لَهُمْ لِحَاجَتِهِ وَحَاجِهِ أَضِحَّاحِيهِ فَلَوْ قَدْ جَاءَ تَأْوِيلُهَا لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُمْ لَكِنَّهُمْ يُقْتَلُونَ حَتَّى يُوَحِّدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَحَتَّى لَا يَكُونَ شِرْكٌ»؛ (الكافي، ج ۸، ص ۲۰۱، ح ۲۴۳). روایت از جهت سند معتبر است.

۲- «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ (نور، (۲۴)، آیه ۵۵).

۳- «وَيُحِ هَذِهِ الْمُرْجِيَّةَ إِلَى مَنْ يَلْجئونَ عَمَدًا إِذَا قَامَ قَائِمُنَا؟ قُلْتُ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ لَوْ قَدْ كَانَ ذَلِكَ كُنَّا نَحْنُ وَ أَنْتُمْ فِي الْعِيدِ سِوَاءَ فَقَالَ مَنْ تَابَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مَنْ أَسِيرَ نَفَاقًا فَلَا يُبْعَدُ اللَّهُ غَيْرَهُ وَ مَنْ أَظْهَرَ شَيْئًا أَهْرَقَ اللَّهُ دَمَهُ»؛ (الغيبه للنعمانی، ص ۲۸۳، باب ۱۵، ح ۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۶، باب ۲۷، ح ۱۲۲).

در این حدیث مخالفان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور به سه گروه تقسیم می شوند: گروهی توبه می کنند و به حق باز می گردند و گروهی به مخالفت علنی خود ادامه می دهند که نابود می شوند و گروهی به حق باز نمی گردند، ولی مخالفت علنی نیز ندارند و پنهانی بر روش باطل خود ادامه می دهند که امام با آنان کاری نخواهد داشت.

ص: ۱۴۷

خداوند خود عادل است و سنت و روش او از روی راستی و داد است. (۱) و پروردگار عزیز عدالت پیشگان را دوست دارد (۲) و از ستمگران بیزار است. (۳) و در دنیا و آخرت به کسی ستم نمی کند. (۴)

بر هر امت و قومی که فرستاده ای آمد به فرمان پروردگار بر اساس عدالت رفتار و از ستم و بیداد دوری کرد. (۵) و می توان گفت یکی از مهمترین هدف های رسالت پیامبران و برگزیدگان پروردگار برقراری عدالت در میان مردم بوده و می باشد. گرچه در بیشتر موارد به هدف خود نرسیدند و اقوام آنان عذاب شدند. در قرآن کریم می خوانیم:

« به یقین فرستادگانمان را با دلیل های روشن (معجزه آسا) فرستادیم و همراه آنان کتاب

ص: ۱۴۸

۱- «و تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَ عَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ؛ و سخن پروردگارت بر اساس راستی و عدل تمام شده است. هیچ تغییر دهنده ای برای سخنان (سنت گونه) او نیست»؛ (انعام، ۶)، آیه ۱۱۵).

۲- «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِمِينَ؛ که خدا دادگران را دوست می دارد»؛ (مائده، ۵)، آیه ۴۲؛ حجرات (۴۹)، آیه ۹؛ ممتحنه (۶۰)، آیه ۸).

۳- «وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ؛ و خدا، ستمکاران را دوست نمی دارد»؛ (آل عمران، ۳)، آیات ۵۷ و ۱۴۰).

۴- «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَ لَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ؛ به راستی که خدا هیچ گونه به مردم ستم نمی کند و لیکن مردم بر خودشان ستم می کنند»؛ (یونس، ۱۰)، آیه ۴۴).

۵- «وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قَضَىٰ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ؛ و برای هر امتی، فرستاده ای است و هنگامی که فرستاده آنان بیاید، بینشان به دادگری داوری شود و آنان مورد ستم واقع نمی شوند»؛ (یونس، ۱۰)، آیه ۴۷).

(خدا) و ترازو را فرو فرستادیم، تا مردم به دادگری برخیزند.»(۱)

در این فصل به بررسی سیره برخی از پیامبران و برگزیدگان پروردگار در برقراری عدالت در میان اقوام خود می پردازیم. سپس به خواست خدا به عدالت وعده داده شده در دولت کریمه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهیم پرداخت.

### الف) تلاش حضرت شعیب علیه السلام برای برقراری عدالت

مدین یکی از شهرهای منطقه شام کنار خلیج عقبه می باشد که شعیب پیامبر برای هدایت آنان مبعوث شد. از جریان حضرت موسی علیه السلام (رفتن به شهر مدین نزد حضرت شعیب علیه السلام بعد از فرار از مصر) هم دوره بودن تقریبی حضرت شعیب و حضرت موسی مشخص می شود. و هر دو پیامبر از نوادگان حضرت ابراهیم علیه السلام محسوب می شوند. در قرآن کریم درباره درخواست حضرت شعیب علیه السلام از مردم می خوانیم:

« و به سوی (مردم) مدّین برادرشان شعیب را (فرستادیم) گفت: ای قوم من! خدا را پرستش کنید که هیچ معبودی جز او برای شما نیست. پیمانہ و ترازو را کم مگذارید، چرا که من شما را در نیکی (و ثروت فراوان) می بینم و در حقیقت من از عذابِ روزی فراگیر، بر شما می ترسم. و ای قوم من! پیمانہ و ترازو را بر طبق دادگری، کاملًا ادا کنید و به مردم از روی ستم چیزهایشان را کم مدهید و در زمین تبهکارانه فساد مکنید. ذخیره الهی برای شما بهتر است اگر مؤمن باشید و من بر شما نگهبان نیستم.»(۲)

حضرت شعیب چون سایر پیامبران ابتدا مردم را به خدا پرستی و کنار گذاشتن پرستش بت ها و معبودهای دروغین فرا می خواند و در مرحله دوّم از آنان می خواهد که کم فروشی نکنند و به عدالت در معاملات رفتار کنند که به دلیل اهمیت، این مطلب تکرار شده است و در مرحله سوم

ص: ۱۴۹

۱- «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ (حدید(۵۷)، آیه ۲۵).

۲- «وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنِّ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أُرِئُكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ \* وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ \* بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ»؛ (هود(۱۱)، آیات ۸۴-۸۶).

آنان را از فساد روی زمین باز می‌دارد. با نگاهی دقیق به این آیات درمی‌یابیم که همه درخواست‌های شعیب پیامبر نوعی درخواست رفتار به عدالت و دادن حق هر کسی به او است. ابتدا با بت پرستی ظلم به خود نکنید و با خدا پرستی در مسیر حق قرار بگیرید و در مرحله بعد در رفتار خود خدا پرستی را نشان دهید و به دیگران با کم‌فروشی و تجاوز به حقوق و جان و ناموس آنان ستم نکنید. و در آیه آخر باز تأکید می‌کند که آنچه از راه کامل دادن پیمان و وزن و به عدالت رفتار کردن برای شما باقی می‌ماند برایتان بهتر است؛ اگر اهل ایمان هستید. یعنی اولاً، ایمان به خدا و خداپرستی باعث به عدالت رفتار نمودن می‌شود و ثانیاً، اگر درست حساب کنید به عدالت رفتار کردن و دادن حق هر کسی به او، باعث سود شما در دنیا و آخرت می‌شود و فرجام کم‌فروشی چیزی جز زیان حتی در همین دنیا نیست.

در آخر آیه حضرت شعیب نکته‌ای را مطرح می‌کند و آن اینکه «من نگهبان شما نیستم»، یعنی هر چه قدر هم نظارت و نگهبانی زیاد باشد، ولی مردم فاسد باشند باز به صورتی دیگر کم‌فروشی و فساد رخ می‌دهد و راه چاره خدا پرست شدن مردم است تا مردم با ایمان، خدا را همه جا نگهبان خود حس و به درستی رفتار کنند.

### (ب) عدالت محمدی

خدای عزیز به پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد که بر اساس عدالت رفتار کند. در قرآن کریم می‌خوانیم: «(ای پیامبر) بگو: پروردگرم به دادگری فرمان داده است»؛<sup>(۱)</sup> و همچنین آمده است: «و (بگو) فرمان داده شدم تا در میان شما عدالت (پیشه) کنم».<sup>(۲)</sup>

پیامبر اکرم از ابتدا به امین و عادل بودن معروف بود و وقتی به پیامبری مبعوث شد، فرهنگ جاهلی مردم - که شامل انواع ظلم‌ها چون بت پرستی، خونریزی، غارت، فساد و بی بند و باری، کشتن فرزندان و غیره می‌شد - را کنار زد و با عدالت و احسان با آنان رفتار نمود.

محمد بن مسلم گوید: از امام محمد باقر علیه السلام درباره قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسیدم که وقتی قیام کند به چه

ص: ۱۵۰

۱- «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ»؛ (اعراف (۷)، آیه ۲۹).

۲- «وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ»؛ (الشوری (۴۲)، آیه ۱۵).

روشی با مردم رفتار خواهد کرد؟ فرمود: به روشی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن روش عمل نمود تا اسلام را آشکار کند. پرسیدم: سیره رسول خدا چگونه بود؟ فرمود:

« آنچه از جاهلیت بود را باطل کرد و با مردم با عدالت رفتار نمود و همچنین است قائم علیه السلام؛ وقتی قیام کند، آنچه از نادانی و سستی میان مردم است را کنار می زند و با عدالت به سوی آنان روی می آورد.» (۱)

در قرآن کریم خدای عادل به فرستاده اش دستور می دهد حتی در میان غیر مسلمانان چون یهود نیز به عدالت رفتار کند. در قرآن مجید می خوانیم:

«(یهودیان) شنوای خوبی برای دروغ هستند و مال حرام فراوان می خورند، پس اگر نزد تو آیند بین آنان داوری کن یا از آنان روی گردان. و اگر از آنان روی گردانی، پس به تو زیانی نمی رسانند و اگر داوری می کنی، پس به دادگری میانشان حکم کن. همانا خداوند دادگران را دوست می دارد.» (۲)

و در آیه های مختلف قرآن کریم از اهل ایمان خواسته شده است که به عدالت رفتار کنند، گرچه به ضرر خود یا پدر و مادر و بستگان باشد و حتی نسبت به دشمنان نیز به داد رفتار کنند. برای نمونه به دو آیه اشاره می شود.

« ای کسانی که ایمان آورده اید؛ برپا دارندگان دادگری باشید و برای خدا گواهی دهید، و گر چه (این گواهی) به زیان خودتان، یا پدر و مادر و نزدیکان (شما) باشد. اگر (یکی از آنها) توانگر یا نیازمند باشد، پس (در گواهی شما تأثیر نگذارد، چرا که) خدا سزاوارتر به (حمایت از) آن دو است. و از هوس پیروی نکنید که منحرف می شوید. و اگر (حق را) تحریف کنید، یا (از آن) روی گردانید، پس در حقیقت خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است.» (۳)

ص: ۱۵۱

۱- «أَبْطَلَ مَا كَانَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَ اسْتَقْبَلَ النَّاسَ بِالْعَدْلِ وَ كَذَلِكَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَامَ يُبْطَلُ مَا كَانَ فِي الْهُدْنَةِ مِمَّا كَانَ فِي أَيْدِي النَّاسِ وَ يَسْتَقْبَلُ بِهِمُ الْعَدْلُ»؛ (تهذیب الأحكام، ج ۶، ص ۱۵۴، باب ۷۰، ح ۱). روایت از جهت سند معتبر است.

۲- «سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّحْتِ فَإِنْ جَاؤَكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَ إِنْ تَعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئاً وَ إِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»؛ (مائده (۵)، آیه ۴۲).

۳- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَ الْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَ إِنْ تَلَّوْا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا»؛ (نساء (۴)، آیه ۱۳۵).



« ای کسانی که ایمان آورده اید؛ قیام کنید برای خدا، گواهی دهید که دادگران به دادگری باشید و البته کینه ورزی گروهی، شما را و ندارد بر اینکه به عدالت رفتار نکنید، عادل باشید که آن به پارسایی نزدیک تر است. و (خودتان را) از (عذاب) خدا حفظ کنید، که خدا به آنچه انجام می دهید، آگاه است.» (۱)

### ج) عدالت نماد مهدویت

در بسیاری از روایت های مهدویت که درباره ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مطالبی را بیان می کنند، کلمه عدالت به چشم می خورد. یعنی عدالت به عنوان بارزترین دستاورد دولت کریمه مطرح شده است و می توان عدالت را نماد مهدویت نامید. به عنوان نمونه به چند حدیث از شیعه و عامه اشاره می شود.

از امام هادی علیه السلام نقل شده است که درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

و جمعه روز فرزند فرزندم می باشد که برای او گروه نیرومندی از حق خواهان جمع می شوند و او کسی است که زمین را از عدل و داد پر می کند، همانطور که (قبل از آمدن او) از ستم و بیداد پر شده است. (۲)

از ابوسعید خدری از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود:

قیامت بر پا نمی شود تا اینکه مردی از اهل بیت من که زیبا روی و بر بینی او برآمدگی است، حاکم می شود. او زمین را از عدالت پر می کند، همان طور که قبل از (آمدن) او از ستم پر شده باشد. (۳)

ص: ۱۵۲

---

۱- «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»؛ (مائده (۵)، آیه ۸).

۲- «... وَ الْجُمُعَةُ ابْنُ ابْنِي وَإِلَيْهِ تَجْتَمِعُ عَصَابَةُ الْحَقِّ وَ هُوَ الَّذِي يَمْلُؤُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتَّ جَوْرًا وَ ظُلْمًا...»؛ (معانی الأخبار، ص ۱۲۳، ح ۱؛ الخصال، ج ۲، ص ۳۹۴، ح ۱۰۲).

۳- «لَمَّا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي أَجْلَىٰ أَقْنَى يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مِلْتَّ قَبْلَهُ ظُلْمًا...»؛ (مسند أحمد، ج ۳، ص ۱۷؛ صحیح ابن حبان، ج ۱۵، ص ۲۳۸).

در روایتی که از امام جعفر صادق علیه السلام از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل شده است، می خوانیم: خداوند را به خدایی و رسول را به رسالت و اولی الامر را به امر به معروف و معروف و عدالت و احسان بشناسید. (۱) یکی از مهمترین معیارهای شناسایی پیشوای خوب، عدالت است تا جایی که صفت اصلی برای یک زمامدار صالح، عدالت معرفی شده است.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کسی است که در عصر ظهور حق هر صاحب حقی را به او می دهد و باطل را در همه ابعادش از میان بر می دارد. او کسی است که عدالت را مانند گرما و سرما به داخل خانه ها می برد و کسی حتی در محیط خانواده به دیگری ستم نمی کند. او کسی است که رابطه انسان با خداوند و رابطه انسان با خویشتن و رابطه انسان با انسان های دیگر و رابطه انسان با محیط پیرامون خود را بر اساس عدالت و راستی بنا خواهد گذاشت.

در قسمتی از روایتی که از حسین بن خالد از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل شده درباره عدالت مهدوی آمده است:

خداوند به وسیله او زمین را از هر بیدادی پاک و از هر ستمی پاکیزه می کند. پس وقتی ایشان قیام کند، زمین به نور او نورانی می شود و ترازوی عدل را میان مردم قرار می دهد در نتیجه کسی به دیگری ستم نخواهد کرد. (۲)

ص: ۱۵۳

---

۱- «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ اعْرِفُوا اللَّهَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولَ بِالرَّسَالَةِ وَالْأَمْرَ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالْعِدْلِ وَالْإِحْسَانِ»؛ (التوحيد، ص ۲۸۵، باب ۴۱، ح ۳).

۲- «... يُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَيُقَدِّسُهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ ... فَبِإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ وَوَضَعَ مِيزَانَ الْعِدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلَمُ أَحَدٌ أَحَدًا ...»؛ (كمال الدين و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۱، باب ۳۵، ح ۵). روایت از جهت سند معتبر است.

قاضی بر اساس ظاهر و آنچه دلایل روشن بر آن دلالت می کند، حکم می دهد. اما ممکن است گاهی صحنه سازی شده باشد و شاهدان به دروغ شهادت دهند و در نتیجه حکم قاضی گرچه در ظاهر بر اساس دادگری است، ولی در واقع مخالف واقع و حق باشد و حکم به نفع ستمگر صادر شود.

در روایت هایی از اهل بیت علیهم السلام داوری و قضاوت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به وسیله الهام و فهم خداوند و بر اساس واقع و بدون استفاده از دلایل ظاهری معرفی می شود که در این فصل به بررسی این موضوع در سیره پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و حضرت داوود و سلیمان علیهما السلام می پردازیم.

### الف) قضاوت و داوری پیامبر گرامی اسلام

هشام بن حکم گوید: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: « همانا من بر اساس دلایل روشن و سوگندها داوری می کنم و برخی از شما در بیان دلیل خود از برخی دیگر قوی تر می باشید پس اگر به نفع کسی، چیزی از مال برادرش حکم نمودم، همانا با این حکم، برای او پاره ای از آتش دوزخ قرار داده ام.»<sup>(۱)</sup>

ص: ۱۵۴

---

۱- «إِنَّمَا أَقْضِي بَيْنَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَالْأَيْمَانِ وَبَعْضُكُمْ أَلْحَنُ بِحُجَّتِهِ مِنْ بَعْضٍ فَأَيُّمَا رَجُلٍ قَطَعْتُ لَهُ مِنْ مَالِ أَخِيهِ شَيْئًا فَإِنَّمَا قَطَعْتُ لَهُ بِهِ قِطْعَةً مِنَ النَّارِ»؛ (الكافي، ج ۷، ص ۴۱۴، باب أن القضاء بالبينات والأيمان، ح ۱). روایت از جهت سند معتبر است.

اما از قرآن کریم دستور دیگری نیز به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فهمیده می شود و آن حکم کردن بر اساس وحی و واقع است. در قرآن کریم می خوانیم:

« در واقع ما این کتاب را به حق به سوی تو فرو فرستادیم تا با آنچه خدا به تو نشان داده است، در میان مردم داوری کنی و به نفع خائنان، دشمن (بی گناهان) مباش. »(۱)

درباره شأن نزول این آیه چنین آمده است: سه برادر از طایفه ای از انصار به نام «بنی ابیرق» به خانه عموی «قتاده بن نعمان»(۲) دستبرد زدند و شمشیر و زره و مقداری مواد غذایی را ربودند. قتاده شکایت نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله برد و جریان را عرضه داشت. آن سه برادر برای رفع اتهام از خود مسلمان با ایمانی به نام «لبید بن سهل» را متهم ساختند و به قتاده گفتند کار «لبید» بوده است. سخن به گوش «لبید» رسید؛ شمشیر برداشت و سراغ آنان رفت و گفت: به من تهمت دزدی می زنید در حالی که خود به آن سزاوارترید و شما همان منافقانی هستید که رسول خدا را با شعر هجو می کردید و آن را به قریش نسبت می دادید. یا این تهمت را ثابت می کنید و یا شمشیر خود را بر شما فرود می آورم. سارقان با او کنار آمدند و حرفشان را پس گرفتند. سپس آن سه برادر برای رفع اتهام نزد یکی از سخنوران قبیله خود به نام «أسید بن عروه» رفتند تا خدمت پیامبر اکرم برود و آنان را از دزدی تبرئه کند. او رفت و عرضه داشت: ای رسول خدا! قتاده به خاندانی از ما که دارای شرف و بزرگی و نسب هستند، تهمت دزدی زده است. پیامبر گرامی اسلام قتاده را مورد سرزنش قرار داد که چرا بی دلیل تهمت زده است. قتاده ناراحت نزد عموی خود رفت و گفت: ای کاش مرده بودم و این سخن را از رسول خدا نمی شنیدم. آیه نازل شد و به پیامبر دستور داد تا میان مردم بر اساس آنچه خدا به او نشان داده است، داوری کند و به نفع خائنان دشمن بی گناهان نشود.(۳)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گرچه بر اساس ظاهر و مطابق قوانین قضایی اسلام داوری نمود و چون

ص: ۱۵۵

۱- «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا»؛ (نساء(۴)، آیه ۱۰۵).

۲- از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله در غزوه بدر.

۳- برگرفته از تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۵۰.

دلایل خائنانه قوی تر بود، به نفع آنان حکم کرد. ولی خدای حکیم از او می خواهد در برخی مواقع که حق مسلمانی ضایع می شود بر اساس واقع و آنچه از طرف خدای عزیز می داند، حکم کند. به عبارت دیگر پیامبر اکرم وظیفه دارد چون سایر قاضیان بر اساس دلایل روشن و سوگندها داوری کند، ولی به دلیل جایگاهی که دارد این حق به او داده شده است که در برخی از موارد که از دلایل ظاهری حکم خلاف واقع استفاده می شود، بر اساس واقع و آنچه به او وحی شده است حکم کند.

حکم کردن بر اساس واقع یعنی بر اساس وحی یا الهام مخصوص رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیست و شامل اوصیاء او نیز می شود. عبد الله بن سنان گوید: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

نه به خدا سوگند؛ خدا به کسی از آفریدگانش واگذار نکرده است مگر به رسول خدا صلی الله علیه و آله و به امامان. خدای عزیز فرمود: «در واقع ما این کتاب را به حق به سوی تو فرو فرستادیم تا با آنچه خدا به تو نشان داده است، در میان مردم داوری کنی.» و این حکم در وصی های پیامبر اسلام جاری است. (۱)

و «خاتم الاوصیاء» یعنی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز بر این اساس میان مردم داوری خواهد نمود.

### ب) قضاوت و داوری حضرت داوود و سلیمان علیهما السلام

خدای عزیز به حضرت داوود علیه السلام دانش و حکمت عطا کرد و او را میان مردم حاکم و داور قرار داد. درباره خلافت و داوری او در قرآن کریم آمده است:

«ای داوود! همانا ما تو را در زمین جانشین قرار دادیم، پس میان مردم به حق داوری کن.» (۲)

و درباره قضاوت حضرت داوود و سلیمان علیهما السلام در قرآن کریم می خوانیم:

«و (یادکن) داوود و سلیمان را هنگامی که درباره کشتزاری داوری کردند، آنگاه که

ص: ۱۵۶

---

۱- «لَمَّا وَاللَّهِ مَا فَوَّضَ اللَّهُ إِلَيْهِ أَمْرًا مِنْ خَلْقِهِ إِلَّا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَإِلَى الْأَيْمَةِ قَالَ عَزَّ وَجَلَّ «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَهِيَ جَارِيَةٌ فِي الْأَوْصِيَاءِ»؛ (کافی، ج ۱، ص ۲۶۷، باب التفويض إلى رسول الله و إلى الأئمة، ح ۸). روایت از جهت سند معتبر است.

۲- «يا داوودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ»؛ (ص ۳۸، آیه ۲۶).

گوسفندانِ مردم، (بدون چوپان) شبانگاه در آن چریده (و آن را تباه کرده) بودند و (ما) بر داوری آنان گواه بودیم. و آن (داوری) را به سلیمان فهمانیدیم و به هر کدام حکم و علم دادیم و کوه ها و پرندگان را به همراه داوود رام ساختیم در حالی که (با او) تسبیح می گفتند و (ما) کننده (این کار) بودیم.» (۱)

بنابر آنچه نقل شده است، حضرت داوود علیه السلام می خواست وصی خود را معرفی کند. خداوند به او وحی فرستاد تا زمان مناسب آن صبر کند. تا اینکه گوسفندانی شبانه وارد تاکستانی شدند و آن باغ را از بین بردند. صاحب درختان انگور شکایت نزد حضرت داوود علیه السلام آورد. داوود نبی فرصت را برای معرفی وصی مناسب دید. برای همین از فرزندانش - که بسیار بودند - خواست برای حل دعوا نظر دهند. حکم مسأله که توسط پیامبران تا آن زمان جاری می شد، این بود که برای جبران خسارت صاحب باغ، حکم به تحویل گوسفندان به صاحب تاکستان می نمودند. در این میان حضرت سلیمان علیه السلام نظر جالبی داد و آن اینکه؛ چون منافع تاکستان در آن سال نابود شده است تا یک سال گوسفندان در اختیار صاحب باغ قرار گیرد و منافع آنها در آن سال از آن او باشد. به حضرت داوود علیه السلام وحی شد تا این نظر را بپذیرد و این گونه حکم کند. و خدای حکیم این گونه وصی حضرت داوود را به پیروان شناساند. (۲)

در این جریان حضرت سلیمان بر اساس الهام الهی داوری نمود و حکم مسأله را تغییر داد.

از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: حضرت داوود علیه السلام از خدای عزیز خواست تا حق را همان گونه که هست به او نشان دهد تا بر اساس آن داوری کند. خطاب آمد: تو تحمل آن را نداری. حضرت داوود اصرار ورزید و خداوند هم این قدرت را به او داد. مردی که به دیگری ستم نموده بود پیش داوود پیامبر آمد و گفت: این مرد مالم را گرفته است. خدای علیم به حضرت داوود وحی نمود: این مرد ستمکار است و پدر آن فرد را کشته است و مالش را برده است.

حضرت

ص: ۱۵۷

---

۱- «وَ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَسَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَ كُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ \* فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَ كَلَّا أَتَيْنَا حُكْمًا وَ عِلْمًا وَ سَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَ الطَّيْرَ وَ كُنَّا فَاعِلِينَ»؛ (انبیاء (۲۱)، آیات ۷۸-۷۹).

۲- ر.ک: تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۴۴۱، ح ۱۱۰-۱۱۸.

داوود دستور داد فرد تجاوزگر را کشتند و آن مال را گرفتند و به مظلوم دادند. مردم در شگفت شدند و با هم درباره این کار داوود پیامبر و سرزنش او سخن می گفتند. این سخنان به گوش حضرت داوود رسید و او ناراحت شد و از خدای حکیم خواست، این قدرت را از او بگیرد. پس خدای عزیز به او وحی نمود که به وسیله دلایل روشن میان آنان داوری کن و سوگند خوردن آنان به نام مرا به آن بیفزای. (۱)

بنابراین روش حضرت داوود علیه السلام داوری بر اساس دلیل های آشکار و سوگندها بوده، گرچه در دوره ای بر اساس واقع داوری نموده است. در نتیجه آنان گاهی اوقات از وحی و فهم الهی در قضاوت بهره می بردند.

### ج) قضاوت و داوری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در عصر ظهور فهم و پذیرش مردم نسبت به داوری بر اساس واقع بالا می رود به صورتی که آنان به راحتی این گونه داوری را می پذیرند. این پذیرش آسان می تواند به دلیل ابزاری باشد که جرم و مجرم به وسیله آنها کشف می شود و دیگر فقط به بینه و قسم اکتفا نمی شود و یا اینکه چون حضرت سلیمان علیه السلام که دارای قدرت اعجازی بود، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران خاص ایشان نیز از قدرت های اعجازی بهره می برند و به دلیل زیاد شدن این امور در میان مردم آن زمان، پذیرش داوری بر اساس واقع برایشان آسان می شود.

در روایت های اهل بیت علیهم السلام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به حضرت داوود و سلیمان علیهما السلام در داوری با فهم الهی و بدون بینه تشبیه شده است.

به چند روایت ها به عنوان نمونه اشاره می کنیم.

حدیث اول. أبان بن عثمان گوید: شنیدم امام جعفر صادق علیه السلام می فرمود:

دنیا پایان نمی یابد تا اینکه مردی از نسل من قیام می کند. او مانند داوری خاندان حضرت داوود قضاوت خواهد کرد و بینه درخواست نمی کند. او حق هر کسی را به او

ص: ۱۵۸

حدیث دوم. از ابان بن تغلب نقل شده است، که گوید: با امام جعفر صادق علیه السلام در مسجدی در مکه بودیم؛ امام در حالی که دست مرا گرفته بود، فرمود: ای ابان! خداوند سیصد و سیزده نفر را در این مسجد شما خواهد آورد، اهل مکه می دانند آنان از پدران و اجدادشان نیستند. با آنان شمشیرهایی است که بر هر شمشیری نام آن مرد و نام پدر و شمایل و نسب او نگاشته شده است. سپس دستور می دهد ندا دهنده ای اعلان کند:

« این مهدی است که مانند داوود و سلیمان داوری می کند و بر آن بینه نمی طلبد. » (۲)

حدیث سوم. از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:

همانا در صاحب این امر سنت هایی از پیامبران است. ایشان بعد از بیان سنت برخی از پیامبران، در معرفی سیره حضرت داوود علیه السلام در وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید:

« و سنتی از حضرت داوود (در وجود حضرت مهدی) است و آن داوری به وسیله الهام قلبی است. » (۳)

حدیث چهارم. از عبد الله بن عجلان از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:

وقتی قائم آل محمد علیه السلام قیام کند میان مردم چون داوری داوود حکم می کند و به بینه نیازی ندارد و خدای عزیز به او الهام می کند؛ پس به دانش خود حکم می کند و هر قومی را به آنچه پنهان می کنند خبر می دهد و دوستش را از دشمنش با هوشمندی می شناسد. خدای سبحان می فرماید: «قطعاً در این، نشانه هایی برای هوشیاران است. و قطعاً آن بر سر راه پایدار است. (۴) و (۵)

ص: ۱۵۹

۱- «لَمَّا تَذَهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِّنِّي يَحْكُمُ بِحُكْمِهِ آلِ دَاوُدَ وَ لَمَّا يَسْأَلُ بَيْنَهُ يُعْطَى كُلَّ نَفْسٍ حَقَّهَا»؛ (بصائر الدرجات، ص ۲۵۸، باب ۱۵، ح ۱) روایت از جهت سند معتبر است.

۲- «هَذَا الْمَهْدِيُّ يَقْضِي بِقَضَاءِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ لَمَّا يَسْأَلُ عَلَى ذَلِكَ بَيْنَهُ»؛ (الغيبه للنعماني، ص ۳۱۳، باب ۲۰، ح ۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۹، باب ۲۷، ح ۱۵۵).

۳- «وَ سُنَّةٌ مِنْ دَاوُدَ وَ هُوَ حُكْمُهُ بِالْإِلْهَامِ»؛ (الخراج والخراج، ج ۲، ص ۹۳۶).

۴- «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِينَ وَ إِنَّهَا لَبَسْبِيلٌ مُقِيمٌ»؛ (حجر (۱۵)، آیات ۷۵-۷۶).

۵- «إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ لَأَنَّهُ لَيَحْتَاجُ إِلَى بَيْنِهِ يُلْهِمُهُ اللَّهُ تَعَالَى فَيَحْكُمُ بِعِلْمِهِ وَ يُخْبِرُ كُلَّ قَوْمٍ بِمَا اسْتَبْطَنُوهُ وَ يَعْرِفُ وَ لِيَهُ مِنْ عَدُوِّهِ بِالْتَّوَسُّمِ قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِينَ وَ إِنَّهَا لَبَسْبِيلٌ مُقِيمٌ»؛ (الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۹، باب ۲۷، ح ۸۶).



حدیث پنجم. از حسن بن ظریف نقل شده است که خدمت امام حسن عسکری علیه السلام نامه ای نوشته و سولاتی مطرح کرده است. یکی از سؤال هایی که فرزند ظریف از امام پرسید این است که وقتی قائم علیه السلام قیام کند، چگونه داوری می کند؟ جواب آمد:

از قائم پرسیدی، پس وقتی قیام کند به دانش خود میان مردم داوری کند؛ مانند قضاوت حضرت داوود علیه السلام و بینه نمی طلبد. (۱)

حدیث ششم. ابو عبیده حذاء گوید: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

ای ابو عبیده! همانا از ما کسی نمی میرد مگر اینکه کسی جانشین او می شود که مانند او و همانند روش او عمل و رفتار می کند و به سوی آنچه او فرا خوانده فرا می خواند. ای ابو عبیده! به درستی که آنچه به حضرت داوود داده شده بود از حضرت سلیمان منع نشد. سپس فرمود: «ای ابو عبیده! وقتی قائم آل محمد قیام کند چون داوری داوود و سلیمان حکم کند و بینه درخواست نمی کند.» (۲)

ص: ۱۶۰

- 
- ۱- «سَأَلْتُ عَنِ الْقَائِمِ فَإِذَا قَامَ قَضَى بَيْنَ النَّاسِ بِعِلْمِهِ كَقَضَاءِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَسْأَلُ الْبَيِّنَةَ...»؛ (کافی، ج ۱، ص ۵۰۹، ح ۱۳).
  - ۲- «يَا أَبَا عَبِيدَةَ إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَكَمَ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ لَمَا يَسْأَلُ بَيِّنَةً»؛ (کافی، ج ۱، ص ۳۹۷، ح ۱).  
روایت از جهت سند معتبر است.

بیشتر انسان‌ها امنیت و آرامش را در داشتن قدرت و ثروت می‌دانند، اما چون ساحران فرعون‌ی تا زمانی که بتوانند در دربار حاکمان و ثروتمندان راهی یابند و از مقربان آنان شوند از انجام هر کاری، حتی مقابله با فرستادگان پروردگار دریغ نمی‌ورزند. ولی کسی که همه قدرت‌ها و ثروت‌ها از اوست خدای قادر و مالک است و فرعونیان در این دنیا و سرای دیگر اسیر و گرفتار توانمندی اویند.

یکی از صفات خدای عزیز «مؤمن» به معنای ایمنی دهنده است. اگر انسان دستورهای پروردگار را انجام دهد و از فرستادگان حق پیروی کند و از ولایت شیطان دوری کند در پرتو امنیت پروردگار قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر دارای ایمان می‌شود و ایمان و مؤمن از ماده «أمن» هستند، یعنی انسان مؤمن هم در مقام امن پروردگار قرار می‌گیرد و هم دیگران از او ایمن خواهند بود.

در قرآن کریم می‌خوانیم:

« کسانی که ایمان آوردند و ایمانشان را با ستمی نیالودند، امنیت برای آنان است و آنان ره یافتگانند.»<sup>(۱)</sup>

یکی از مهمترین خواست‌ها و هدف‌های پیامبران و برگزیدگان خدا دعوت مردم به خدا

ص: ۱۶۱

---

۱- «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ»؛ (الأنعام) (۶)، آیه ۸۲.

پرستی برای قرار گرفتن در مقام امن پروردگار بوده است تا در پرتو ایمان به خدا در مقام امن او قرار گیرند و در دنیا و آخرت از این امنیت برای رشد و بالندگی خود استفاده کنند و دیگران نیز از امنیت آنان بهره ببرند و از بدی و ناامنی از طرف آنان در امان باشند.

در عصر ظهور نیز هر کس در زمره پیروان ولی پروردگار، یعنی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد از امنیت کامل برخوردار می شود و چون در آن عصر همگان پیرو ایشان می شوند و دین حق بر گستره گیتی حاکم می شود، امنیت همه جا را فرا می گیرد.

پیامبران و برگزیدگان پروردگار چون حضرت نوح، هود، صالح، ابراهیم، شعیب، موسی و عیسی: و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و پیروانشان با کافران و مشرکان زمان خود درگیر شدند. گرچه مشرکان از قدرت و ثروت بهره مند بودند و بیشتر پیروان پیامبران از فقیران و پا برهنگان جامعه بودند، ولی خدای عزیز در فرجام، فرستادگانش و پیروان آنان را یاری نمود و نجات داد و کافران و بت پرستان را نابود کرد. یعنی در همین دنیا نیز امنیت از آن پیروان حق شد و پیروان باطل هلاک شدند. در قرآن کریم می خوانیم:

« قطعاً ما فرستادگانمان و کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی دنیا و روز (رستاخیز) ی که گواهان به پا می خیزند، یاری می دهیم. » (۱)

در این فصل برای نمونه به بررسی امنیت جاری در زندگی برخی از فرستادگان خدا و پیروان آنان می پردازیم.

### الف) امنیت حضرت نوح علیه السلام و پیروان

حضرت نوح علیه السلام چون خود را در پناه کسی می بیند که همه قدرت ها از اوست، قوم مشرک خود را به تحدی فرا می خواند که هر حيله و توانی دارید در نابودی من به کار گیرید، ولی نمی توانید مرا از بین ببرید. در قرآن کریم می خوانیم:

« خبر بزرگ نوح را بر آنان بخوان، آنگاه که به مردمش گفت: ای قوم من! اگر جایگاه من و

ص: ۱۶۲

---

۱- «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»؛ (غافر (۴۰)، آیه ۵۱).

تذکرات من نسبت به آیات خدا، بر شما گران است، پس تنها بر خدا توکل می‌کنم. و کار (و فکر) تان و شریک‌های (معبود) تان را جمع کنید، سپس کارتان بر شما هیچ پوشیده نماند، آنگاه به (حیات) من پایان دهید و (مرا) مهلت مدهید.» (۱)

و در پایان کار می‌بینیم قوم مشرک او همگی در آن طوفان سهمگین غرق و نابود شدند و علاوه بر عذاب دنیوی دچار عذاب ابدی شدند، ولی نوح پیامبر و پیروانش نجات یافتند و برکت‌های دنیا و آخرت نصیبشان شد و تا پایان عمر در امنیت و آرامش زندگی کردند. در قرآن کریم می‌خوانیم:

«و او را تکذیب کردند و (ما) وی و کسانی را که با او در کشتی بودند، نجات دادیم و کسانی را که نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، غرق کردیم؛ چرا که آنان گروهی کور (دل) بودند.» (۲)

### ب) امنیت حضرت هود علیه السلام و پیروان

حضرت هود علیه السلام قوم عاد را به خدا پرستی و کنار گذاشتن پرستش بت‌ها فرا می‌خواند و می‌فرمود: به سوی خدا باز گردید تا نعمت‌های آسمان بر شما سرازیر شود و از گناه دست بردارید و اهل ایمان به خدای یگانه شوید تا قدرتی بر قدرتتان افزوده گردد. ولی آنان به جای پذیرش حق، بر بت پرستی خود پافشاری می‌کردند و حضرت هود را نفرین شده خدایان دروغین خود می‌دانستند. امّا هود پیامبر خود را در پناه قدرت بی‌کران پروردگار می‌بیند و با کمی پیروان از مشرکان نمی‌هراسد و آنان را دعوت به تحدی می‌کند که اگر راست می‌گویید هر حيله و توانی دارید بر ضد من به کار گیرید و مرا امان ندهید. در قرآن کریم از زبان حضرت هود می‌خوانیم:

«(هود) گفت: در حقیقت من خدا را به گواهی می‌گیرم، (شما نیز) گواه باشید که من نسبت به آنچه غیر از او، شریک (خدا) قرار می‌دهید بیزارم، پس همگی برای (نابودی) من نقشه بکشید سپس (مرا) مهلت ندهید. چرا که من بر خدا، پروردگار من و پروردگار شما توکل کرده‌ام. هیچ

ص: ۱۶۳

۱- «وَ اٰتٰلُ عَلَيْهِمْ نَبَا نُوحٍ اِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَ تَذٰكِرِيْ بِآيَاتِ اللّٰهِ فَعَلٰى اللّٰهِ تَوَكَّلْتُ فَاَجْمِعُوْا اَمْرَكُمْ وَ شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ اَمْرَكُمْ عَلَيْكُمْ عُمَّةً ثُمَّ اَقْضُوا اِلَيّْٰ وَ لَا تَنْظُرُوْنَ»؛ (یونس (۱۰)، آیه ۷۱).

۲- «فَكَذَّبُوهُ فَاَنْجَيْنَاهُ وَ الَّذِيْنَ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَ اَعْرَفْنَا الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِآيَاتِنَا اِنَّهُمْ كَانُوْا قَوْمًا عَمِيْنَ»؛ (الأعراف (۷)، آیه ۶۴).

جنبنده ای نیست مگر اینکه او زمامش را گرفته است. به درستی که پروردگار من بر راه راست است.» (۱)

و در پایان می بینیم قوم نافرمان عاد با عذاب خدای متقم نابود می شوند و علاوه بر جهنم ابدی در دنیا نیز امنیت از آنان گرفته می شود و از میان می روند، ولی هود پیامبر با پیروانش نجات می یابند و در امنیت و آرامش ولایت پروردگار در دنیا و آخرت قرار می گیرند. در قرآن کریم می خوانیم:

« و هنگامی که فرمان (عذاب) ما فرا رسید، هود و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمتی از جانبمان نجات دادیم و آنان را از عذابی سخت، نجات بخشیدیم. و این قوم (قوم) عاد بود که نشانه های پروردگارشان را انکار کردند و فرستادگانش را نافرمانی نمودند و از فرمان هر زورگوی ستیزه گر پیروی کردند و در این دنیا و روز رستاخیز، لعنتی در پی آنان روانه شده است. آگاه باشید که (قوم) عاد به پروردگارشان کفر ورزیدند. هان، عاد یعنی قوم هود (از رحمت خدا) دور باد!» (۲)

### ج) امنیت حضرت ابراهیم علیه السلام

حضرت ابراهیم علیه السلام اسوه یکتا پرستان و مبارزه کنندگان با شرک است. او گرچه در بیشتر اوقات یک تنه به مبارزه با طاغوت هایی چون نمروود می رفت، ولی از امنیت کامل برخوردار بود. وقتی مشرکان او را از خدایان دروغین خود می ترسانند در جواب آنان می فرماید:

« و چگونه از آنچه شریک (خدا) قرار می دهید، بترسم؟ و حال آنکه شما نمی ترسید از اینکه چیزی را شریک خدا قرار می دهید که هیچ دلیلی درباره آن بر شما فرو نفرستاده است. پس اگر

ص: ۱۶۴

۱- «قَالَ إِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ وَ أَشْهَدُوا أَنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ \* مِنْ دُونِهِ فَكَيْدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنظِرُونَ \* إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَ رَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»؛ (هود(۱۱)، آیات ۵۴-۵۶).

۲- «وَ لَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَ نَجَّيْنَا هُمْ مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ \* وَ تِلْكَ ءَعَادٌ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَ عَصَوْا رُسُلَهُ وَ اتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ \* وَ اتَّبَعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَّا إِنَّ ءَعَادًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَّا بُعْدًا لِّعَادٍ قَوْمِ هُودٍ»؛ (هود(۱۱)، آیات ۵۸-۶۰).

می دانید، کدام یک از دو دسته (بت پرستان و خداپرستان)، به امنیت سزاوارترند؟!» (۱)

حضرت ابراهیم علیه السلام بت های نمرودیان را شکست و یک تنه در مقابل بت پرستان قرار گرفت. آنان تصمیم گرفتند او را در آتش بیندازند. هیزم زیادی جمع آوری کردند و آن را آتش زدند و با منجنیق ابراهیم بت شکن را درون آتش انداختند، اما چون ابراهیم خلیل در پرتو امنیت پروردگار است، آتش برای او به بوستان و گلستانی تبدیل می شود؛ گویا او برای تفریح به آنجا آمده است.

در قرآن کریم می خوانیم:

« (بت پرستان) گفتند: اگر می خواهید کاری انجام دهید، او را بسوزانید و معبودهایتان را یاری کنید. گفتیم: ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت باش. و خواستند برای او نقشه ای بکشند (و نابودش کنند)، ولی آنان را زیانکارترین (مردم) قرار دادیم و او را نجات دادیم و (او و) لوط را به سوی سرزمینی که برای جهانیان در آن برکت قرار دادیم، (بردیم).» (۲)

در مسجد الحرام نشانه های روشن چون مقام و جایگاه حضرت ابراهیم علیه السلام وجود دارد. پیامبر بزرگی که بعد از بنای کعبه، از خداوند خواست این شهر را در امنیت و آرامش قرار دهد. (۳) و خدای عزیز آن را ایمن گردانید. (۴) امنیت شهر مکه از جهت تشریحی روشن است، چرا که هر کس در آن وارد شود در امان است. حتی اگر جنایتکار وارد مسجد الحرام شود نمی توان او را دستگیر کرد و

ص: ۱۶۵

۱- «وَ كَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَ لَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُمْ بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ (انعام (۶)، آیه ۸۱).

۲- «قَالُوا حَرِّقُوهُ وَ انصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ \* قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ \* وَ أَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ \* وَ نَجَّيْنَاهُ وَ لُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ»؛ (انبیاء (۲۱) آیه ۶۸ - ۷۱).

۳- «وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا؛ وَ هَنگامی را که ابراهیم گفت: پروردگارا! این (مکه) را سرزمینی امن قرار ده؛ (بقره (۲)، آیه ۱۲۶)؛ «وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا؛ وَ هَنگامی را که ابراهیم گفت: پروردگارا این سرزمین (مکه) را امن قرار ده؛ (ابراهیم (۱۴)، آیه ۳۵).

۴- «أَ وَ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْبَى إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ؛ وَ آيا آنان را در حرم امنی مستقر نساختم، که محصولات هر چیزی به سوی آن (شهر) آورده می شود؟!؛ (قصص (۲۸)، آیه ۵۷)؛ «أَ وَ لَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَ يَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَيْثُ لَهُمْ؛ وَ آيا نظر نکرده اند که ما (مکه) را حرم امنی قرار دادیم در حالی که مردم از اطرافشان ربوده می شدند؟!؛ (عنکبوت (۲۹)، آیه ۶۷).

تنها می توان او را در تنگنا قرار داد تا خود مجبور به خارج شدن از آن شود.<sup>(۱)</sup> ولی از جهت تکوینی گرچه در بیشتر اوقات این شهر مقدس از امنیت برخوردار بوده، ولی مواردی می توان یافت که امنیت جانی از آن رخت بر بسته است.<sup>(۲)</sup> مگر اینکه امنیت نسبی را مطرح کنیم و بگوییم شهر مکه نسبت به پیرامون خود و نقاط دیگر از امنیت بیشتری برخوردار بوده است.

اما می توان به مقوله امنیت نگاه جامع تری داشت و اصل و مبنای امنیت را ایمنی از عذاب پروردگار در دنیا و آخرت دانست که انسان برای رسیدن به آن چه بسا امنیت دنیایی خود را به خطر می اندازد و در این راه جان و مالش را نثار می کند.

از دیدگاه اهل بیت: اصل در امنیت، ایمنی از خشم و عذاب خدا معرفی و در پرتو آن امنیت در دنیا مطرح می شود. نیز ایمنی از خشم پروردگار با پذیرش بندگی او و پیروی از فرستادگان و حجت هایش به دست می آید. به عبارت دیگر گرچه می توان با وارد شدن در حرم امن الهی تا حدودی از بلاهای دنیایی در امان بود، ولی می توان با شنیدن ندای توحید در آن مکان مقدس و قرار گرفتن در زمره پیروان حجت های خدا از عذاب و آتش دوزخ ایمنی یافت و در دنیا با آرامش درونی به امنیت واقعی دست یافت و چه بسا اگر مردم آن سامان واقعا پیرو حجت های خدا بودند، همان بلاها نیز به سراغشان نمی آمد.

در بیان ایمنی مطرح شده در آیه شریفه «در آن (خانه) نشانه های روشن (از جمله) مقام ابراهیم است و هر کس در آن داخل شود، در امان خواهد بود.»<sup>(۳)</sup> سخنان اهل بیت: خواندنی

ص: ۱۶۶

۱- حلبی گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام درباره سخن خدای عزیز «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانْ آمِنًا» پرسیدم. فرمود: وقتی بنده در بیرون حرم جنایتی انجام دهد سپس به حرم فرار کند نمی توان او را در حرم بازداشت نمود ولی از خرید و فروش و خوراک و آشامیدنی و سخن گفتن با او بازداشته می شود که در این صورت امید است از حرم خارج شده و دستگیر شود و اگر در حرم جرمی مرتکب شود در حرم بر او حد جاری می شود زیرا احترام حرم را پاس نداشته است. (الکافی، ج ۴، ص ۲۲۶، ح ۲). روایت از جهت سند معتبر است.

۲- چون به آتش کشیده شدن کعبه توسط لشگر یزید بن معاویه و کشته شدن عبدالله بن زبیر به دست حجاج بن یوسف ثقفی و کشتار مردم مکه و به غارت رفتن حجر الاسود در زمان قرامطه.

۳- «فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا»؛ (آل عمران (۳)، آیه ۹۷).

است. در این قسمت به چند حدیث اشاره می شود.

حدیث اول. عبدالخالق صیقل گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام درباره سخن خدای عزیز « وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا » پرسیدم. فرمود: از چیزی پرسیدی که کسی از آن نپرسید مگر آن که خدا بخواهد. سپس فرمود:

کسی که قصد این خانه کند در حالی که می داند این همان خانه ای است که خدای بلند مرتبه به آن فرمان داده است و ما اهل بیت را آنگونه که شایسته شناخت ما است بشناسد، در دنیا و آخرت در امان خواهد بود. (۱)

حدیث دوم. علی بن عبدالعزیز گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام درباره سخن خداوند «... وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» پرسیدم. فرمود: از مرجئه و قدریه و خوارج و زندیقی که ایمان به خدا ندارند، وارد آن می شوند و این ورود ارزشی ندارد. پرسیدم: پس مقصود چه کسی است؟ فرمود:

« هر کس داخل آن شود و حق ما را آنگونه که شایسته است بشناسد از گناهانش خارج و از اندوه دنیا و آخرت آسوده شود. » (۲)

حدیث سوم. بنا بر آنچه در ضمن حدیثی طولانی نقل شده است، امام جعفر صادق علیه السلام برای آزمایش ابوحنیفه - که ادعای دانش کتاب خداوند و سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را داشت - از او می پرسد: ای ابوحنیفه! مرا خبر ده از سخن خدای عزیز « وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا » این مکان کدام نقطه از زمین می باشد؟ گفت: مقصود کعبه است. امام فرمود: آیا می دانی حجاج بن یوسف برای مقابله با ابن زبیر که در کعبه بود، منجیق قرار داد و او را کشت. آیا ابن زبیر در آن در امان قرار گرفت؟! ابوحنیفه ساکت شد. راوی گوید: در پایان جلسه یکی از یاران امام به نام «ابوبکر حضرمی» از امام درباره مقصود آیه پرسید. حضرت فرمود:

«این است که هر کس با قائم ما دست دهد و بیعت کند و با او همراه و در گروه یارانش

ص: ۱۶۷

۱- «مَنْ أُمَّ هَذَا الْجَبِيَّتِ وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ الْجَبِيَّتُ الَّذِي أَمَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ وَ عَرَفْنَا أَهْلَ الْجَبِيَّتِ حَقَّ مَعْرِفَتِنَا كَمَا كَانَ آمِنًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»؛ (کافی، ج ۴، ص ۵۴۵، ح ۲۵؛ تهذیب الأحكام، ج ۵، ص ۴۵۲، باب ۲۶، ح ۲۲۵).

۲- «وَ مَنْ دَخَلَهُ وَ هُوَ عَارِفٌ بِحَقِّقًا كَمَا هُوَ عَارِفٌ لَهُ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ وَ كُفِيَ هَمَّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»؛ (تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۹۰، ح ۱۰۷؛ بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۳۶۹، باب ۶۴، ح ۷).



باشد، در امان خواهد بود»<sup>(۱)</sup>.

یعنی در هر دوره ای انسان ها وظیفه دارند از حجت زمان خود پیروی کنند تا در مسیر حق قرار گیرند و از امنیت پروردگار استفاده کنند. در نتیجه در عصر ظهور هر کس در زمره پیروان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد، امنیت دنیا و آخرت در آن دوره شامل او می شود. نکته ای که می توان به آن اشاره نمود اینکه در عصر ظهور چون حاکمیت کره خاکی در دست صالحان و گرایش مردم به یکتا پرستی فراگیر است امنیت و آرامشی حاکم خواهد شد که در دوره های قبل به این گستردگی جاری نبوده است.

### د) امنیت در عصر ظهور

یکی از شاخصه های مهم برای ارزش گذاری هر حکومتی میزان امنیتی است که آن دولت برای مردمش از جهت های مختلف به ارمغان می آورد و بنابر آنچه وعده داده شده است یکی از جلوه های دولت کریمه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برقراری امنیت در گستره گیتی است.

در قرآن کریم می خوانیم:

«خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده داده است که قطعاً آنان را در زمین جانشین خواهد کرد، همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین کرد و مسلماً دینشان را که برای آنان پسندیده است، به نفعشان مستقر خواهد کرد، و البته بعد از ترسشان (وضعیت) آنان را به آرامش مبدل می کند، در حالی که مرا می پرستند و هیچ چیز را شریک من نخواهند ساخت»<sup>(۲)</sup>.

در این آیه بعد از وعده خلافت صالحان بر گستره گیتی و وعده طنین انداز شدن ندای

ص: ۱۶۸

---

۱- «وَأَمَّا قَوْلُهُ؛ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فَمَنْ بَايَعَهُ وَ دَخَلَ مَعَهُ وَ مَسِيَحَ عَلَى يَدَيْهِ وَ دَخَلَ فِي عَقْدِ أَصْحَابِهِ كَانَ آمِنًا؛ مقصود از «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا»؛ (علل الشرائع، ج ۱، ص ۸۹، باب ۸۱، ح ۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۳، باب ۲۷، ح ۸).

۲- «وَعِدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسَّيَّرَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»؛ (النور (۲۴)، آیه ۵۵).

الله اکبر در سراسر زمین، سؤمین وعده پروردگار عزیز به مؤمنان صالح، امنیت و آرامش معرفی می شود. یعنی وقتی صالحان حاکمیت زمین را بر عهده گرفتند و دین اسلام را در سراسر جهان جاری نمودند، امنیت کامل همه جا را فرا می گیرد.

روایت هایی از پیشوایان معصوم علیهم السلام به بیان امنیت و آرامش مطرح شده در آیه می پردازند که به برخی از آنها اشاره می شود.

حدیث اول. از جابر بن عبدالله انصاری از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که در معرفی اوصیای خود به جندب بن جناده، بعد از معرفی آنان درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آیه ۵۵ سوره نور را تلاوت فرمود. ابوذر غفاری پرسید: ای رسول خدا! ترس آنان - که در این آیه آمده است - از چیست؟ فرمود:

ای جندب! در زمان هریک از آنان حاکمی است که آنان را می ترساند و آزار و اذیت می کند و وقتی خداوند قیام قائم ما را می رساند او زمین را سرشار از عدل و داد می کند همان طور که از بیداد و ستم پر شده بود. (۱)

حدیث دوم. از سدیر صیرفی از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است که در ضمن حدیثی طولانی که درباره شباهت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به پیامبران می باشد، فرمود:

.... قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز چنین است زیرا زمان پنهان زیستی او طولانی می شود تا حق خالص آشکار و ایمان از ناپاکی تصفیه شود و هر کس از شیعیان که طینت خبیثی دارد از دین بیرون رود. کسانی که ترس آن است که چون حاکمیت و قدرت و امتیّت فراگیر در عصر قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را مشاهده کنند، دو رویی ورزند. مفضل پرسید: ای فرزند رسول خدا! ناصبی ها می پندارند که این آیه (یعنی آیه ۵۵ سوره نور) در شأن ابوبکر و عمر و عثمان و علیّ علیه السلام نازل شده است. فرمود: خداوند دل های ناصبی ها را هدایت نمی کند. چه زمانی دینی که خدا و رسولش از آن خشنود بوده اند با قدرت و استوار برقرار و امتیّت در میان امت فراگیر و ترس از دل هایشان جدا و شکّ از سینه های آنان رخت بر بسته است؟ آیا

ص: ۱۶۹

---

۱- «یا جندب: فی زمن کلّ واحدٍ منهم سِلطانٌ یُعْتَرِبُهُ وَ یُوْذِیْهِ فَاِذَا عَجَّلَ اللهُ خُرُوجَ قَائِمِنَا یَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا کَمَا مِلَّتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»؛ کفایها لأثر، ص ۵۶؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۰۴، باب ۴۱، ح ۱۴۴.

در عهد آن خلفای سه گانه؟ یا در عهد علی علیه السلام؟ با این که مسلمانان از دین بازگشتند و آشوب هایی در زمانشان بر پا شد و جنگ هایی بین مسلمانان و کافران به وقوع پیوست؟ (۱)

ص: ۱۷۰

---

۱- «وَكَذَلِكَ الْقَائِمُ فَإِنَّهُ تَمْتَدُّ أَيَّامُ غَيْبَتِهِ لِيُصِِّرَ رَحَ الْحَقُّ عَنْ مَحْضِهِ وَيَصِفُ فَوْا الْإِيمَانُ مِنَ الْكَدْرِ بِإِرْتِدَادِ كُلِّ مَنْ كَانَتْ طِينَتُهُ خَبِيثَةً مِنَ الشَّيْعَةِ الَّذِينَ يُخْشَى عَلَيْهِمُ النِّفَاقُ إِذَا أَحْسُوا بِالِاسْتِخْلَافِ وَ التَّمَكِينِ وَ الْأَمْنِ الْمُنتَشِرِ فِي عَهْدِ الْقَائِمِ.....»؛ (كمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۵، باب ۳۳، ح ۵۱؛ الغیبه للطوسی، ص ۱۶۸).

یکی از جلوه های عصر ظهور آبادانی و سرازیر شدن نعمت های آسمان و بیرون آمدن برکت ها و گنج ها از زمین است که در پرتو آن همگان بی نیاز شده و فقیر و محتاجی برای کمک رسانی و دادن صدقه یافت نمی شود.

در قرآن کریم نعمت های دنیایی متاع قلیل معرفی می شود، یعنی در برابر نعمت های بی پایان آخرتی بهره های دنیا کم و ناچیز شمرده می شود؛ هم از جهت کم بودن نسبت به نعمت های بی شمار بهشتی و هم به جهت کم ارزش تر بودن و کیفیت پایین تری داشتن نسبت به نعمت های سرای دیگر و هم از جهت زودگذر بودن که زمان استفاده از لذت های دنیا نسبت به نعمت های ابدی آخرتی بسیار ناچیز است.

برای نمونه به چند آیه در این موضوع اشاره می شود.

«ای پیامبر! هرگز، رفت و آمد کافران در شهرها، تو را نفریبد؛ این کالای اندکی است، سپس مقصدشان جهنم است و چه بد بستری است!» (۱)

در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمان جهاد صادر شد. عده ای از جنگ به شدت می هراسیدند و می گفتند: پروردگارا! چرا برای ما جنگ مقرر داشتی و چرا تا زمانی آن را به تأخیر نینداختی؟!

ص: ۱۷۱

---

۱- «لَا يَغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ \* مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَا أُوتِئُهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ»؛ (آل عمران (۳)، آیات ۱۹۶ و ۱۹۷).

خدای عزیز به فرستاده اش خطاب می کند که به آنان بگو: « بهره دنیا اندک است و برای کسی که خودنگهدار باشد (نعمت های) آخرت، بهتر است و کمترین ستمی، به شما نخواهد شد.» (۱)

و در سوره ای دیگر می خوانیم:

« و اگر نبود که مردم امت یگانه ای (در کفر) می شدند، حتماً برای کسانی که به (خدای) گسترده مهر کفر می ورزند برای خانه هایشان سقف هایی از نقره و نردبان هایی که بر آنها بالا می روند، قرار می دادیم و (نیز) برای خانه هایشان درها و تخت هایی که بر آنها تکیه زنند و زر و زیور (قرار می دادیم). و همه اینها جز کالای زندگی پست (دنیا) نیست، و نزد پروردگارت، آخرت برای پارسایان (خود نگهدار) است.» (۲)

بنابراین نعمت های دنیایی به تنهایی ارزش محسوب نمی شود و اگر کسی تنها به دنبال دنیا و استفاده حداکثری از آن باشد و آخرت را رها کند، علاوه بر دست خالی بودن در سرای جاودانی در این دنیا نیز چه بسا گرفتار خشم و عذاب پروردگار می شود و از دنیا نیز بهره خود را نمی برد.

در قرآن کریم می خوانیم:

« آیا اطلاع نیافته اند که پیش از آنان چه بسیار، گروه هایی را هلاک کردیم؟! که در زمین به آنان امکاناتی دادیم، که برای شما آنچنان امکاناتی فراهم نکردیم و [باران های] پی در پی آسمان را بر آنان فرستادیم و نهلهایی قرار دادیم، که از زیر (شهرهای) آنان روان باشد و آنان را بخاطر پیامدهای (گناهان) شان هلاک ساختیم و گروه های دیگری بعد از آنان پدید آوردیم.» (۳)

اما اگر انسان اهل خدا باشد و در مسیر بندگی او از فرستادگانش پیروی کند، علاوه بر برخورداری از نعمت های پروردگار نسبت به مؤمنان، در این دنیا نیز از نعمت های خداوند استفاده

ص: ۱۷۲

۱- «مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى وَلَا تُظَلَمُونَ فَتِيلًا»؛ (النساء (۴)، آیه ۷۷).

۲- «وَلَوْ لَمَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَانِ لِيُؤْتِيَهُمْ سِقْفًا مِّنْ فَضِّهِ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ \* وَ لِيُؤْتِيَهُمْ أَبْوَابًا وَ سُرُورًا عَلَيْهَا يُتَكَبَّرُونَ \* وَ زُخْرَفًا وَ إِنْ كُنُّ لِدَالِكِ لَمَّا مَتَّاعِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ»؛ (زخرف (۴۳)، آیات ۳۳-۳۵).

۳- «أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَوْمٍ مَّكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمْكِنْ لَكُمْ وَ أَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَ جَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَ أُنشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَوْمًا آخَرِينَ»؛ (الأنعام (۶)، آیه ۶).

خواهد کرد.

## الف) برکت های آسمان و زمین در عصر پیامبران

یکی از وعده های پیامبران و فرستادگان پروردگار به مردم استفاده بیشتر از نعمت های خدا در دنیا در صورت ایمان به پروردگار بوده است. به عبارت دیگر در پرتو خدا پرست شدن مردم و هماهنگی انسان ها با دستگاه آفرینش، آسمان و زمین در اختیار آنان قرار می گیرد و برکت هایشان را ارزانی می دارند.

در قرآن کریم از زبان نوح پیامبر می خوانیم:

«و گفتم: از پروردگارتان آمرزش بخواهید، چرا که او بسیار آمرزنده است تا (باران) آسمان را پی در پی بر شما فرو فرستد، و شما را با اموال و پسران مدد رساند و برای شما باغ هایی قرار دهد و برای شما نهلهایی قرار دهد.»(۱)

و از زبان هود پیامبر می خوانیم:

«و ای قوم من! از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس به سوی او باز گردید، تا (باران) آسمان را پی در پی بر شما فرو فرستد و نیرویی بر نیرویتان بر شما بیفزاید و خلافکارانه روی بر نتابید.»(۲)

و حضرت یونس علیه السلام وقتی دید قوم او ایمان نمی آورند آنان را نفرین کرد و خداوند وعده عذاب آنان را داد اما او بدون اذن پروردگار قوم خود را ترک کرد و گرفتار نهنگ شد. از آن طرف قوم او وقتی نشانه های عذاب را دیدند به درگاه خدا رو آوردند و توبه کردند و خدای مهربان توبه آنان را پذیرفت و آنان تا مدتی از برکت های زندگانی دنیا بهره مند شدند.

در قرآن کریم می خوانیم: «چرا هیچ شهری نبود که (اهل آن) ایمان بیاورد و ایمانش به حال

ص: ۱۷۳

---

۱- «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا \* يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا \* وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا»؛ (نوح (۷۱)، آیات ۱۰-۱۲).

۲- «وَايَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَ يَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَ لَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ»؛ (هود (۱۱)، آیه ۵۲).

آن سود بخشد؟ مگر قوم یونس که وقتی (در آخرین لحظه) ایمان آوردند، عذاب رسوایی را در زندگی دنیا از آنان برطرف کردیم و تا چندی آنان را برخوردار ساختیم.» (۱)

### ب) برکت های آسمان و زمین در عصر ظهور

اگر اهل زمین تقوا و درستکاری پیشه کنند، برکت های مادی و معنوی پروردگار از آسمان و زمین بر آنان نازل می شود و همگان در آرامش به رشد و شکوفایی خواهند رسید. و از انواع عذاب ها و گرفتاری ها در امان خواهند بود و مانند برخی از اقوام چون قوم نوح و هود و صالح و لوط عذاب نخواهند شد. در قرآن کریم می خوانیم.

« و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می گشودیم، ولی تکذیب کردند؛ پس به کیفر دستاوردشان گریبان آنان را گرفتیم.» (۲)

یکی از ویژگی های عصر ظهور فراگیری اسلام در گستره گیتی است که ندای توحید در گستره گیتی طنین انداز می شود و مردم در پرتو هدایت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رو سوی پروردگار می آورند و در پرتو آن خداوند نعمت هایش را از آسمان و زمین بر مردم ارزانی می دارد و علاوه بر زیادی نعمت ها به دلیل تقسیم عدالت محور ثروت ها توسط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مردم به بی نیازی و رفاه دست می یابند.

عبدالله بن ابی یعفور گوید: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«اگر به عدالت میان مردم رفتار شود، همانا آنان بی نیاز می شوند و آسمان روزی خود را نازل می کند و زمین به فرمان خدای عزیز نعمت های خود را بیرون می دهد.» (۳)

و در حدیثی دیگر که از امام جعفر صادق علیه السلام از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل شده است، درباره

ص: ۱۷۴

۱- یونس (۱۰)، آیه ۹۸.

۲- «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»؛ (اعراف (۷)، آیه ۹۶).

۳- «... إِنَّ النَّاسَ يَسْتَعْجِلُونَ إِذَا عُذِلَ بَيْنَهُمْ وَ تُنَزَّلُ السَّمَاءُ رِزْقَهَا وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ بَرَكَاتَهَا بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى»؛ (الكافی، ج ۳، ص ۵۶۸، ح ۶). روایت از جهت سند معتبر است.

فزونی نعمت های پروردگار در عصر ظهور می خوانیم:

«... و وقتی قائم ما قیام کند آسمان بارانش را فرو فرستد و زمین سبزی خود را آشکار کند و دشمنی از دل های بندگان خدا رخت بر بندد و درندگان و حیوانات آرامش یابند به گونه ای که اگر زنی از عراق سوی شام رود جز بر روی سبزه زار پاهایش را نگذارد و اگر زینت و بار خود را بر سر داشته باشد، هیچ درنده ای او را به هیجان نیاورد و از هیچ چیزی نترسد...»<sup>(۱)</sup>.

و در روایتی دیگر اشاره به وصل شدن شهر مکه معظمه به مدینه طیبه به وسیله نخلستان شده است.<sup>(۲)</sup>

ص: ۱۷۵

- 
- ۱- «و لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَمَا نُزِلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ لَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ لَعَذَبَتِ الشَّحَنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَ اضْيَلَحَتِ السَّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ حَتَّى تَمَشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ وَ عَلَى رَأْسِهَا زَيْنَتُهَا لَا يَهَيِّجُهَا سَبْعٌ وَ لَا تَخَافُهُ...»؛ (الخصال، ج ۲، ص ۶۱۰، ح ۱۰؛ تحف العقول، ص ۱۱۵). روایت از جهت سند معتبر است.
- ۲- «يَتَّصِلُ مَا بَيْنَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةَ نَخْلًا»؛ (تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۴۵).



رجعت از ماده «رجع» و به معنای برگشتن است. مانند مردی که بعد از طلاق همسرش و جدایی از او در دوران عده رجوع می کند و به سوی او باز می گردد و زندگی مشترک را دوباره آغاز می کند. اما مقصود از رجعت در این فصل برگشتن روح حیات به جسد انسان بعد از مردن و جدا شدن آن از بدن است. یکی از حوادثی که در عصر ظهور اتفاق می افتد رجعت مردگان است که در این فصل به بررسی آن در عصر پیامبران علیهم السلام و عصر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می پردازیم.

### الف) زنده شدن پیامبری بعد از صد سال

در سوره بقره به داستان پیامبری اشاره شده است که از کنار روستای مخروبه ای عبور می کرد در حالی که دیوارهای آن خراب شده و مردمش از میان رفته بودند. او با خود گفت: چگونه خداوند این ها را بعد از مرگ و پوسیدنشان زنده می کند. خدای قادر او را صد سال میراند و سپس زنده نمود. جریان کامل این ماجرا این گونه در قرآن کریم آمده است:

«یا (اطلاع نیافتی از) همچون کسی که از کنار آبادی عبور کرد، در حالی که (دیوارهای) آن، به روی سقف هایش فرو ریخته بود. (آن پیامبر با خود) گفت: چگونه خدا این (ها) را پس از مرگشان زنده می کند؟! و خدا او را صد سال میراند، سپس او را برانگیخت (و به او) فرمود: چقدر درنگ کردی؟ (پیامبر) گفت: یک روز یا بخشی از یک روز را درنگ کردم. (خدا) فرمود: بلکه صد سال درنگ کردی! پس به غذایت و نوشیدنی ات بنگر که هیچ گونه تغییر نیافته است! و به الاغ خود نگاه کن (که چگونه از هم متلاشی شده، و این امور برای این است که تو یقین پیدا کنی)، و برای اینکه تو را نشانه ای برای مردم (در مورد رستاخیز) قرار دهیم. و به استخوان ها بنگر که

چگونه آنها را برداشته، (به هم پیوند می دهیم)، سپس گوشت بر آن می پوشانیم! پس هنگامی که (این حقایق) بر او روشن شد، گفت: می دانم که خدا بر هر چیزی تواناست.» (۱)

در تفسیر عیاشی آمده است که ابن کوّاء از حضرت علی علیه السلام پرسید: ای امیرمؤمنان! کدام فرزند از مردم دنیا از پدرش بزرگتر بوده است؟ فرمود: بله، آن فرزند «عزیر» (۲) است. عزیر هنگام بازگشت از زمینش گذرش به روستای مخروبه ای افتاد در حالی که سوار بر الاغ بود و پوستینی همراه داشت که انجیر و کوزه ای از نوشیدنی در آن بود. پس گفت: چگونه خدا اینها را بعد از مرگشان زنده می کند؟! خداوند صد سال او را میراند و فرزندش متولد شد و دارای فرزند شد، سپس خداوند «عزیر» را زنده نمود، پس در آن هنگام فرزندش بزرگتر از پدرش بود. (۳)

### ب) رجعت زمان حضرت موسی علیه السلام

در قرآن کریم دو نمونه از رجعت در زمان حضرت موسی علیه السلام یکی به صورت فردی و دیگری به صورت جمعی گزارش شده است که به شرح ذیل بیان می شود.

یکم. زنده شدن فردی کشته شده

فردی در بنی اسرائیل پسر عموی خود را به دلیل حسادت به قتل رساند و خود مدعی خون او شد. حضرت موسی علیه السلام برای مشخص شدن قاتل از بنی اسرائیل خواست گاوی ذبح کنند و دم او را به مقتول بزنند تا زنده شود و قاتل خود را معرفی کند. بنی اسرائیل بهانه های مختلفی آوردند و خداوند هر بار آن گاو را محدود تر می نمود تا اینکه منحصر در یک گاو شد و آنان مجبور شدند به مقدار پر شدن پوستین آن طلا دهند و آن را بخرند و قسمتی از آن را به مقتول بزنند تا زنده

ص: ۱۷۷

۱- «أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَ هِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَ شَرَابِكَ لَمْ يَتَسَيَّرْ لَكَ وَ انظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَ لِنَجْعَلَك آيَةً لِلنَّاسِ وَ انظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوها لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»؛ (بقره (۲)، آیه ۲۵۹).

۲- در برخی نقل ها نام این پیامبر «ارمیا» ذکر شده است. (ر.ک: البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۵۲۹).

۳- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۴۱، ح ۴۶۸؛ قصص الأنبياء للجزائری، ص ۴۲۸.

شود. در قرآن کریم درباره این ماجرا می خوانیم:

« و (یاد کنید) هنگامی را که شخصی را کشتید و هر کدام (قتل) او را از خود دور می کردید (و به ستیزه برخاستید) و خدا بیرون آورنده (و فاش کننده) چیزی است که (آن را) همواره پنهان می داشتید. و گفتیم: بخشی از آن (گاو) را به آن (کشته) بزیند (تا زنده شود) این گونه خدا مردگان را زنده می کند، و نشانه های (معجزه آسای) ش را به شما می نمایاند تا شاید شما خردورزی کنید.» (۱)

اصل این ماجرا از احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی از امام رضا علیه السلام این گونه نقل شده است: شنیدم امام رضا علیه السلام می فرمود: مردی از بنی اسرائیل یکی از خویشان خود را به قتل رساند، سپس جنازه مقتول را در سر راه بهترین تیره از تیره های بنی اسرائیل انداخت، آن گاه خود را خون خواه او معرفی می نمود. بنی اسرائیل به موسی علیه السلام گفتند: فلان قبیله (همان که مقتول در راهشان افتاده بود) فلان کس را کشته اند، به ما بگو چه کسی از آنان قاتل اوست؟ حضرت موسی فرمود: گاوی بیاورید. گفتند: ما را دست انداخته ای؟ گفت: پناه می برم به خدا از اینکه از بی خردان باشم. آن گاه امام فرمود: اگر اینان به دستور موسی عمل می کردند و گاوی می آوردند، کار تمام بود و قاتل پیدا می شد، ولی سخت گرفتند؛ پس خدا هم بر آنان سخت گرفت. گفتند: از خدایت بخواه ویژگی های گاو را مشخص کند. موسی گفت: خدا می فرماید: آن گاوی است نه پیر و بزرگ و نه کوچک و جوان، بلکه میانه می باشد و اگر آنان چنین گاوی آورده بودند از ایشان پذیرفته می شد، ولی کار را بر خود تنگ گرفتند و خدا هم بر آنان سخت گرفت. باز گفتند: از خداوند بخواه برای ما معین کند که چه رنگی باشد؟ پاسخ داد: خدا می فرماید: آن، گاوی زرد رنگ خالص که شاد کننده بینندگان است. باز اگر آنان چنین گاوی می آوردند، قبول می شد، ولی سخت گرفتند و خداوند هم بر آنان دشوار قرار داد. به موسی گفتند: از پروردگارت بخواه تا برای ما روشن بیان کند که آن چگونه است؟ چرا که چگونگی گاو بر ما مشتبه شده و اگر خدا بخواهد ما

ص: ۱۷۸

---

۱- «وَ إِذِ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَاذَّارْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ \* فَفَلْنَا اضْرِبُوهُ بَعْضَهَا كَذَالِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَ يُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»؛ (بقره (۲)، آیات ۷۲-۷۳).

حتماً آن را می یابیم. موسی علیه السلام گفت: خدا می فرماید: آن گاوِیست که نه رام است که زمینی را شخم زند و یا با او آب از چاه بکشند و زراعت را آب دهند و دارای رنگ خالص یک دست است. گفتند: اکنون سخن حق را آوردی. پس جستجو کردند و آن را با چنین ویژگی ها نزد جوانی اسرائیلی یافتند. آن جوان گفت: آن را نمی فروشم مگر اینکه پوست آن را پر از طلا کنی. بنی اسرائیل نزد موسی آمده، این خبر را به او گزارش دادند. موسی علیه السلام فرمود: چاره ای نیست آن را بخری. ناچار آن را خریدند و دستور داد آن را سر بریدند. آن گاه دستور داد که دم آن گاو را به بدن مقتول بزنند و چون چنین کردند زنده شد و گفت: ای فرستاده خدا! پسر عمویم مرا به قتل رسانده، نه آن کس که او را متهم کرده اند. و این گونه قاتل را شناختند. در آن هنگام حضرت موسی علیه السلام به یکی از یارانش گفت: این گاو قصه جالبی دارد. پرسید آن چیست؟ فرمود: جوانی از بنی اسرائیل با پدرش بسیار مهربان بود او وقتی کالایی خریده بود و به خانه آمد، دید کلیدها زیر سر پدرش است و او پدرش را بیدار نکرد و از آن معامله گذشت. پدرش بیدار و از ماجرا باخبر شد. پدر به او گفت: آفرین، این گاو را بگیر که برای تو به عوض آن چه از دستت رفته، باشد. حضرت موسی علیه السلام فرمود: بنگرید به کار نیک که تا کجا اهلش را می برد. (۱)

این ماجرا در تفسیر قمی در روایتی معتبر از امام جعفر صادق علیه السلام نیز نقل شده است. (۲)

دوم. زنده شدن هفتاد نفر از بنی اسرائیل

از میان هفتصد هزار بنی اسرائیلی، هفتاد هزار نفر و از میان هفتاد هزار نفر، هفت هزار نفر و از میان هفت هزار نفر، هفت صد نفر و از میان هفت صد نفر، هفتاد نفر توسط حضرت موسی علیه السلام برگزیده شدند تا چگونگی وحی و سخن گفتن خداوند با کلیم الله را بشنوند. امّا وقتی صدایی که پروردگار ایجاد کرده بود از همه طرف شنیدند، پا را فراتر گذاردند و گفتند: ای موسی! تا خدا را آشکارا نبینیم هرگز به تو ایمان نمی آوریم که صاعقه و زلزله ای آنان را به خاطر نافرمانی شان فرا گرفت و میراند. حضرت موسی علیه السلام دید اگر با خبر مرگ آنان سوی بنی اسرائیل باز گردد،

ص: ۱۷۹

۱- عیون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۳، باب ۳۰، ح ۳۱. روایت از جهت سند معتبر است.

۲- تفسیر قمی، ج ۱، ص ۴۹.

مرگشان را به او نسبت می دهند. برای همین از خداوند خواست آنان را زنده نماید و آنان بعد از مرگ به اذن پروردگار زنده شدند.

در آیاتی از قرآن کریم به این داستان اشاره شده است که برای نمونه چند آیه بیان می شود.

« و موسی از میان قومش، هفتاد مرد را برای میعادگاه ما برگزید و هنگامی که زلزله آنان را فرا گرفت گفت: پروردگارا! اگر (بر فرض) می خواستی، آنان و مرا پیش (از این) هلاک می ساختی. آیا ما را به خاطر آنچه سبک سران ما انجام داده اند، هلاک می کنی؟! این، جز آزمایش تو نیست در حالی که هر کس را بخواهی (به خاطر اعمالش)، به وسیله آن در گمراهی و می نهی و هر که را بخواهی (و شایسته بدانی)، رهنمایی می کنی. تو سرپرست (و یاور) مایی، پس ما را بیمارز، و بر ما رحم کن، و تو بهترین آمرزندگان» (۱).

« و (یاد کنید) هنگامی را که گفتید: ای موسی! به تو ایمان نخواهیم آورد، تا اینکه خدا را آشکارا ببینیم، پس در حالی که شما می نگرستید، صاعقه شما را (فرو) گرفت. سپس شما را پس از مرگتان برانگیختیم، تا شاید شما سپاسگزار می کنید» (۲).

در قسمتی از حدیثی طولانی که ابن جهم آن را روایت نموده است می خوانیم که او گوید:

در مجلس مأمون حاضر شدم و نزد او علی بن موسی الرضا علیه السلام حضور داشت. مأمون پرسید: ای فرزند رسول خدا! آیا نمی گوید که پیامبران معصوم هستند. فرمود: بله. مأمون عباسی درباره آیاتی از قرآن کریم از امام سؤال نمود که یکی از آنها چنین است:

پرسید: پس معنای سخن خدای عزیز « و هنگامی که موسی به میعادگاه ما آمد، و پروردگارش با او سخن گفت، عرض کرد: پروردگارا! خودت را بر من بنمای، تا بر تو بنگرم. (خدا)

ص: ۱۸۰

۱- «وَ اخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِيَّايَ أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الشُّفَهَاءُ مِنَّا إِنَّ هِيَ إِلَّا-فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَنِ شَاءَ وَ تَهْدِي مَنِ شَاءَ أَنْتَ وَ لِيُنَا فَاعْفُ لَنَا وَ ارْحَمْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ» (الأعراف (۷)، آیه ۱۵۵).

۲- «وَ إِذِ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَ أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ \* ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»؛ (بقره (۲)، آیات ۵۵-۵۶).

گفت: هرگز مرا نخواهی دید.» (۱) چیست؟ و چگونه ممکن است کلیم الله موسی بن عمران نداند که خدای عزیز دیدنش جایز نیست که این گونه درخواست می کند؟!

امام رضا علیه السلام فرمود: همانا کلیم الله موسی بن عمران می دانست که خدای فرزانه عزیزتر از آن است که با چشم ها دیده شود، ولی وقتی با خدای بلند مرتبه سخن گفت و با او مناجات نمود سوی قوم خود بازگشت و به آنان خبر داد که خدای بلند مرتبه با او سخن گفته و او را به خود نزدیک ساخته و با او مناجات نموده است. بنی اسرائیل گفتند: به تو ایمان نمی آوریم مگر اینکه سخن گفتن خداوند را همان گونه که تو شنیدی، بشنویم! در آن زمان بنی اسرائیل هفتصد هزار نفر بودند حضرت موسی از میان آنان هفتاد هزار نفر و سپس از میان آنان هفت هزار نفر، سپس هفتصد نفر و در آخر از میان هفتصد نفر، هفتاد نفر را برای وعده گاه پروردگارش برگزید. پس با آنان به طور سینا رفت و آنان را دامنه کوه نگه داشت و خود از کوه طور بالا رفت و از خدای عزیز و مبارک خواست با او سخن بگوید خدای بلند مرتبه با او سخن گفت و آنان صدایش را از بالا و پایین و راست و چپ و عقب و جلو شنیدند، زیرا خدای فرزانه صدا را در درخت ایجاد نمود؛ سپس صدا را از آن پخش کرد به گونه ای که از همه طرف آن را شنیدند. ولی آنان (به جای پذیرش) گفتند: (ای موسی) هرگز به تو ایمان نمی آوریم که این صدا، صدای خدا باشد مگر اینکه خداوند را آشکارا ببینیم! آنان وقتی این سخن گزاف را گفتند و نافرمانی و سرپیچی نمودند، خدای عزیز صاعقه ای فرو فرستاد و آنان را به خاطر ستمشان میراند. حضرت موسی عرضه داشت: پروردگارا! به بنی اسرائیل چه بگویم، وقتی سوی آنان بازگشتم؟ و گویند: همانا تو آنان را بردی و به قتل رساندی، چون در ادعایت در مناجات با خدا راست نگفتی. پس خداوند آنان را زنده کرد و به سوی او برانگیخت. آنان گفتند: اگر تو از خدا بخواهی که خود را به تو نشان دهد اجابت می کند و تو ما را آگاه کن که او چگونه است تا او را به درستی بشناسیم! حضرت موسی فرمود: ای قوم من؛ همانا خدا با چشم دیده نمی شود و کیفیتی برای او نیست و به درستی که او با آیاتش شناخته و با نشانه هایش دانسته می شود. آنان گفتند: هرگز به تو ایمان نمی آوریم مگر اینکه از او بخواهی!

ص: ۱۸۱

---

۱- «وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَ كَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرَاكَ (اعراف (۷)، آیه ۱۴۳).

حضرت موسی به خداوند عرضه داشت: پروردگارا! سخن بنی اسرائیل را شنیدی و تو آگاهتر به خیر آنان هستی. خدای با عظمت به او وحی نمود: ای موسی! از من بخواه آنچه از تو خواستند و من به خاطر نادانی آنان تو را نکوهش نمی کنم. در این هنگام حضرت موسی عرضه داشت: «پروردگارا! خودت را بر من بنمای تا بر تو بنگرم. خدا پاسخ داد: هرگز مرا نخواهی دید، ولی به کوه بنگر، و اگر در جایش ثابت ماند، پس در آینده مرا خواهی دید. و هنگامی که پروردگارش بر کوه جلوه نمود، آن را همسان خاک قرار داد و موسی مدهوش به زمین افتاد و هنگامی که به هوش آمد، گفت: منزهی تو (از اینکه با چشم دیده شوی)، به سوی تو باز گشتم و من نخستین مؤمنان (از آنان) هستم.» (۱) به اینکه دیده نمی شوی. پس مأمون از این پاسخ امام به شور آمد و گفت: «لِلَّهِ دَرْكٌ يَا أَبَا الْحَسَنِ.» (۲) و (۳)

### ج) زنده شدن مردگان توسط حضرت عیسی علیه السلام

یکی از اعجازهای حضرت عیسی علیه السلام در کنار سایر معجزه های او، زنده نمودن مردگان بود. در قرآن کریم می خوانیم:

«و (او را به عنوان) فرستاده ای به سوی فرزندان یعقوب (بنی اسرائیل، قرار داده که او به آنان می گوید): به درستی که من از طرف پروردگارتان نشانه ای (معجزه وار) برایتان آورده ام. من از گِل برای شما (چیزی) همانند شکل پرنده می سازم و در آن می دمم، پس به إذن خدا، پرنده ای می گردد. و نابینای مادر زاد، و (مبتلایان به) پیسی را بهبود می بخشم و مردگان را به اجازه خدا زنده می کنم و از آنچه می خورید و آنچه در خانه هایتان ذخیره می کنید، به شما خبر می دهم که همانا در این (معجزات)، نشانه ای برای شماست، اگر مؤمن باشید.» (۴)

ص: ۱۸۲

۱- «رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرَانِي وَ لَكِنِ أَنْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَ خَرَّ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَ أَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ»؛ (الأعراف (۷)، آیه ۱۴۳).

۲- کنایه از اینکه علوم سرشار شما از طرف خداوند است.

۳- التوحید، ص ۱۲۱، باب ما جاء فی الرؤیه (۸)، ح ۲۴؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۹۵، باب ۱۵، ح ۱.

۴- «وَ رَسُولًا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَانْفُخْ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ وَ أَحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُبَيِّئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَ مَا تَدْخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ (آل عمران (۳)، آیه ۴۹. مشابه این آیه در بیان معجزه های حضرت عیسی «آیه ۱۱۰ سوره مائده» می باشد).

درباره زنده نمودن مردگان توسط حضرت عیسی علیه السلام و زندگی شخص زنده شده، در روایتی که از ابان بن تغلب از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده، آمده است:

از امام سؤال شد: آیا عیسی بن مریم کسی را بعد از مرگش زنده کرد که برای او خوردن و روزی و مدتی زندگی نمودن و فرزند باشد؟ فرمود:

«بله. برای او دوستی صمیمی در بندگی خدای عزیز بود و حضرت عیسی علیه السلام نزد او رفت و آمد داشت و همنشین او می شد. حضرت عیسی از او مدتی غایب شد؛ سپس به منزل او رفت تا حالش را جویا شود، ولی مادرش بیرون آمد و وقتی حال دوستش را جویا شد، گفت: ای رسول خدا! او مرد. فرمود: آیا دوست داری او را ببینی؟ گفت: بله. به او فرمود: فردا نزد تو می آیم تا به إذن خدای بلند مرتبه او را زنده کنم. حضرت عیسی فردا نزد آن زن آمد و فرمود: با هم سر قبر او برویم. با هم رفتند تا به قبر رسیدند. حضرت عیسی بر آن ایستاد، سپس خدای عزیز را خواند. پس قبر شکافته شد و پسر آن زن در حالی که زنده شده بود، خارج شد. وقتی او مادرش را و مادرش او را دید، با هم گریستند. حضرت عیسی علیه السلام بر آن دو مهربانی نمود و به او فرمود: آیا دوست داری در دنیا با مادرت زندگی کنی؟ پاسخ داد: آیا با خوردن و روزی و مدتی زندگی یا بدون خوردن و روزی و زندگی؟ حضرت عیسی فرمود: با خوردن و روزی و مدتی زندگی و اینکه بیست سال زندگی و ازدواج کنی و صاحب فرزند شوی. جوان گفت: بله، اگر این گونه است. و حضرت عیسی او را به مادرش بازگرداند و او بیست سال زندگی نمود و ازدواج کرد و صاحب فرزند شد.»(۱)

#### **د) رجعت هزاران نفر توسط حزقیل پیامبر**

در قرآن کریم سخن از هزاران نفر به میان آمده است که از ترس مرگ از خانه هایشان فرار

ص: ۱۸۳

---

۱- کافی، ج ۸، ص ۳۳۷، ح ۵۳۲. روایت از جهت سند معتبر است.



کردند، ولی خداوند آنان را میراند؛ سپس به فرمان پروردگار زنده شدند و زندگی نمودند.

در سوره بقره می خوانیم:

« آیا اطلاع نیافتی از کسانی که از بیم مرگ، از خانه هایشان خارج شدند و حال آنکه آنان هزاران (نفر) بودند و خدا به آنان گفت: بمیرید، سپس آنان را زنده کرد. قطعاً خدا نسبت به مردم دارای بخشش است، ولی بیشتر مردم سپاس گزاری نمی کنند.» (۱)

برای مشخص شدن مقصود از هزاران نفر در آیه و چگونگی زندگی آنان بعد از رجعت و زنده شدن به دو حدیث اشاره می شود.

حدیث اول. به دستور مأمون امام رضا علیه السلام به مرو آورده شد. مأمون به وزیرش فضل بن سهل دستور داد تا دانشمندان و بزرگان ادیان و افکار مختلف را برای بحث و گفتگو با ایشان گرد آورد. بزرگان یهودی و نصرانی و رؤسای صابئان و بزرگان زرتشت و اهل کلام جمع شدند. در آن مجلس یکی از دلیل هایی که بزرگان مسیحی برای خدا بودن عیسی می آوردند، زنده نمودن مردگان توسط او بود. امام در پاسخ آنان به پیامبران زیادی از جمله پیامبر گرامی اسلام اشاره نمود که مردگان را زنده می کردند و کسی مدعی خدا بودن آنان نشده است. یکی از پیامبران مورد اشاره امام رضا علیه السلام حضرت حزقیل علیه السلام بود که امام درباره او فرمود:

«حضرت حزقیل هم مانند کار عیسی بن مریم را انجام داد و سی و پنج هزار نفر را بعد از اینکه از مرگشان شصت سال گذشته بود، زنده نمود.»

امام در توضیح کسانی که به وسیله حزقیل پیامبر زنده شدند، در قسمتی دیگر از سخنانش فرمود:

«گروهی از بنی اسرائیل از شهرهایشان به خاطر طاعون و ترس از مرگ فرار کردند و آنان هزاران نفر بودند و خداوند در یک زمان جان تمامی آنان را گرفت. اهل آن منطقه مکانی برای جنازه های آنان ساختند و جنازه ها در آنجا بود تا اینکه استخوان هایشان پوسید و متلاشی شد.

ص: ۱۸۴

---

۱- «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَعَدُوٌّ فَضِيلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ»؛ (بقره (۲)، آیه ۲۴۳).

پیامبری از بنی اسرائیل از آنجا گذر می نمود از زیادی استخوان های پوسیده در آنجا تعجب کرد. خدا به او وحی نمود: آیا دوست داری آنان را برای تو زنده کنم و آنان را انذار نمایی؟ عرض کرد: بله ای پروردگار. پس خدای عزیز به او وحی نمود که صدایشان یزن و بگو: ای استخوان های پوسیده به إذن خدای عزیز و بلند مرتبه بلند شوید. پس تمامی آنان زنده شدند و ایستادند، در حالی که خاک را از سرهایشان می تکاندند.»(۱)

حدیث دوم. حمران بن أعین گوید: از امام محمد باقر علیه السلام درباره آیه پرسیدم: آیا آنان زنده شدند تا مردم به آنان بنگرند سپس همان روز مردند یا اینکه ساکن خانه ها شدند و غذا خوردند و ازدواج نمودند؟ امام فرمود:

« بلکه خداوند آنان را بازگرداند و آنان ساکن خانه ها شدند و غذا خوردند و ازدواج نمودند و این گونه مدتی زندگی کردند تا اینکه أجل هایشان به صورت طبیعی فرا رسید.»(۲)

### ه) رجعت در عصر ظهور

در قرآن کریم می خوانیم: « قطعاً ما فرستادگانمان و کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی پست (دنیا) و روز (رستاخیز) ی که گواهان به پا می خیزند یاری می دهیم.»(۳) از این آیه و آیات مشابه استفاده می شود که خدای حکیم به پیامبران و پیشوایان دین و مؤمنان وعده یاری و پیروزی در دنیا را داده است، ولی درباره برخی از آنان این وعده در دنیا تحقق نیافته است که دوره رجعت زمان تحقق این وعده ها در دنیا قبل از آخرت است. از نگاهی دیگر انسان هایی در دوره خود قابلیت رشد و رسیدن به کمال انسانی را داشته اند، ولی به دلیل حکومت های ظالم و ستمگران از آن باز داشته شدند که زمان رسیدن به این رشد در دوره رجعت تحقق می یابد. و از

ص: ۱۸۵

---

۱- «وَلَقَدْ صَبَّحَ جَزْقِيلُ النَّبِيِّ مِثْلَ مَا صَبَّحَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ فَأَحْيَا خَمْسَةً وَ ثَلَاثِينَ أَلْفَ رَجُلٍ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهِمْ بِسِتِّينَ سَنَةً...» (التوحيد، ص ۴۲۲، باب ۶۵، ح ۱).

۲- «بَلْ رَدَّهُمُ اللَّهُ حَتَّى سَيَكُونُوا الدُّورَ وَ أَكَلُوا الطَّعَامَ وَ نَكَحُوا النِّسَاءَ وَ لَبُّوا بِذَلِكِ مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ مَاتُوا بِأَجَالِهِمْ»؛ (تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۳۰، ح ۴۳۳؛ مختصر البصائر، ص ۱۰۵، باب فی الکرات، ح ۲۲).

۳- «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»؛ (غافر (۴۰)، آیه ۵۱).

نگاهی دیگر برخی ستمگران در دنیا ستم فراوانی نموده اند و در این دنیا به سزای کارهای خود نرسیدند که در دوره رجعت زنده و عذاب می شوند.

آیاتی از قرآن کریم به رجعت در آخر الزمان اشاره دارند که به چند آیه اشاره می شود.

مورد اول. « و هنگامی که گفتار (فرمان عذاب) بر آنان واقع شود، (و در آستانه رستاخیز قرار گیرند)، جنبنده ای را از زمین برای آنان بیرون می آوریم که با آنان سخن می گوید، (در مورد این) که مردم همواره به نشانه های ما یقین نداشتند. و (یادکن) روزی را که از هراتی، گروهی شتابان از کسانی که نشانه های ما را دروغ می انگاشتند، گرد آوری می کنیم و آنان (از پراکندگی و بی نظمی) بازداشته می شوند.» (۱)

خروج دابه الارض در روایت های عامه یکی از نشانه های قیامت شمرده شده است (۲) که قبل از قیامت واقع می شود و آیه بعد درباره محشور شدن عده ای است که می رساند مقصود قیامت نیست، زیرا در وادی محشر همگان محشور خواهند شد و به حسابشان رسیدگی می شود.

از امام جعفر صادق علیه السلام درباره آیه « وَ يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا » سؤال شد. پرسید: عامه درباره آن چه می گویند؟ گفتم: می گویند درباره قیامت است. فرمود: آیا خداوند در قیامت از هراتی گروهی را محشور می کند و بقیه را رها می کند؟! همانا این آیه درباره رجعت است. امّا آیه قیامت این است: « و آنان را گردآوری می کنیم و هیچ یک از ایشان را فروگذار نمی کنیم و بر پروردگارت عرضه می شوند، در حالی که صف کشیده اند.» (۳) و (۴)

مورد دوم. « و بر (مردم) آبادی که هلاکشان ساختیم، ممنوع است که آنان (به دنیا) بازگردند.» (۵)

ص: ۱۸۶

---

۱- «وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ \* وَ يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُكذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ»؛ (نمل) (۲۷)، آیات ۸۲-۸۳.

۲- معجم الکبیر الطبرانی، ج ۳، ص ۱۸۳، ح ۳۰۶۰.

۳- «وَ حَشَرْنَاَهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا \* وَ عَرِضُوا عَلَى رَبِّكَ صَفًّا...»؛ (الکهف) (۱۸)، آیات ۴۷-۴۸.

۴- تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۵۱، باب الرجعه (۲۹)، ح ۲۷.

۵- «وَ حَرَامٌ عَلَى قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ»؛ (الأنبياء) (۲۱)، آیه ۹۵.

ابوبصیر از امام محمد باقر و امام جعفر صادق ۸ نقل می کند که فرمودند: هر آبادی که خداوند اهل آن را با عذاب هلاک نموده است، در عصر رجعت باز نمی گردند و این آیه از بزرگترین دلایل رجعت است، زیرا کسی از مسلمانان انکار نمی کند که مردم همگان در قیامت محشور می شوند چه آنانی که هلاک شدند و چه آنانی که هلاک نشدند. (۱)

اعتقاد به رجعت اثر امید بخشی دارد، زیرا معتقدان به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف برای دستیابی به حکومت صالحان و همراهی با امامشان در دولت کریمه تلاش می کنند. اما وقتی گرد پیری سراغ آنان می آید و به مرگ نزدیک می شوند به این نتیجه می رسند که عصر ظهور را درک نخواهند کرد، اما وقتی به رجعت معتقد باشند این امید را دارند که در آن عصر به دنیا باز گردند و دوران بهشتی بر روی زمین را مشاهده نمایند.

برای آشنایی با چگونگی رجعت و بازگشت مردگان در عصر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چند حدیث از اهل بیت علیهم السلام بیان می شود.

حدیث اول. از مفضل بن عمر نقل شده است که گوید: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را یاد می نمودیم و سخنان درباره کسی بود که از اصحاب ما باشد و در حال انتظار ببرد. پس امام جعفر صادق علیه السلام به ما فرمود:

« وقتی قیام کند، نزد قبر مؤمن آمده و به او گفته می شود: فلانی همانا صاحب ظهور کرد، پس اگر می خواهی به او بیوندی، ملحق شو و اگر می خواهی در جوار نعمت های پروردگارت باقی بمانی، بمان.» (۲)

حدیث دوم. حسن بن شاذان گوید: به امام رضا علیه السلام نامه نوشتم و از آزار برخی از اهل واسط شکایت نمودم. حضرت به خط مبارکش نوشت:

همانا خدای عزیز از دوستان ما پیمان بر صبر در دولت باطل گرفته است، پس به فرمان پروردگارت بردباری پیشه کن. همانا اگر آقای آفریدگان قیام کند هر آینه آنان

ص: ۱۸۷

۱- تفسیر قمی، ج ۲، ص ۷۵؛ روایت از جهت سند معتبر است.

۲- «إِذَا قَامَ آتَى الْمُؤْمِنَ فِي قَبْرِهِ فَيَقَالُ لَهُ يَا هَذَا إِنَّهُ قَدْ ظَهَرَ صَاحِبُكَ فَإِنْ تَشَاءُ أَنْ تَلْحَقَ بِهِ فَالْحَقْ وَإِنْ تَشَاءُ أَنْ تُقِيمَ فِي كَرَامَةِ رَبِّكَ فَأَقِمْ»؛ (الغیبه للطوسی، ص ۴۵۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۹۱، باب الرجعه ۲۹، ح ۹۸).

(آزار کننده مؤمنان) می گویند: ای وای بر ما، چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟! این چیزی است که خدای رحمان وعده داده است و فرستادگان او راست گفتند.» (۱)

و در دعای عهد که از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است، درباره بازگشت مؤمنان از دنیا رفته می خوانیم:

« بار خدایا هر گاه میان من و میان او مرگی - که آن را بر بندگانت سرنوشت حتمی قرار دادی - فاصله شود، پس مرا از قبرم کفن پوشان با شمشیر برهنه و نیزه آماده بیرون آور تا اجابت کننده دعوت ندا دهنده در شهر و روستا باشم.» (۲)

و در مزار کبیر به نقل از امام جعفر صادق علیه السلام درباره این دعا آمده است:

« هر کس خداوند را با این عهد چهل روز بامدادان بخواند، از یاران قائم ما خواهد بود و اگر قبل از ظهور بمیرد، خدای سبحان او را از قبرش خارج می کند.» (۳)

ص: ۱۸۸

۱- «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَخَذَ مِيثَاقَ أَوْلِيَانِنَا عَلَى الصَّبْرِ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَلَوْ قَدْ قَامَ سَيِّدُ الْخَلْقِ لَقَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ»؛ (کافی، ج ۸، ص ۲۴۷، ح ۳۴۶).

۲- «اللَّهُمَّ فَإِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَرًّا كَفَنِي شَاهِرًا سَيْفِي مُجَرِّدًا فَنَاتِي مُلْتَبِّئًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي»؛ (المصباح للكفعمي، ص ۵۵۰؛ البلد الأمين، ص ۸۲).

۳- «مَنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ أَرْبَعِينَ صَبْحًا بِهَذَا الْعَهْدِ كَانَ مِنْ أَنْصَارِ قَائِمِنَا عَلَيْهِ السَّلَامِ، فَإِنْ مَاتَ قَبْلَهُ أَخْرَجَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ قَبْرِهِ...»؛ (المزار الكبير، ص ۶۶۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۹۳، باب ۴۱، ح ۲۵).

بخش سوم: ویژگی های مشترک پیروان

اشاره

ص: ۱۸۹

همان گونه که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شبیه پیامبران و برگزیدگان پروردگار در اهداف و سیره و سیما است، پیروان ایشان نیز در مواردی شبیه پیروان فرستادگان خدا می باشند. در این بخش بر آنیم که این شباهت ها را در قالب چند فصل بیان کنیم.

## فصل اول. سختی و آزار پیروان

### اشاره

آنان که به رسالت پیامبران و برگزیدگان ایمان می آوردند و خدا پرست می شدند به دلیل کمی تعداد تا مدتی چون پیامبرشان مورد اذیت و آزار بت پرستان و کافران قرار می گرفتند. برخی چون اصحاب اخدود در آتش سوزانده و برخی شکنجه می شدند و برخی چون پدر و مادر عمار یاسر زیر شکنجه به شهادت می رسیدند و برخی به خاطر شدت سختی ها مجبور می شدند پنهانی به پرستش خدا پردازند و یا منزل و اموال خود را رها و هجرت کنند. در قرآن کریم می خوانیم:

« آیا پنداشتید که داخل بهشت می شوید، و حال آنکه هنوز مثال (حوادث) کسانی که قبل از شما در گذشته اند، به شما نرسیده است؟ به آنان سختی (زندگی) و زیان (جسمی) رسید و (چنان) متزلزل شدند، تا اینکه فرستاده (خدا) و کسانی که با او ایمان آورده بودند می گفتند: یاری خدا کی خواهد آمد؟! آگاه باشید، که یاری خدا نزدیک است.» (۱)

این جریان در پیروان حضرت نوح و هود و صالح: و سایر برگزیدگان جاری بوده است. به عنوان نمونه در حدیثی که از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است، می خوانیم:

ص: ۱۹۰

---

۱- «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْمِبًا وَالضَّرَاءُ وَزُلْزُلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ»؛ (بقره (۲)، آیه ۲۱۴).

وقتی وفات حضرت نوح علیه السلام فرا رسید پیروان خود را فرا خواند و فرمود: بدانید بعد از من غیبتی رخ می دهد که ستمگران و طاغوت ها در آن آشکار خواهند شد و خدای عزیز با قاضی از فرزندان من که نامش «هود» است، برای شما گشایش می آورد. او خیر خواه و آرام و بزرگ منش است و در آفرینش و رفتار شبیه من است. خداوند دشمنان شما را در زمان ظهور او با باد نابود خواهد کرد. مؤمنان پیوسته منتظر آمدن هود پیامبر بودند و زمان انتظار ظهور به درازا کشید تا اینکه بسیاری از آنان دل هایشان سخت شد. خدای حکیم پیامبرش هود را هنگام اوج گرفتاری ها و ناامیدی آنان آشکار نمود و دشمنان را با بادی نازا از میان برد که این گونه خدای عزیز آن باد را توصیف نموده است: «هیچ چیزی را که بر آن بگذشت فرو نگذاشت مگر آنکه آن را چون (استخوان) پوسیده می ساخت.» (۱) و (۲)

در این فصل به بررسی سختی ها و گرفتاری های رسیده به پیروان حضرت موسی علیه السلام می پردازیم و سپس سختی ها و آزارهای منتظران در دوره غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بررسی می شود.

### الف) سختی و آزار پیروان حضرت موسی علیه السلام

وقتی حضرت یعقوب علیه السلام و خاندان او به دلیل قحطی و به دعوت حضرت یوسف علیه السلام به مصر آمدند تا زمان زنده بودن حضرت یوسف روزگار خوشی داشتند. ولی بعد از وفات او فرعونیان بنی اسرائیل را به بردگی گرفتند و آنان انواع عذاب ها و آزارها را نسبت به آنان روا می داشتند و برای جلوگیری از رشد زیاد جمعیت آنان فرزندانشان را می کشتند و زنان و دخترانشان را به کنیزی می گرفتند و از مردانشان بیگاری می کشیدند تا اینکه نجات دهنده آنان حضرت موسی علیه السلام آمد.

بنابر نقلی از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله حضرت یوسف علیه السلام هنگام وفات خاندان و پیروانش را دور خود جمع کرد و ستایش و ثنای پروردگار به جای آورد و سپس درباره سختی شدیدی که به

ص: ۱۹۱

۱- «ما تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا جَعَلْنَاهُ كَالرَّمِيمِ»؛ (الذاریات (۵۱)، آیه ۴۲).

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۳۵، باب فی ذکر ظهور نوح علیه السلام بالنبوه (۲)، ح ۴.



آنان می رسد سخن گفت؛ از اینکه در آن سختی مردانشان کشته می شوند و شکم زنان باردانشان پاره و سر کودکانشان بریده می شود تا آنگاه که خدای عزیز، حق را در قائم - که از فرزندان «لاوی بن یعقوب» است - آشکار می کند و او مردی گندمگون و بلند قامت است و ویژگی های او را برایشان بر شمرد و بنی اسرائیل این وصیت را در خاطر داشتند. غیبت و سختی بر بنی اسرائیل واقع شد و آنان مدت چهار صد سال منتظر قیام قائم بودند تا آنکه ولادت او را بشارت دادند و نشانه های ظهورش را مشاهده کردند. در آن هنگام سختی شان شدت یافت و با سنگ و چوب به ایشان حمله می شد و فقیهی که به احادیث او آرامش می یافتند تحت تعقیب قرار گرفت و پنهان شد. به او نامه نوشتند و گفتند: ما در گرفتاری ها با سخن تو آرامش می یافیم. پس آن فقیه با ایشان به گوشه ای از بیابان رفت و نشست و درباره قائم و ویژگی های او و نزدیکی ظهورش سخن می گفت. در شبی مهتابی در آن حال که نشسته بودند، حضرت موسی علیه السلام نمایان شد. او که در آن وقت سن کمی داشت، از سرای فرعون برای گردش بیرون آمده بود. موسی بن عمران از همراهان خود کناره گرفت و در حالی که سوار بر استری بود و ردای خز سبز رنگی بر دوش داشت، نزد ایشان آمد. چون آن فقیه او را دید، از ویژگی هایش او را شناخت. برخاست و بر پایهای او افتاد و بر آن بوسه زد. سپس گفت: سپاس خدایی را که مرا از دنیا نبرد تا آنکه تو را به من نشان داد و چون پیروانش چنین دیدند دانستند که او صاحبشان است و به شکرانه آن برای خدای عزیز به سجده افتادند و موسی جز این نگفت که امیدوارم خداوند در گشایش شما شتاب کند و بعد از آن غایب شد و به شهر مدین رفت و سالیانی را نزد شعیب ماند. پنهان زیستی دوم از مخفی بودن قبلی بر آنان سخت تر بود و قرار بود آن پنجاه و چند سال ادامه یابد. گرفتاری ها بر بنی اسرائیل شدت گرفت و آن فقیه باز پنهان شد. دوباره کسی را نزد او فرستادند و گفتند: ما بر خفای تو شکیبایی نداریم، پس به بیابانی بیرون شد و آنان را خواست و دل داریشان داد و اعلام کرد که خدای بلند مرتبه به او وحی کرده است که پس از چهل سال گشایش شان را خواهد رسانید. همگی گفتند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و خدای عزیز وحی فرمود که به ایشان بگو: به خاطر سخنش «الْحَمْدُ لِلَّهِ» آن را سی سال قرار دادم. گفتند: «كُلُّ نِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ؛ هر نعمتی از جانب خدا است» پس وحی آمد که به آنان بگو: آن را به بیست سال کاهش دادم. گفتند: «لَا يَأْتِي بِالْخَيْرِ إِلَّا اللَّهُ؛ خوبی جز از طرف خدا نمی آید» پس وحی آمد که به آنان بگو: آن را به ده سال

کاستم. گفتند: «لَا يَصْرِفُ الشَّرَّ إِلَّا اللَّهُ؛ بدی را جز خدا بر نمی دارد» پس خداوند به آن فقیه وحی کرد که به ایشان بگو: جای خود را ترک نکنید که اجازه گشایش شما را دادم. در این میان حضرت موسی علیه السلام در حالی که سوار بر الاغی بود، آشکار شد. آن فقیه تصمیم گرفت او را به شیعیان معرفی کند تا او را بشناسند. حضرت موسی رسید و نزد آنان ایستاد. فقیه از او پرسید: نامت چیست؟ فرمود: موسی. پرسید: فرزند چه کسی هستی؟ فرمود: فرزند عمران. پرسید: او فرزند کیست؟ فرمود: فرزند قاهث<sup>(۱)</sup> فرزند لای فرزند یعقوب. پرسید: چه آورده ای؟ فرمود: رسالت از جانب خدای عزیز. آن فقیه برخاست و دست حضرت موسی را بوسید. سپس در میانشان نشست و آنان را بشارت داد و دستورهای او را به ایشان ابلاغ کرد و سپس ایشان را پراکنده نمود.<sup>(۲)</sup>

حضرت موسی علیه السلام به عنوان نجات دهنده آنان از چنگال فرعونیان آمد و در مقابله با فرعونیان، ساحران را شکست داد. وقتی فرعون خود را شکست خورده دید برای جلوگیری از گرایش مردم به یکتا پرستی هر کس از مردم و بنی اسرائیل را که به پیامبری حضرت موسی ایمان می آوردند به زندان می انداخت و انواع شکنجه ها را نسبت به آنان روا می داشت. به همین جهت فقط عدّه کمی از بنی اسرائیل آن هم با ترس و دلهره به حضرت موسی گرویدند. آنان شکایت نزد او بردند و گفتند:

«گفتند: پیش از آنکه به سوی ما بیایی و پس از آمدنت نزد ما، آزار دیدیم! (موسی) گفت: امید است پروردگارتان دشمن شما را هلاک کند، و شما را در زمین جانشین آنان سازد، و بنگرد که چگونه عمل می کنید.»<sup>(۳)</sup>

### ب) سختی و آزار پیروان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

ص: ۱۹۳

۱- علامه مجلسی به جای «قاهث»، «وهب» نقل نموده است. (بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۳۶، باب ۲، ح ۷).

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۴۵، باب فی غیبه موسی علیه السلام (۶)، ح ۱۲.

۳- «قَالُوا أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَ مِنْ بَعْدِ مَا جِئْنَا قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَيْدُكُمْ وَ يَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ»؛ (الأعراف (۷)، آیه ۱۲۹).

پیروان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در دوران پنهان زیستی ایشان سختی و آزارهای زیادی می بینند و از این جهت شبیه پیروان حضرت موسی علیه السلام می باشند.

این حقیقت در قرآن کریم درباره پیروان دین اسلام و حق مداران آخر الزمان مطرح شده است.

« قطعاً در مال ها و جان هایتان آزمایش می شوید و از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب داده شده و (نیز) از کسانی که به شرک گراییده اند، آزار بسیاری خواهید شنید و اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید، این (ایستادگی) حاکی از عزم استوار (شما) در کارهاست.» (۱)

محمد بن مسلم گوید: وارد مجلس امام محمد باقر شدم و می خواستم درباره قائم آل محمد از ایشان بپرسم. امام قبل از پرسش من فرمود: ای محمد بن مسلم! قائم آل محمد شبیه پنج تن از پیامبران است. ایشان درباره شباهت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به حضرت موسی علیه السلام فرمود:

و اما شباهت او (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حضرت موسی علیه السلام ادامه داشتن ترس او و طولانی شدن غیبت و نهان بودن میلاد اوست و رنج و سختی پیروان او در دوره بعد از او در آنچه از آزار و خواری گرفتار می شوند، می باشد. تا آنکه خدای عزیز اجازه ظهور او را دهد و او را یاری و بر دشمنانش پیروز کند. (۲)

و در قسمت پایانی حدیث قدسی لوح که از ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده، درباره اوضاع دشوار مؤمنان در دوره غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین آمده است:

... در دوران او دوستانم خوار می شوند و سرهای آنان را دشمنان به هم پیشکش می کنند چنانچه سرهای ترک و دیلم را برای هم می فرستند. پس آنان کشته و سوزانده می شوند و ترسان و بیمناک و هراسان باشند و زمین از خونشان رنگین گردد. ناله و شیون در

ص: ۱۹۴

۱- «لَتَجَلُّوْنَ فِيْ اَمْوَالِكُمْ وَ اَنْفُسِكُمْ وَ لَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ مِنَ الَّذِيْنَ اَشْرَكُوا اَذْيً كَثِيْرًا وَّ اِنْ تَصْبِرُوْا وَ تَتَّقُوا فَاِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُوْرِ»؛ (آل عمران (۳)، آیه ۱۸۶).

۲- «... وَ اَمَّا شَبَهُهُ مِنْ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فَدَوَامُ خَوْفِهِ وَ طُوْلُ غَيْبَتِهِ وَ خَفَاءُ وِلَادَتِهِ وَ تَعَبُ شَيْعَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ بِمَا لَقُوا مِنَ الْاَذْيِ وَ الْهَوَانِ اِلَى اَنْ اَذِنَ اللّٰهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِيْ ظُهُورِهِ وَ نَصِيْرَهُ وَ اَيْدِيْهِ عَلٰى عِيْدُوْهِ...»؛ (كمال الدين و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۷، باب ۳۲، ح ۷).

میان زنانشان آشکار شود. آنان به راستی دوستان من باشند و به وسیله آنان هر آشوب سخت و تاریک را بزدایم و از برکت آنان زلزله ها و بارهای گران و زنجیرها را بردارم، بر آنان درود و رحمت های پروردگارشان باد، و آنان همان همان هدایت شدگان هستند. (۱)

## فصل دوم. اختلاف مردم درباره او

### اشاره

یکی از ویژگی های مشترک حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و پیامبران خدا اختلاف و چند دستگی مردم درباره برگزیده و فرستاده پروردگار می باشد که در این فصل به برخی از آنها به شرح ذیل اشاره می شود.

ص: ۱۹۵

۱- «فَيَذُلُّ أَوْلِيَاءِي فِي زَمَانِهِ وَتَهَادَى رُءُوسُهُمْ كَمَا تَهَادَى رُءُوسُ التُّرُكِ وَالدَّيْلَمِ فَيَقْتُلُونَ وَيُحْرِقُونَ وَيَكُونُونَ خَائِفِينَ مَرْعُوبِينَ وَجَلِينَ تُصَيِّغُ الْأَرْضُ بِدِمَائِهِمْ وَيَفْشُو الْوَيْلُ وَالرَّثَّةُ فِي نِسَائِهِمْ أَوْلِيَاكَ أَوْلِيَاءِي حَقًّا بِهِمْ أَدْفَعُ كُلَّ فِتْنَةٍ عَمِيَاءَ حِنْدِسٍ وَ بِهِمْ أَكْشَفُ الزَّلَازِلَ وَ أَدْفَعُ الْأَصْيَارَ وَ الْأَغْلَالَ أَوْلِيَاكَ عَلَيْهِمْ صِلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَ أَوْلِيَاكَ هُمْ الْمُهْتَدُونَ»؛ (الإمامه و التبصره من الحيره، ص ۱۰۳، باب ۲۷، ح ۹۲). روایت از جهت سند معتبر است.

حضرت صالح علیه السلام یکی از پیامبران خدا است که برای هدایت قوم ثمود برانگیخته شد. قوم ثمود در دشت ها خانه های زیبا و در دل کوهها خانه های زمستانی می ساختند، ولی آنان به جای پرستش خداوند بتان را می پرستیدند و اهل شرّ و فساد بر زمین بودند. این فرستاده پروردگار برای ثابت کردن پیامبری خویش شتری بزرگ از دل کوه بیرون آورد که یک روز تمامی آب آن منطقه را می نوشید و در عوض از شیر آن شتر مردم استفاده می کردند و روز دیگر آب قسمت قوم ثمود بود. امّا قوم ثمود با دیدن این معجزه خداوند به جای ایمان آوردن به خدای عزیز آن شتر را پی کردند و بعد از سه روز عذابی سهمگین سراغ آنان آمد، عذابی که شامل صاعقه (۱) و صدای وحشتناک (۲) و زمین لرزه (۳) بود و همگان جز افراد با ایمان نابود شدند.

بنابر آنچه نقل شده است، حضرت صالح علیه السلام مدتی در غیبت و به دور از قوم خود زندگی کرد. بعد از بازگشت او به سوی قوم خود، مردم درباره اینکه او حضرت صالح علیه السلام است، سه دسته شدند و فقط یک گروه او را پذیرفتند. در این نقل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شبیه حضرت صالح علیه السلام معرفی می شود؛ اولاً، به خاطر اینکه مدتی پنهانی زندگی خواهد کرد و ثانیاً، اینکه؛ بعد از دوره غیبت وقتی آشکار می شود مردم در پذیرش او سه دسته می شوند و فقط اهل ایمان و یقین او را می پذیرند. ترجمه روایت به شرح ذیل است.

زید شحّام گوید: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: حضرت صالح علیه السلام مدّتی از قوم خود پنهان شد. او روزی که غایب شد مردی کامل و خوش اندام و انبوه ریش و لاغر میان و سبک گونه و در

ص: ۱۹۶

۱- «وَ اَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ فَآخَذْتَهُمْ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»؛ و امّا ثمودیان \$: پس آنان را راهبری کردیم ولی کوردلی را بر هدایت ترجیح دادند، پس به (کیفر) آنچه مرتکب می شدند صاعقه عذاب خفت آور آنان را فرو گرفت»؛ (فصلت (۴۱)، آیه ۱۷).

۲- «وَ اَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جِاثِمِينَ»؛ و کسانی را که ستم ورزیده بودند، آن بانگ (مرگبار) فرا گرفت، و در خانه هایشان از پا درآمدند»؛ (هود (۱۱)، آیه ۶۷).

۳- «فَاَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جِاثِمِينَ»؛ آنگاه زمین لرزه آنان را فرو گرفت و در خانه هایشان از پا درآمدند»؛ (اعراف (۷)، آیه ۷۸).

میان مردان متوسط القامه بود و چون نزد قومش برگشت او را از سیمایش نشناختند. او به سوی آنان بازگشت در حالی که مردم سه دسته بودند: گروهی انکار کننده که هرگز برنگشتند، گروهی که اهل شک و تردید بودند، و دیگرانی که اهل ایمان و یقین نسبت به او بودند. حضرت صالح علیه السلام هنگامی که برگشت ابتدا به دعوت اهل تردید پرداخت و به آنان فرمود: من «صالح» هستم. اما اهل شک او را تکذیب کردند و دشنام دادند و راندند و گفتند: خدا از تو بیزار باد؛ صالح به شکل تو نبود. او آنگاه نزد منکران آمد. آنان نیز سخن او را نشنیدند و تا توانستند از وی دوری کردند. سپس نزد دسته سوم رفت که اهل یقین بودند و به آنان فرمود: من «صالح» هستم. آنان گفتند: برای ما خبری بازگویی تا شک ما درباره تو برود و ما شکی نداریم که خدای تعالی آفریدگاری است که هر کسی را که بخواهد به هر شکلی در می آورد و به ما خبر داده اند و نیز در میان خود نشانه های قائم را آنگاه که بیاید بررسی کرده ایم و صحت آنها به وسیله یک خبر آسمانی از جانب تو محقق می شود. صالح علیه السلام گفت: من صالحی هستم که شتر را برای شما آوردم. گفتند: راست گفتی، آن همان است که ما بررسی کرده ایم. آن شتر چه نشانه هایی داشت؟ صالح فرمود: یک روز او آب را می نوشید و یک روز شما. گفتند: به خدا و آنچه آورده ای ایمان آوردیم. در چنین حالی است که خدای بلند مرتبه فرمود: «أَنَّ صَالِحًا مَّرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ» و اهل یقین گفتند: «إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ» ما به آنچه فرستاده شده است ایمان داریم و مستکبران که همان شک کنندگان و منکران بودند، گفتند: «قَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ» ما به کسی که شما به او ایمان آورده اید، کافریم. راوی گوید: از امام پرسیدم: آیا در آن روز (که صالح میانشان نبود) در میان آنان عالمی به جای صالح علیه السلام بود؟ فرمود: خدا عادلتر از آن است که زمین را بدون عالم گذارد که مردم را به خدای بلند مرتبه راهبری کند و آن قوم بعد از خروج حضرت صالح علیه السلام تنها هفت روز در حال بلا تکلیفی به سر بردند که امامی را نمی شناختند، ولی آنان در عمل به دین خدای عزیز که در دستشان بود با هم متحد بودند و چون صالح علیه السلام آشکار شد دور او جمع شدند. امام در ادامه فرمود:

« و همانا مثال قائم عجل الله تعالى فرجه الشريف چون صالح عليه السلام است. »<sup>(۱)</sup>

### ب) اختلاف مردم درباره حضرت عیسی علیه السلام

غیبت و پنهان زیستی حضرت عیسی علیه السلام باعث اقوال مختلفی درباره او شده است. در روایت های اهل بیت علیهم السلام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف شبیه حضرت عیسی معرفی می شود و وجه شباهت را سخن های مختلف درباره او می دانند. برای نمونه چند حدیث مطرح می شود.

حدیث اول. از سعید بن جبیر از امام زین العابدین علیه السلام نقل شده است که فرمود: در قائم از ما سنت هایی از پیامبران است. ایشان در بیان سنت حضرت عیسی در وجود حضرت مهدی فرمود:

« و اما (سنت جاری) از حضرت عیسی (در حضرت مهدی) اختلاف مردم درباره اوست. »<sup>(۲)</sup>

حدیث دوم. از ابوبصیر نقل شده است که گوید: شنیدم امام محمد باقر علیه السلام می فرمود: در صاحب این امر سنتی از حضرت موسی و سنتی از حضرت عیسی و سنتی از حضرت یوسف و سنتی از حضرت محمد است. سپس ایشان درباره سنت جاری از حضرت عیسی در وجود حضرت مهدی فرمود:

« و اما (سنت جاری) از حضرت عیسی (در حضرت مهدی) آن است که آنچه درباره حضرت عیسی می گفتند درباره او می گویند. »<sup>(۳)</sup>

مشابه این حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام نیز نقل شده است. <sup>(۴)</sup>

اما درباره حضرت عیسی علیه السلام چه چیزهایی می گفتند و اختلاف مردم درباره او چه بود که آنها در حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف جاری است؟ روایت هایی از اهل بیت علیهم السلام به بیان این اختلاف ها می پردازند

ص: ۱۹۸

---

۱- «... وَ إِنَّمَا مَثَلُ الْقَائِمِ مَثَلُ صَالِحٍ»؛ (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۳۶، باب ذکر غیبه صالح النبوی (۳)، ح ۶). روایت از جهت سند معتبر است.

۲- «وَأَمَّا مِنْ عِيسَى فَأَخْتِلَافُ النَّاسِ فِيهِ»؛ (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۱، باب ۳۱، ح ۳).

۳- «وَأَمَّا مِنْ عِيسَى فَيُقَالُ فِيهِ مَا قِيلَ فِي عِيسَى»؛ (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۹، باب ۳۲، ح ۱۱؛ الغیبه للنعمانی، ص ۱۶۴، ح ۵).

۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۰، باب ۳۳، ح ۴۶.

که به برخی از آنها اشاره می شود.

حدیث اول. ابوبصیر گوید: شنیدم امام محمد باقر علیه السلام می فرمود: در صاحب این امر سنت هایی از چهار پیامبر است؛ سنتی از حضرت موسی و سنتی از حضرت عیسی و سنتی از حضرت یوسف: و سنتی از حضرت محمد صلی الله علیه و آله. سپس ایشان درباره سنت جاری از حضرت عیسی علیه السلام در وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

« و اما سنت جاری از حضرت عیسی (در حضرت مهدی) پس گفته می شود او مرده است، در حالی که از دنیا نرفته است. »(۱)

حدیث دوم. از محمد بن مسلم نقل شده است که گوید: وارد مجلس امام محمد باقر علیه السلام شدم و می خواستم درباره قائم آل محمد از ایشان بپرسم. امام قبل از پرسش من فرمود: ای محمد بن مسلم! قائم آل محمد شبیه پنج تن از پیامبران است. ایشان درباره شباهت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به حضرت عیسی علیه السلام فرمود:

و اما شباهت ایشان به حضرت عیسی اختلاف مردم درباره اوست. عده ای گویند: متولد نشده است و عده ای گویند: مرده است و عده ای گویند: کشته و به صلیب کشیده شده است. (۲)

حدیث سوم. از سدیر صیرفی از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است که درباره اختلاف مردم درباره حضرت عیسی علیه السلام و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

و اما غیبت حضرت عیسی؛ یهودیان و مسیحیان اتفاق بر این دارند که او کشته شده است، ولی خدای بلند مرتبه آنان را با این سخن تکذیب کرد: « و آنان او را نکشتند و به صلیب نکشیدند لیکن امر بر آنان مشتبه شد. »(۳) غیبت قائم نیز چنین است؛ همانا مردم

ص: ۱۹۹

---

۱- «وَأَمَّا مِنْ عِيسَى فَيَقَالُ إِنَّهُ مَاتَ وَلَمْ يَمُتْ»؛ (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۶، باب ۳۲، ح ۶). روایت از جهت سند معتبر است.

۲- «وَأَمَّا شَبَهُهُ مِنْ عِيسَى فَاخْتِلَافٌ مَنِ اخْتَلَفَ فِيهِ حَتَّى قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَا وُلِدَ وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مَاتَ وَقَالَتْ طَائِفَةٌ قُتِلَ وَصَلِبَ»؛ (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۷، باب ۳۲، ح ۷).

۳- «وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ»؛ (نساء، ۴)، آیه ۱۵۷).



آن را به زودی به دلیل طولانی بودن آن انکار می کنند، پس گوینده ای گوید: او به دنیا نیامده است و گوینده ای به دروغ گوید: او به دنیا آمده و مرده است و گوینده ای با سخن کفر آمیز گوید: یازدهمین از امامان ما عقیم بوده است و گوینده ای با سخن ارتدادی گوید: که تعداد امامان به سیزده یا بیشتر رسیده است و گوینده ای با سخنان نافرمانی خدای عزیز کند و ادعا کند: روح قائم در جسد دیگری سخن می گوید. (۱)

از این سه حدیث مواردی که مردم درباره حضرت عیسی علیه السلام و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اختلاف دارند و بر زبان می آورند به شرح ذیل مطرح شده است.

یکم. گفتار مردم در متولد نشدن حضرت عیسی علیه السلام

عده ای می گویند حضرت عیسی علیه السلام متولد نشده است. روایت محمد بن مسلم این مطلب را ذکر می کند و حدیث سدیر صیرفی درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این اختلاف را بیان می کند.

دوم. گفتار مردم در رحلت حضرت عیسی علیه السلام

افرادی می گویند حضرت عیسی علیه السلام وجود داشته و به دنیا آمده است، ولی از دنیا رفته است. روایت ابوبصیر و محمد بن مسلم این مطلب را درباره حضرت عیسی بیان می کنند و حدیث سدیر صیرفی این مطلب را درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مطرح می کند.

سوم. گفتار مردم در کشته شدن حضرت عیسی علیه السلام

افرادی می گویند حضرت عیسی علیه السلام به دنیا آمد، ولی به صلیب کشیده و کشته شد. روایت محمد بن مسلم این مطلب را ذکر می کند. این قول درباره حضرت عیسی مشهور است و اکثر مسیحیان قائل به آن هستند و قرآن کریم نیز این قول را مطرح و انکار می کند. «و آنان او را

ص: ۲۰۰

---

۱- «وَأَمَّا غَيْبُ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى اتَّفَقَتْ عَلَى أَنَّهُ قُتِلَ وَكَذَّبَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِقَوْلِهِ «وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَ لَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ» كَذَلِكَ غَيْبُ الْقَائِمِ فَإِنَّ الْأُمَّةَ سَتُنَكِّرُهَا لِطَوْلِهَا فَمِنْ قَائِلٍ يَقُولُ؛ أَنَّهُ لَمْ يُوَلَدْ وَ قَائِلٍ يَفْتَرِي بِقَوْلِهِ؛ إِنَّهُ وُلِدَ وَ مَاتَ وَ قَائِلٍ يَكْفُرُ بِقَوْلِهِ؛ إِنَّ حَادِيَ عَشْرًا كَانَ عَقِيمًا وَ قَائِلٍ يَمُرُقُ بِقَوْلِهِ؛ إِنَّهُ يَتَعَدَّى إِلَى ثَالِثِ عَشَرَ فَصَاعِدًا وَ قَائِلٍ يَعْصِي اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِدَعْوَاهُ؛ إِنَّ رُوحَ الْقَائِمِ عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ يُنْطِقُ فِي هَيْكَلِ غَيْرِهِ»؛ (كمال الدين و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۵، باب ۳۳، ح ۵۱؛ الغيبي للطوسي، ص ۱۶۸).

نکشند و به صلیب نکشیدند، لیکن امر بر آنان مشتبه شد.»(۱)

در انجیل متی درباره به صلیب کشیده شدن و کشته شدن و دفن شدن حضرت عیسی چنین آمده است:

«پس او را مصلوب نموده، رخت او را تقسیم نمودند.»(۲) «عیسی باز به آواز بلند صیحه زده، روح خود را تسلیم نمود.»(۳) «اما چون وقت عصر رسید شخصی دولتمند از اهل رامه، یوسف نام که او نیز از شاگردان عیسی بود آمد و نزد پلاطیس رفته، جسد عیسی را خواست. آنگاه پلاطیس فرمان داد که داده شود. پس یوسف جسد را برداشته، آن را در کتان پیچیده، او را در قبری نو که برای خود از سنگ تراشیده بود، گذارد و سنگی بزرگ بر سر آن غلطانیده، برفت.»(۴)

سپس در انجیل متی در سوره بیست و هشت از برخاستن حضرت عیسی بعد از سه روز از قبر و زنده شدن او و دیدار با شاگردان و رفتن به آسمان سخن به میان آمده است.

همین سخنان درباره به صلیب کشیده شدن حضرت عیسی و کشته شدن او و زنده شدن پس از سه روز و به آسمان رفتن در اناجیل «مرقس»، «لوقا» و «یوحنا» نیز مطرح شده است.(۵)

### ج) اختلاف های مردم درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اختلاف وجود دارد اما کسی نمی گوید او به دنیا آمده و به قتل رسیده است. به نظر می رسد مقصود از مشابهت اختلاف مردم درباره حضرت مهدی و حضرت عیسی، اصل اختلاف مقصود باشد نه موارد اختلاف و به همین جهت روایت سدید صیرفی اقولی را از اختلاف مردم درباره حضرت مهدی ذکر می کند، ولی از اینکه این اختلاف ها درباره حضرت عیسی هست یا خیر، ساکت است. البته با بیان احادیث دیگر مشابهت موردی در دو اختلاف میان

ص: ۲۰۱

۱- «وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَ لَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ»؛ (نساء(۴)، آیه ۱۵۷).

۲- متی ۲۷: ۳۵.

۳- متی ۲۷: ۵۰.

۴- متی ۲۷: ۵۷-۶۰.

۵- مرقس ۱۵ و ۱۶؛ لوقا ۲۳ و ۲۴؛ یوحنا ۱۹-۲۱.

حضرت مهدی و حضرت عیسی مشخص می شود، یعنی عده ای می گویند: حضرت عیسی متولد نشده است و وجود خارجی نداشته است و درباره حضرت مهدی نیز این سخن وجود دارد و دوّم اینکه افرادی می گویند حضرت عیسی به دنیا آمده، ولی از دنیا رفته است؛ حالا با مرگ طبیعی یا با کشته شدن. و درباره حضرت مهدی نیز افرادی می گویند متولد شده، ولی از دنیا رفته است.

در این قسمت اختلاف های مردم درباره حضرت مهدی که در روایت سدید صیرفی مطرح شده اند، به شرح ذیل بیان می شود.

یکم. افرادی گویند: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف متولد نشده است. « إِنَّهُ لَمْ يُولَدْ »

دوّم. دروغ گویانی گویند: حضرت مهدی به دنیا آمده و از دنیا رفته است. « إِنَّهُ وُلِدَ وَ مَاتَ »

سوّم. کافرانی گویند: امام یازدهم عقیم بوده است. « إِنَّ خِيَادِي عَشْرًا كَانَتْ عَقِيمًا » این قول مشابه قول متولد نشدن حضرت مهدی است.

چهارم. خارج شدگانی از دین گویند: تعداد امامان به سیزده یا بیشتر رسیده است. « إِنَّهُ يَتَعَدَّى إِلَى ثَالِثِ عَشَرَ فَصَاعِدًا » یعنی امامت را منحصر به دوازده امام ندانسته اند و قائل به امامان بیشتر شده اند. مدعیان این قول باید قائل به رحلت حضرت مهدی باشند.

پنجم. نافرمایان پروردگار ادعا کنند: روح قائم در جسد دیگری سخن می گوید: « إِنَّ رُوحَ الْقَائِمِ يَنْطِقُ فِي هَيْكَلٍ غَيْرِهِ » یعنی جسد حضرت مهدی عمر طبیعی خود را کرده است و روح ایشان در جسد دیگری قرار گرفته است. این قول همان قائل شدن به تناسخ درباره وجود حضرت مهدی است.

به تأخیر افتادن عذاب ستمگران و مهلت دادن آنان تا جدایی اهل ایمان از اهل باطل و روشن شدن حق از باطل برای مردم، یکی از سنت های خدای عزیز است که در قرآن کریم و روایت های اهل بیت علیهم السلام به آن اشاره شده است. در قرآن کریم می خوانیم:

« اگر (کافر و مؤمن) از هم متمایز می شدند، قطعاً کافران را به عذاب دردناکی معذب می داشتیم.» (۱)

در آیه قبل از این آیه آمده است: «و او کسی است که دستان (تجاوزگر) آنان را از شما و دستان شما را از آنان در دل مکه کوتاه کرد، بعد از آن که شما را بر آنان پیروز ساخت و خدا به آنچه انجام می دهید، بیناست.»

یعنی خداوند مسلمانان را بعد از فتح مکه از خونریزی در آن شهر مقدس بازداشت. دلیل این کار چه بود؟ در حالی که در سال های گذشته مشرکان مکه جنگ های مختلفی ضد مسلمانان راه انداخته بودند و تعداد زیادی از آنان را به شهادت رسانده بودند و در دو سال قبل یعنی سال ششم هجرت آنان را از زیارت خانه خدا و اهدای قربانی های نشان شده بازداشت کرده بودند؟

در صدر آیه محل بحث، دلیل این بازداشتن این گونه بیان می شود:

«وَلَوْ لَا رِجَالٌ مُّؤْمِنُونَ وَ نِسَاءٌ مُّؤْمِنَاتٌ لَّمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَّوُّهُم فَتُصَيِّبُكُمْ مِنْهُمْ مَعْرَهُ بَغَيْرِ عِلْمٍ؛ و اگر نبودند

ص: ۲۰۳

---

۱- «لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا»؛ (فتح (۴۸)، آیه ۲۵).

مردان مؤمن و زنان مؤمنی که آنان را نمی شناختید، که پایمال شان می کردید، پس از آنان عیبی بدون آگاهی به شما می رسید. (خدا هرگز مانع این جنگ نمی شد لیکن شما را از حمله بازداشت)»

یعنی بازداشتن مؤمنان در آن زمان از حمله به شهر مکه و نابودی مشرکان به دست آنان به دلیل وجود انسان های با ایمانی بوده است که در میان اهل مکه بودند و پروردگار حکیم نمی خواست آنان به دست مسلمانان کشته شوند و در آخر آیه به این سنت الهی اشاره شده است که اگر اهل حق از اهل باطل جدا می شدند خداوند در نابودی اهل باطل لحظه ای درنگ نمی کرد.

در تفسیر مجمع البیان در توضیح آیه می خوانیم:

اگر مؤمنان از کافران جدا می شدند مشرکان از اهل مکه را با شمشیر و کشته شدن به دستان شما عذاب می کردیم، ولی خدای حکیم مؤمنان را از نابودی کافران به دلیل اختلاط آنان باز داشت و عذاب نکرد. (۱)

از اهل بیت علیهم السلام بیان دیگری درباره چگونگی جدایی مؤمنان از کافران بیان شده و آن جدایی مؤمنان از نسل کافران است. برای روشن شدن این بیان روایتی به شرح ذیل عرضه می شود:

راوی گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم: چرا امیرمؤمنان علیه السلام از ابتدا با مخالفان خود- بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - نبرد نکرد؟ فرمود:

به دلیل آیه ای در کتاب خدای عزیز: « اگر جدا می شدند حتما کافران را عذاب دردناکی می چشاندیم» پرسیدم: مقصود از تزییل و جدا شدن آنان چیست؟ فرمود: ودیعه های مؤمنان باقیمانده در نسل کافران. و همچنین است قائم علیه السلام؛ او آشکار نمی شود تا اینکه ودیعه های خدای عزیز خارج شوند. وقتی خارج شدند، بر دشمنان خدای عزیز آشکار می شود و آنان را به قتل می رساند. (۲)

ص: ۲۰۴

۱- «لَوْ تَزَيَّلُوا» ای لو تمیز المؤمنون من الكافرين «لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ» ای من أهل مكة «عَذَاباً أَلِيماً» بالسيف و القتل بأيديكم و لكن الله تعالى يدفع المؤمنين عن الكفار فلحرمه اختلاطهم بهم لم يعذبهم؛ (مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۱۸۷).

۲- «لِآيَةٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً» قَالَ قُلْتُ: وَ مَا يَعْنِي بَتَزَائِلِهِمْ قَالَ وَدَائِعُ الْمُؤْمِنُونَ فِي أَصْلَابِ قَوْمِ كَافِرِينَ فَكَذَلِكَ الْقَائِمُ عَجَلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ لَنْ يَظْهَرَ أَبَداً حَتَّى تَخْرُجَ وَدَائِعُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِذَا خَرَجَتْ ظَهَرَ عَلَى مَنْ ظَهَرَ مِنْ أَعْيَادِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ جَلَالَهُ فَفَتَلَهُمْ»؛ (كمال الدين و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۱، باب ۵۴). روایت از جهت سند معتبر است.

یعنی اگر انسان های با ایمانی که قرار است در آینده از کافران و نسل آنان به دنیا بیایند نباشند، عذاب بر کافران سرازیر می شود؛ همان گونه که وقتی کافران زمان حضرت نوح علیه السلام به این مرحله از جدایی رسیدند، عذاب بر آنان فرود آمد و غرق و نابود شدند. در قرآن کریم می خوانیم:

« و نوح گفت: پروردگارا! هیچ کس از کافران را بر روی زمین مگذار، چرا که اگر تو آنان را باقی گذاری، بندگانت را گمراه می کنند و جز پلیدکار ناسپاس نزایند.» (۱)

در روایت های اهل بیت علیهم السلام به جاری بودن این سنت الهی درباره ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره شده است و برپایی دولت کریمه مهدوی را بعد از آشکار شدن حق از باطل برای مردم و جدایی صفوف اهل حق از اهل باطل و مشخص شدن مؤمنان واقعی دانسته اند و این سنت در زمان حضرت نوح علیه السلام نیز جاری شده است که نمونه ای از آن در مطالب بالا بیان شد و در این فصل به بررسی بیشتر آن می پردازیم.

### الف) جدایی کامل پیروان حق در زمان حضرت نوح علیه السلام

حضرت نوح علیه السلام هر چه توانست در دعوت قوم خود به خدا پرستی تلاش کرد، ولی به جای ایمان آوردن، اکثر آنان از او بیشتر فاصله گرفتند. تا اینکه آن پیامبر از خداوند درخواست عذاب برای کافران را نمود. « گفت: پروردگارا، قوم من مرا تکذیب کردند؛ پس میان من و آنان به طور کامل جدایی انداز و مرا و کسانی از مؤمنان را که با من هستند، نجات بخش.» (۲)

اما پروردگار حکیم برای جدایی انسان های با ایمان از نسل کافران و تصفیه مؤمنان و جدا

ص: ۲۰۵

---

۱- «وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا إِنَّكَ إِن تَذَرْنِي يَتِيمًا لَأَكُونُ مِنَ الْآسَافِ» (نوح (۷۱)، آیات ۲۶-۲۷).

۲- «قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ \* فَافْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»؛ (شعراء (۲۶)، آیات ۱۱۷-۱۱۸).

شدن منافقان از آنان چند بار عذاب بت پرستان را تأخیر انداخت. تا اینکه حضرت نوح علیه السلام از طرف خدای عزیز با خبر شد که دیگر کسی از قومش به او ایمان نمی آورد. « و به سوی نوح وحی شد که همانا جز کسانی که (تاکنون) ایمان آورده اند، (کس دیگری) از قوم تو هرگز ایمان نخواهد آورد، پس از آنچه همواره انجام می دهند، اندوهگین مباش.» (۱)

او وقتی دید بر باقی ماندگان انذار او تأثیری ندارد و کافران هر چه می توانند به آزار او و مؤمنان می پردازند، آنان را نفرین کرد که اولاً، خدایا میان ما و گروه کافران جدایی بینداز و ثانیاً، هیچ یک از کافران را بر روی زمین زنده نگذار، زیرا آنان قابل هدایت نیستند و کارشان گمراه کردن دیگران است و هیچ یک از فرزندان آنان نیز از اهل ایمان نخواهند بود. (۲)

حضرت نوح ۷ پیروزی را بر قوم بت پرست می خواست؛ زیرا می دانست با نابودی مشرکان تا مدتی بندگان صالح خداوند با آرامش بر روی زمین زندگی خواهند کرد و در مسیر پروردگار گام خواهند برداشت.

خدای فرزانه بنابر سنت خویش در ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز تأخیر می اندازد تا حق از باطل و صف اهل حق از اهل باطل به طور کامل جدا شود و در آن وقت به دست مبارک ایشان و پیروانش کافران را عذاب می کند.

در قسمتی از حدیثی که از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است، درباره شباهت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به حضرت نوح علیه السلام در تأخیر عذاب تا مشخص شدن صفوف حق از باطل مطالبی چنین آمده است:

سدیر صیرفی گوید: من و مفضل بن عمر و ابو بصیر و ابان بن تغلب بر آقایمان امام جعفر صادق علیه السلام وارد شدیم و دیدیم که بر خاک نشسته و بر دوششان عبای خبیری حاشیه دار آستین کوتاه و بدون جیب است. او در حالی که مانند مادر فرزند مرده و عاشق دل سوخته ای می گریست و اندوه در چهره اش نمایان، دیدگان و گونه هایش پر از اشک و اشک ها از او سرازیر بود، می فرمود: آقای من! غیبت تو خواب از دیدگانم ربوده و بستم را بر من تنگ ساخته و آسایش

ص: ۲۰۶

---

۱- «وَأُوحِيَ إِلَى نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ»؛ (هود (۱۱)، آیه ۳۶).

۲- برگرفته از آیات ۲۶ و ۲۷ سوره نوح.

قلیم را از من باز داشته است. ای آقای من! پنهان زیستی تو اندوه مرا به غم های همیشگی پیوند داده و نبود یکی پس از دیگری جمع و شمارش را از میان برده است. من دیگر احساس نمی کنم اشکی را که از دیدگانم روان است و ناله ای را که از بلایای گذشته از سینه ام بیرون می آید، جز آنچه را که در برابر دیدگانم مجسم است؛ از گرفتاری هایی بزرگتر و جانگدازتر و نامالیماتی سخت تر و ناآشنا تر و ناگواری هایی که با خشم تو در آمیخته و بلاهایی که با نارضایتی تو عجین شده است.

سیدر گوید: از سخنان شگفت آور امام و از مشاهده حال هول انگیز او، عقل از شدت حیرانی از سرمان پرید و دل هایمان چاک چاک شد و پنداشتیم امام با امر ناگوار سختی یا بلایی از بلاهای روزگار برخورد کرده است. پرسیدیم: ای فرزند برترین آفریدگان! خدا گریانت نکند؛ از چه حادثه ای اشکتان روان و سرشک از دیدگانانتان ریزان است؟ و کدام حادثه است که این ماتم را بر شما واجب کرده است؟!

امام نفس عمیقی کشید که بر اثر آن حالش دگرگون و هراسش افزون شد و فرمود: وای بر شما؛ صبح امروز در کتاب «جفر» می نگریستم و آن کتابی است که در آن علم منایا و بلایا و ناگواری های بزرگ و دانش گذشته و آنچه تا روز قیامت رخ می دهد، آمده است. همان کتابی که خداوند آن را مخصوص محمد صلی الله علیه و آله و امامان پس از او قرار داده است. در آن کتاب می نگریستم؛ در آن مطالبی درباره میلاد قائم ما عجل الله تعالی فرجه الشریف و غیبت او و تأخیر کردن و طول عمرش و آزمایش مؤمنان در آن زمان و پیدایش انواع شک در دل های آنان به دلیل طولانی بودن غیبت و بازگشت اکثرشان از دین و کنار گذاشتن رشته اسلام از گردن هایشان را دیدم. رشته ای که خدای عزیز درباره آن فرموده است: «وَكُلُّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَةً فِي عُرْقِهِ» (۱) که مقصود از آن ولایت است. در آن هنگام ناراحتی مرا فرا گرفت و اندوه بر من حاکم شد. گفتیم: ای فرزند رسول خدا! ما را گرامی بدار و در برخی از آنچه درباره این موضوع می دانی شریک فرما. فرمود: خدای بلند مرتبه در قائم ما سه ویژگی جاری کرده که آن ویژگی ها در سه نفر از پیامبران نیز جاری بوده است:

ص: ۲۰۷

---

۱- «و کارنامه هر انسانی را به گردن او بسته ایم»؛ (الاسراء (۱۷)، آیه ۱۳).



میادش را چون تولد موسی علیه السلام و غیبتش را مانند غیبت عیسی علیه السلام و تأخیرش را مانند تأخیر نوح علیه السلام قرار داده است و بعد از آن عمر عبد صالح، یعنی «خضر علیه السلام» را دلیلی بر عمر او قرار داده است. به امام گفتیم: ای فرزند رسول خدا! اگر ممکن است مقصود از این سخنان را برای ما بیان کنید.

امام جعفر صادق علیه السلام درباره تأخیر حضرت نوح علیه السلام فرمود: اما تأخیر حضرت نوح علیه السلام چنین است که چون برای قوم خود از آسمان درخواست عذاب کرد، خدای بلند مرتبه روح الامین علیه السلام را با هفت هسته خرما پیش او فرستاد. فرستاده پروردگار گفت: ای پیامبر خدا! خدای عزیز به تو خطاب می کند: اینان آفریدگان و بندگان من هستند و آنها را با صاعقه ای از صاعقه های خود نابود نمی کنم مگر بعد از پی گیری در دعوت و تمام ساختن حجّت. پس بار دیگر در دعوت قوم خود تلاش کن که من برای این تلاش پاداش به تو خواهم داد و این هسته ها را بکار؛ همانا گشایش و خلاصی تو آن گاه است که آنها بروید و بزرگ شود و میوه به بار آورد و این مژده را به مؤمنان پیرو خود بده. وقتی پس از زمانی طولانی درختان روید و تنومند و دارای تنه و شاخه شد و میوه داد و به بار نشست حضرت نوح علیه السلام از خدای بلند مرتبه درخواست کرد که وعده اش را انجام دهد. اما خدای فرزانه فرمان داد که هسته این درختان را بکارد و دوباره صبر و تلاش کند و حجّت را بر قومش تمام کند. او این خبر را به افرادی که به او ایمان آورده بودند، رساند. سیصد تن از آنان از دین برگشتند و گفتند: اگر ادعای نوح حقّ بود، وعده پروردگارش عوض نمی شد. سپس خدای بلند مرتبه هر بار دستور می داد که هسته های میوه درختان را بکارد و نوح پیامبر نیز هفت مرتبه آنها را کاشت و هر مرتبه گروهی از مؤمنان از دین بر می گشتند تا آنکه هفتاد و چند نفر بیشتر باقی نماندند.

آنگاه خدای بلند مرتبه به او وحی فرمود: ای نوح! هم اکنون برابر دیدگان تو صبح از شب روشن شد وقتی که حقّ خالص آشکار و امر صاف و ایمان از تیرگی پاک شد، زیرا بد سرشتان از دین بیرون رفتند. اگر من کافران را نابود می کردم و این گروه های از دین بیرون شده که به تو ایمان آورده بودند را باقی می گذاشتم به وعده سابق خود درباره مؤمنانی از قوم تو که در یکتا پرستی صادق و به ریسمان پیامبری تو چنگ زده بودند، وفا نمی کردم. به اینکه آنان را جانشین خود در زمین کنم و دینشان را استوار سازم و ترسشان را تبدیل به امنیت نمایم تا با رفتن شکّ از

دل های آنان عبادتشان برای من خالص شود. و چگونه این جانشینی و استواری و تبدیل ترس به آرامش از سوی من برایشان ممکن بود در حالی که کاستی یقین مرتدان و بد سرشتی و ناپاکی آنان - که نتیجه نفاق و گمراهیشان بود - را می دانستم. و اگر آنان بوی سلطنت مؤمنان را - هنگام جانشینی و نابودی دشمنانشان - استشمام می کردند، نفاق درون را مستحکم کرده و ریسمان های دل های گمراهشان را برای همیشه می گشودند و دشمنی با برادرانشان را آشکار می کردند و برای به چنگ آوردن ریاست و فرماندهی با آنان می جنگیدند و با وجود این فتنه ها و جنگ ها چگونه استواری در دین و قدرت یافتن مؤمنان ممکن بود؟! خیر، هرگز چنین نخواهد شد. و در آخر خداوند به حضرت نوح علیه السلام خطاب کرد: « اضَيِّعِ الْفُلُكَ بِأَعْيُنِنَا وَ وَحِينَا! (۱) » زیر نظر ما و به وحی ما کشتی را بساز.

امام جعفر صادق علیه السلام در ادامه فرمود:

قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز چنین است که زمان غیبت او طولانی می شود تا حق خالص آشکار و تیرگی از ایمان پاک شود و هر کس از شیعیان که سرشت ناپاکی دارد از دین بیرون رود، کسانی که ممکن است چون جانشینی و قدرت و امتیعت فراگیر در عصر قائم را احساس کنند، نفاقشان را آشکار کنند. (۲)

### ب) غربال و جدایی پیروان حق در دوره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در جنگ احد به دلیل خطا و عجله تعدادی از مسلمانان برای جمع آوری غنیمت ها پیروزی تبدیل به شکست شد و تعدادی از آنان به شهادت رسیدند. این حادثه برای آنان گران بود که چرا با وجود بر حق بودن از مشرکان شکست خوردیم. خدای فرزانه این گونه پاسخ آنان را می دهد:

« اگر (در جنگ احد)، به شما آسیبی رسید، پس به یقین، به آن گروه (نیز در جنگ بدر)،

ص: ۲۰۹

۱- مؤمنون (۲۳)، آیه ۲۷.

۲- « وَ كَذَلِكَ الْقَائِمُ عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ تَمْتَدُّ أَيَّامُ غَيْبَتِهِ لِيَصْرِحَ الْحَقُّ عَنْ مَحْضِهِ وَيُضِيْفُو الْإِيمَانَ مِنَ الْكَدْرِ بَارْتِدَادٍ كُلِّ مَرْنٍ كَأَنَّ طِينَتَهُ خَبِيئَةٌ مِنَ الشَّيْءِ الَّذِي يُخْشَى عَلَيْهِمُ النَّصَاقُ إِذَا أَحْسُوا بِالْإِسْتِخْلَافِ وَ التَّمْكِينِ وَ الْأَمْنِ الْمُتَنَشِّرِ فِي عَهْدِ الْقَائِمِ »؛ (كمال الدين و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۵، باب ۳۳، ح ۵۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۲۱، باب ۱۳، ح ۹).

آسیبی مثل آن رسید و ما این روزها (ی شکست و پیروزی) را در میان مردم (دست به دست) می گردانیم و (این) به خاطر آن است که خدا کسانی را که ایمان آورده اند، معلوم بدارد (و شناخته شوند) و از میان شما گواهانی بگیرد. و خدا ستمکاران را دوست نمی دارد. و تا خدا، کسانی را که ایمان آورده اند، خالص (و پاک) گرداند و کافران را (به تدریج) نابود سازد. آیا پنداشتید که وارد بهشت خواهید شد، و حال آن که کسانی از شما را که جهاد کرده اند، معلوم نداشته و شکیبایان را معلوم نساخته است.»(۱)

از این آیات می فهمیم خدای حکیم گرچه از درون انسان ها و ایمان و کفرشان با خبر است ولی با حوادث روزگار آنان را از یکدیگر جدا می کند و این سنت پروردگار تا جدایی کامل حق از باطل ادامه دارد. و تا حق از باطل و صف های پیروان حق از پیروان باطل به صورت کامل چون زمان حضرت نوح علیه السلام جدا نشوند، ظهور و آشکار شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حاکمیت صالحان و نابودی ستمگران رخ نخواهد داد.

در این قسمت برای نمونه چند روایت از اهل بیت علیهم السلام که به غربال مؤمنان و جدایی حق از باطل و اهل حق از اهل باطل به عنوان شرط ظهور اشاره دارند، بیان می شوند.

حدیث اول. از جابر بن یزید نقل شده است که گوید: از امام محمد باقر علیه السلام پرسیدم: «مَتَى يَكُونُ فَرَجُكُمْ؟» گشایش و ظهور دولت شما کی خواهد بود؟» امام فرمود:

«دور است، دور است، گشایش ما نیست مگر وقتی که غربال شوید باز غربال شوید تا این که خدای بلند مرتبه تیرگی را از میان ببرد و پاکی بماند.»(۲)

حدیث دوم. معمر بن خلاد گوید: شنیدم امام رضا علیه السلام تلاوت می فرمود: «الم أ حَسِبَ النَّاسُ

ص: ۲۱۰

۱- «إِنْ يَمَسُّكُمْ فَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ فَرْحٌ مِثْلُهُ وَ تِلْكَ الْأَيَّامُ نَدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ يَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ \* وَ لِيَمَحَّصَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ يَمْحَقَ الْكٰفِرِينَ \* أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَ يَعْلَمِ الصَّابِرِينَ؟» (آل عمران(۳)؛ آیات ۱۴۰-۱۴۲).

۲- «هِيَاهُتَ هِيَاهُتَ لَا يَكُونُ فَرَجُنَا حَتَّى تُغْرِبُوا ثُمَّ تُغْرِبُوا ثُمَّ تُغْرِبُوا يَقُولُهَا ثَلَاثًا حَتَّى يَذْهَبَ اللَّهُ تَعَالَى الْكِدْرُ وَ يَبْقَى الصَّفْوُ...» (الغيبهلطوسی، ص ۳۳۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۱۳، باب ۲۱، ح ۲۸).

أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» (۱) سپس به من فرمود: مقصود از فتنه چیست؟ گفتم: فدایت شوم بنا بر آنچه نزد ما است، مقصود آزمایش در دین است. حضرت فرمود:

«مانند داخل قرار گرفتن طلا در آتش آزمایش می شوید و مانند خالص شدن طلای درون آتش خالص می شوید.» (۲)

حدیث سوم. از صقر بن ابی دلف نقل شده است که گوید: شنیدم امام جواد علیه السلام می فرمود: همانا امام بعد از من فرزندی «علی» است که فرمان او فرمان من و سخن او سخن من و پیروی از او پیروی از من است و امام بعد از او فرزندش «حسن» است که فرمان او فرمان پدرش و سخن او سخن پدرش و پیروی از او پیروی از پدرش می باشد، سپس امام ساکت شد. پرسیدم: ای فرزند رسول خدا! پس امام بعد از حسن چه کسی است؟ امام جواد به شدت گریست و فرمود: همانا بعد از حسن فرزندش «قائم به حق منتظر» است. پرسیدم: برای چه «قائم» نامیده شد؟ فرمود: برای اینکه بعد از فراموشی یادش و برگشتن بیشتر گویندگان به امامتش قیام می کند. پرسیدم چرا «منتظر» نامیده شد؟ فرمود:

«زیرا برای او غیبتی است که روزهایش بسیار و زمانش طولانی می شود پس (به دلیل طولانی شدن زمان غیبت) اهل اخلاص منتظر قیام اویند و شک کنندگان او را انکار می کنند و منکران یاد کردن او را مسخره می کنند و تعیین کنندگان وقت (برای ظهور) در دوره غیبت دروغ می گویند (یا سخنان دروغ در می آید) و عجله کنندگان در آن دوره هلاک می شوند و تسلیم شدگان در آن زمان نجات می یابند.» (۳)

ص: ۲۱۱

۱- «آیا مردم پنداشتند، همین که بگویند: ایمان آوردیم. رها می شوند در حالی که آنان آزمایش نمی شوند؟!»؛ (عنکبوت (۲۹)، آیه ۲).

۲- «يُفْتَنُونَ كَمَا يُفْتَنُ الذَّهَبُ ثُمَّ قَالَ يُخْلَصُونَ كَمَا يُخْلَصُ الذَّهَبُ»؛ (کافی، ج ۱، ص ۳۷۰، باب التمهيص و الامتحان، ح ۴). روایت از جهت سند معتبر است.

۳- «لَإِنَّ لَهُ غَيْبَةً يَكْثُرُ أَيَّامُهَا وَ يَطُولُ أَمَدُهَا فَيَنْتَظِرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ وَ يُنْكِرُهُ الْمُؤْتَابُونَ وَ يَسْتَهْزِئُ بِذِكْرِهَ الْجَاهِلُونَ وَ يَكْذِبُ فِيهَا الْوَقَاتُونَ وَ يَهْلِكُ فِيهَا الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ يَنْجُو فِيهَا الْمُسْلِمُونَ»؛ (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۸، باب ۳۶، ح ۳؛ کفایها الأثر، ص ۲۸۳).

این روایت ها و حدیث های مشابه این مطلب را می رسانند که تا وقتی حق بر همگان روشن نشود و صفوف پیروان حق از پیروان باطل در طول زمان به وسیله آزمون ها جدا نشوند، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور نخواهد کرد؛ همانگونه که در زمان حضرت نوح علیه السلام بعد از جدایی کامل خدا پرستان از مشرکان در طول چند مرحله و شفاف شدن خطوط و مشخص شدن پیروان هر گروه، عذاب پروردگار در قالب طوفانی سهمگین آمد و مشرکان را نابود کرد.

ص: ۲۱۲

سرنوشت هر قوم و ملتی در دستان خود آنان است و تا نخواهند و خود را اصلاح نکنند، ستم و بیداد از آنان رخت بر نمی بندد. در قرآن کریم می خوانیم: «در حقیقت، خدا سرنوشت قومی را تغییر نمی دهد مگر آنان حال خود را تغییر دهند.»<sup>(۱)</sup>

در این فصل به بررسی نمونه هایی از تأثیر نقش مردم در گشایش در زمان پیامبران خدا مطرح می شود و سپس نقش مردم و پیروان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در ظهور ایشان بیان می شود.

### الف) مردم زمان حضرت ادریس علیه السلام

حضرت ادریس علیه السلام یکی از پیامبران خدا قبل از حضرت نوح علیه السلام بود و نام او دو بار در قرآن کریم آمده است. در قرآن کریم می خوانیم:

«و در کتاب (قرآن) ادریس را یاد کن، که او بسیار راستگو و پیامبر بود و او را به جایگاه والایی بالا بردیم.»<sup>(۲)</sup>

و در آیه ای دیگر در کنار نام پیامبران خدا اسماعیل و ذوالکفل، نام او آمده است.

و اسماعیل و ادریس و ذوالکفل را (یاد کن)، در حالی که همه از شکیبایان بودند و آنان را در

ص: ۲۱۳

---

۱- «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛ (رعد (۱۳)، آیه ۱۱).

۲- «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِدْرِيْسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا \* وَ رَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا»؛ (مریم (۱۹)، آیات ۵۶-۵۷).

رحمت خود وارد ساختیم، چرا که آنان از شایستگان بودند.»<sup>(۱)</sup>

در این آیات خدای حکیم از پیامبر گرامی اسلام می‌خواهد که ادریس نبی را یاد کند و او را با ویژگی‌های «صدیق: بسیار راستگو»، «نبی: پیامبر خدا»، «صابر: شکیبا» و «صالح: درستکار» می‌ستاید و اینکه خداوند او را مشمول رحمت خود قرار داده و به جایگاه بلندی رسانده و برده است که هم از جهت مقام می‌تواند باشد و هم رفتن به آسمان‌های بالا که توضیح آن به خواست پروردگار خواهد آمد.

علامه مجلسی در معرفی حضرت ادریس علیه السلام آورده است:

حضرت ادریس علیه السلام جدّ پدری حضرت نوح علیه السلام است و نامش در تورات «أخنوخ» می‌باشد و گفته شده است: او ادریس نامیده شد چون بسیار به تدریس کتاب‌ها می‌پرداخت و او اولین کسی است که با قلم نوشت و خیاط بود و اولین کسی بود که لباس دوخت و گفته شده است: خدای سبحان به او علم نجوم و حساب و هیأت آموخته بود که معجزه‌ای برای او محسوب می‌شد.<sup>(۲)</sup>

حضرت ادریس علیه السلام برای حفظ جان و کشته نشدن به دست ستمگر آن زمان به غاری پناهنده شد و مردم آن شهر را که با آن ظالم همراه بودند، نفرین نمود که باران بر آنان نبارد و خود و پیروانش که بیست تن بیشتر نبودند، از آن شهر بیرون رفتند. او مدت بیست سال در غاری پنهانی می‌زیست و مردم آن آبادی را قحطی فرا گرفت که آب و غذای خود را از جاهای دور دست تهیه می‌نمودند. بعد از سال‌ها سختی و بلا بر مردم آن دیار، طاقتشان از کف رفت و دور هم جمع شدند و گفتند:

این بلایی که بر ما نازل شده است به دلیل درخواست ادریس است و ادریس از دید ما پنهان

ص: ۲۱۴

---

۱- «وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِّنَ الصَّابِرِينَ \* وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِّنَ الصَّالِحِينَ»؛ (انبیاء ۲۱)، آیات ۸۵-۸۶.

۲- «إِدْرِيسُ هُوَ جَدُّ أَبِي نُوْحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَاسْمُهُ فِي التَّوْرَةِ أَخْنُوخُ وَقِيلَ إِنَّهُ سَمِّيَ إِدْرِيسَ لِكَثْرَةِ دَرَسِهِ الْكُتُبِ وَهُوَ أَوَّلُ مَنْ خَطَّ بِالْقَلَمِ وَكَانَ خِيَاطًا وَأَوَّلُ مَنْ خَاطَ الثِّيَابَ وَقِيلَ إِنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ عَلَّمَهُ النُّجُومَ وَالْحِسَابَ وَعِلْمَ الْهَيْئَةِ وَكَانَ ذَلِكَ مَعْجَزَةً لَهُ»؛ (بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۲۷۰، باب قصص ادریس، ۹).

شده و جای او را نمی دانیم، ولی خداوند از او به ما مهربان تر است. آنان با هم اتفاق کردند که رو به درگاه پروردگار آورند و توبه کنند. آنان بر خاکستر ایستاده و لباس سیاه پوشیده و خاک بر سرهای خود پاشیدند و با توبه و استغفار و اشک و زاری به درگاه او نالیدند. (۱)

پس از بازگشت مردم به سوی پروردگار، به فرمان خداوندی قحطی و بلا از آن مردم دور شد و غیبت حضرت ادریس علیه السلام پایان یافت و او به میان مردم آمد.

### (ب) قوم حضرت یونس علیه السلام

حضرت یونس علیه السلام ده ها سال برای هدایت قومش تلاش نمود، ولی به جز دو نفر کسی به خدای عزیز ایمان نیاورد و آن قوم انواع آزارها را نسبت به این فرستاده خدا روا می داشتند. آن دو نفر مؤمن یکی عالم و دیگری عابد بودند. مرد عابد با نفرین یونس پیامبر موافق بود، ولی مرد عالم مخالف بود و می گفت بر عذاب آنان دعا نکن که خداوند به خاطر تو اجابت می کند در حالی که نابودی بندگانش را دوست ندارد. تا اینکه صبر حضرت یونس به پایان رسید و از خدای سبحان درخواست عذاب آن قوم ستمکار را نمود. و خدای عزیز به درخواست او پاسخ مثبت داد و زمانی را برای آمدن آن مشخص نمود، بلکه تا آن زمان مردم آن دیار از بت پرستی دست بردارند. وقتی زمان آمدن عذاب نزدیک شد، حضرت یونس و مؤمن عابد از شهر بیرون رفتند و مؤمن عالم در میان مردم باقی ماند و به انداز مردم پرداخت تا اینکه روز عذاب رسید. آن عالم گفت: ای قوم من! به سوی خدای عزیز بازگردید شاید به شما رحم کند و بلا را از شما باز دارد. آنان پذیرفتند و گفتند چه کنیم؟ مرد عالم گفت: به بیابان بروید و میان زنان و فرزندان و میان شتران و گاوها و گوسفندان و بچه هایشان جدایی بیندازید و گریه و ناله و زاری کنید. پس خدا به آنان

ص: ۲۱۵

۱- «إِنَّ الَّذِي نَزَلَ بِنَا مِمَّا تَرَوْنَ بِسُؤَالِ إِدْرِيسَ رَبُّهُ أَنْ لَمَّا يُمَطَّرُ السَّمَاءَ عَلَيْنَا حَيْثِي يَسْأَلُهُ هُوَ وَقَدْ حَفِيَ إِدْرِيسُ عَلَنَا وَ لَمَّا عَلِمَ لَنَا بِمَوْضِعِهِ وَ اللَّهُ أَرْحَمُ بِنَا مِنْهُ فَأَجْمَعَ أَمْرُهُمْ عَلَى أَنْ يَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ وَ يَدْعُوهُ وَ يَفْرَعُوا إِلَيْهِ وَ يَسْأَلُوهُ أَنْ يُمَطَّرَ السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى مَا حَوَتْ قُرَيْتُهُمْ فَفَأَمُوا عَلَى الرَّمَادِ وَ لَبَسُوا الْمُسُوحَ وَ حَثُّوا عَلَى رُءُوسِهِمُ التُّرَابَ وَ رَجَعُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِالتَّوْبَةِ وَ الْإِسْتِغْفَارِ وَ الْبُكَاءِ وَ التَّضَرُّعِ إِلَيْهِ»؛ (كمال الدين و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۲۷، باب ۱، ح ۱؛ بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۲۷۴، باب ۹، ح ۲).



رحم نمود و عذاب را از آنان بازداشت و عذابی که به آنان نزدیک شده بود، بر کوهها فرود آمد و این گونه از نابودی نجات یافتند. (۱) در قرآن کریم می خوانیم:

« و چرا هیچ آبادی نبود که (اهل آن) ایمان آورند و ایمانشان به آنان سود بخشد؟! مگر قوم یونس، هنگامی که ایمان آوردند، عذاب رسوا کننده را در زندگی دنیا از آنان برطرف ساختیم و تا زمان (مرگ) بهره مندشان ساختیم.» (۲)

### ج) مردم و پیروان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

وقتی انسان ها در دنیا به خطر می افتند و دستشان از تمام سبب های مادی قطع می شود به یاد خدای عزیز می افتند تا با قدرت فراگیر خود آنان را نجات دهد. و وقتی انسان ها از دست یابی به عدالت و دانایی و رشد توسط حکومت های زمینی نا امید می شوند، دستشان سوی پروردگار عزیز بلند می شود و خواهان دولت آسمانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهند شد و به سوی آن حرکت می کنند. هشام بن سالم گوید: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

این امر رخ نخواهد داد تا زمانی که نوعی از مردم باقی نماند مگر اینکه حاکم بر مردم شود تا نگویند اگر ما حاکم می شدیم به عدالت رفتار می نمودیم، سپس قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به حق و عدالت قیام می کند. (۳)

از نگاهی دیگر؛ دولت کریمه نبوی در شهر مدینه ایجاد شد از آن جهت که مردم یثرب خواهان آن بودند و روزها در انتظار قدوم مبارک پیامبر گرامی اسلام، زمینه های آن را فراهم نمودند. بنابراین اگر مردم خواهان برپایی دولت کریمه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در سطح گیتی هستند باید برای آن تلاش کنند و با تمام وجود خواستار برپایی آن باشند و خواسته های او را بر

ص: ۲۱۶

۱- بر گرفته از روایت معتبری که از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است. (تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۱۷).

۲- «فَلَوْلَا - كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمٌ يُونُسَ لَمَا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَتَّعْنَاهُمْ إِلَى حِينٍ»؛ (یونس (۱۰)، آیه ۹۸).

۳- «مَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى لَا يَبْقَى صِنْفٌ مِنَ النَّاسِ إِلَّا قَدْ وُلُّوا عَلَى النَّاسِ حَتَّى لَا يَقُولَ قَائِلٌ إِنَّا لَوْ وُلِّينَا لَعَدَلْنَا ثُمَّ يَقُومُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَالْعَدْلِ»؛ (الغیبه للنعمانی، ص ۲۷۴، باب ۱۴، ح ۵۳). روایت از جهت سند معتبر است.

خواست های شخصی ترجیح دهند. در سخنی که از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده است، می خوانیم:

«... اگر شیعیان ما که خداوند در فرمانبری خود یاریشان دهد، در راه پیمانی که بر عهده دارند همدل شوند برای آنان میمنت دیدار ما عقب نمی افتد...» (۱)

ص: ۲۱۷

---

۱- «وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُهُمْ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مَنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمِينُ بِلِقَائِنَا...»؛ (الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۸؛ الخرائج و الجرائح؛ ج ۲، ص ۹۰۲).

پیامبران خدا و جانشینان آنان همه از طرف پروردگار برای هدایت انسان‌ها به سوی خدا پرستی و برپایی حق و عدالت در جامعه برانگیخته شده‌اند. و فرقی نمی‌کند در دوره کدام یک از آنان قرار بگیریم و در دوره هر یک که باشیم، وظیفه ما یاری کردن آن برگزیده الهی و دشمنی با دشمنان او است. بنابراین اگر پیروان واقعی هر یک از پیامبران چون حضرت نوح و ابراهیم و موسی و عیسی: و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در دوره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد یاری گر حضرت مهدی خواهد بود و یاری گر حضرت مهدی در دل این عقیده را دارد که اگر در دوره هر یک از پیامبران بود او را در مقابل طاغوت و ستمگر زمانش یاری می‌داد.

در حدیثی که از امام جعفر صادق علیه السلام درباره تفسیر آیات اول سوره شمس نقل شده، آمده است: مقصود از «سوگند به خورشید و تابندگی اش» (۱) رسول خدا و مقصود از «سوگند به ماه چون پی (خورشید) در آید» امیرمؤمنان علی بن ابی طالب و مقصود از «سوگند به روز چون (زمین را) روشن گرداند» امامان اهل بیت هستند که در آخرالزمان صاحبان زمین خواهند شد و زمین را پر از عدل و داد می‌کنند. در ادامه حدیث آمده است:

«یاری گر آنان چون یاری گر حضرت موسی علیه السلام بر فرعون و دشمنی با آنان چون یاری کردن

ص: ۲۱۸

---

۱- «وَ الشَّمْسِ وَ ضُحَاهَا\* وَ الْقَمَرِ إِذَا تَلَّاهَا\* وَ النَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا\*»؛ (شمس) (۹۱)، آیات ۱-۳.

برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سه گروه یاری کننده معرفی شده است.

یک. یاران ویژه که تعداد آنان سیصد و سیزده نفر است و با اجتماع آنان در مکه ظهور آغاز می شود.

دو. یارانی که حدود ده هزار نفر هستند و با گرد آمدن آنان امام قیام خود را آغاز می کند و از مکه خارج می شود.

سه. یارانی که در طول قیام از سرزمین های مختلف به امام می پیوندند.

عبدالعظیم حسنی گوید: امام محمد جواد علیه السلام فرمود:

...از اصحابش سیصد و سیزده نفر به تعداد اصحاب بدر از مکان های مختلف زمین پیش او گرد آیند. و این همان سخن خدای بلند مرتبه است که فرمود «هرجا باشید خدا شما را گرد خواهد آورد، همانا خداوند بر هر کاری توانا است.»(۲) و چون این تعداد از اهل اخلاص دور ایشان فراهم آیند، خدا امرش را آشکار کند و وقتی «عقد» که عبارت از ده هزار نفر باشد، برای او کامل شد با اجازه خدای بلند مرتبه قیام می کند... (۳)

و از مهزم اسدی از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است که گوید: به امام گفتم: آقای من چقدر شیعیان شما زیاد هستند؟! فرمود: آنان را نام ببر. گفتم: بسیارند. امام فرمود:

«اگر آن تعداد وصف شده یعنی سیصد و ده و چند نفر تکمیل شوند، آنچه آرزو دارید اتفاق می افتد...»(۴)

ص: ۲۱۹

---

۱- «الْمُعِينُ لَهُمْ كَالْمُعِينِ مُوسَى عَلَى فِرْعَوْنَ وَالْمُعِينُ عَلَيْهِمْ كَالْمُعِينِ فِرْعَوْنَ عَلَى مُوسَى»؛ (تفسیر فرات کوفی، ص ۵۶۳، ح ۷۲۲).

۲- «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»؛ (بقره (۲): آیه ۱۴۸).

۳- «يَجْتَمِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَصْحَابِهِ عِدَّةُ أَهْلِ بَيْتِ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ أَقْصَى الْأَرْضِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛ «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» فَإِذَا اجْتَمَعَتْ لَهُ هَذِهِ الْعِدَّةُ مِنْ أَهْلِ الْإِخْلَاصِ أَظْهَرَ اللَّهُ أَمْرَهُ فَإِذَا أُكْمِلَ لَهُ الْعَقْدُ وَ هُوَ عَشْرَةُ آلَافٍ رَجُلٍ خَرَجَ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ...»؛ (كمال الدين و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۷، باب ۳۶، ح ۲). روایت از جهت سند معتبر است.

۴- «أَمَّا لَوْ كَمَلَتْ الْعِدَّةُ الْمَوْصُوفَةُ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ بَضْعَةَ عَشَرَ كَانَ الَّذِي تُرِيدُونَ»؛ (الغيبه للنعماني، ص ۲۰۴، باب ۱۲، ح ۵؛ بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۶۴، باب صفات الشيعة (۱۹)، ح ۱۶).

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ذخیره پیامبران خدا علیهم السلام است که در آخر الزمان می آید. وقتی که ستمگران بر کره خاکی چیره شده و چون فرعونیان مردم را در جهالت و بی خبری نگاه داشته اند و انواع آزارها و ستم ها را نسبت به آنان روا می دارند (مانند زمان قبل از آمدن پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله که فساد و خونریزی همه جا را فرا گرفته بود و نیاز به فرستاده ای از جانب پروردگار توسط همگان احساس می شد تا راستی و درستی را به ارمغان آورد)، خاتم الاوصیاء می آید تا چون پیامبران بساط فرعونیان و سفیانیان را در هم بیچد و حق و عدالت را در جهان حاکم کند. به همین دلیل هر چه هست شباهت اوست با فرستادگان و پیامبران خدا و تفاوتی مشاهده نمی شود و فقط او می آید تا کاری را که آنان در برپایی دین حق و حکومت صالحان آغاز کرده بودند به سرانجام برساند و زمین را تا قیامت در اختیار یکتا پرستان قرار دهد.

در پایان می توان تمامی پیامبران و برگزیدگان پروردگار -از حضرت آدم ابوالبشر که اولین پیامبر خدا است تا خاتم الاوصیاء که آخرین حجت خداوند است- را انسان کاملی فرض کرد که تمامی آنان یک هدف داشته اند و آن برافراشتن پرچم توحید و خدا پرستی و برقراری عدالت در گستره گیتی می باشد. که در برقراری این هدف برخی ابتدای راه و برخی میانه راه و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخر این مسیر قرار دارد که می آید تا خواست تمامی انبیاء و جانشینان آنان را در سراسر زمین جاری کند و با برقراری عدالت همگان را سوی خدای عزیز حرکت دهد و به رشد انسانی شان برساند.

۱. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، لبنان، دارالکتب العلمیه، چ ۱، ۱۴۱۵ق.
۲. ابن اعثم الکوفی، کتاب الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالأضواء، چ ۱، ۱۴۱۱ق.
۳. ابن بابویه، علی بن حسین، الإمامه و التبصره من الحیره، قم، مدرسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه، چ ۱، ۱۴۰۴ق
۴. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، الأمالی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ش.
۵. -----، التوحید، قم، نشر اسلامی، چ ۱، ۱۳۹۸ق.
۶. -----، الخصال، قم، نشر اسلامی، چ ۱، ۱۳۶۲ش.
۷. -----، علل الشرائع، قم، کتاب فروشی داوری، چ ۱، ۱۳۸۵ش.
۸. -----، کمال الدین و تمام النعمه، تهران، اسلامی، چ ۲، ۱۳۹۵ق.
۹. -----، عیون اخبار الرضا علیه السلام، قم، کتابفروشی طوسی، ۱۳۶۳ش.
۱۰. -----، معانی الاخبار، قم، نشر اسلامی، ۱۳۶۱ش.
۱۱. -----، من لایحضره الفقیه، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۱۲. ابن حبان، صحیح ابن حبان، بی جا، مؤسسه الرساله، چ ۲، ۱۴۱۴ق.
۱۳. ابن داود حلّی، حسن بن علی، رجال، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ق.
۱۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، قم، نشر اسلامی، چ ۲، ۱۴۰۴ق.
۱۵. ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی طالب، قم، انتشارات علامه، ۱۳۷۹ق.
۱۶. ابن عقده کوفی، احمد بن محمد، فضائل امیر المؤمنین علیه السلام، قم، دلیل ما، چ ۱، ۱۴۲۴ق.
۱۷. ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چ ۱، ۱۴۰۴ق.
۱۸. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، نجف اشرف، دار المرتضویه، چ ۱، ۱۳۵۶ش.

١٩. ابن كثير دمشقى، اسماعيل بن عمرو، تفسير القرآن العظيم (ابن كثير)، بيروت، دارالكتب العلميه، منشورات محمدعلى بيضون، ج ١، ١٤١٩ ق.

٢٠. ابن مشهدى، محمد بن جعفر، المزار الكبير، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ج ١، ١٤١٩ ق.

٢١. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، لبنان، دار الفكر - دار صادر، ج ٣، ١٤١٤ ق.

٢٢. ابن نعمان (شيخ مفيد)، محمد بن محمد، الارشاد، قم، كنگره شيخ مفيد، ١٤١٣ ق.

٢٣. -----، الأمالى، قم، كنگره شيخ مفيد، ج ١، ١٤١٣ ق.

ص: ٢٢١

۲۴. ابو مخنف كوفى، لوط بن يحيى، وقعه الطفّ، قم، نشر اسلامى، چ ۱، ۱۴۱۷ق.

۲۵. أحمد بن حنبل، مسند أحمد، بيروت - لبنان، دار صادر، بی تا.

۲۶. اربلى، على بن عيسى، كشف الغمه فى معرفه الأئمه، تبريز، بنى هاشمى، چ ۱، ۱۳۸۱ق.

۲۷. استرآبادى، على، تأويل الآيات الظاهره فى فضائل العتره الطاهره، قم، نشر إسلامى، چ ۱، ۱۴۰۹ق.

۲۸. بحراني، سيد هاشم بن سليمان، البرهان فى تفسير القرآن، قم، مؤسسه بعثت، چ ۱، ۱۳۷۴ش.

۲۹. -----، مدينه معجز الأئمه الإثني عشر، قم، مؤسسه المعارف الإسلاميه، چ ۱، ۱۴۱۳ق.

۳۰. بخارى، محمد بن اسماعيل، صحيح بخارى، لبنان، دار الفكر، ۱۴۰۱ق.

۳۱. بهاء الدين نيلى نجفى، على بن عبد الكريم، سرور أهل الايمان فى علامات ظهور صاحب الزمان، قم، دليل ما، چ ۱، ۱۴۲۶ق.

۳۲. -----، منتخب الأنوار المضيئه فى ذكر القائم الحجّه ۴، قم، مطبعه الخيام، چ ۱، ۱۳۶۰ش.

۳۳. بيهقى، ابوبكر، دلائل النبوه، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۰۵ق.

۳۴. جزائرى، سيد نعمت الله، قصص الأنبياء، قم، كتابخانه آيت الله مرعشى، ۱۴۰۴ق.

۳۵. جمعى از نويسندگان، تراثنا، فصلنامه تخصصى، مؤسسه آل البيت، قم، سال چهارم، عدد دوّم، شماره

۳۶. حرّ عاملى، محمد بن حسن، وسائل الشيعه، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق.

۳۷. -----، إثبات الهداه بالنصوص و المعجزات، بيروت، اعلمى، چ ۱، ۱۴۲۵ق.

۳۸. حلى، حسن بن سليمان، مختصر البصائر، قم، مؤسسه نشر إسلامى، چ ۱، ۱۴۲۱ق.

۳۹. حموى، ياقوت بن عبدالله، معجم البلدان، لبنان، دار احياء التراث العربى، ۱۳۹۹ق.

۴۰. حميرى قمى، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، تهران، كتابخانه نينوا، بی تا.

۴۱. خزاز، على بن محمد، كفايه الأثر فى النصّ على الأئمه الإثني عشر، قم، بيدار، ۱۴۰۱ق.

۴۲. خوئى، سيد ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، بی جا، بی نا، ۱۴۱۳ق.



٤٣. ديلمى، حسن بن محمد، أعلام الدين فى صفات المؤمنين، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چ ١، ١٤٠٨ق.

٤٤. راغب اصفهانى، حسين بن محمد، المفردات فى غريب القرآن، لبنان، دارالمعرفه، بى تا.

٤٥. سيوطى، جلال الدين، الدر المنثور فى تفسير المأثور، قم، كتابخانه آيه الله مرعشى نجفى، ١٤٠٤ق.

٤٦. شريف الرضى، محمد بن حسين، نهج البلاغه (للصبحى صالح)، قم، هجرت، چ ١، ١٤١٤ق.

٤٧. شيخ طوسى، محمد بن حسن، الامالى، قم، دارالثقافه، ١٤١٤ق.

ص: ٢٢٢

- ۴۸.-----، الفهرست، جواد قیومی، بی جا، نشر الفقاهه، ۱۴۲۲ق.
- ۴۹.-----، تهذیب الأحكام، تهران، دارالکتب اسلامیة، ۱۴۰۷ق.
- ۵۰.-----، الغیبه، قم، دار المعارف الإسلامیه، ج ۱، ۱۴۱۱ق.
- ۵۱.-----، التبیان فی تفسیر القرآن، لبنان، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۵۲. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ج ۲، ۱۴۰۴ق.
۵۳. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، نشر اسلامی، ج ۵، ۱۴۱۷ق.
۵۴. طبرانی، سلیمان بن احمد، معجم الکبیر، بی جا، دار احیاء التراث العربی، ج ۲، ۱۴۰۴ق.
۵۵. طبرسی، ابو منصور احمد بن علی، الإحتجاج، مشهد مقدس، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۵۶. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، قم، شریف رضی، ج ۴، ۱۴۱۲ق.
۵۷. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، تهران، اسلامیة، ۱۳۹۰ق.
- ۵۸.-----، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۵۹. طبری آملی، محمد بن جریر بن رستم، قم، دلائل الإمامه، بعثت، ج ۱، ۱۴۱۳ق.
۶۰. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، لبنان، دار المعرفه، ج ۱، ۱۴۱۲ق.
۶۱. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۶۲. عروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، ج ۴، ۱۴۱۵ق.
۶۳. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، تهران، چاپخانه علمیه، ج ۱، ۱۳۸۰ق.
۶۴. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، قم، انتشارات رضی، ج ۱، ۱۳۷۵ش.
۶۵. فرات کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ج ۱، ۱۴۱۰ق.
۶۶. فوادیان، محمد رضا، تلاش گر پنهان، قم، سبط النبی، ج ۱، ۱۳۸۵ش.
۶۷. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر صافی، تهران، انتشارات الصدر، ج ۲، ۱۴۱۵ق.

۶۸. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چ ۱، ۱۳۶۴ش.

۶۹. قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چ ۱، ۱۴۰۹ ق.

۷۰. -----، قصص الأنبياء: مشهد، مرکز پژوهش های اسلامی، چ ۱، ۱۴۰۹ ق.

۷۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم، دار الکتب، چ ۳، ۱۴۰۴ ق.

۷۲. کتاب مقدس.

۷۳. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چ ۴، ۱۴۰۷ ق.

۷۴. لیب بیضون، تصنیف نهج البلاغه، بی جا، مکتب الاعلام الاسلامی، چ ۲، ۱۴۰۸ ق.

ص: ۲۲۳

۷۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چ ۲، ۱۴۰۳ق.
۷۶. -----، مرآه العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چ ۲، ۱۴۰۴ق.
۷۷. محدث نوری، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸ق.
۷۸. مروجی طبسی، محمد جواد، بامداد بشریت، قم، مسجد جمکران، چ ۱، ۱۳۸۳ش.
۷۹. مسعودی، علی بن حسین، إثبات الوصیه للإمام علی بن أبی طالب، قم، انصاریان، ۱۴۲۶ق.
۸۰. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، چ ۱، ۱۳۶۸ش.
۸۱. موسوی اصفهانی، سید محمد تقی، مکیال المکارم، مترجم سید مهدی حائری، قم، برگ شقایق، چ ۱، ۱۳۸۰ش.
۸۲. نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۷ق.
۸۳. نرم افزارهای نور و کتابخانه اهل بیت عليهم السلام.
۸۴. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تهران، نشر صدوق، چ ۱، ۱۳۹۷ق.
۸۵. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، لبنان، دار الفکر، بی تا.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹





مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

